

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبلغان سایبری چهارده خورشید



www.14khorshid.ir

ورود به سایت مبلغان سایبری چهارده خورشید

www.14khorshid.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

صدفی برای مروارید

نگارنده

حامد نیکویی زاده

پشتیبان

حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام
یاسوج



چهارماده خورشید

هشدار

* کلیه حقوق این مقاله متعلق به حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج می باشد.
* هر گونه سوء استفاده شرعاً و قانوناً جایز نمی باشد.

ورود به سایت

پیشگفتار

یکی از حوادث ناگوار در طول اعصار گذشته تاکنون، اسارت فیزیکی یا غیرفیزیکی انسان به خصوص زنان در جنگال سرمایه داران، هوسبازان و حاکمان مستبد بوده و هست. این اسارت گاهی در قالب جنگ گرم و با سلاح جنگی و گاهی در قالب جنگ نرم و سرد با سلاح ابتذال و استخفاف بوده است. وجه مشترک گذشته و امروز، در عصر جاهلیت کهنه و جاهلیت جدید سوءاستفاده و بهره کشی انسان از هم نوع خود و نادیده انگاری کرامت انسان و داشتن نگاه ایزاری به او بوده است.

نسل فرهیخته امروزی ایرانی باید همچنانکه در برابر همه دسیسه های شیطانی این صاحبان قدرت ایستاده است، با تمکین در برابر احکام اخلاقی اسلام و با استفاده از فضیلت حیا و حجاب در برابر این تهاجم و شیخون فرهنگی نیز ایستادگی نماید.

از این رو قرآن کریم برای هدایت آدمیان از ابزارهای مهم بهره برده است، چراکه زبان قرآن، زبان انسانیت است و انسان، قطع نظر از اینکه در چه زمانی و چه مکانی زیسته و در چه فرهنگ و تمدنی پرورش یافته است، همواره گوش شنوا و قلبی گشوده برای شنیدن و تأمل در آیات دارد.

جامعه شیعه ایرانی با تربیت انسان های پاک و باحیاء، خانه های اخلاقی و حیا، شهر و رسانه و بازار پاک و باحیاء و بالاخره دختران و پسران باحیاء و باحجاب که همه و همه نمادهای مقاومت و فضیلت در برابر سیل انسان برانداز هوس رانی و شهوت پرستی و لذت هواخواهی دشمنان هستند و با بصیرت کامل دینی و سیاسی، توطئه شوم سرمایه داران آلوده را خنثی خواهد نمود و با تشکیل مثلث اخلاقی حیا، عفاف و حجاب این توطئه را در هم می شکنند و با سلاح تقوا و دیانت و حکمت، زمینه های ظهور امام خوبان و امام خوبی ها حضرت بقیة الله عجل الله تعالی و فرجه و الشریف را فراهم می سازد.

تعریف حجاب و بی‌حجابی^۱

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه بیشتر به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است ولی هر پوششی حجاب نیست، بلکه آن پوششی حجاب است که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت بگیرد، اما در اصطلاح حجاب به معنای پوشیده بودن تمام بدن و زیبایی‌های ظاهری زن در برابر مرد بیگانه است.

همچنین در تعریف حجاب گفته شده که است: «منظور از حجاب این است که زن تمام بدن خود غیر از صورت و دست‌ها از مچ تا نوک انگشتان را بپوشاند و از خودنمائی و هر رفتاری که باعث جلب توجه نامحرم و ویژگی‌های زنانگی او شود، بپرهیزد.»^۱

بدحجابی و بی‌حجابی عبارت است از: «هرگونه رفتار و عملی است که در مقابل نامحرم انجام شود و سبب جلب توجه او به ویژگی‌های زنانگی زن شود، مانند: آرایش کردن، استفاده از صداهای نازک و سخنان تحریک‌کننده، بکار بردن بوی خوش، نشان دادن زینت‌های بدن، استفاده از رنگ‌های جذاب در لباس و پوشیدن لباس‌های نامناسب، ژست‌ها و حرکات بدنی تحریک‌کننده، به نمایش گذاشتن موها و ...».

تعریف حیاء^۲

از مجموع تعریف‌های علماء اخلاق درباره حیاء چند نکته بدست می‌آید:

اول اینکه حیاء، هنگام مواجه شدن با یک فعل قبیح رخ می‌دهد.

دوم اینکه در این حالت، روان انسان، حالت انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار پیدا می‌کند.

سوم اینکه این نوع برانگیختگی در عمل، هم موجب انجام دادن یک کار است و هم موجب ترک یک کار که از آن به عنوان تنظیم رفتار یاد می‌شود.

چهارم اینکه حیاء، زیرمجموعه ترس است زیرا علت برانگیختگی هنگام مواجه با یک کار زشت یا ترس از سرزنش و نکوهش مردم است یا ترس از ارتکاب آن.

پنجم اینکه منشأ زشت داشتن یک عمل یا شرع است یا عقل یا عرف و آداب یک جامعه.

فرق عفاف و حیاء^۳

این دو واژه در واقع در اصل معنای منع و امتناع مشترک اند. تفاوتی که بین این منع و بازداری حجاب و عفاف است، تفاوت ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است ولی در عفاف مربوط به باطن است، چون عفت یک حالت درونی است.

۱- لغت نامه دهخدا ج ۱۸ ص ۲۸۷ به نقل از چهل حدیث حجاب و نگاه ص ۹

در حجاب دو نظریه وجود دارد: بعضی ها می گویند مکشوفه بودن و بعضی دیگر می گویند محجوبه بودن. مکشوفه بودن یعنی اینکه یک خانم هرچه بیشتر اعضاء و جوارح و زیبایی های خود را در معرض نمایش بگذارد، بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.

آنها که می گویند محجوبه بودن؛ نظرشان این است که هرچه بیشتر یک زن، اعضاء و جوارح و زیبایی های خود را از دید دیگران پنهان دارد، بیشتر محبوب می شود و محجوبه را مساوی با محبوبه بودن می دانند.

درست است که زن هرچه بیشتر زیبایی های خود را در دید دیگران قرار دهد، باعث جلب توجه مردان می شود، اما این به چه قیمتی است؟

برای مکشوفه بودن مشکلاتی پیش می آید که به چند مورد آن اشاره می کنم:

۱. به خطر افتادن زن

کسانی که زن را به بی حجابی دعوت می کنند، در حقیقت آنها را به تبهکاری خوانده و به قربانگاه می کشانند و می خواهند شرافت و عزت را از آنان سلب کنند و به اسم شعارهای پوچ و سخنان باطل، عظمت و احترام را از زنان بگیرند.

اگر می خواهید به درستی سخنان من پی ببرید، از بزرگسالان خود و از پدران و اجداد خود که گذشته را به یاد دارند، بپرسید که آیا این جنایات و حوادث دختر ربائی و تجاوز، در آن زمان ها وجود داشته است؟ طبعاً پاسخ این سؤال منفی خواهد بود. این حوادث و جنایات از کجا بوجود آمده است؟

غنچه تا غنچه می باشد در حجاب است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند. اما همین که حجاب را کنار نهاد و باز شد، آن را خواهند چید. وقتی که چیدند چند روزی هم ممکن است در جای مناسب قرارش بدهند. اما دیری نمی پاید که پژمرده و پرپر می شود و آن را در سطل زباله می اندازند.

خواهران باحجاب همچون غنچه اند، هیچ کس دست طمع و تصرف به سمت آنها را دراز نمی کند اما همین که حجاب را کنار بگذارند، مورد طمع دیگران واقع خواهند شد.^۱

"قلعه" یا "زندان"

دیوار های بلند با برجک های نگهبان، دری بزرگ و دربانی کنارش ایستاده و اغلب مسلح و جمعی روی این بنا و داخل این محدوده و کنترل هایی نسبت به ورود و خروج اشخاص. این ها مشخصات کجاست؟ قلعه یا زندان؟ شباهت زیادی میان این دو وجود دارد اما چرا زندانیان، در پشت این دیوارهای بلند و درهای بسته محبوسند؟ و... چرا قلعه نشینان، درون این دژ استوار، پناه گرفته اند؟ ترس از چیست؟ چرا محدودیت؟

به یک تفاوت باید خوب دقت کرد. درب را به روی زندانیان میبندند تا به بیرون فرار نکنند و مزاحم

۱- تمثیلات ج ۱ ص ۱۲۱ به نقل از گلبرگ احکام ص ۳۰۱

جامعه نشوند و درب قلعه را می بندند تا دشمن و مهاجم از بیرون به داخل دژ، رخنه نکنند. زندانیان اگر بگریزند، فساد و جرائم و تبهکاری شانیه افراد جامعه می رسد ولی اگر مهاجمان به داخل قلعه بیایند، بی گناهان را می کشند، اموال را به غارت می برند، خانه ها را خراب می کنند و

پس برای حفظ اموال و جان افراد درون قلعه، این کنترل و محدودیت ها، طبیعی، پذیرفتنی، قابل قبول و عقلانی است. قلعه نشینان اگر به حفظ جان و اموال خویش علاقه مندند، باید از این دژبانی و دربانی و حصار و دیدبانی و کنترل استقبال کنند و اگر نبود، حال یک سؤال اساسی: (روی سخن با خواهران است) آیا حجاب و پوشش برای بانوان مثل قلعه است یا زندان؟

شنیده اید که مخالفان پوشش و هواداران بی بند و باری و آزادی غربی می گویند: چرا باید زن در داخل حجاب و چادر زندانی شود؟ این توهینی است که آنان به بانوان می کنند.

چرا بانوان پوشیده و باحجاب را سرمایه ها و گوهرهای گران بهائی ندانیم و قلعه نشینانی نشناسیم که برای صیانت خود از دستبرد مهاجمان، به دژ حجاب پناه برده اند؟ زندانی بودن به خاطر جرائم و تخلفات زشت است و ننگ، ولی در حصار قلعه زیستن به خاطر ایمن بودن از تعرض بدخواهان و مهاجمان پسندیده است و عقلانی. بانوان را کسی به زور در حجاب محصور نمی کند بلکه آنها با اختیار خودشان حجاب را به عنوان حصاری ایمن برای مصون ماندن از نگاه های هوس آلوده و نیت های آلوده برمی گزینند تا گوهر عفافشان، دیده های حریص را به وسوسه نیفکند. این حجاب آگاهانه و انتخابی، نشانه شخصیت یک خانم است که دوست ندارد ملعبه این و آن قرار بگیرد و چشم های شهوت آلود از چهره و اندام و صورت و موی او کام جوئی کند و ارضاء شوند. کجای این، عار و عیب است؟ چه کسی دوست دارد درب خانه اش باز باشد تا نگاه هر عابر پیاده به داخل خانه اش بیفتد؟ اصلاً چرا مردم برای خانه هایشان دیوار می گذارند؟ چرا از در استفاده می کنند و قفل می گذارند و در را می بندند؟

این زندانی شدن نیست، فقط حریم خانه و حرمت اهل خانه است. روح شهید بزرگوار، شهید مطهری عزیز شاد که این جمله نغز و عمیق از آن معلّم شهید است: «حجاب مصونیت است نه محدودیت». چه کلامی گویاتر از این؟ باید افزود که حجاب قلعه است نه زندان.^۱

خانم جودیت میلر، خبرنگار روزنامه **NEW YOURK TIMES** در مقاله ای می نویسد: «حجاب یک علامت غیرقابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید این زن نجیب است، با او کاری نداشته باشید و به وی اجازه می دهد بدون آنکه مورد آزار جنسی قرار بگیرد، در اتوبوس های شلوغ شهر سوار شود».^۲

شاید کسی بگوید: اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند، کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. در جواب باید گفت: شاید از نظر جنسی این گونه باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد بلکه به طور مداوم افزایش خواهد یافت. اگر چنین بود نباید در غرب تجاوز به عنف باشد، در حالی که خودشان آمار می دهند و می گویند تجاوز به عنف از هر ۱۴ دقیقه به یک فقره رسیده و طبق نوشته مجله آمریکائی **NEWS WEEK**، هر ساله هزاران کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوءاستفاده دیگران قرار می گیرند.^۳

۱- از همدلی تا همراهی ص ۱۷۶. همان ص ۳۰۲. ۲- روزنامه رسالت ۱۳۷۳/۴/۲. همان ص ۳۰۳. ۳- به نقل از مجله خانواده ارتش ش ۶۷

بزرگ ترین روانشناس بعد از پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَبَابِ أَبْقَى عَلِيَّهِنَّ؛ به راستی سختگیری در پوشش عامل سلامت و استواری زنان است.»^۱

۲. تنزل شخصیت زن

اما دومی مشکلی که در مکشوفه بودن است، وجود تنزل شخصیت زن می باشد. امروزه با رواج بد حجابی شخصیت انسانی زن به فراموشی سپرده شده و تنها به زیبایی های جسم او توجه می شود. در استخدام او بیشتر از صلاحیت های تخصصی، زیبایی جسمش مورد دقت قرار می گیرد. چاپ تصویر برهنه او به منظور تبلیغ بر روی بی ارزش ترین اجناس، امری عادی شده و زن از نظر آنها موجودی است با هویت صرفاً جنسی، نه دارای یک شخصیت انسانی، بدین صورت ارزش زن را تا حدّ یک کالای لوکس نظیر اجناس دیگر تنزل داده اند و این نگرش توهین آمیز به زن هر ساله با جار و جنجال فراوانی در انتخاب ملکه زیبایی صورت می پذیرد.

زن را وسیله ای برای کام جویی قلمداد کرده اند که بعد از مدتی ملال آور می گردد و هر چند گاه یک بار باید به او تنوع بخشید، در همین راستا روابط آزاد جنسی مورد حمایت قرار می گیرد.

ارزش و کرامت زن از نگاه اسلام

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَ بِقَهْرِمَانَةٌ؛ زن چون شاخه گلی است نه پهلوانی سخت.»^۲ شما با یک گل ظریف و لطیف چگونه برخورد می کنید؟ همانطور هم با زن برخورد کنید.

قبل از ظهور اسلام، در عربستان نه تنها زن ارزشی نداشت، بلکه یک دختر را ننگ به حساب می آوردند. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داده و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد.

دکتر گوستا ولبون مورخ معروف فرانسوی می گوید: «این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زن بسیار تلاش کرده و اولین مذهبی است که مقام زن را بالا برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپائی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می داند بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسانی معرفی می کند.»

رئیس مکتب اسلام حضرت محمد صلّ الله علیه و آله و سلّم می فرماید: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا الْكَرِيمَ وَ مَا أَهَانَتْهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمَ؛ هرگز زنان را گرامی نمی دارند مگر کریمان با کرامت و به آنها اهانت نمی کنند مگر لئیمان بی ارزش.»^۳

بررسی محجوبه بودن

عده ای معتقدند زن هرچه بیشتر حُجب و پوشش و حیاء داشته باشد، محبوبیت بیشتری دارد. شاید فردی بگوید: حجاب داشتن مشکل است و سختی هائی دارد. در جواب می گوئیم: به هر حال هرکسی طاووس خواهد، جور هندوستان باید بکشد. درست است که در فصل تابستان در آن گرما، حجاب داشتن سخت است، اما سؤال می کنیم گرمای تابستان بیشتر است یا جهنّم؟

۱- نهج البلاغه نامه ۳۱. ۲- نهج البلاغه نامه ۳۲. ۳- فلسفه حجاب ص ۳۴ به نقل از گلبرگ احکام ص ۳۰۵

فوائد پوشش "

ضمن اینکه محجوبه بودن علاوه بر اینکه مساوی محجوبه بودن است، فوائد دیگری هم دارد که به آنها اشاره می‌کنم:

۱. باعث شکوفائی استعدادها می‌شود.

اگر زنان حجاب داشته باشند همه مثل هم می‌شوند، امتیازات ظاهری و زیبایی جسمی و زیور و مقام محو می‌گردد، آنگاه ذهن همه متوجه ارزش‌های واقعی نظیر فهم، ادب، هنر و اخلاق می‌شود و در تحصیل آنها کوشا می‌گردند و در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را با سرعت طی خواهد نمود.

استاد شهید مطهری در توضیح این مطلب اینگونه فرمودند: «آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً اگر در یک محیط درس می‌خوانند، دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ‌گونه آرایشی نداشته باشند بهتر است (برای درس خواندن و فکر و سخن استاد را شنیدن) یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک وجب بالای زانو نشسته باشد؟»

بنابراین حجاب مجوز ورود به جامعه است یا مانع از آن؟

۲. ازدواج موفق و شوهر خوب در آینده

خداوند متعال در سوره نور، آیه شریفه ۲۶ می‌فرماید: «**الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ**؛ دختران با حجاب شایسته مردان نجیبی هستند که به هیچ دختری قبل از ازدواج مهرورزی نکرده و دختران ناپاک شایسته مردان ناپاک هستند.»

دقت نمائید همسر حضرت نوح علیه السلام و همسر حضرت لوط علیه السلام و همسران حضرت امام حسن و امام جواد علیهما السلام از استثنائات بودند و قانون عمومی همان آیه می‌باشد. البته اگر کسی از کارهای قبلی اش پشیمان شود و دیگر به آن شیوه برنگردد، او را مثل افراد پاک حساب می‌کنند.

۳. همراهی دعای پیامبر صل الله علیه و آله و سلم

امام علی علیه السلام فرمودند: «**من و پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و بر زمین افتاد. پیامبر صل الله علیه و آله و سلم رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر صل الله علیه و آله و سلم سه بار فرمودند: خدایا! زنان شلوار پوش را بیامر. ای مردم شلوار بپوشید که شلوار پوشاترین جامعه شماس و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند، با شلوار حفظ کنید.**»^۱

۴. مهربانی به دو گروه مردان و زنان جامعه

می‌پرسید چطور؟ مردان از این جهت که خانم بدپوشی را می‌بیند نیازی در آنها ایجاد می‌شود ولی چون امکان دسترسی نیست، این نیاز بدون جواب می‌ماند.

۱- منتخب میزان الحکمة ج ۱ ص ۲۳۴ همان ص ۳۰۸

و از طرفی به زنان: زیرا مردانی با دیدن زنان بدحجاب تحریک شده و آسیب پذیر می شوند. در نتیجه کانون گرم خانواده به سردی می گراید و محبت از خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد. در نتیجه دلبری خانم جدید بی حجاب باعث بی مهری شوهر به خانم می شود.

۵. نجات از عذاب اخروی

رسول اکرم صلّ الله علیه و آله وسلم در ضمن گفتاری فرمود: «دو دسته اهل دوزخ هستند و حتی بوی بهشت به مشام آنها نمی رسد: ۱. ستمگران تازیانه به دست که با تازیانه مردم را بی خود می زنند. ۲. زنان بدحجاب و برهنه ای که با زرق و برق خود را به مردم نشان می دهند و هوس های آنها را به سوی خود جذب می کنند و موهای سرشان همچون کوهان شتر سبک سر عربی است.»^۱

۶. خوش حالی دل امام زمان عَجَّ اللهُ تَعَالَى و فرجه و الشریف

یک سؤال دارم، اگر امروز حضرت حجت عَجَّ اللهُ تَعَالَى و فرجه و الشریف از این شهر عبور نماید، آیا وقتی ناموس شیعه را با این مانتوهای چسبناک و صورت های آرایش کرده در انظار مردم ببیند، ناراحت نمی شود؟ آیا وقتی در این وضع نامطلوب، یک خانم چادری محجبه با حیاء را ببیند، خوش حال نمی شود؟ در حالی که دیگران به او متلک می گویند و انگ اُمّلی به او می زنند و می گویند چقدر قدیمی فکر می کنی؟ ولی او در دلش می گوید: من افتخارم این است که مانند مادرم حضرت فاطمة الزهراء سلام الله علیها، چادرم اگر پر از وصله باشد، باز هم آن را محکم می گیرم و افتخارم به این است که مثل عمه ام حضرت زینب سلام الله علیها هستم که سخت ترین لحظات زندگی اش، رو بند کربلا است و اینکه در شام نامحرم او را نبیند.

اهداف پوششی "

قرآن کریم برای لباس و پوشش اهداف ذیل را بیان می کند:

۱. پوشاننده عورات و زشتی ها و فضایل

«يُؤَارِي سَوَاءَاتِكُمْ»^۲.

«سوءاة» جمع «سوءة» عبارت است از همان چیزی که ظهورش ناپسند است و آنچه انسان از ظهورش کراهت دارد.^۳

۲. زینت و زیبایی و وسیله حُسن حال و پیشرفت

«ریشاً»^۴. اصل ریش مجموع پر و پرندگان است که پوشش و لباس آنهاست.^۵ پری که به انتهای تیر می بندند که به سرعت سیر آن کمک می کند، ریش نام دارد.^۶

علامه مصطفوی معتقد است «ریش» وسیله ای است که به وسیله آن بلندی و پیشرفت حاصل می شود، مثل پرواز پرندگان و این علو و ترقی می تواند مادی یا معنوی یا روحانی باشد.^۷

۱- فروع کافی ج ۵ ص ۵۱۹ همان ص ۳۰۸. ۲- اعراف/۲۶. ۳- المیزان ج ۵ ص ۳۱۲ به نقل از پرنیان پاکدامنی. ۴- اعراف/۲۶. ۵- مونات ص ۲۱۴ همان. ۶- لسان العرب ج ۵ ص ۳۸۸. همان. ۷- التحقیق فی کلمات القرآن ج ۴ ص ۲۵۴ همان

۳. حفظ و نگهداری از گرما (و سرما)

«تَقِيكُمْ الْحَرَّ»^۱.

با پوشیدن لباس، بدن و پوست از گرما و به تبع آن از سرما محافظت می شود و لباس چون سپری بدن را از سوزش گرما و سرما حفظ می کند.

۴. محافظت بدن از صدمه های جنگ و بلاها و سختی ها و خطرات

«تَقِيكُمْ بِأَسْخُم لَكُمْ»^۲. «و عَلَّمَنَا صِنْعَهُ لِيُبَسَّ لَكُمْ لِتَحْصُنُكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ»^۳

این پوشش شامل زره و لباس های محافظ امروزی در برابر خطرات شیمیائی و هسته ای نیز می شود.

از همان ابتدای خلقت و داستان حضرت آدم علیه السلام، پوشش و تمایل بشر به پوشاندن عورت خود، از سوی قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است.

در سوره اعراف آیات ۲۶ و ۲۷ می فرماید: «ای فرزند آدم! در حقیقت ما برای شما لباس فرو فرستادیم که عورت های شما را بپوشاند و برای شما زینتی است و بهترین لباس، لباس تقوا است. این از نشانه های خدا است. باشد که رستگار شوید.»

ای فرزندان آدم! زهار که شیطان شما را به فتنه اندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت شیطان و قبیله اش، شما را از آنجا که نمی بینید، ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.»

در این آیات قرآن کریم از «لباس تقوا» نام می برد، مسلماً بهترین زینت معنوی تقوا است که سبب پیشرفت معنوی انسان می شود و انسان را از گناه و سختی عذاب، محافظت می کند و عیوب و نواقص انسان در پوشش و حصن تقوا، پوشانیده می شود.

دلایل حجاب

بیانیم دلایل حجاب را بررسی کنیم:

۱. شأن نزول

در سبب نزول آیات حجاب مثل آیه ۵۹ از سوره مبارکه احزاب چنین بیان کرده اند: «زنان برای نماز به مسجد می آمدند و نما را به امامت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جای می آوردند. شب برای نماز مغرب و عشاء از خانه خارج شده و بیرون می آمدند، جوانان بر سر راهشان می نشستند و متعرض آنها شده و اذیت می کردند.»

از مطالب فوق استفاده می شود که علت گستاخی جوانان، کامل نبودن پوشش زن ها بوده و پوشش زن از این جهت است که مفاسدی را به وجود نیآورد.

۱ و ۲- نحل/۸۱. ۳- انبیاء/۸۰

۲. آیه جلاب

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ يُؤَدِّنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر گرامی به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینک آنها [به عفت و حریت] شناخته شوند تا از تعرض و جسارت [هوس بازان] آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا [در حق خلق] آمرزنده و مهربان است»^۱.

معنای لغوی جلاب

«الْجَلَابُ: الرِّدَاءُ الَّذِي يَسْتُرُ مِنْ فَوْقِ إِلَى أَسْفَلٍ أَوْ كُلُّ يَسْتُرٍ بِهِ مِنْ كِسَاءٍ أَوْ غَيْرِهِ وَ جَمْعُهُ جَلَابِيٌّ؛ جلاب: روپوشی است که از بالا تا پائین بدن را می پوشاند یا هر چیزی که بدن به سبب آن پوشیده می شود خواه کساء باشد یا غیر آن و جمع آن جلابیب است»^۲.

۳. مفسران قرآن کریم

تمام مفسران از جمله طبرسی در مجمع البیان ج ۴ ص ۳۸، علامه طباطبائی در المیزان ج ۱۵ ص ۱۵۶ و... ذیل دو آیه شریفه سوره های مبارکه نور و احزاب، بر وجوب پوشش تأکید کرده اند و جمله «وَ لِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» را مقنعه ای دانستند که تمام سر و گردن را بپوشاند و زیادی آن قفسه سینه را به طور کامل بگیرد و عبارت جلاب را که در سوره احزاب آمده به معنای عبا (چادر عربی) و چادر مشکینی که در میان خانم های ایرانی مرسوم است، گرفته اند که از مضمون روایت نیز همین نوع حجاب استنباط می شود.

۴. سیره حضرت فاطمه، حضرت زینب سلام الله علیهما و دیگر بانوان اسلام

در سیره حضرت فاطمه الزهراء سلام الله علیها وارد شده که ایشان بعد از حادثه فدک و همچنین حادثه غم بار اصابت میخ در و سقط فرزند عزیزشان با پوشش کامل برای انداز مردم در مسجد رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم حاضر شدند و خطبه غرائی را بیان کردند.

یحیی مازنی گفت: مدت زیادی در مدینه همسایگی خانه امام علی علیه السلام بودم. نزدیک خانه ای که حضرت زینب سلام الله علیها سکونت داشت. به خدا قسم نه شخص حضرت زینب سلام الله علیها را دیدم و نه صدای او را شنیدم. هرگاه می خواست برای زیارت جدش رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم از خانه خارج شود، شبانه می رفت و امام حسن علیه السلام از سمت راستش و امام حسین علیه السلام از سمت چپش و امام علی علیه السلام جلوتر می رفتند و قندیل ها را خاموش می کردند. یک بار امام حسن علیه السلام دلیل این کار را سؤال کردند، امام علی علیه السلام پاسخ دادند که می ترسم کسی به خواهرت زینب سلام الله علیها نگاه کند.^۳

۵. فتاوی مشهور فقهاء و همچنین مراجع تقلید

علماء مشهور جهان تشیع، پوشش کامل و مقنعه را واجب دانسته اند. آیت الله سیستانی فرمودند: «سزاوار نیست زن های مؤمن بدون چادر خارج شوند»^۴.

۱- احزاب/۵۹. ۲- معجم الالفاظ قرآن ج ۱ ص ۲۱۲ گلبیرگ احکام ص ۳۱۲. ۳- فاطمة الزهراء بهجة القلب المصطفى ص ۶۴۲ همان ص ۳۰۹. ۴- مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید

آیت الله مکارم شیرازی مدّ ظلّه العالی فرمودند: «در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را جز صورت و دست ها از مچ تا نوک انگشتان به هر وسیله ای که بتواند بپوشاند و لباس خاصی شرط نیست ولی پوشیدن لباس های تنگ و چسبان و هم چنین لباس های زینتی اشکال دارد»^۱.

چادر و عفاف"

آیا چادر به تنهایی در حفظ حریم عفاف کافی است؟ خیر. قرآن مجید می فرماید: «وَلَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُحْصَنُ مِنَ زِينَتِهِنَّ؛ نباید زنان پای خود را چنان به زمین بزنند که صدای زینت آلاتشان شنیده شود»^۲.

این آیه به این بهانه ذکر شد که با وجود چادر، خود را شادمان می بینند و هیجان به خرج می دهند، بنابراین شایسته است حالا که چادر را انتخاب کردیم، وقار را با آن همراه کنیم و مثل زن هائی که چادر نازک بدن نما دارند، نپوشیم. چون حرمت چادر را به نوعی می شکنند یا مثل زن هائی که چادر را به حالت نیمه باز به سر می کنند و انگار که عبای مردهای عرب را پوشیده و با خوش خیالی راه می روند، نباشیم.

اگر عفاف و پاکدامنی را به خوبی هایتان بیفزائید، امتیازتان بیشتر می شود و اگر «چهره» و «جمال» شما را به گناه افکند، از امتیاز شما کم می شود. آنکه هم «مال» و «جمال» دارند و هم «عفاف» و «کمال»، حجت خداوند متعال بر دیگرانند. هرگز مباد که نعمت، وسیله عذابمان گردد.

عقل آن است که اندیشه کند که از اول باید مواظب بود که پای بیگانه به مزرعه نجابت باز نشود و دست تجاوز به غنچه ها و بوته های نارس عصمت نرسد و گرنه پس از لگدمال شدن گل وجود، اشک و فغان بی اثر است.

استفاده از حجاب مشکی برای زنان"

از نظر اسلام، حجاب زن باید پوشاننده بدن او باشد و هم چنین هنگام مواجهه با نامحرم جلب توجه ننماید. بدیهی است که رنگ مشکی در مقایسه با رنگ های دیگر به نحو شایسته پوشش غلیظ تر و بهتری را برای زن تأمین می کند.

استفاده از حجاب مشکی برخلاف ادعاهای به ظاهر علمی بعضی از افراد، نه تنها عارضه منفی ندارد بلکه با فلسفه حجاب یعنی عدم تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروزه در روانشناسی رنگ ها اینکه رنگ مشکی باعث تحریک و جلب توجه نمی شود، یک واقعیت مسلم است.

«ماکس لوشر» در کتاب روانشناسی رنگ ها درباره رنگ سیاه می گوید: «رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است». خانمی که از حجاب مشکی استفاده می کند با این کار، مرز کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می نماید. او می خواهد نشان بدهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم، حریم حیا و عفت است نه جای بی حیائی و هوسبازی، هم چنین در این کتاب آمده است که نقطه مقابل آن «بله» یعنی رنگ «سفید» است. بنابراین وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کنند، در واقع می خواهند به او «نه» بگویند و در مقابل، آنهایی که لباس سفید و روشن می پوشند، در واقع راه نگاه ها را به سوی خود باز می کنند.

۱- رساله توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی م ۲۰۹۰. ۲- نور/۳۱

از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه مشکی را می بیند، دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خود به خود چشمانش را برمی گرداند و در مقابل، نگاه به رنگ های روشن چشم را باز می کند و برای دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می کند.

اما عده ای با این پیش فرض که استفاده از حجاب مشکی همیشه نشانه عزا و فقدان شادی است، تلاش می کنند افراد استفاده کننده از حجاب های مشکی را غمگین و افراد استفاده کننده از لباس های روشن و رنگین را افراد شاد بدانند؛ حال آنکه این تصور و پیش فرض، نادرست است زیرا نه همه افرادی که از حجاب مشکی استفاده می کنند، لزوماً افراد شادی هستند علاوه بر اینکه گاهی از نظر عده ای پوشیدن لباس های مشکی نشانه زیبایی است و با گاهی پوشش مشکی نشانه وقار و سنگینی بوده و در خیلی از مجالس رسمی معمولاً از لباس تیره استفاده می شود.

البته باید توجه کرد اسلام به روحیه خانم ها نیز توجه کرده است و گفته در مجالسی که نامحرم حضور ندارند، مثل مجالس زنانه و هم چنین در حضور شوهر و افراد محرم، می تواند از زیورآلات و لباس های شاد و روشن استفاده کنند و حتی در روایات به استفاده از زینت ها و زیباترین لباس ها در مقابل همسر تشویق شده اند؛ زیرا همانگونه که حجاب و پوشش، نیاز فطری انسان مخصوصاً زنان است، استفاده از زیورآلات و خودآرائی نیز نیاز فطری انسان مخصوصاً زنان است.

روانشناسی رنگ مشکی

در بین رنگ ها، رنگ تیره و مشکی در تأمین حجاب حداکثری بانوان در بیرون منزل مؤثر است. در روانشناسی رنگ ها چنین آمده سیاه به معنای «نه» است. رنگ مشکی اثر کاهش تحریک های روحی و روانی را در پی دارد؛ چون صامت و غیرمحرک است و واکنش مهمی در بیننده ایجاد نمی کند، از این رو یکی از مهم ترین ابزارهای کاهش واکنش های روانی می باشد و نه تنها موجب توجه دیگران نمی شود، بلکه به عدم توجه دیگران کمک می کند.

بنابراین در برخورد با جنس مخالف و غیرمحرّم، استفاده از چادر مشکی اثرات مطلوبی از نظر کاهش حالات و امیال جنسی دارد.

ایراد به حجاب

از جمله ایرادات نسبت به حفظ حجاب آن است که برخی پوشیدگی و حجاب زن را کاری غیرمنطقی و فاقد دلیلی قابل دفاع می دانند که در پاسخی کوتاه از زبان شهید مطهری رحمة الله علیه می توان بیان کرد: «حجاب در مفهوم اسلامی از آن جنبه های مختلف روانی و خانوادگی حتی از جاذبه بالا رفتن ارزش، موضعی منطقی و معقول دارد».

برخی می گویند حجاب سلب کننده حق آزادی زن می باشد که آزادی از حقوق طبیعی هر انسانی است و این پوشیدگی او را به نوعی محبوس و زندانی می کند و به حیثیت انسانی و عزت او لطمه وارد می کند که بر اساس عقل و منطق هم هیچ کس حق اسیر کردن و به بردگی درآوردن دیگری را ندارد.

در پاسخ این اشکال ابتداء باید دانست که تعریف ایشان از آزادی چیست که حجاب را محدود کننده آن می داند. به حتم این تعریف ناظر به عقائد مکاتب غربی است، چرا که از آن منظر است که این انتقاد را می نماید. آنان معتقدند آزادی محترم است تا بدانجا که برای آزادی دیگران محدودیت ایجاد نکند، یعنی حد آزادی مساوی است با آزادی دیگران.

از نظر اسلام، آزادی انسان‌ها در عین محترم بودن، در چارچوب دو امر اساسی باید محدود گردند:

۱. مراعات حریم انسانی ۲. مراعات مصلحت دیگران (نه منفعت دیگران). بر این اساس فرق بسیاری است بین اسارت در آوردن زن، با مقید ساختن او در اتخاذ روشی خاص و پسندیده در معاشرت با دیگران به منظور رعایت پاره‌ای از مصالح اجتماعی. بدین معنا که نه تنها وضع این قانون الهی منافی حیثیت انسانی و محدود کننده آزادی زن نمی‌باشد، بلکه بدین وسیله عرصه را برای حضور اجتماعی و فعالیت مفید و موثر او در جامعه مهیا می‌سازد. در عین حال که به افراد جامعه گوشزد می‌کند که با در نظر گرفتن بُعد انسانی زن با او تعامل نمایند نه با بُعد زنانگی زن که معطوف به کانون خانواده است.

اسلام با اتخاذ این روش (حفظ حجاب) از خوی تجاوزگری مرد و مورد ظلم واقع شدن زن جلوگیری می‌نماید و تا آخرین حد ممکن مقام و شرافت انسانی زن را در اجتماع بالا می‌برد و بدین روش زن را در قالب حجاب تکریم می‌نماید.

مطلب دیگری که برخی بیان می‌کنند این است که حجاب سبب رکود فعالیت‌های اجتماعی زن و عدم حضور او در فرآیند کار و تولید و به تبع آن فلج شدن نیروی انسانی می‌شود. از آن رو که سعادت بشر در گرو پرورش کلیه استعدادهاست، اسلام با این وسیله مانع به فعالیت رسیدن استعدادهای خدادادی زن در این حوزه می‌شود.

باید پاسخ داد که اسلام با پرورش استعدادهای موافق است و هرگز باعث تضییع آن نشده است. استعمال حجاب به منظور حبس زن در خانه و ممانعت حضور او در اجتماع، به هیچ وجه جایگاهی ندارد. مبنای حجاب در اسلام آن است که التذاذات جنسی در محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع با در نظر گرفتن بُعد انسانی زن و مرد، به صورت خالص منحصر به کار و فعالیت باشد. قوانین اسلام در این حوزه به زن اجازه نمی‌دهد که پس از خروج خانه در اجتماع موجبات تحریک مردان را فراهم سازد و هم چنین به مردان اجازه چشم‌چرانی نمی‌دهد.

چنین حجابی نه تنها نیروی کار را فلج نمی‌کند، بلکه موجب تقویت این نیرو در اجتماع نیز می‌گردد و به بهانه فلج شدن انسانی از افراد جامعه نمی‌توان با بی‌حجابی و بی‌بند و باری، نیروی تمامی افراد از زن و مرد را فلج کرد.

بعضی‌ها می‌گویند ایجاد حریم میان زن و مرد به اشتیاق و التهاب‌ها می‌افزاید و طبق این اصل «الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ» منع باعث ایجاد حرص و ولع نسبت به مسائل جنسی می‌گردد و علاوه بر آن سرکوب کردن این غرائز به بروز انواع بیماری و اختلالات روحی و روانی می‌انجامد. پس برای تقلیل این حرص و جلوگیری از ایجاد آن، روابط میان افراد باید آزاد و بی‌هیچ قید و بندی باشد و با برداشتن حجاب معتقدند که پس از مدت کوتاهی چونان جوامع غربی و اروپایی همه چیز عادی شده و دیگر کسی معترض دیگری نمی‌شود و از درصد بالای تعرض و تجاوزاتی که محدودیت حجاب موجب آن می‌شود، کاسته می‌گردد.

در مقام پاسخ باید پرسید ریشه جمله «الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ» از کجاست؟ این حرص و ولعی که از آن یاد می‌کنند آیا قابل کنترل هست و یا اصلاً می‌توان از این حرص به نفع انسان بهره برد یا خیر؟ جایگاه خانواده در کنترل این حرص و ولع به چه میزان است؟

انسان نسبت به چیزی که حرص و طمع می‌ورزد که هم از آن منع شود و هم به سمت آن تحریک گردد. این جاست که برخلاف مسیحیت که نفس را با ریاضت و سختی سرکوب می‌کند، اسلام به انجام مسائل جنسی در حد طبیعی و در چارچوب مشخص آن و جلوگیری از طغیان و سرکشی این میل به وسیله تهییج آن، دستور می‌دهد. بد نیست افرادی که معتقدند غرب از این روش خود پاسخ

گرفته، هر از چند گاهی سری به آمارهای واقعی پلیسی یا قضایی آن کشورها بزنند و خود نظارت کنند که نسخه غرب برای جلوگیری از عقده های ناشی از محدودیت جنسی که پیروی و اطاعت مطلق از این غریزه طغیانگر و معاشرت های آزاد و بی بند و بار می باشد، چه آمار تکان دهنده ای از فجایع و تعرضات در آن جوامع را به بار آورده است.

توجیه بی حجابی "

در توجیه بی حجابی می گویند خداوند متعال بزرگ تر از آن است که مثلاً به خاطر چند تار مو و... انسان را مجازات بکند.

باید توجه داشت که این توجیه را می توان در مورد همه دستوریات دینی بکار برد. مثلاً بگوئیم خداوند متعال بزرگ تر از آن است که به خاطر نخواندن چند رکعت نماز، خوردن چند تکه نان در ماه مبارک رمضان (روزه خواری)، چند جمله غیبت کردن، تهمت زدن یا دروغ گفتن و... انسان را مجازات کند. آن وقت چیزی از دین باقی نخواهد ماند و این در حالی است که حجاب از دستورات دینی است که اثرات آن فقط فردی نیست بلکه ابعاد اجتماعی مهمی دارد.

بدحجاب بی دین نیست ولی فردی است که یکی از اساسی ترین اصول و احکام اسلامی را رعایت نمی کند. او در واقع خود را بالاتر از خداوند متعال دانسته و احکام و دستورات خداوند متعال را طبق سلیقه خود انتخاب می کند؛ به آنهایی که خوشش می آید عمل می کند (مثلاً نماز، روزه و ...) و به آنهایی که خوشش نمی آید عمل نمی کند و در واقع در برابر دین اسلام که همان تسلیم است، خود را برتر می داند و مصداق این آیه قرآن کریم است که می فرماید: «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ». این در حالی است که نماز و روزه ابعاد فردی دارند ولی حجاب ابعاد اجتماعی بسیار گسترده و عمیقی دارد و می تواند در تحکیم یا سست کردن خانواده ها مؤثر باشد.

رعایت حجاب فقط با چادر میسر نیست، بلکه حجاب برتر است. در تمامی اقشار مختلف جامعه از جمله پزشکان، نظامیان، معلمان، کارمندان و... تعدادی آدم بد دیده می شود. آیا می توان گفت: پزشکان، نظامیان، معلمان، کارمندان و... از همه بدترند و هیچ کس نباید مثلاً پزشک شود!؟

در قشر افراد بی حجاب هم رفتارهایی (اعم از خوب و بد) دیده می شود. نکته مهم و اساسی اینجاست که اسلام ملاک است نه او که مدعی مسلمانی است. اگر فرد چادری به گناهان دیگری آلوده است، خداوند متعال حتماً به خاطر آن گناهان او را مجازات خواهد کرد ولی به خاطر حجابش به او پاداش می دهد. البته اگر برای اطاعت از فرمان الهی چادر به سر کرده باشد. همان طور که اگر فرد بی حجابی دارای اعمال خوبی باشد، به خاطر آن اعمال پاداش دریافت خواهد کرد؛ به شرط آنکه نیتش خدائی باشد. ولی به دلیل نداشتن حجاب، مجازات الهی در انتظار او خواهد بود و در گناه کسانی

که به اثر بی عفتی او به انحراف کشیده شده اند، هم شریک است.

پوشش مناسب از نشانه های «عفاف» و «عزت نفس» است به گونه ای که از نوع پوشش هر کس می توان به میزان توجه وی به این دو ارزش انسانی را دریافت. با اینکه اسلام هم زنان و هم مردان را به پوشش مناسب دعوت کرده اما نسبت به پوشش زنان توجه ویژه ای دارد.

زمانی که شخص دینی را باتفکر و تعقل و تحقیق می پذیرد، به معنای قبول آن دین به عنوان مجموعه

قوانینی برای رشد و بالندگی او در مسیر زندگی تکاملی است. در نتیجه، تبعیت از دستورات وارده در آن نیز عقلاً لازم می‌گردد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۗ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا؛ آنان که به خدا و رسولان او کافر شوند که بخواهند میان خدا و پیغمبرانش جدائی بیندازند (یعنی گویند که فرستادگان خدا نیستند) و گویند که به برخی از گفتار انبیاء ایمان آوردیم و به بعضی از گفتار آنها ایمان نیاوردیم و اراده کنند که میان کفر و ایمان راهی اتخاذ کنند، به حقیقت، این ها کافرانند و ما برای کافران عذابی خوارکننده مهیا ساخته ایم.»^۱

قرآن با عدم پذیرش بعضی از دین و قبول بعضی دیگر، صراحتاً و به شدت مخالفت نموده و آن را تا سر حد کفر برده است؛ زیرا اگر چنین ملاکی برای پذیرش یک دین قرار داده شود، موجب هرج و مرج در زندگی آدمیان می‌گردد که نبود چنین دینی بهتر از بودن آن است؛ زیرا اگر بر فرض مثال شخصی مسئله خمس را جزء دین دانسته و قبول نماید و دیگری چنین برداشتی نداشته باشد، شخص اول، خود دیگری را بی ایمان می‌نامد یا اگر خانمی حجاب را از امور دینی نداند و رعایت آن را ضروری نپندارد و مردی حجاب را از امور دینی به شمار آورد، مشکلات عدیده‌ای در روابط اجتماعی پدید می‌آید.

وانگهی «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» مستلزم تناقض در یک پذیرش است؛ زیرا از طرفی پذیرش دین به معنای قبولیت آن دین و اعتماد به آن بوده و عدم رعایت دستوراتش، به معنای عدم قبولیت آن دین به عنوان راه تکامل و سعادت است.

بدین خاطر می‌گوئیم: هر انسانی قبل از گزینش دین آزاد است، همانند جوان در انتخاب رشته تحصیلی خود، اما بعد از گزینش دین به عنوان راهی برای تنظیم زندگی طبیعی و روانی در مسیر تکاملی خود، باید تسلیم امور اعتقادی و دستورات عملی آن گردد. زیرا با آزادی کامل در طریق پذیرش دین، خود را تابع اوامر و نواهی خداوند متعال ساخته است. چنانچه فرد دانشجو بعد از پذیرش و انتخاب رشته تحصیلی، خود را تابع مقدمات، سختی‌ها و مسائل آموزشی آن دانشکده کرده است.

اگر کسی در مقام اعتراض برآید و بگوید: قرآن کریم، پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم را از تسلط بر مردمان منع کرده و آزادی در کفر و ایمان را ملاک عمل قرار داده، فرموده است: «أَسْتَعْلِمُكُمْ بِمُصِيطِرٍ؛ تو بر آنان مسلط نیستی».^۲ «وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيفًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ؛ وظیفه‌ای نداری آنها را به اجبار به کار خیر دعوت کنی».^۳ «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ؛ مسئولیتی جز ابلاغ رسالت و دستورات خداوند ندارد».^۴ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا؛ ما راه راست را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد یا کفران کند».^۵ «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ، بگو این حقیقتی از سوی پروردگارتان هست. هرکس می‌خواهد ایمان آورد و هرکس می‌خواهد کافر گردد».^۶

پس شخص در پذیرش دین، در انتخاب عمل و رفتار خود آزاد بوده و هیچ کس حتی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم حقّ تحمیل ندارد.

در پاسخ خواهیم گفت: اولاً با بررسی صدر و ذیل آیات معلوم می‌شود که این آیات درباره کفار است و خداوند متعال پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم را دلداری می‌دهد که خودخوری نکن و از اینکه عده‌ای جهنمی می‌شوند، نگران نباش؛ زیرا وظیفه شما ابلاغ و بیان حق است و ایمان آوردن مردم وظیفه شما نیست. هرکس دین را پذیرفت و عمل نمود، به سعادت می‌رسد و هرکس برخلاف آن عمل نمود، جز گمراهی و شقاوت چیز دیگری به دست نمی‌آورد.

۱- نساء/ ۱۵۰. ۲- غاشیه/ ۲۲. ۳- انعام/ ۱۰۷. ۴- مائده/ ۹۹. ۵- انسان/ ۳. ۶- کهف/ ۲۹

ثانیاً اگر ادعای این دسته را در آیات مذکور بپذیریم، موجب می شود آن آیات با برخی آیات دیگر تناقض پیدا کند، مانند:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ؛ هَيْجُ مُرَدٍ وَ زَن بَالِيْمَانِي حَقْ نَدَارْد هَنكَاْمِي كَه خِدَاوَنْد وَ پِيَاْمِيْرَش بَه كَارِي فَرْمَا ن دهنْد، اَخْتِيَارِي از خُود نِشَان دهنْد.»^۱

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ؛ پِيَاْمِيْر نِسْبَت بَه مُؤْمِنِيْن از خُود أَنهَا مَقْدَم اسْت.»^۲

در آیات فوق، امر رسول خدا صلَّ اللهُ عليه و آله و سلَّم دارای حجیت و اعتبار بوده و مؤمنین باید در امور خود از رسول خدا صلَّ اللهُ عليه و آله و سلَّم تبعیت نمایند. به هر حال رفع این تناقض - علی الظاهر - به این صورت است که هر کس دینی را پذیرفت، باید از آن اطاعت نماید و کسی که دینی را نمی پذیرد، باید او را به حال خود رها نمود. چنانچه شخصی دین اسلام را به عنوان دین کامل و برتر پذیرفته باشد، باید رعایت دستوراتش را بر خود لازم بداند و بر طبق هوا و هوس به گزینش دستورات دینی نپردازد.

پس استدلال کسانی که قبول هر نوع پوششی را بر اساس پذیرش عرف و جو حاکم بر جامعه توجیه کند، بسیار غیر منطقی، نابخردانه و غیر دینی است؛ زیرا برخلاف گزینش دین خود رفتار نموده اند.

به همین خاطر آیات بی شماری از قرآن مجید به تعقل، تدبیر، تفکر، تعلم و تذکر دعوت شده است. مانند:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ ما آن كِتَابِ قُرْآنِ را بَه صُورَتِ قُرْآنِ عَرَبِيّی فرستادیم تا شما بَه خُوبی آن را درك كنید.»^۳

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ بدترین جنبندگان نزد خدا، كَر و لالی هستند كه تعقل نمی کنند.»^۴

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ خداوند این چنین آیات را برای شما روشن می سازد تا شاید فكر و اندیشه كنید.»^۵

«أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ؛ آیا در مورد خودشان فكر و اندیشه نمی کنند.»^۶

بر اساس این مبنا وقتی شخصی دین اسلام را با تحقیق و تعقل پذیرفت، باید به احکام آن احترام بگذارد و سر تسلیم فرو آورد و نباید مبنای دل بخواهی را ملاک خود در گزینش دستورات دین قرار دهد اما تا زمانی که چنین دینی را نپذیرفته است باید طبق قانون کشور خود عمل کند و اگر قانون کشور بر اساس دینی هم چون اسلام تنظیم گشته باشد از آن قانون تبعیت نماید.

پس رعایت حجاب در کشوری چون ایران ضروری و به تعبیری اجباری است؛ به دو دلیل: یکی گرایش حداکثری مردم جامعه به اسلام و دیگری وجوب ضرورت حجاب در قانون اساسی کشور.

سریچی از این مبنا و قانون، آغاز بی تمدنی، بی منطقی و زندگی جنگلی است. اگر بی حجابی را تمدن به حساب آوریم، در این صورت همه حیوانات از همه ما تمدن تر هستند و از همه ما جلوتر می باشند.

۱- احزاب/۳۶. ۲- احزاب/۶. ۳- یوسف/۲. ۴- انفال/۲۲. ۵- بقره/۲۱۹. ۶- روم/۸

آیا در ادیان دیگر هم حجاب و پوشش وجود داشته است؟

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده است اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. در سرزمین های مختلف، انسان هائی که به ارزش های اخلاقی اعتقاد بیشتری داشته اند، از پوشش کامل تر و متین تری استفاده کرده اند و هر قدر سطح ارزش های اخلاقی در آن جوامع در سطح پائین تری قرار گرفته و شکل نامناسبی پیدا کرده است.

ادیان الهی که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده و آن را لازمه دینداری شمرده اند. مطابق با آئین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می پوشاندند و به حجاب پای بند بودند. در آئین مسیحیت نیز بر پوشش اهمیّت زیادی داشته و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می کوشیدند مانند حضرت مریم سلام الله علیها با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی به خصوص نقاشان قدیمی تر، تصویر حضرت مریم سلام الله علیها را با پوشش و حجاب کامل می کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر زنان راهبه و قدیس یکی از کامل ترین حجاب ها را انتخاب کرده اند. این امر نشان می دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب به دینداری نزدیکتر و در پیشگاه خداوند متعال پسندیده تر است.

توجه داشته باشیم که در زمان ظهور حضرت مسیح علیه السلام در فلسطین، اروپا در شرک و بت پرستی بود. مردم گرفتار آداب و رسوم مشرکانه بودند و زنان آنها معمولاً سر خود را نمی پوشاندند. اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین حضرت عیسی علیه السلام، پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت اما در دوران اخیر پای بندی به تعالیم دینی کمتر شده و آن بخش از دستورات و سنت های حضرت عیسی و حضرت موسی علیهما السلام که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته و به آنها عمل نمی شود. بنابراین بی حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی نداشته و در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد، بلکه بازگشتی به سنت های مشرکانه قبل از حضرت عیسی علیه السلام محسوب می شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آئین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل های عمومی رفت و آمد می کردند. حتی گفته اند که خشایار شاه، پادشاه بزرگ هخامنشی، از همسرش خواست که در روز جشن ازدواج بدون پوشش حضور یابد اما آن زن عفاف خود را بر ملکه ایران بودن ترجیح داد و این دستور را نپذیرفت. خشایار شاه نیز او را از دربار بیرون کرد.^۱

در ادیان دیگر و عموم فرهنگ ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده کمتر قوم و ملّتی است که زنان آن پوشش نامناسبی داشته باشند. تفاوت ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

دین اسلام در ادامه دعوت پیامبران الهی و به طور کامل تر و دقیق تر بر عفاف زنان مسلمان تأکید نموده و حدود پوشش او را تعیین کرده است.

پوشش و حجاب پیش از آئین زرتشت

نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس ها» تقسیم می شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس ها توانستند

۱- تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱۲ ص ۳۰ به نقل از قرآن و تعلیمات دوم دبیرستان ۲- تاریخ ۱۰ هزار ساله ایران ج ۱ ص ۲۲۷ به نقل از همان

دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیان‌گذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی حجابی کامل داشته‌اند. برابر متون تاریخی در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند، شلوار و چادر رایج بوده است. زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و هم پای مردان به کار می‌پرداختند ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فساد انگیز همراه بوده است.

پوشش و حجاب پس از نبوت زرتشت

در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت است، افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت، پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرئت نداشتند جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند.

از آن جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و ایشان در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید با پندهای خود، ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم کند و عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد.

البته در دین زرتشت، لباس با کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش (یعنی چادر یا شنلی بر روی آن) بوده، مورد تقرر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند استفاده از «سدره و کشتی» (لباس مذهبی ویژه زرتشتیان) توصیه شده است. البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را ببوشاند. بنا به گفته مؤید «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد»؛ یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم.

بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذر بادمار اسپند» مؤید مؤبدان آمده است: «مرد بدچشم (نگاه ناپاک) را به معاونت خود قبول مکن».

پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاه زادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره برگیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبذول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به

سینه مأمور اجرای حکم عمر لعنت الله علیه، مشت زده و آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشناک شد ولی امام علی علیه السلام او را به مدارا و تکریم آنان سفارش فرمود.

رابطه حجاب و عفت در آئین زرتشت

عفاف، طهارت درونی و نوعی حجاب باطنی است. از آنجایی که انسان، ذاتاً موجودی است دارای دو بُعد الهی و مادی، باید به او آموخت که اگر همه یکسان آمده‌ایم، اما برای رجعت بهتر، آنانی در اولویت هستند که دارای درونی آراسته تر باشند و در صورت تلاش و برنامه ریزی صحیح، نفس خویش را در مسیر انسانیت رشد دهند؛ اما آنانی که در مسیر حیوانیت و خواسته های نفسانی خود حرکت کنند، این نشان از نداشتن برنامه ریزی مناسب برای تأدیب نفس خویش است. در واقع واژه «عفت» بر کنترل شهوات و جلوگیری آن در خروج از مرز اعتدال تلقی می شود از این رو، به پند و اندرزهای «اشو زرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن تر شود. او می فرماید:

«ای نوعروسان و دامادان! ... با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی بر آئید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زودگذری که تباه کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنمی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته و بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است.»

مستندات فقهی پوشش در آئین زرتشت

چنین استناد فقهی رسماً به عنوان احکام حجاب در این دین قابل دسترسی نیست؛ اما از مطالب مذکور می توان چنین حکمی را اقتباس کرد؛ زیرا همان طور که بیان شد، مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی دیده است؛ از این رو با تأکید حدود و کیفیت حجاب متداول آن زمان، کوشید با اندرز خود، پایه های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم کند و عامل درونی را ضامن اجراء و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به این دلیل، در این خصوص صریحاً امری صادر نشده و صرفاً با چنین کلماتی، پاکی را متذکر می شود: «از تو، ای مرد خواهش می کنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه ساز و از تو، ای زن خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز.»

بر این اساس یک زرتشت مؤمن باید به این امور ملتزم باشد: ۱. دوری از نگاه به زن نامحرم؛ ۲. پرهیز از ازدواج با مردانی که چشم ناپاک دارند. در اندرز «آذربادمار اسپند» مؤید مؤبدان آمده است: «مرد بدچشم (نگاه ناپاک) را به معاونت خود قبول مکن»؛ از این رو، عفاف برای مردان لازم و ضروری به نظر می رسد.

حال آیا صرفاً با تأکید بر امر حجاب، می توان گفت دین زرتشت حجاب زن را الزامی می داند، چون بر امری که مردم ملتزم بودند، باز تذکر داده است؟ از طرفی، پوشش در معابد نه تنها برای زنان

واجب است، بلکه برای مردان نیز این مهم و واجب شمرده شده است. البته می توان گفت امر وجوب در این نص، تذکری است برای پوشش مردان در معابد که با ابعاد معنوی زمان مرتبط باشند؛ یعنی نوع پوشش و چگونگی حضور در معابد و مراسم در جذب و احساس معنویت مؤثر بوده است. البته یک نمونه افراطی از حجاب را نیز می توان مشاهده کرد، آنجا که زنان شوهردار حق نداشتند، هیچ مردی - حتی پدر و برادرشان - را ببینند. به احتمال زیاد این مقدار تأکید، صرفاً از تمایزات فرهنگی پدید آمده باشد.

پوشش و حجاب در آئین یهود

همه مورخان از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته اند. ویل دورانت می گوید:

«گفت و گوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهاء دین ممنوع گردیده بود... دختران را به مدرسه نمی فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می شمردند. با این همه تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود».

نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می ساخت. زندگی جنسی آنان، علی رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند.

تورات تشبّه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می گوید: «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه خداوند خدای توست». خداوند متعال می فرماید:

«از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پای های خویش خلخال ها را به صدا می آورند. بنابراین، خداوند فرق سر دختران صهیون را گل خواهد ساخت و در آن روز، خداوند زینت خلخال ها و پیشانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد. گوشوارها و دستبندها و روبندها را* و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطرانها و تعویذها را و انگشترها و حلقه های بینی را و رخوت نفیسه و رداها و شال ها و کیسه ها را و آئینه ها و کتان نازک و عمامه ها و برقع ها را و واقع می شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موهای بافته، گلی و به عوض سینه بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود. مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد و دروازه های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست».

افزون بر این در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه، نهی از لمس و تماس و واژه چادر، نقاب و برقع آمده است. به عنوان مثال، در میشنه تورات از جمله مواردی که مرد موظف است برای زن خود تهیه کند، پوشش سر است. در حکم سخت گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ مهریه به ایشان تعلق نمی گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می کند، برای مثال، بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می رود؛ در کوچه و بازار پشم می ریسد و با هر مردی از روی سبکسری به گفت و گو می پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می دهد و زن در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می کند و همسایگان او می شنوند که چه می گوید. زن عاقل خانه خود را بنا می نماید اما زن ابله آن را با دست های خود ویران می نماید.

برخورد حضرت موسی علیه السلام به سبب رعایت حیاء و عفت با دختران حضرت شعیب علیه السلام که به آنان فرمود، تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، همگی بیانگر کیفیت شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است. همچنین ممنوعیت زن در فعالیت‌های اجتماعی و مجاز نبودن به اخذ شغل اجرایی و قضایی، تأکیدی است بر این مطلب.

مستندات فقهی حجاب و پوشش در آئین یهود

رعایت عفت و حجاب توسط زنان انبیاء و بزرگان بنی اسرائیل در تورات کنونی و تلمود کاملاً مشهود است؛ به طوری که رعایت نکردن عفت، یکی از عوامل نزول عذاب الهی بر بنی اسرائیل دانسته شده است. «زن نیکوسیرت، عزت را نگاه می‌دارد. مثل نیرومندان که اموال را محافظت می‌نمایند» در بخش ناشیم از کتاب میثینه، نوشته ابن میمون چنین آمده است: «مرد، لازم است لباسی را برای پوشش سر و پیشانی و حتی چشم زن تهیه کند».

همان‌طور که روشن شد، قانون سخت حجاب زنان یهودی، به اعتراف مورخان، غیر قابل انکار است. اصلی‌ترین کتاب فقهی یهودیان که تلمود نام دارد، بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای دیگر مردها، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، تأکید شده است. گفت و گوی علنی میان ذکور و إناث، از سوی فقهاء آن دین ممنوع شده است. هر چند این مقدار از ممنوعیت ممکن است از فرهنگ زمان یا مکان در فقه یهودیت تأثیر گرفته باشد.

حجاب افراطی و تفریطی در یهود

دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. در تفسیری دیگر بیان شده که چون محیط فعالیت زن، در خانه بود، این ترس در میان بود که اگر زن وقت و نیروی خود را صرف تحصیل علم کند، ممکن است به امور خانه داری نرسد. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. این نگاه افراطی در جامعه دینی و فرهنگی زمان یهود، محدودیت زنان را در عرصه‌های شدت مرد سالاری آن دوران می‌رساند که بعضاً از ممنوعیت مدرسه دختران کاملاً آشکار است.

اما این افراط ادامه نیافت. علی‌رغم نظام سخت‌گیرانه حجاب در یهودیت، پس از رنسانس و تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین‌گریزی در غرب، شعائر دینی از جمله سنت رعایت پوشش عقیفانه، رو به ضعف نهاد و زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، بعضاً حجاب خود را کنار گذاشته و از کلاه گیس به عنوان شکلی از پوشش سر استفاده کردند. اکنون بسیاری از بانوان یهودی ارتودکس در اسرائیل از پوشش سر استفاده می‌کنند. در واقع شاید آن تفسیری که بی‌میلی رهبران مذهبی یهود را در خصوص اموری مانند تحصیلات عالی‌ه‌براز می‌کردند، تحقق یافت؛ زیرا دلیل آنان این بود که آمیخته شدن زن و مرد موجب فساد اخلاقی بی‌بند و باری و خیانت می‌شود.

گونه‌های حجاب در یهود

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گونه‌هایی از حجاب را این چنین اقتباس کرد:

۱. حجاب پوششی: مطابق مبنای حجاب در شریعت یهود، کاربرد واژه «چادر» و «برقع»، که به معنای روپوش صورت است، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد و بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان و پرهیز از هرگونه آرایش برای دیگر مردها، تأکید شده است.

۲. حجاب رفتاری: مطابق آئین یهود، خداوند دختران متکبری را که با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش خلخال‌ها به صدا می‌آورند، خداوند فرقه‌ها سر آنان را در آخرت، کُل خواهد ساخت و آنان که از آرایش و عطر استفاده کردند، به عوض عطریات، عفونت، و به عوض کمر بند، ریسمان، و به عوض موهای بافته، کَلی، و به عوض سینه بند، زَنار پلاس، و به عوض زیبایی، سوختگی نصیبشان خواهد بود.

۳. حجاب گفتاری: در دین یهود، شواهدی وجود دارد که رعایت عفت و حجاب گفتاری را تأیید می‌کند؛ در گنجینه تلمود نقل شده است: «زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند، برای مثال، با هر مردی از روی سبکسری به گفت و گو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشوی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد.»

حجاب در آئین مسیحیت

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هر گونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربافت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حُجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می‌خوانیم: «همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرد اندیش و عیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبدا کلام خدا متهم شود». در «کتاب مقدس» در مورد لزوم آراستگی به حیاء و کنار نهادن آرایش

ظاهری چنین آمده است: «همچنین زنان، خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیاء و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند. همچنین ای زنان، ... شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست». بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می نمودند. افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، با وقار و امین بودن زن و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می گوید: «کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت، تو را بلغزاند، قلعه کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود». دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می دهد. در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: «دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود». ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می نویسد: «ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأ عام و یا رایگان به چشم خورد... البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند. تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد».

در آیات شریفه ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور می خوانیم: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ به مردان با ایمان بگو چشمان

خود را کنترل کنند و دامان خود را (از گناه) حفظ کنند، آن، برای پاک‌ی آنها بهتر است. همانا خداوند به

آنچه انجام می دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند و زینت های خود را آشکار نکنند مگر آنچه که نمایان است (مانند گردی صورت) و روسری های خود را بر روی سینه و گریبان خویش ببندازند.»

از این دو آیه پیام های زیر را بدست می آوریم:

الف: در ابتداء و مقدم از هرچیز، وظیفه مردان است که خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کرده و دامان خود را از گناه نگه دارند.

با رعایت این مسئولیت از جانب مردان، بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می شود اما اگر مردی پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را زیر نظر بگیرد، مقدمات گناهان بزرگ تر را فراهم می کند و ممکن است نتواند خود را از لغزش حفظ نماید. به همین جهت رسول خدا صلّ الله علیه و اله و سلم فرموده است: «نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه شیطان است که هرکس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خداوند متعال به او ایمانی می دهد که شیرینی آن را در دل احساس می کند»^۱.

ب: زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامن خود را از نگاه حفظ نمایند.

ج: استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د: زنان باید حجاب خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

آیه زیر علاوه بر تعیین حدّ پوشش، علت آن را نیز ذکر کرده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان باایمان بگو پوشش های خود را نزدیک نسازند. این کار از این جهت بهتر است که به عفاف شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند و خدا آمرزنده مهربان است»^۲.

با تأمل در آیه درمی یابیم که:

الف: زنان مسلمان از همان ابتداء موی سر خود را می پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند متعال به آنان دستور می دهد روسری ها و پوشش هایشان را نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنها پوشیده شود.

ب: این پوشش سبب می شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افرادی بی بند و بار که اسپر هوا و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و تعرض نکنند.

می دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارد. حتی ممکن است در کشوری مثل کشور عزیزمان ایران، نیز اقوام مختلفی زندگی می کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده اند.

بنابراین چگونگی و نوع پوشش تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این نوع تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که احترام و وقار آنها حفظ شود و با ارزش های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت نما کند و یا وسیله جلب توجه زنان نامحرم قرار دهد، حرام است.

زنان نیز موظفند نکات زیر را رعایت کنند:

۱. تمام بدن خود را به جز صورت دست ها از مچ تا نوک انگشتان از نامحرم بپوشاند.

۱- بحار الانوار ج ۱۰۴ ص ۳۸ به نقل از کتاب دین و زندگی دّوم دبیرستان ص ۱۴۶. ۲- احزاب/ ۵۹

۲. پوشش آنان نباید چسبان و تحریک کننده باشد.

این وظیفه الهی مانند هر عمل دیگری هرچه کامل تر و دقیق تر انجام شود، نزد خداوند متعال با ارزش تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتر می رساند. از این رو استفاده از چادری که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن گردد و توجه نامحرمان را به حداقل می رساند، اولویت دارد.

انسان در مقابل هر نعمت و موهبتی که از جانب خداوند متعال به او می رسد، مسئولیت هائی دارد، از جمله این مسئولیت ها:

۱. حفظ و نگهداری آن نعمت

۲. بهره برداری از آن نعمت در جهت رشد و کمال می باشد.

خداوند متعال زنان را بیشتر از مردان از نعمت زیبایی بهره مند کرده و همین نعمت را پشتوانه مهمی برای وابستگی مرد به زن و تحکیم خانواده قرار داده است. زن به شکرانه این نعمت، باید اولاً در حفظ و زیبایی و طراوت خود بکوشد؛ ثانیاً از این نعمت برای رشد و کمال خود و خانواده بهره ببرد و مصلحت جامعه را که همان تحکیم بنیان خانواده می باشد را در نظر بگیرد.

این مسئولیت ها زمینه ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان است. به میزانی که پوشش یک زن را از حدود اسلامی فاصله می گیرد به همان میزان یکی از مسئولیت ها یا همه، زمین گذاشته می شود. البته فائده و ثمره این وظیفه و مسئولیت ها مانند سایر مسئولیت ها ابتداءً به خود زن و سپس به جامعه می رسد.

حفظ موهبت ها و نعمت های خدادادی نه تنها سلب آزادی تلقی نمی شود، بلکه به معنای بهره مندی مطلوب و درست آنهاست. پوشش زنان نیز بنا به فرموده قرآن کریم، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان را در جامعه سلب نمی کند بلکه فعالیت های مؤثر و مفید و بدون زیان آنان را ممکن می سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا می برد، حریم و حرمت زن را حفظ می کند و آرامش روانی او را افزایش می دهد.

سخنی با مخالفان حجاب"

مخالفت با حجاب سه صورت دارد: یا مخالفت نظری است یا عملی یا هر دو. این مخالفت ها یا آگاهانه است یا ناآگاهانه. یا بر اساس نقشه قبلی است یا بدون انگیزه قبلی. بنابراین، روی سخن من با کسانی است که هیچ انگیزه قبلی ندارند؛ زیرا آنانکه با طرح نقشه به میدان مخالفت آمده اند، گوش شنوا نخواهند داشت؛ نه دلیل و استدلال در آنها اثر گذار است و نه پند و اندرز. پس خطاب به آنهایی است که هیچ عمدی در کار خود ندارند بلکه تنها به خاطر جهل بسیط یا مرگب یا تبعیت از هوا و هوس با هم رنگ جماعت شدن با صرف آداب خانوادگی به حجاب پشت کرده اند، بگویم:

ای خواهر و ای برادر گرامی، سطر به سطر این کتاب را با دقت مطالعه نما تا با بحث حجاب آشنا گردی زیرا به علاوه تاریخچه کوتاه، به تحلیل چپستی حجاب و ... پرداخته ام تا ماهیت و حقیقت آن برای شما روشن گردد و در ادامه با طرح مبانی حجاب بر اساس نگاهی کلی به جهان و انسان و رابطه انسان و جهان و سرانجام او پرداخته ام تا دسیاهی به این شناخت، تکلیف خود را نسبت به

امری همچون حجاب بدانید و با روشنگری عالمانه به طرد یا قبول آن اقدام نمائید و هیچگاه در ورطه شک و تردید نسبت به حجاب قدم نزنید.

حجاب مردان "

هرگاه سخن از حجاب به میان می آید عموماً پای جنس زن به وسط کشیده می شود و گویی حجاب برای مردان هیچ گونه موضوعیتی ندارد در حالی که هم در منطق قرآن کریم و اسلام، حجاب برای زن و مرد مطرح شده و هم با تحلیل دقیق عقلی حجاب برای مردان لازم می باشد، ولی از باب تغلیب، همواره بحث حجاب معطوف به زن شده است. بنابراین هرچند در این کتاب حاضر تا حدودی به پوشش و رفتار در مقابل زنان اشاره ای شده ولی از باب غالبیت، سخن از حجاب را عطف به زن کرده ام اما به این معنا نیست که مردان از بحث حجاب مستثنی هستند و هیچگونه مسئولیتی در پوشش و رفتار خود در مقابل زنان ندارند بلکه مسائل کلی حجاب مشترک بین زن و مرد هستند. به عنوان مثال از جمله مسائلی که امروزه عده ای از مردان رعایت نمی کنند، امور زیر می باشند:

- استفاده از لباس هائی با آستین کوتاه
- شنا کردن با بدن لخت در مقابل زنان نامحرم
- استفاده از شلوارک های کوتاه در خانه
- استفاده از لباس های بسیار تنگ در سطح جامعه
- چشم چرانی و شوخی کردن های نابجا
- زیر ابرو برداشتن و ...
- استفاده از طلا
- و ...

حجاب در تاریخ "

نگاهی گذرا به انواع لباس و پوشش های کشورهای اسلامی

زنان عرب لباس ساده ای داشتند که از چهار تکه اصلی تشکیل می شد؛ پیراهن بلندی به نام دُرّاعه، خمار که سر و گردن را می پوشاند، جلباب که سر تا پا را مستور می داشت و ازار که تمام هیكل را در برمی گرفت. می توان گفت که انواع مشهور و متداول پوشش با همین الگو شکل گرفته اند.

خَلْبَة

قطعه پارچه پشمی عریضی که به رنگ قهوه ای که زنان در نواحی جنوب مصر بکار می بردند و بدن خود را با آن می پوشاندند و لبه های بالای آن را روی هرکدام از شانه ها به یکدیگر می بستند.

حِك (حَالِك)

نوعی روپوش که زنان در غرب مراکش می پوشیدند، زنان الجزیره نیز نوعی روپوش سفید از پشم یا پشم و ابریشم شبیه به آن می پوشیدند.

بُرُوس (بُرُوس، بَرُوس)

نوعی روپوش بلند کلاه دار که زنان و مردان می پوشیدند و در شمال آفریقا بیشتر متداول بوده است.

سَبَلَه

پیراهن بزرگی که در مصر، زنان هنگام بیرون رفتن از خانه می پوشیدند و تا روی زمین می رسید.

شلوار (سِرِوَال)

در بیشتر کشورهای اسلامی، زنان برای بیرون آمدن از خانه، علاوه بر لباس های دیگر، شلوار نیز می پوشیدند.

شَوَدَر

بیشتر در عراق و ایران به کار می بردند و با انواع روپوش های زنانه دیگر تفاوت دارد. در گذشته، در عراق از پارچه های آبی و سفید تهیه می شد و به علت گرمای شدید از پارچه های سبک و لطیف دوخته می شد.

گاهی کناره های آن بندهائی داشت. این روپوش، پوشش رسمی زنان ترکیه نیز بود.

عَبَا

نوعی پوشش جلوباز که هم مردان و هم زنان می پوشیدند. این لباس آستین ندارد ولی سوراخ هائی در آن تعبیه شده که دست ها را از آن می گذرانند. این لباس را روی لباس های خود می پوشیدند. ولی در حال حاضر فقط مردان از آن استفاده می کنند و زنان از چادر مخصوصی استفاده می کنند.

لِحَاف (مِلْحَفَه)

به معنای روپوش بلند و گشاد زنانه یا چادر است.

انواع مشهور پوشش سر و صورت :

بُرُقَع

پرده ای است که چهره را از روی بینی می پوشاند و از اطرف پیشانی به سر بند متصل می شود. در یونان قدیم، زنان چهره خود را به وسیله گوشه ای از روسری می پوشانیدند. برقع از یونان به اسپانیا رفت و از آنجا به ساحل عربستان و عمان انتقال پیدا کرد.

چهره گیر ترین و شاید زشت ترین نوع آن، مخصوص روستائیان بندرعبّاس و اعراب کردی عمّان است. زیباترین آن در خلیج فارس متعلق به زنان شیعه مذهب بچارنه و عرب بندر لنگه است که ظریف و زیبا می باشد.

شَعْرِيَّة

نوعی روبند که از پارچه نازکی از موی دُم اسب تهیه می شد و زنان صورت خود را با آن می پوشانیدند.

کوفیه

نوعی چارقد در رنگ های مختلف، در طول دو ضلع مقابل آن، ریشه هایی از بند و منگوله هایی قرار داشته و اکنون نیز میان وهابی ها و برخی قبائل بدوی رایج است.

نقاب

نوعی حجاب زنانه که در محلّ چشم ها سوراخ هائی تعبیه شده و در بسیاری از سرزمین های اسلامی متداول بوده است.

دلائل اعمّ بودن حجاب از پوشش و عفاف "

۱. هدف از رفتار زن و مرد در نگاه عاقلان و دینداران، پاکدامنی و سالم زیستن انسانی است. به عبارتی، منع کردن هر نوع پوشش و رفتار و گفتار تحریک آمیز بین زن و مرد نامحرم، موجب دسیاهی به کمالات انسانی و حفظ انسانیت انسان می گردد.

با این نگرش، حجاب معنای اعمّ از پوشش را در برمی گیرد؛ یعنی چنین نیست که تنها حجاب مختصّ پوشش باشد بلکه مواضع رفتاری و گفتاری را نیز می توان داخل در معنای حجاب نمود، زیرا حجاب تحمّل چنین بار معنای بلندی را دارد. چنانچه با دقّت در دستورات الهی در مورد نگاه کردن، حرف زدن، آرایش کردن و راه رفتن نوعی از منع مشاهده می شود. آنجا که می فرماید:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»^۱؛ منع از نازک حرف زدن

«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»^۲؛ منع از نوع خاصی از راه رفتن

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۳؛ منع از آرایش کردن

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»^۴؛ منع از نگاه کردن به زن نامحرم

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»^۵؛ منع از نگاه کردن به مرد نامحرم

کسی که این موارد را رعایت نمی کند، چگونه می تواند زمینه ساز عفاف باشد؟! در این رفتار منطقی، پوشش امری حدّاقلی بوده و عدم جلوه گری های قولی و دلربائی زنانه و طنّازی های

۱- احزاب/۳۲. ۲- احزاب/۳۱. ۳- احزاب/۳۳. ۴- نور/۳۰. ۵- نور/۳۱.

محرکانه در برابر نامحرم، همه موضوعیت یافته و با عدم چنین افعال و حرکاتی از جانب زن، بر کرامت و احترام زن اعتبار بخشیده و او را تنها برای لذائذ و تبلیغ کالای اقتصادی خود نمی نگرد. چنانکه در جوامع غربی این نوع نگرش به جنس زن رواج دارد.

۲. دلیل دیگری که حجاب را اعمّ از پوشش معرفی می کند، آیه شریفه قرآن مجید است که می فرماید: «**حَجَاباً مَسْتُوراً؛ مانعی که پوشاننده شد.**»^۱

در حقیقت، این آیه حجاب را مطلق مانعیت نوع خاصی از مانعیت معرفی کرده است.

۳. در آیه شریفه ۳۱ سوره مبارکه نور، خداوند متعال پنج مرحله را متذکر شده که پاره ای از آنها به رفتار و برخی از آنها به پوشش برمی گردد. در آیه مذکور خداوند متعال به ترتیب: غصّ بصر، حفظ فروج، عدم آشکاری زینت، آویختن مقنعه بر گریبان و راه رفتن معتدل را سفارش کرده و در آخر آیه همه این مسائل را مایه رستگاری دانسته است.

غصّ بصر، حفظ فروج و راه رفتن معتدل مربوط به مسائل رفتاری و اخلاقی و عدم آشکاری زینت و آویختن مقنعه مربوط به پوشش است.

بنابراین حجاب را اعمّ از پوشش و رفتار معقول معرفی کردن، منطبق بر آیه شریفه ۳۱ از سوره مبارکه نور است و هیچ استبعادی در آن دیده نمی شود.

ارکان حجاب"

نسبت به پوشش چهار نوع نگاه و استدلال وجود دارد:

الف: نگاه فطری؛ پوشش امری فطری است که همگان در سرتاسر عالم در خور فرهنگ و عرف خود بدان عمل نموده و می نمایند و آن، حقیقتی به جز لباس بر تن کردن نیست تا علاوه بر گریز از سرما، گرما، بیماری ها و کسب زیبایی های ظاهری، باعث صفت حیاء گردد؛ یعنی جلوگیری از زشتی ها و ناپسندی هائی که عقل و عرف اجتناب از آن را لازم می داند.

ب: نگاه مادی؛ آن کسی که نگاهش فراتر از ماده را نمی بیند، پوشش را برای زیبا نشان دادن اندام و تحریک قوای شهوانی تصوّر کرده و در تعیین کمّ و کیف پوشش، تابع میزان تأثیر گذاری آن در تحریک شهوانی است. علاوه بر این، پوشش را وسیله ای برای حراست از گزند سرما، گرما و سائر آسیب های جسمی و پوستی دانسته و یا از حیث آداب و رسوم عرفی به آن می نگرد. برای این دسته، عفاف و پاکدامنی معنا و مفهومی ندارد، زیرا برداشت آنان از دنیا چیزی جز بهره وری مادی و حیوانی نیست.

ج: نگاه عقلانی؛ هر عقل سلیمی بر جدّابیت و محرک بودن بدن زن برای مرد اذعان دارد و حکم بر گرایش مردان نسبت به زنان نموده و وجود غریزه طبیعی در مرد برای جذب شدن او به جنس

۱- اسراء/ ۴۵

مخالف خود را تأیید می کند. البته چنین نگاهی در مورد بدن مرد نسبت به زن، با درجه ضعیف تری از گرایش وجود دارد.

از آنجا که بدن زن به طور خاص می تواند نقش بیشتری در تحریک جنسی ایفاء کند و از سوی دیگر، ازدیاد مسائل جنسی می تواند آسیب های جدی و غیرقابل جبرانی به پاکی جامعه انسانی بزند، همواره عقلاء عالم پوششی را سفارش می کنند که میزان تحریک کنندگی کمتری داشته باشد.

د: نگاه دینی؛ از آنجا که دین علاوه بر منابع حس و عقل در شناخت مسائل از منبع بالاتری به نام وحی برخوردار است و قدرت جزء نگری بیشتر و دقیق تری نسبت به مسائل دارد، در انتخاب کیفیت و کمیت پوشش به صورت تفصیلی به میدان آمده و برای هر یک از زن و مرد، نوع خاصی از پوشش را در برابر یکدیگر مطرح کرده است.

لازم به ذکر است که دین، قبل از بحث پوشش، افراد را به «محرم» و «نامحرم» تقسیم نموده و نیز بر اساس طبقه بندی محارم به همسر و غیرهمسر، برای هر یک حکم ویژه و خاصی را در نوع پوشش صادر کرده است.

برای شناخت «محرم» و «نامحرم» به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود رجوع کنید.

پوشش در قرآن

در دو آیه زیر دستور به پوشش زنان داده شده است :

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان باایمان بگو پوشش های خود را نزدیک نسازند. این کار از این جهت بهتر است که به عفاف شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند و خدا آمرزنده مهربان است.»^۱

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ عَلَى جُيُوبِهِنَّ؛

و به زنان باایمان بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند و زینت های خود را آشکار نکنند مگر آنچه که نمایان است (مانند گردی صورت) و روسری های خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.»^۲

امروزه عده ای برآنند که از کلمه حجاب، تنها اراده پوشش و لباس نموده و حجاب را منحصر در پوشش نمایند.

حقیقت حجاب

عده ای حقیقت حجاب را منحصر در پوشش دانسته و دسته ای آن را اعم از پوشش و عفاف معرفی کرده اند. در اسلام لفظ حجاب برای نوع خاصی از پوشش یا رفتار خاصی وضع نگردیده است، ولی

در عین حال در دین اسلام پوشش زن و مرد و نوع رفتار و گفتارشان در مقابل یکدیگر مورد دقت

۱- احزاب/۵۹. ۲- نور/۳۱

قرار گرفته و مراتب خاصی از پوشش و رفتار و گفتار را برای هر یک از زن و مرد در برابر

یکدیگر معین شده است؛ زیرا هدف هر سه مورد (پوشش، رفتار، گفتار) برای ایجاد عفاف و پاکدامنی است. در نتیجه اگر تنها از نظر پوشش (ستر) استفاده کنیم، در مسیر عفاف و پاکدامنی به نتیجه مطلوبی نخواهیم رسید و اگر از لفظ عفاف برای نوع رفتار و گفتار زن و مرد بهره ببریم، در این حالت نیز، صورت زیبا و کامل عفاف، تحقق پیدا نخواهد کرد؛ زیرا تحقق عفاف بدون ملاحظه نوع پوشش، نوعی خوش باوری خام است.

می توان از هر دو لفظ به صورت جداگانه استفاده کرد و گفت: زنان و مردان باید در انتخاب نوع پوشش و در برقراری ارتباط بر طبق موازین عقلی و دینی عمل نمایند؛ یعنی پوشش را به صورت جدا و عفاف را در موضع دیگری متذکر گشت، اما در مرحله ظهور بروز و با نگرش اجتماعی به مشکلاتی برخورد خواهیم کرد؛ چنانچه امروزه، عواقب آن دامنگیر جامعه و مردم ما شده است. به عنوان مثال زنی که چادر به سر کرده اما با هزاران ناز و ادا آرایش و رفتارهای دل فریب وارد جامعه می شود و در مقابل، زنی که بدون چادر وقتی با موی نمایان در جامعه رفت و آمد می کند، اما در رعایت مواضع رفتاری و گفتاری، حریم خود و دیگران را به خوبی نگه می دارد، باعث می شود نگرشی نامطلوب و منفی نسبت به چادر، حجاب و در نهایت برداشت نادرستی به ایمان و دینداری صورت پذیرد.

نکات پوششی "

۱. نازک نباشد

رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم فرمودند: «**هلاکت زنان امت من در دو چیز است: (حرص به) جمع نمودن طلا و پوشیدن لباس های نازک**».^۱

لباس نازک تنها برای زن و شوهر جائز است و برای سائر افراد محرم به علت تحریک شدن قوای جنسی جائز نیست.

۲. حجم نما نباشد

امام صادق علیه السلام فرمودند: «**از جمله عهد و پیمان هائی که رسول خدا از زنان امت خود گرفت این است که پوشش های خود را به بدنشان نیچند**».^۲

مسئلاً لباس های حجم نما (اندام ما) باعث تحریک قوه جنسی در افراد می شود و تنها زن و شوهر حق چنین نمایشی را برای یکدیگر دارند؛ حتی خواهران در برابر برادر و برادر پدر و برادر در برابر خواهر نباید از لباس های اندام نما استفاده کنند.

۳. کل بدن را بپوشاند

امام صادق علیه السلام فرمودند: «**جائز نیست زن مسلمان مقنعه و پیراهنی را بپوشد که بدنش را نپوشاند**».^۳

۱- ارشاد القلوب ج ۱ باب ۵۱ ص ۱۸۳ به نقل از درسنامه حجاب ص ۵۱ - ۲ کافی ج ۵ ح ۶ ص ۵۱۹ همان ص ۵۲۱ - ۳. کافی ج ۳ ح ۱۴ ص ۳۹۶ همان ص ۵۲

بر اساس این حدیث می توان به اشتباه عده ای از زنان پی برد که صرف پوشیدن یک مانتوی کوتاه، فکر می کنند حجاب را رعایت کرده اند، در حالی که قسمت زیادی از پاهای آنان نمایان است. اگر بنا بود لباس پوشیدن زنان همانند مردان صرف نمایان بودن پوست بدن باشد، بحث حجم نمائی و... به میان نمی آمد. بنابراین زنان باید به گونه ای لباس بپوشند که اندان بدن آنها نمایان نباشد؛ زیرا نمایش اندام و حجم بدن مساوی با تحریک جنسی دیگران می باشد.

۴. جذاب نباشد

امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای زن مسلمان شایسته نیست که وقتی از خانه بیرون می رود، لباس هایش را برآق نماید».^۱

بنابراین پوشیدن لباس هایی به خاطر مدل یا رنگ آن جلب نظر می نماید با فلسفه و هدف حجاب که مصونیت بخشی به زن و جلوگیری از تحریک جنسی در سطح جامعه است، در تضاد می باشد. حتی در مهمانی های فامیلی باید در برابر نامحرمانی هم چون شوهرخواهر، پسر عمو، پسر دایی و... مراعات چنین لباسی را نمود.

نکات رفتار "

۱. راه رفتن

«وَلَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت هایشان پیدا شود».^۲

بر اساس آیه فوق، زنان باید هنگام راه رفتن به گونه ای راه بروند که باعث جلب توجه نشوند. بنابراین از دویدن در برابر نامحرم، پوشیدن کفش هائی که سبب جلب توجه می شود و ورزش کردن در برابر نامحرم باید پرهیز کرد. هرچند امروزه دوچرخه سواری، اسکیت بازی، اسب سواری و بازی های تحرکی بسیاری در پارک ها و طبیعت بسیار رواج یافته است.

۲. آرایش کردن

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین ظاهر نشوید».^۳

بر طبق آیه فوق آرایش زن باید منحصر در خانه و در برابر شوهر خویش باشد؛ زیرا هیچ دلیلی منطقی برای آرایش در سطح جامعه وجود ندارد جز آنکه از هوا و هوس آدمی نشأت می گیرد.

مراجع تقلید از آیات قرآن مجید استنباط کرده اند که اگر دست ها و صورت را هم آرایش کرده باشند، باید (واجب است) از نامحرم بپوشاند. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و زینت خود را آشکار نکنند».^۴ «زینت» در دیدگاه علماء مطلق آرایش است.

۱- الفقیه ج ۳ ح ۴۵۲۲ ص ۴۴۰ همان ص ۵۳. ۲- نور/۳۱. ۳- احزاب/۳۳. ۴- احزاب/۵۹

۳. نگاه کردن

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ به مردن مؤمن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است.»^۱

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند.»^۲

نگاه کردن نیز از مقوله رفتاری است که باید زن و مرد به آن توجه بسیار داشته باشند؛ زیرا قوت تأثیر نگاه در جذب شدن هریک از زن و مرد به یکدیگر بسیار است. بنابراین باید از نگاه های ممتد (امتداد دار) و در صورت اختیار از نگاه های آنی (لحظه ای) پرهیز شود.

۴. ارتباط

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ؛ هنگامی که چیزی از وسائل زندگی را از آنان (همسران پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل های شما و آنها بهتر است.»^۳

در مسئله ارتباط نیز باید زن و مرد حریم یکدیگر را رعایت کنند؛ زیرا در مسئله ارتباط دو عامل گفتار و نگاه وجود دارد که هر دو در کشش متقابل بسیار قوی عمل می کند. از نمونه های زیبای قرآنی در این مسئله، عملکرد دختران حضرت شعیب علیه السلام است که در آیه ۲۳ از سوره مبرکه قصص چنین نقل شده است: «هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به چاه آب مدین رسید، دید گروهی از مردم چهارپایان خود را آب می دهند ولی در کنار آنها دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند. به آنها گفت: چرا گوسفندان را آب نمی دهید؟ گفتند: تا چوپان ها همگی خارج نشوند، آب نمی دهیم.»

امروزه نه تنها این ارتباط ها رعایت نمی شوند بلکه به خاطر وارد کار بازار شدن زنان و مهمانی های دسته جمعی ارتباط زن و مرد بیشتر شده است تا جایی که به شوخی نیز می انجامد. حتی در صدا و سیما بی هیچ ضرورتی یا کارشناس زن است و مجری مرد یا بالعکس. در حالی که رعایت این ارتباط حکمی الهی است و باید در رعایت آن نهایت دقت را نمود هرچند این ارتباط به گمان بعضی ها بر آنها تأثیری ندارد.

نتایج ارکان حجاب "

۱. حجاب امری تشکیکی است

با قرار دادن لفظ حجاب برای اعم از پوشش و رفتار و گفتار بین زن و مرد، می توان حجاب را امری تشکیکی قرار داد؛ زیرا پوشش مراتبی دارد که حدّ عریانی آن تنها برای شوهر و همسر بوده و بیشترین حدّ پوشش در برابر نامحرمان ترسیم شده است.

۲. نمایش یک تار مو هم غلط است

با پذیرش حجاب، دیگر سخن از نمایاندن یک تار مو و پوشش قسمتی از بدن یا تمامی آن به

۱- نور/۳۰. ۲- نور/۳۱. ۳- احزاب/۵۳

میان نخواهد آمد؛ زیرا در حجاب، سخن از رعایت حقّ الهی بوده و در این رعایت، جزء و کلّ مطرح نیست. هم چنین جای هیچ استثناء و تخصیصی باقی نمی ماند تا تفاوتی بین پسرعمو و پسرزنی با مردان کوچک و بازار قائل شویم یا برادرشوهر و خواهرزن را مستثنای از سائر نامحرمان بدانیم.

فلسفه حجاب "

فلسفه حجاب بر اساس آیات قرآن مجید جز پاکدامنی و طهارت قلبی و حفظ انسانیت نیست به چند نمونه از این آیات توجه نمائید:

۱. در آیه ۵۳ از سوره مبارکه احزاب زمانی که می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ». علت آن را چنین ذکر می کند: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ». این امر هم برای سؤال کننده و هم برای سؤال شونده مفید بوده و باعث تطهیر قلبی آنان می گردد؛ یعنی سیر حرکتی در مسیر تکاملی رو به جادیت الهی.

۲. در آیه اول سوره مبارکه نور می فرماید: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ؛ ما این سوره را نازل کردیم و آن را واجب گردانیدیم و آیات محکمی در آن بیان کردیم، شاید شما متذکر شوید».

با توجه به اهتمام شدید این سوره در مورد پاکدامنی و حریم روابط زن و مرد، می توان منظور از حجاب را همان رستگاری دانست؛ چنانچه در پایان آیه ۳۱ همین سوره که در مورد حریم رفتاری زن و مرد بحث می کند، می فرماید: «وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنِينَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

در صدر آیه دوم از همین سوره نتیجه عدم پاکدامنی را چنین ذکر می کند: «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجِلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ صَٰلِحٌ وَ لَيْشَٰهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ».

۳. خداوند متعال بعد از نهي از نگاه به زنان، نتیجه آن را تزکیه و پاکی معرفی می کند و می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»^۱.

پس بهتر نیست مبلغان دین الهی و مسئولان فرهنگی در کشور اسلامی با ترویج معنای صحیح حجاب زمینه ساز عفت و پاکدامنی جامعه شوند تا اسباب پیاده شدن احکام الهی فراهم گردد؟!

فلسفه حجاب در نماز "

چون حجاب برای زنان بهترین حالت محسوب می شود، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت که خداوند متعال فرموده برای ابراز عبودیت در پیشگاه ربوبی

حاضر کند. به فرض شما می خواهید به دیدار شخصی بسیار بزرگی بروید، آیا سعی نمی کنید آداب ظاهری خود را رعایت کنید؟! همچنین نماز در عین آنکه یک عبادت است و یک فرهنگ به شمار می رود، یک کلاس بزرگ و پربار است که درس های مختلف می آموزد. یکی از درس هایش این است که درس حجاب را به زنان می آموزد و آنها را عملاً به حجاب دعوت می کند.

با توجه به اینکه به پنج بار در شبانه روز، زنان مسلمان پنج مرتبه با حجاب کامل اسلامی با خداوند متعال ارتباط برقرار می کنند و همچنین تکرار عمل و تمرین آن، چگونگی حجاب را به آنها یاد می دهد و اجرای این دستور مقدس را برای آنها به یک عبادت خوب در می آورد و پیوندشان را با حجاب محکم می سازد.

منشأ حجاب"

در اینکه حجاب از کجا نشأت گرفته و چه عامل یا عواملی می تواند باعث شکل گیری آن شود، دو عامل اساسی نقش مهمی دارد: یکی دین و دیگری عقل.

در نظام های مبتنی بر دین، اولین و اساسی ترین عامل در طرح و شکل گیری حجاب، دین می باشد. علاوه بر آنکه عقل، به یاری دین آمده و با ذکر خوبی ها و بدی ها بود و نبود پوشش مناسب و رفتار معقول بین زن و مرد، ضرورت وجود قاعده ای به نام حجاب را متذکر می شود و در نظام های غیردینی، عامل اساسی در طرح حجاب، عقل و کرامت انسانی است.

منشأ بی حجابی"

نادانی و ناتوانی پایه و اساس بی حجابی است؛ زیرا افراد بی حجاب و بد حجاب یا به حکمت دینی و عقلی آن واقف نبوده و در نتیجه بدان عمل نمی کنند یا آنکه ضرورت وجودی حجاب را درک کرده اما در عملی کردن آن ناتوانند؛ ناتوان از تسلط کردن خوی انسانی بر خوی حیوانی و شهوانی خویش؛ زیرا چنان اصالت را به بدن داده که گوئی روحی در میان نیست و انسان فقط در جسم و جسمانیت خلاصه گشته است. از این رو تنها به دنبال رفع نیازهای جسمی خود از قبیل خوراک، پوشاک، شهوت و ... برمی آیند.

در نظام های دینی، بی ایمانی منشأ عجز و ناتوانی از تسلط خوی انسانی بر خوی حیوانی و شهوانی است؛ زیرا حقیقت ایمان بعد از پذیرش حقائق والای جهان، مثل خداوند متعال، معاد، نبوت، ملائکه، قرآن و باور قلبی نسبت به آنها، عمل کردن به این پذیرش است. یعنی عمل نمودن به آنچه انبیاء علیهم السلام از طریق وحی از جانب خداوند متعال برای سعادت اخروی و دوری از شقاوت ابدی معرفی کرده اند.

در نظام های غیردینی، حیوان صفتی و مادی گرایی عامل ناتوانی از تسلط خوی انسانی بر خوی حیوانی است، زیرا افق دیدشان فراتر از ماده نمی رود.

عامل پذیرش حجاب"

پذیرش حجاب مربوط به ذهن و فکر آدمیان می باشد. اصلی ترین و مهم ترین عامل پذیرش حجاب، علم و آگاهی است. چنانچه جهل، ریشه همه مفاسد و معایب در عالم است. هرگاه انسان بر فوائد، خوبی ها و کارکردهای حجاب علم پیدا نماید و تصور صحیحی از حجاب و معرفت کافی نسبت به ضرورت آن داشته باشد، ناخودآگاه وجود حجاب را به عنوان یک قاعده ضروری برای فرد و جامعه می پذیرد. بدین خاطر در دین اسلام، علم گرایی و تعقل مورد سفارش اکید قرار گرفته است.

دستیابی به چنین علمی از طریق مشاهده وضعیت اسف بار جوامع برهنه و بررسی فوائد حجاب از زوایای گوناگون، امکان پذیر است. علاوه بر آن در نظام های دینی از طریق رجوع به منابع دینی و احکام الهی می توان به چنین علمی دست پیدا کرد.

بشر امروز، از سر جهل نادانی اصالت را به بدن داده و آن را معیار افکار و اندیشه های خود دانسته و در نتیجه قوانین زندگی خود را بر اساس رفع نیازهای جسمی خود پی ریزی می کند. از جمله این قوانین، رفع نیازهای جنسی به صورت آزاد و بی حد و حصر است علاوه بر این در نظام های دینی جهل از احکام و مسائل دینی به کمک این عدم پذیرش حجاب آمده است.

زبان بی زبانی حجاب و بی حجابی

هر فعل و کاری جدا از نیت و فکر انجام دهنده آن، زبانی برای خود دارد که می تواند قابل دقت و اهمیّت باشد که در پاره ای مواقع، همنوا با نیت فرد و در بعضی موارد مخالف با قصد و نیت او می باشد. حجاب و بی حجابی نیز از این مسئله مستثنی نبوده و جدا از فکر و نیت فرد باحجاب یا بی حجاب، دارای زبانی است که به قول معروف با زبان بی زبانی، حرفی، فکری و مفهومی را به مخاطب و بیننده منتقل می کند.

پس ای خواهر گرامی! بدان بی حجابی شما یعنی نوع لباس پوشیدن و نوع رفتارتن با نامحرم به صورت آزاد و بدون رعایت احکام شرعی و الهی، زبانی دارد که ممکن است در ذهن دیگران تفکری را نسبت به شما ایجاد کند که حتی روح و فکر شما از آن بی خبر باشد. پس، به گفته های بی حجابی خود گوش فرا دهید تا شاید تنبّهی حاصل شود:

بی حجابی، فریاد حمایت از مردان هرزه است.

هر مرد هرزه ای با دیدن زن بی حجاب یا بد حجاب بر هرزگی خود می افزاید و به صرف دیدن اندام و نوع رفتار زن بی حجاب یا بد حجاب، او را آماده بهره وری می پندارد.

بی حجابی، فریاد رسمیّت یافتن زن به عنوان مادینه است.

وقتی زن، اندام زیبا و محرک خویش را با پوششی زیبا نمایان سازد و بر ناز و کرشمه خود بیفزاید، بدون در نظر گرفتن قصد و نیت آن، نوعی اعلام وجود برای بهره وری جنسی می باشد.

بی حجابی، فریاد کالا شدن زن به جای انسان بودن زن است.

بی حجابی، فریاد خروج از انسانیت و مرتبه انسانی است.

بی حجابی، فریاد مبارزه علنی با خداوند متعال است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: ای خدا، من کاری به دستورات تو ندارم حتی نسبت به آنها بی اعتنا هستم و اصلاً آنها را قبول ندارم.

بی حجابی، فریاد خروج از بندگی است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: در این جهان آزادم و تنها خود مالک خویش هستم.

بی حجابی، فریاد سرویس دهی عمومی جنسی از طرف زنان برای مردان است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: من آماده تأمین نیازهای شما مردان هستم.

در مقابل، زبان بی زبانی حجاب می گوید:

حجاب، فریاد جلوگیری از توهین به زن است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: هرکس و ناکسی حق تعرض به من را ندارد.

حجاب، فریاد احترام دائمی است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: من هم یک انسانم و کسی حق ندارد به چشم غیرانسان به من نگاه کند.

حجاب، فریاد مبارزه با حیوانیت است.

حجاب، فریاد دفاع از شرافت و کرامت زن است و گوئی با زبان بی زبانی می گوید: ای مرد! تو حق دست درازی و سلب شرافت و کرامت من را نداری؛ زیرا من یک انسانم و دارای کرامت نسائی و الهی هستم.

پاسخی زیبا به «الإنسانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ»

برخی می گویند معنای «الإنسانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ» در مورد این است که چون مردم را از نگاه کردن به زنان منع کردیم و زنان را بدون چادر منع نمودیم، کوشش مردان در نگاه به زنان، بیشتر و پی گیری و جست و جوی آنان از مسائل مخفی زیادتز می شود. پس با بودن حجاب زنا بیشتر می شود. بنابراین نبودن حجاب نفع بیشتری دارد.

در پاسخ می گوئیم: اولاً مقتضای این، آن است که حجاب برای زنان حرام باشد؛ زیرا در صورتی که فرض شود منفعت و مصلحت بی حجابی بیشتر از حجاب و مفسده اش کمتر از حجاب است، لازمه آن، حرمت حجاب خواهد بود، زیرا شارع مقدس به چیزی که در آن مفسده نیست، نهی نمی کند.

پس در صورتی که عدم حجاب سبب کم شدن زنا می شود، لازم است که نبودن حجاب، واجب و بودن حجاب، حرام باشد. برای آنکه مصلحت و مفسده مذکور با اهمیّت است و عقلاً و شرعاً باهم ملازمت دارند.

ثانیاً اگر چنین است که انسان، حریص بر آن چیزهایی است که او را از آن منع کرده اند، پس چرا ما حریص به خوردن سمّ و کثافات نیستیم؟ مگر نه این است که ما را از آن منع کرده اند؟! آیا جز این است که معائب و خطرات هولناک سمّ و کثافات را به خوبی می دانیم؟! پس بهتر نیست کمی با دیده دقّت و بصیرت در معائب و مفاصد بی حجابی نیز نگاه کرده تا منع آن را نوعی نیکی و خیر و باعث عاقبت به خیری بدانیم؟!!

سخنی با خواهران مسلمان "

هیچ وقت دیده نشده که طلا فروشان، طلاهای خود را در ظرفی قرار دهند و آن را روی سر بگذارند و در میان بازار و خیابان ها حرکت کنند، بلکه طلاها را در گاوصندوقی بزرگ پنهان می کنند؛ زیرا می دانند این جنس ارزشمند دزد زیاد دارد لذا در نگهداری آن بسیار تلاش می کنند. عفت، زیبایی و حیای زن، مانند طلائی می ماند که دزد زیاد دارد، به همین خاطر عاقل، فردی است که آن را از دست دزدان دور نگه می دارد و آن را در گاوصندوق قرار می دهد، باید دانست که گاوصندوق گوهر زن، حجاب است. حجاب یعنی پوشاندن تمام بدن به وسیله چادر. اگر درب گاوصندوق شما ذره ای باز باشد دزد می تواند به راحتی دستبرد بزند و اگر کاملاً باز باشد خیلی راحت تر دست به سرقت می زند یعنی اگر مقداری زینت ها را آشکار و واضح کنید یا تمام آنها را، در هر دو صورت راه را

برای هوسبازان باز گذاشته آید. پس با داشتن پوشش کامل خود را از دست نگاه های مردان هوسباز حفظ کنید.

حجاب پیش از اسلام"

پوشی	زنان	عرب	قبل	از	اسلام
شواهد متعددی از قرآن حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع از پوشش مناسب و مطلوبی برخوردار نبودند. به همین دلیل همسران پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ</small> سلم از متابعت آن <small>الگو</small> منع می شوند:	متابعت	آن	الگو	منع	می شوند:
«يا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید. و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت اول زینت های خود را آشکار نکنید» ^۱ .	زینت های خود را آشکار	خود را آشکار	را آشکار	منع می	شوند:
دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص ها و کاستی ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:	فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:	فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:	فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:	فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:	فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:
«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللهُ غَفُورًا رَّحِيمًا؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهربان است» ^۲ . همین نکته، از آیات سوره مبارکه نور نیز که درباره آن ها بحث خواهد شد، فهمیده می شود. شأن نزول آیه ۳۰ سوره مبارکه نور اشاره ای به کیفیت پوشش قبل از دستور حجاب دارد. در این شأن نزول آمده است «كَانَ النِّسَاءُ يَتَقَنَّ خَلْفَ أَدَانِهِنَّ؛ زنان دنباله مقنعه خود را به پشت گوش های خود می انداختند». بنابراین، گلو و بنا گوش آن ها هویدا بود. تاریخ پژوهان نیز این نکته را که زنان جزیره العرب از حجاب مناسبی برخوردار نبودند، تأیید می کنند ^۳ .	تأیید می کنند	تأیید می کنند	تأیید می کنند	تأیید می کنند	تأیید می کنند

حجاب در قرآن"

مسئله حجاب در دو سوره از سوره های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به طور اجمال در سوره احزاب آیه ۵۹ مطرح شده و سپس با تفصیل بیشتر در سوره نور آمده است:

«وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار

۱- احزاب/۳۲ و ۳۳. ۲- احزاب/۵۹. ۳- الأنوار تألیف ابوالحسن بکری

نگردانند مگر آن چه طبعاً از آن پیدا است، و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمت کاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت شان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان! همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.»^۱ «وَأَلْفَوْا عُدَّ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ بر زنان از کار افتاده ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند، و عفت و ورزیدن برای آن ها بهتر است و خدا شنوای داناست.»^۲

در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... » جناب کأینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: « جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش های خود می انداختند. وقتی زن از کنار وی گذشت جوان سر را به عقب برگرداند و هم چنان که راه می رفت وی را نظاره می کرد و وارد کوچه ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می کرد به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه شیشه ای که از دیوار بیرون زده بود برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند خدمت رسول خدا می رسم و او را از این مسئله خبر دار می کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جویا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَى لِهِمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.»^۳

از این شأن نزول می توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

گزارش های تاریخی حاکی از آن است که مسلمانان بعد از نزول این آیات، رویه متفاوتی را پیش گرفتند و با شنیدن این آیات به ضرورت ایجاد تغییرات و دگرگونی هایی در چگونگی پوشش زنان پی بردند و به همین دلیل بعد از نزول این آیات، زنان با پوشش های متفاوتی در اجتماع حاضر می شدند. مثلاً طبری (۲۴۴-۳۱۰ ق) در تفسیر خود آورده است: «عن عائشه زوج النبي (صلى الله عليه وآله) أنها قالت يرحم الله النساء المهاجرات الاول لما انزل الله «و ليضربن بخرمهن...» شققن اکتف مروطن فاخترن به؛ رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم ترین پوشش های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند.»^۴

سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) نیز به سند خود از ام سلمه نقل می کند: «بعد از نزول آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» زنان انصار از منازلشان با پوشش های مشکی خارج می شدند به گونه ای که به نظر می رسید بر سر ایشان کلاهی نشسته است.»^۴ در کلام دیگری آمده است که نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد.

۱- نور/۳۱. ۲- کافی ج ۵ ص ۵۲۱. ۳- المیزان ج ۱۵ ص ۱۱۶. ۴- الدر المنثور ج ۵ ص ۲۲۱

او گفت: «زنان قریش صاحبان فضیلت اند اما به خدا قسم من در پای بندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم. وقتی آیه «**وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ**» نازل شد و مردان این آیه را در خانه ها بر زنان خود خواندند، بعد از آن هر یک از آن زنان با لباس خود، سر و کناره های صورتش را می پوشاند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند به گونه ای که خیال می کردی بر سر آن ها کلاغ نشسته است.»^۱ از آنچه گذشت معلوم می شود که برداشت مردم از این آیات، ضرورت تجدید نظر در چگونگی حضور زنان در اجتماع و بین نامحرمان بود. فقهاء و مفسران نیز مفاد این آیات را وجوب پوشش خاص برای زنان در برابر مردان نامحرم دانسته اند.^۲

تاریخ نزول سوره های احزاب و نور

به اتفاق دانشمندان علوم قرآن سوره های نور و احزاب از سوره های مدنی قرآن هستند. بر اساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنجم هجری است چهارمین یا پنجمین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله سلّم نازل شد و سوره نور نیز بعد از سوره نصر که بعد از صلح حدیبیه [سال ششم هجری] و قبل از فتح مکه [ماه رمضان سال هشتم] در مدینه بر پیامبر صلّ الله علیه و آله سلّم نازل شده است.^۳ محققان تاریخ اسلامی نیز معتقدند که سوره نور به طور تقریبی در سال هشتم هجری آغاز شد، زیرا این سوره بعد از سوره نصر که در سال هشتم نازل شد و در تاریخ نقل شده که پیامبر صلّ الله علیه و آله سلّم بعد از این سوره دو سال در قید حیات بود و سوره نور بعد از سوره احزاب که نزول آن از آغاز سال پنجم شروع شد، نازل شده است. به روایت ابن عباس چندین سوره بین زمان نزول سوره نور و احزاب فاصله شده است.^۴

شواهد روایی

شواهد روایی متعددی نیز گویای این نکته اند که حجاب در زمان رسول خدا واجب شد و آن جناب با کسانی که خود را با وضعیّت جدید وفق نداده بودند و هنوز از پوشش مرسوم گذشته استفاده می کردند برخورد می کرد و تذکر می داد. در روایاتی از سوی رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم محدوده حجاب بیان شده است. به عنوان نمونه در روایتی آمده است که نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن (درع)، روسری (خمار)، پوششی وسیع تر از روسری که بر روی سینه می افتد^۵ (جلباب) و چادر (ازار).^۶ شیخ صدوق به سند خود از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران خود از رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم نقل می کنند که آن حضرت فرمود: «**روا نیست زنی که به دوران عادت بلوغ رسیده مو و گیسوان خود را آشکار کند.**»^۷

۱- همان ص ۴۲. ۲- کنزالعرفان ج ۲ ص ۲۲۰-۲۲۴. ۳- المیزان ج ۲۰ ص ۳۷۶-۳۷۷. ۴- حدیث الأفک ص ۱۲۹. ۵- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین. ۶- من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۶۷

در روایت دیگری آمده است که «برای پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم چند قواره پارچه آوردند. پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم قواره ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود که این را دو قسمت کن: قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود روسری کند. بعد به وی فرمود: «به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد».^۱ هم چنین در روایتی آمده است که پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم با جابر بن عبدالله انصاری به خانه فاطمة سلام الله علیها رفتند. پیامبر اجازه ورود خواست و فرمود من و کسی که همراه من است وارد شویم. حضرت فاطمة سلام الله علیها فرمود: روسری بر سر ندارم. پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم فرمود: قسمت اضافه روپوش خود را بر سر خود بگیر و بعد پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم و جابر بر حضرت زهراء سلام الله علیها وارد شدند.^۲

برخی روایات نشان می دهد زنانی که خود را با وضع جدید تطبیق نداده بودند مورد اعتراض قرار می گرفتند. عایشه می گوید: «دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه ام آمد. در همان هنگام پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند».^۳

در گزارش دیگری نیز عایشه می گوید که: «اسماء دختر ابی بکر در حالی که پوششی نازک بر تن داشت بر پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم وارد شد. پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم از وی روی گرداند و به وی فرمود: ای اسماء! وقتی زن به سنی رسید که عادت ماهانه برای او اتفاق می افتد جایز نیست که جز صورت و دست وی تا قدری بالای مچ در معرض دید دیگران قرار گیرد».^۴ قبل از غزوة طائف دو نفر که عموم مردم «غیر اولی الاربه؛ مردی که از زن بی نیاز است.» به حساب می آوردند جمال و وضع ظاهری زنی از اهالی طائف را تعریف می کردند که چنین و چنان است. پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم سخن ایشان را شنید و درباره این دو نفر فرمود: می بینم که شما دو نفر به زنان تمایل دارید (غیر اولی الاربه نمی باشید) آن گاه دستور داد آن دو را به محلی به نام «عرایا» تبعید کردند.^۵ این قضیه حاکی از آن است که قبل از فتح طائف که در شوال سال هشتم هجری اتفاق افتاد، مسئله حجاب و رعایت حریم زنان مطرح بوده است.

این روایات اگر چه از نظر سند و دلالت نیازمند بررسی است، اما روی هم رفته حاکی از این موضوع است که حجاب قبل از آن که بین مسلمانان و ایرانیان یا رومیان ارتباطی برقرار شود، تشریح شده و پشتوانه ای دینی داشته است و چنین نبود که پس از تعامل با دیگر ملل، بین مسلمانان پیدا شده

زمان بر قراری ارتباط میان اسلام و ایران و روم
سر آغاز ارتباط ایرانیان و رومیان با اسلام به زمانی باز می گردد که رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم تصمیم گرفت دعوت خویش را گسترش داده و ایران و روم و ملل دیگر را به اسلام دعوت نماید. بر اساس گزارش های تاریخی، پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم در سال ششم هجری برای حاکمان ایران و روم

با مسلمانان تا زمان خلیفه دوم در همین حدّ باقی ماند و در دوره حکومت خلیفه دوم که مسلمانان

۱- سنن ابی داوود ج ۲ ص ۲۷۲. ۲- کافی ج ۵ ص ۵۲۸. ۳- جامع البیان ج ۹ ص ۳۰۵. ۴- الدر المنثور ج ۵ ص ۴۲. ۵- وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۲۰۵

ایران را فتح کردند ارتباط تنگاتنگی میان آن ها به وجود آمد و زمینه تأثیر گذاری ها و تعامل فرهنگی فراهم شد. ارتباط میان رومیان و مسلمانان نیز به همین دوران باز می گردد. با مقایسه ای سطحی میان تاریخ نزول آیات حجاب و تشریح حجاب در اسلام و زمان پیدایش ارتباط میان مسلمانان عرب و دیگر ملل، نادرستی پندار تسری حجاب از سایر ملل به اسلام عیان می گردد.

شواهدی

متعارضی

به رغم آن چه گفته شد با گزارشهایی روبه رو می شویم که حاکی از آن است که مردان نامحرم با زنانی برخورد نموده و آن ها را شناخته اند. به عنوان نمونه، سبیه دختر حرث که همسر سعد پسر خوله از قبیله بنی عامر بود و در جنگ بدر حضور داشت می گوید: «شوهرم در سال حجة البلاغ از دنیا رفت و من حامله بودم و بعد از مدت کوتاهی از فوت او وضع حمل کردم و پس از پشت سر گذاشتن دوران نقاهت، خود را آرایش کردم. مردی به نام ابوالسنابل پسر بعک از قبیله بنی عبدالدار بر من وارد شد و وقتی مرا در آن حال دید به من ایراد گرفت که چرا آرایش کردی؟ می خواهی ازدواج کنی! به خدا قسم تو تا چهار ماه و ده روز نباید چنین کنی! سبیه می گوید: با شنیدن این سخنان خود را جمع کردم و شب هنگام خدمت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم رسیدم و مسئله را از او سؤال کردم. او به من چنین دستور داد: با وضع حمل، دوران عده تمام شده و اگر بخواهی می توانی ازدواج کنی»^۱.

این نقل به روشنی دلالت می کند که در سال آخر عمر رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم و بنا بر شواهدی که گفته شد بعد از گذشت حدود دو سال از زمان وجوب حجاب، زنی مسلمان در برابر نامحرم به گونه ای حاضر شده که مرد نامحرم وی را شناخته است. آیا این گزارش ها با وجوب حجاب در آن دوره منافاتی ندارد؟ این گزارش ها با توجه به آن چه در این نوشتار استنباط شده چگونه قابل جمع است؟

اگر فرض را بر صحت این گزارش ها قرار دهیم و تعارضی بین این گزارش ها و شواهد داخلی آن وجود نداشته باشد به چند صورت می توان بین این گزارش ها و وجوب حجاب در آن زمان جمع کرد:

۱. بر فرض صحت نقل ها وقتی انسان گزارشی را به صورت های گوناگون و با زیاده و نقصان مشاهده می کند، چگونه می توان به جزئیات مطرح در این گزارش ها بهاء داد و بر آن استناد کرد و در نتیجه با مطالبی قطعی یا دست کم مطالبی که از در صد قطعیت بالایی برخوردار است معارض دانست؟ این نکته با توجه به آن چه در تاریخ حدیث به اثبات رسیده که اهل سنت دست کم در سده اول هجری از ثبت و ضبط احادیث اجتناب کردند بسیار موجه است و شاید به همین دلیل است که در فقه روایات نبوی چندان کاربردی ندارد. شعرانی درباره روایاتی که به طور گوناگون نقل شده است معتقدند: آن چه از این روایات در این موارد می تواند مورد استناد قرار گیرد چکیده سخن است که مردم به طور معمول قادر بر حفظ و ضبط آن هستند و خصوصیات الفاظ و کلمات به دلیل مختلف بودن قابل استناد نیستند.^۲

۱- صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۳. ۲- الوافی ج ۲۱ ص ۴۷۴

این که ثابت شود که مربوط به بعد از وجوب حجاب است، می توان نتیجه گرفت در آن زمان صورت زن ها باز بوده و بنابراین، دستور پوشش شامل صورت نمی شود. چنان که برخی از حدیث «خثعمیه» چنین استنباط کرده اند.^۱ شاید بتوان گفت این استنباط، منوط به این است که پای بندی فردی که این رفتار از وی مشاهده و گزارش شده به دستورهای شرع مقدّس اثبات گردد. در پاسخ به این سؤال که آیا در این موارد سکوت معصوم تقریر رفتار وی حساب نمی شود، باید گفت ممکن است اعتراض معصوم نقل نشده باشد.

پرده

نشینی

ممکن است کسانی که مدّعی شده اند که حجاب از ایران و روم بین اعراب مسلمان راه یافته، مقصودشان از حجاب پرده نشینی زنان باشد. شهید مطهری بعد از تخطئه این ادّعاء که حجاب از ایران یا جای دیگری به اسلام وارد شده باشد و ارائه شواهد مختصری بر این امر، می فرماید: «فقط بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیر عرب، حجاب از آن چه در زمان رسول اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم وجود داشت شدیدتر شد نه این که اسلام اساساً به پوشش زن هیچ عنایتی نداشته است».^۱

البته برخی سخت گیرهای از جانب خلیفه دوّم، حتّی در زمان حیات رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم گزارش شده که در برخی موارد با عکس العمل برخی زنان رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم رو به رو شده است. صحّت و سقم این گزارش ها و در مرحله بعد یافتن منشأ این طرز فکر امری در خور برّرسی و پژوهش است.

برخی محققان نیز منکر پشتوانه دینی برای نقاب زدن و برقع بر چهره افکندن شده اند و آن را رسمی دانسته اند که از دیگر ملل وارد فرهنگ اسلامی شده، البته این خود نیازمند تحقیقی مستقل است.^۲

اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مرسوم بوده است اما حجاب در بین زنان عرب نشأت گرفته از اقوام دیگر نیست. حکم حجاب به طور واضح در سال هشتم هجری نازل شد و این زمانی بود که هنوز اسلام از جزیره العرب پای بیرون نگذاشته بود و به دنبال آن، زنان مسلمان عرب از این دستور پیروی کردند. در دو سال باقیمانده از عمر رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم گزارش هایی موجود است که آن جناب با کسانی که هنوز خود را با وضعیّت جدید تطبیق نداده بودند برخورد می نمود.

حجاب در اسلام

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر از جمله ائین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوتی وجود دارد. در سرزمینی که اسلام در آن ظهور کرد زنان با صورتی گشاده و گریبانی چاک در معابر آمد و شد می کردند.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۹ ص ۳۹۰، ۲- دوائر الخوف ص ۲۴۰

برخی نویسندگان چنین اظهار نظر کرده اند که پوشش اسلامی نتیجه تعامل فرهنگی بین اعراب و ایرانیان و رومیان است و در نتیجه اسلام نسبت به چگونگی حضور زن در برابر نامحرم قانونی خاص ندارد و آن چه امروز به صورت دستوری شرعی در آمده، مستندی شرعی ندارد. این کتاب به تحقیق درباره صحت و سقم این نظر می پردازد. صرف نظر از مباحثی چون ادله حجاب، محدوده حجاب اسلامی، فلسفه آن و مباحث دیگر، یکی از مباحث لازم در این باره، بررسی پیشینه این حکم است، به این معنا که آیا اسلام خود قانون و دستور خاصی برای پوشش زنان در برابر مردان نامحرم ارائه داده است یا نه، رسم موجود بین بانوان مسلمان ریشه ای دیرینه دارد؟ ضرورت طرح این بحث از آن جا ناشی می شود که برخی مدعی شده اند: «ارتباط عرب با ایران از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام شد» و معتقدند که «حجاب رایج میان مسلمانان عادی است که از ایرانیان، پس از مسلمان شدنشان به سایر مسلمانان سرایت کرد».

پوشش در ایران، از باستان تا عصر حاضر

پارسیان قبل از اسلام

پارسیان روزگار باستان، خوش لباس بودند و شبیه مادها لباس می پوشیدند. آنها جز دو دست، باز گذاشتن هریک از قسمت های بدن را خلاف ادب می شمردند. ایشان شلوار و پیراهن کتابی و دو لباس رو داشتند. اختلاف لباس زنان و مردان در این بود که پیراهنشان شکاف داشت. پیراهن زنان تزئینات بسیار داشت و به رنگ های زنده ای بود.

برای پوشاندن سر از یک سربند استفاده می کردند که زیر چانه به وسیله دو سبب محکم می شد. روی این سربند نیز یک روسری بزرگ به نام «مکنو» می پوشیدند. پوشاندن موی سر طبق آئین باستانی معمول بود و اکنون نیز میان زنان زرتشتی متداول است.

حکومت ساسانیان

در اواخر سلسله ساسانیان به علت عیاشی و هرزگی خانواده سلطنتی، آلودگی مؤبدان و زوال دین زرتشتی، پوشش زنان تنها برای پوشیدن نبود بلکه مخفی کردن آنان از طمع شاهزادگان و مردان قدرتمند محسوب می شد.

پارسیان بعد از اسلام

پس از ورود اسلام به ایران، پوشش زنان ایرانی به لباس های عربی شباهت پیدا کرد ولی پوشاک روستائیان تغییری نکرد.

قرن سوم هجری

از حدود قرن سوم هجری به بعد اسلام در میان اقوام مختلف وارد گردید، زنان کارگر و دهقان و کنیزان تازه مسلمان، چون حجاب را مانع فعالیت های روزانه خود می دانستند، آن را به طور کامل

رعایت نمی کردند و پوشش میان طبقات ممتاز رواج داشت.

دوران صفویّه

از دوران صفویّه به بعد، مدارک زیادی در مورد پوشاک ایرانیان موجود است. در این دوره زنان ایرانی لباس های فاخر می پوشیدند که تفاوت کمی با لباس مردان داشت و هنگام بیرون آمدن چادر سفیدی می پوشیدند که سر تا پای آنها را غیر از چشم ها، مستور می نمود. این چادر میان فقیر و غنی یکسان بود. ظاهراً زنان کشاورز در ایران و عراق چهره های خود را نمی پوشیدند.

دوران زندیه و قاجار

در دوران زندیه و قاجار، چادر حجاب رسمی محسوب می شد؛ چادر هایی به رنگ بنفش و سیاه. صورت را نیز با روبندی از چلوار کلفت می پوشاندند. فقط زنان فقیر و چادر نشین و روستائی چهره خود را باز می گذاشتند.

نقاب نیز یکی از پوشش های چهره بود و از مو ساخته می شد. پوشش دیگر چهره «پیچه» بود که پارچه ای نیمه شفاف بود و سایبانی برای چشم داشت که اندکی برجسته بود و چشمان را کم و بیش می پوشاند. زنان هنگام خارج شدن از خانه چاقوری که زیر جامه در آن بگنجد به پا می کردند.

دوران ناصرالدین شاه

از دوران ناصرالدین شاه و در پی سفرهای او به خارج، تغییراتی در لباس زنان پدید آمد و شلیته ها (دامن های کوتاه) متداول شد. از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه تا وقوع مشروطه تغییر محسوسی ایجاد نشد.

پوشی بعد از مشروطه

بعد از مشروطه و ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی و ورود لباس های متنوع غربی و خیاطان و طراحان اروپائی مخصوصاً فرانسوی به تهران، کم کم سبک لباس ها تغییر کرد.

با تغییر جو سیاسی و اجتماعی، موضوع ورود زنان به اجتماع و رفع حجاب از آنها نیز مطرح گردید. عده ای رشد و پیشرفت زنان را مترادف با بی حجابی دانستند و در مقابل آنها برخی از روشنفکران و شعرائی مانند اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) این مسئله را عامل خطرناکی برای جامعه می دیدند.

نخستین زنان بی حجاب در تاریخ معاصر ایران

«قرّة العین» وابسته به باییت، اولین زنی است که پوشش خویش را برداشت. پس از مشروطیت نیز «تاج السلطنه» دختر ناصرالدین شاه از نخستین زنانی بود که بدون حجاب بیرون آمد.

نقش بهائیت در کشف حجاب

افکار باب و سنت شکنی هایش با اسلام در واقعه بدشت متجلی شد که عامل این سنت شکنی ها نیز طاهره قرّة العین بود او باعث شد حصار حجاب بشکند و دیگر اشخاص نیز از او تبعیت کنند. یکی

از این افراد صدیقه دولت آبادی بود که راه ننگین او را کورکورانه ادامه داد. اکنون برآتم تا شما را با این شخص آشنا کنم.

شهای از زندگی نامه صدیقه دولت آبادی

صدیقه دولت آبادی دختر هادی دولت آبادی اصفهانی می باشد. او دارای یک خواهر و پنج برادر بود که مشهورترین آن ها، یحیی دولت آبادی است.

صدیقه دولت آبادی خواندن و نوشتن را در محیط خانواده آموخت. او در سن پانزده سالگی با مردی بنام اعتضاد الحکماء ازدواج کرد اما پس از مدت کوتاهی از او جدا شد. شکست در ازدواج، بعدها در نگرش او نسبت به جنس مرد و سفارش به تأخیر در ازدواج دختران بی تاثیر نبود:

«ایشان آنقدر نسبت به جنس مرد حساسیت داشت که اصرار داشت که در روزنامه خودش تنها مقالاتی را به چاپ برساند که از طرف زنان و دختران باشد و حتی اگر مقاله ای از مردان در مورد مباحث مورد توجه این روزنامه هم بود باز هم به چاپ نمی رسید». صدیقه دولت آبادی از خانواده با نفوذ و متمولی بود و با تکیه بر همین ثروت خانوادگی توانست در سال (۱۲۹۷ش) انجمنی به نام «شرکت خواتین اصفهان» ایجاد کند.

بعضی از نویسندگان معتقدند که او برای زمینه سازی بی حجابی در بین زنان، شرکت «خواتین اصفهان» و دو سال بعد شرکت «آزمایش بانوان» را تشکیل داد. شاید بعضی از قوانین خاص شرکت او (مثلاً اگر دختری در سنین پایین ازدواج می کرد حق نداشت دیگر در شرکت او کار کند.) باعث عدم ازدواج و ترویج بی حجابی شده باشد.

وضع خانوادگی صدیقه دولت آبادی

پدر صدیقه دولت آبادی (میرزا هادی) و برادرانش، ملّس به لباس روحانیت بودند. به همین دلیل، بعضی از نویسندگان معتقدند که صدیقه دولت آبادی در خانواده‌ای مذهبی و روحانی پرورش یافت. با این حال گروهی از مورخان تصریح می‌کنند که دولت آبادی‌ها با آنکه ملّس به لباس روحانی بودند، «بابی یا بهائی» بودند؛ و اساساً اعتقادی به دین تشیع نداشتند و این لباس را بنا به مصالحی پوشیده بودند. احمد کسروی معتقد بود که میرزا هادی دولت آبادی (پدر صدیقه دولت آبادی) نیابت میرزا یحیی صبح ازل را دارد. (صبح ازل، لقب میرزا یحیی فرزند میرزا عباس از اهالی نور مازندران و مؤسس فرقه ازلیان است). ازلیان و بهائیان دو فرقه اند که پیشوای هر یک از این دو دسته خود را جانشین سید علی محمد باب شیرازی می دانند. چنان که می دانیم سید علی محمد در (۱۲۶۰ ه. ق) دعوی بابت و سپس دعوی مهدویت کرد. سرانجام به سال ۱۲۶۶ در تبریز به دار آویخته شد. پس از سید باب، پیروان او بر میرزا یحیی صبح ازل گرد آمدند و بهاء الله برادر او نیز متابعت وی را پذیرفت لیکن سرانجام میان دو برادر جدایی افتاد و کار به لعن و افتراء کشید؛ به تدریج اختلاف دو برادر بیشتر شد تا آنکه دولت عثمانی برای پایان دادن به جدال این طائفه، آنان را به «ادرنه» تبعید کرد.

در دوران تبعید، بهاء الله، دعوی من یظهره الله و زعامت فرقه را آشکار کرد و بابیان را به سوی خود خواند. جمعی از صبح ازل نیز برگشته و به او پیوستند. در نتیجه اختلاف و نزاع بین فریقین بالا گرفت و حکومت عثمانی که متوجه انشعاب بابیان گردید. صبح ازل و اتباعش را به جزیره قبرس و بهاء الله و پیروانش را به عگا تبعید کرد، رئیس فرقه ازلیان یکی از دو فرقه منشعبه از بابیه را عهده دار بود. مؤلف «تاریخ بیداری ایرانیان» نیز این نکته را تأیید کرده و می نویسد: میرزا هادی بعدها نیابت خویش را به حاجی میرزا یحیی (پسرش) واگذار کرد.

از سوی دیگر یحیی دولت آبادی، (فرزند میرزا هادی) در کتاب خودش از فرقه بابیه و بهائیت مکرراً تمجید کرده و شورش‌های آنها را توجیه می‌کند. او بابی‌ها و بهائی‌های اصفهان را انسان‌هایی مظلوم و بی پناه دانسته که توسط مراجع دینی شیعیان (خصوصاً آقا نجفی اصفهانی) در معرض انواع شکنجه و تلف شدن قرار گرفته‌اند.

انتساب خانواده دولت آبادی به فرقه بابیه تا جایی است که به گفته یحیی دولت آبادی مردم به صورت دسته جمعی در محلات اصفهان راه افتاده و در صدد قتل خانواده ایشان بر می‌آیند. عین عبارت یحیی دولت آبادی در این خصوص چنین است: «به خیال آنکه جمعیت آن‌ها زیاد شده و بتوانند به محله احمد آباد که خانه ما در آن محله است ریخته و برادرم را کشته... که اطرافیان و بستگان دولت آبادی‌ها مسلح شده و در صدد مدافعه بر می‌آیند و کنسول روس نیز افراد مسلحی برای دفاع از آنها اعزام می‌دارد و خودش نیز مستقیماً به دفاع از این خانواده بر می‌خیزد. دولت آبادی مسبب اصلی حمله مردم به آنها را مجتهد طراز اول اصفهان «آیت الله آقا نجفی اصفهانی» دانسته و می‌نویسد: «آقای نجفی خطر بزرگی به خانواده نگارنده متوجه کرد. نکته جالب توجه اقدام مستقیم کنسول روس در دخالت و کمک مستقیم او به خانواده دولت آبادی‌ها است، در حالی که می‌توانست به فرستادن نیروها اکتفاء کند. این واقعه، نشان دهنده شدت اهمیت خانواده دولت آبادی‌ها و دفاع از آنان برای روسیه می‌باشد.

اطرافیان سید محمد طباطبائی نیز از جمله کسانی هستند که اتهام بابیه و بهائی بودن را به خانواده دولت آبادی‌ها وارد کرده‌اند. شیخ فضل الله نوری و بعضی از علمای دیگر که در ماجرای مشروطه به قم مهاجرت کردند، همواره با خانواده دولت آبادی کدورت داشته‌اند. به گفته یحیی دولت آبادی، شیخ فضل الله سال‌ها با خانواده دولت آبادی‌ها ضدیتی داشته و در مجالس علناً نسبت به خانواده ایشان بدگویی می‌کرده است. سید عبدالله بهبهانی نیز از جمله کسانی بود که مسئله «بابی» بودن دولت آبادی‌ها را سر زبان‌ها انداخت.

چگونگی اعلام رسمی بی‌حجابی توسط رضاشاه

در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ هـ. ش شاه با اعضای خانواده اش در حالی که بی‌حجاب بودند، در مراسم جشن فارغ التحصیلی دانشسرای عالی شرکت کرد و رفع حجاب به طور رسمی اعلام گردید.

از آن به بعد اعمال بی‌حجابی از طریق رسمی به کارکنان دولت و با زور و اجبار در جامعه ادامه یافت. مأموران دولتی به زور چادر را از سر زن‌ها برمی‌داشتند. این مسائل با مخالفت علماء و مردم روبرو شد که از جمله حادثه خونین مسجد گوهرشاد را نیز در پی داشت. از آن پس، بی‌حجابی با فشار و تبلیغ اعمال گردید. این امور بیشتر معطوف زنان شهرنشین بود و زنان روستائی و ایلات و عشائر، اغلب لباس سنتی خویش را حفظ کردند.

اولین پادشاه در اقدام به کشف حجاب در غیر ایران

گویا نخستین فردی که اقدام به کشف حجاب کرد، امان الله خان، پادشاه افغانستان بود. او در سال ۱۳۰۶ هـ. ش با همسر بی‌حجاب خود در مجامع حضور یافت و اعلام کشف حجاب نمود.^۱

۱- دائرة المعارف تشیع ص ۷۷-۷۸ به نقل از درسنامه حجاب ص ۳۱

یک سؤال و پاسخی کوتاه"

چرا بیشتر روی نگاه مردان تأکید شده و اکثراً از مردان خواسته می شود تا نگاه خود را حفظ کنند و چشم خود را از دیدن نامحرم بپوشانند و در روایات اسلامی بیشتر نگاه مرد نامحرم به زن نامحرم مطرح شده است؟

اگرچه قرآن مجید به هر دو گروه زن و مرد دستور چشم پوشی داده، علتش آن است که کشش از طرف زن بیشتر است تا از طرف مرد و زن فطرتاً آن قدر جاذبه و کشش دارد که مرد هر لحظه ممکن است سقوط کند و قدرت ایمانش در برابر این جاذبه تاب نیاورد و کارائی نداشته باشد.

امام خمینی رحمه الله علیه در مورد وضعیّت زنان قبل از پیروزی انقلاب فرمودند:

«مع الأسف زن در دو مورد مظلوم بوده است یکی در جاهلیت مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پائین تر از آن محسوب می کردند. اسلام زن را از آن لجنزار بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. با این اسم که زن را می خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پائین کشیدند. زن را از آن مقام معنویّت که داشت شیء کردند به اسم آزادی...، زن و مرد را از آزادی جدا کردند.

زن را از آن مقام شرافت و عزتی که داشت پائین کشیدند و در صورتی که زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیّت صحیح خودش انسان درست می کند.»^۱

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدّ ظلّه العالی در مورد حجاب زن فرمودند:

«همیشه در طول زمان هروقت گفتیم حجاب و عفت، عده ای گفتند آقا حجاب به عفت چه کار دارد؛ خیلی ها حجاب دارند ولی عفت ندارند، خیلی ها هم عفت دارند ولی حجاب ندارند. در طول زمان هروقت ما این حرف ها را گفتیم ... بعضی این را می گویند؛ در حالی که این حرفی درست نیست. عفت یک چیز است و حجاب یک چیز دیگر؛ اما عفت، آن چیز غیرقابل دسترسی و قابل تأثیر پذیری و آن صخره آسیب ناپذیر در انسان نیست؛ مثل همه خلقیات و خصالت های انسانی در معرض تهاجم قرار می گیرد. یکی از چیز هائی که می تواند آن را از تهاجم به دور بدارد و عفاف زن و طهارت او و تقوای او و حالت پرهیز و عصمت را در او نگه دارد، نداشتن معاشرت نامناسب در محیط زندگی و محیط کار و محیط جامعه است.

معاشرت نامناسب یعنی معاشرتی که در او جهات فرهنگی و اخلاقی خاص رعایت نشده باشد. آن چیزی که می تواند به این نگهداری و مصون سازی و جداسازی کمک کند، حجاب است. بهترین چیز حجاب است؛ حجاب از طرف زن و حجاب از طرف مرد. حجاب مرد هم نگاه نکردن است. حجاب یعنی مانع.»^۲

«از نظر غرب و فرهنگ غربی، یکی از ارزش هائی که برای زن متصور است، این است که با وجود خود و با شخصیّت خود، وسائل التذاد و بهره مندی دیگران را فراهم آورد؛ لذا وقتی ما بر اساس

۱- صحیفه نور ج ۶ ص ۱۸۵ به نقل از پرنیان پاکدامنی ص ۱۰. ۲- بیانات مقام معظم رهبری در سمینار نقش زن در جامعه ۷۴/۱۲/۱۱، همان ص ۱۱

فرهنگ اسلامی اعلام می‌کنیم که اسلام برای معاشرت زن و مرد، محدودیتی قائل شده و معاشرت بی‌قید و شرط زن و مرد را جائز ندانسته، ما را متهم می‌کنند که شما به زن اهانت می‌کنید، در حالی که اهانت آن چیزی است که در غرب نسبت به شخصیت زن دیده می‌شود.^۱

آیت‌الله صافی گلپایگانی از مراجع عظام تقلید فرمودند: «امروز چادر بانوان از عیای من با ارزش‌تر است؛ چرا که بانوان با حفظ حجاب برتر خود مروج دین اسلام هستند.»

وی افزود: «شما با حفظ حجاب برتر خود که همان چادر است، در واقع به استواری پایه‌های دین اسلام و نیز ترویج فرهنگ حیا و عفت اسلامی در جامعه کمک می‌کنید.»

آیت‌الله صافی گلپایگانی با اشاره به این که احکام، امانت خدا در دست ماست، تأکید کرد: «نماز، روزه، حجاب، امر به معروف و نهی از منکر و غیره از امانات خداوند است که ضمن عمل کردن به آن باید این امانت‌ها را خوب نگاه داشت.»

هم‌چنین این استاد اظهار داشت: «دوران غیبت، دوره خاصی است و اگر چه مردم به ظاهر از درک حضور ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی و فرجه و الشریف محرومند، اما بر حسب روایات، از ثواب بیشتری نسبت به مردم زمان ائمه علیهم السلام بهره‌مند می‌شوند.»
وی خاطر نشان کرد: «امید است جوانان و بانوان با عمل به دستورات شرع مقدس اسلام بخصوص در زمینه حجاب و عفاف مایه افتخار و مباهات اولیاء دین باشند.»

پوشش در نگاه متفکران

گاندی می‌گوید: «زن در خطر جدیدی قرار گرفته و آن خطر بازیچه قرار گرفتن هوسرانی مرد است. ای زنان اگر آرایش کردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردهاست، از این کار خودداری کنید و زیر بار سنگین چنین خفتی مروید.»^۲

خانم ساچیکو موراتا از ژاپن (دارای لیسانس حقوق و دکترای الهیات) در جواب خبرنگاری که پرسید: «نظر شما درباره حجاب چیست؟ محجوبه بودن را ترجیح می‌دهید یا مکشوفه بودن را؟»

گفت: «محجوبه بودن را ترجیح می‌دهم، زیرا لطف زن به محجوبه بودن است.» هم‌چنین او گفت: «هرچیز با ارزشی وقتی چندبار رویاروی او قرار گیرد، ارزشش را از دست می‌دهد و این موضوع نقش بسیار مهم و مؤثری در تحکیم روابط زناشویی ایفاء می‌کند. در مغرب زمین که زنان لباس‌های کوتاه و زننده می‌پوشند، روابط زناشویی آنها از کمترین استحکام برخوردار نیست.»^۳

ویلیام جیمز: «مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بدون آنکه بداند، حسّ می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد. حیا (و در نتیجه عزیز بودن زن و معشوق واقع شدن او برای مرد) پاداش‌های خود را پس انداز می‌کند و در نتیجه نیرو و شجاعت

۱- بیانات مقام معظم رهبری در کنگره بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام ۶۶/۱۱/۱۷ همان ۲- روح بشری ص ۲۸ به نقل از گلبرگ احکام ص ۳۰۴. ۳- نظام حقوق زن در اسلام، مطهری ص ۱۶ همان ص ۳۰۴

مرد را بالا می برد و او را به اقدامات مهمّ و می دارد و قوائی را که در زیر سطح آرام حیات ما

ذخیره شده است، بیرون می ریزد.»^۱

آلفرد هیچکاک (بزرگترین فیلمساز کلاسیک غرب): «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان باشد، بدین معنا که ماهیّت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیل و تصوّر زیادتری وا دارد؛ یعنی کمتر ماهیّت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهند. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب نقاب و روبندی که به کار می بردند و خود را جذاب می نمودند، همین مسئله جاذبه نیرومندی به آنها می داد، اما به تدریج با تلاشی که این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او کاسته می شود.»^۲

چارلی چاپلین که یکی از بازیگران مشهور جهان است، در نامه ای به دخترش می نویسد: «برهنگی، بیماری، عصر ماست و من پیرم. شاید حرف هایم خنده آور می زنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری. دخترم! هیچ کس و هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی توان یافت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر او عریان کند.»^۳

برتراند راسل: «از لحاظ هنر، مایه تأسّف است که به آسانی به زنان می توان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیرممکن گردد.»

رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان: «حضور مجزای دختران و پسران در کلاس درسی به خصوص دوره ابتدائی می تواند در یادگیری دختران تأثیر بسزایی داشته باشد. در پی تحقیقات انستیتو پژوهی پلاتک آلمان، میل و رغبت دختران برای یادگیری مخصوص علوم ریاضی در کلاس های مختلط رضایت بخش نیست.»^۴

ویل دورانت – نویسنده تاریخ تمدن -: «آنچه بجوئیم و نیابیم، عزیز و گران بهاء می شود. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقتناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد. خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش، بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضاء نهانی انسان را در معرض عام تشریح می کردند، توجه ما به آنها جلب می شد ولی رغبت و قصد به شدت تحریک می گردد.»

ویکتور هوگو: «بردگی در اروپا از بین رفته است اما بردگی هم چنان ادامه دارد و بر زنان تحمیل می شود و نامش فحشاء است.»^۵

ایمانوئل کانت: «در عشق جنسی، عاشق، معشوق را به دید یک شیء اشتها آور می نگرد. به محض آنکه معشوق در اختیار قرار گرفته شد و آن رقیبت آرام گرفت، دیگر دور انداخته می شود، مثل دور

۱- به نقل از کتاب اخلاق جنسی شهید مطهری همان ص ۵۸. ۲- پرنیان پاکدامنی ص ۵۸. ۳- همان ص ۵۹. ۴- همان ص ۵۹. ۵- همان ص ۶۰.

انداختن لیموئی که مکیده شده، یعنی رابطه جنسی بدون عشق (حقیقی) تحقیر طبیعت انسانی است.^۱

ماهاتما: «من ترجیح می دهم نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل شدن زن یا ظریف ترین مخلوق الهی به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد، از هر حیوانی پست تر گردد. اگر من زن بودم علیه دعوی مرد اینکه زن به دنیا آمده بازیچه او باشد، سخت عصیان می کردم.»^۲

عواقب و پیامدهای بی حجابی

۱. بی حجابی موجب عذاب الهی و حجاب، باعث جلب رحمت الهی است

از آنجا که بی حجابی زمینه ساز اشاعه فحشاء و موجب گسترش گناه در جامعه است، مسلماً عذاب الهی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شیوع پیدا کند، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت هست.»^۳

وانگهی چون بی حجابی در حقیقت تکذیب آیات الهی است، پس بی حجاب مستحق عذاب است؛ چنانچه خداوند متعال فرمود:

«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يُمْسِكُهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، دچار عذاب می شوند، به خاطر آنکه فاسق شدند.»^۴

۲. عدم شایستگی برای عفو و گذشت

اگر فردی بداند بی حجابی گناه است و بر آن اصرار بورزد، مستحق عفو و گذشت نیست. چنانچه حضرت علی علیه السلام فرمودند: «آنکه گناه کند، سزاوار گذشت نیست.»^۵

۳. محروم ماندن بی حجاب از محبت الهی

از آنجا که بی حجابی، خروج از راه حق و تجاوز از حد مجاز در آرایش و پوشش و برخورد با نامحرم است، نوعی اسرافکاری شمرده می شود؛ زیرا اسراف تجاوز از هرکاری است و خداوند متعال اسراف کاران را دوست ندارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.»^۶

۴. بی حجابی، باعث فساد و بی حجاب، مفسد است

کسانی که با علم و آگاهی نسبت به آثار و حرام و قبیح بودن، باز هم بی حجابی را پیشه خود ساختند، از جمله مفسدان شمرده می شوند. فسادی که در دین، اخلاق و روح و روان، نظام خانواده و رابطه بین زن و شوهر ایجاد می شود؛ زیرا بی حجابی عامل تحریک قوای شهوانی است و با تحریک این قوه، نیاز به دفع آن و کنترل آن پیدا می شود و اگر کسانی قدرت ازدواج یا دفع آن را نداشته باشند، به فساد رو می آورند.

۱- کتاب فیمینیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳ ص ۳۵ به نقل از همان ص ۶۰. ۲- کتاب روح بشری ص ۲۱۱ همان ص ۶۱. ۳- نور/ ۱۹. ۴- انعام/ ۴۹. ۵- غرر الحکم ح ۱۵۴۰ به نقل از درسنامه حجاب ص ۱۹۱. ۶- اعراف/ ۳۱

۵. بی حجاب، باعث و بانی گسترش زنا در جامعه می شود

وقتی با دیدن زنان زیبایی آرایش کرده در جامعه دل مردان هرزه و حتی مردان پاک به لرزه در می آمده و فکر ارضاء آزاد جنسی وجود آنان را احاطه کرده، آیا می توان آن دختر بی حجاب را مقصّر ندانست؟ عمل آنها دارای موج بوده و از حدّ فرد گذشته و آثار منفی آن به سطح جامعه رسوخ نموده است و بر طبق آیه قرآن باید بار گناه آنان را خود به دوش بکشند: «لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

۶. تأثیر بی حجابی بر گرایش خودارضائی و استمناء

جوان هرچقدر خویشتن دار باشد، با دیدن زنان آرایش کرده، چنان آتش شهوت در او شعله ور می شود که ممکن است برای دفع آن، به استمناء رو آورد، چنانچه آمار استمناء و عوارض نکبت بار آن حاکی از این مطلب است.

۷. تشویق جوانان به سکس و امور جنسی

جوانان با دیدن زنان برهنه رغبت پیدا می کنند تا به صورت کامل تری این برهنگی را مشاهده کنند؛ بدین خاطر به فیلم ها و عکس های سکس روی می آورند و این راهی برای ترویج فساد در جامعه است.

۸. بی حجابی، هوسرانی صرف است

کسانی که حتی بدون قصد و نیت سوء، صرف رسم و رسوم و دلائل واهی دیگر با پوشش نامناسب و رفتارهای غیرشرعی در جامعه حضور پیدا می کنند، در حقیقت، به هوسرانی خود پاسخ مثبت داده اند؛ زیرا در بی حجابی هیچ دلیل منطقی وجود ندارد تا آن را از هوی و هوس میرا و منزّه دانست. در نتیجه بی حجابی به هر انگیزه ای که باشد، نوعی هوسرانی است.

۹. بی حجابی، نشانگر بی منطقی و بی خردی شخص بی حجاب است

در بی حجابی هیچ دلیل منطقی و عقلانی وجود ندارد و زمانی که چنین باشد، در حقیقت بی حجاب، منطقی، خرد و عقل خود را کنار نهاده و تنها از سر شهوت یا غضب به چنین کاری دست می زند و این نوعی بی تمدنی، بی فرهنگی و سبیر قحقرائی به سوی انسان های جنگلی و حیوان صفت است.

۱۰. بی حجابی، سبب ذوب شدن انسانیت و رفتن به سوی حیوانیت است

بر طبق آیات قرآن کریم تنها دو دسته انسان باقی می ماند و از تبدیل شدن به غیرانسان مصون و محفوظ می مانند و آنها اهل ایمان و عمل صالحند. در سوره عصر می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^۲. همان حقیقت انسان در حال از بین رفتن است و وقتی حقیقت انسان از بین رفت، تنها حیوانیت او باقی می ماند، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۳.

از آنجا که بی حجابی از اعمال صالح به شمار نمی رود، لذا با استمرار بی حجابی، فرد بی حجاب آرام آرام انسانیت خود را تبدیل به حیوانیت می کند و تبدیل به حیوان می شود.

۱- نحل/۲۵. ۲- عصر/۲. ۳- عصر/۳

۱۱. مسؤلیت بی حجاب در برابر شهداء به خصوص خواهران شهداء

شهداء اسلام از زمان پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم تاکنون، از جنگ اُحُد گرفته تا کربلای حسینی و از کربلا تا جنگ تحمیلی ایران و عراق و از زندان های طاغوتی گرفته تا میدان جنگ، همه برای دفاع از دین و قرآن و حفظ خون ها بوده است. چه جوان هایی که پا بر امیال خود گذاشتند و هزاران آرزوی خود را رها کردند، اما فرد بی حجاب با هوسرانی خود و به منجلاّب کشیدن جامعه، تمام آن تلاش ها و خون های ریخته شده را زیر پا نهاده است ولی باید فردای قیامت پاسخ گوی این خون های ریخته شده باشد. اما نمی دانم چگونه می تواند به صورت شهداء نگاه کند؟ بد نیست با همین قیافه بر مزار شهداء گذری کرده و از هم اکنون شرمساری خود را در مقابل شهداء حسّ نماید.

با دقت بخوانید، شما هم وجدان برای فهم حقائق دارید

تا زمانی که افق نگاهمان از دنیا گذر نکند و به حیات طیبّه نیندیشیم و خداخواهی را جایگزین هوی و هوس خواهی و خودخواهی نکنیم، رعایت حجاب معنا و مفهومی پیدا نخواهد کرد و تا وقتی این قاعده انسان ساز و زندگی ساز را سرلوحه کارمان قرار ندهیم، رنگ و بوی ایمان و صداقت به درون جان، خانه و جامعه وارد نخواهد شد که فرمود: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱

وقتی تمام کارهای ما بر اساس خداخواهی و خدامحوری شکل بگیرد و از خودمحوری و هوس خواهی حیوانی شهوانی پرهیز کنیم، آنگاه به این ملاک اجتماعی زیبایی انسان ساز تن در خواهیم داد که «هر چه را برای خود می پسندی برای دیگران هم پسند» زیرا همانگونه که ما از اموری در رنج قرار می گیریم و از آن نفرت داریم، اشخاصی نیز در جامعه نیز از بی حجابی در نفرت و رنجش روحی و جسمی قرار می گیرند که موجبات آن را هوس خواهی و خودخواهی ما فراهم کرده است. در این صورت، همان طور که سلامتی روحی و جسمی فرزندان و نسل و ناموسمان را امری مهمّ می دانیم، باید آن را برای دیگران نیز ضروری دانسته و از هر اقدام برخلاف آن به شدت دوری جوئیم. باشد که دیگران نیز با ما چنین رفتار می کنند.

اگر زن بی حجاب می دانست با این نوع لباس، رفتار و طّنّازی چه مشکلات جان سوز و خانمان سوزی را برای دیگران ایجاد می کند، شاید هیچگاه به این اقدام ظالمانه روی نمی آورد. اگر می دانست هر جوانی که به خاطر نگاه به زنان بی حجاب، قوای جنسی اش تحریک شده و مبتلا به بیماری خودارضائی می شود و با هر خودارضائی، آسیب های جدی به جسم و جان او وارد می آید یا هر مرد متأهلی با با دیدن صحنه های محرک از یک زن طّنّاز، از عشق و علاقه اش به همسر و خانواده اش کم می شود و چه ظلم بزرگی را بر انسان ها وارد می آورد، شاید هیچگاه خود را به خاطر این رفتار قبیحانه نبخشد.

هر چند عده ای به این گونه مسائل و مشکلات واقفند، اما به خاطر بی منطقی و خوی حیوانی شهوانی صرف انسانیت و وجدان خود را از دست داده و با کمال ظلم و بی رحمی موجب مرگ انسانیت انسان ها - خواسته یا نخواستہ - شده اند. این جاست که نقش ایمان به خوبی روشن می گردد؛ چرا که نور ایمان به حیات ابدی، او را از خودمحوری و هوس مداری رهایی بخشیده و رنگ و بوی زندگی به دور از حیوان صفتی را به وی ارزانی می دارد.

بابراین کسی که در بی حجابی غوطه ور است، مبتلا به تیرگی و رذیلت درونی شده و دائره پرفیض

نور و ایمان خارج گشته و به علت فرورفتن در دریای سیاه حیوانیت و هوی و هوس و خودخواهی هایش، از هدایت الهی بی بهره خواهد ماند. چنانکه می فرماید:

«و يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ؛ خداوند ظالمان را گمراه می سازد».^۱

«يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ؛ خداوند هر تردید کننده افراط گر را گمراه می سازد».^۲

آن کس که به خاطر خودخواهی های مادی و حیوانی اش، رنجش روحی و فکری دیگران را برای او مهم جلوه نکند، بی شک در زمره ظالمان است و ماهیت ظلم چیزی جز تاریکی نیست و در تاریکی جایی برای هدایت الهی نیست، مگر آنکه انسان خود به ضمیر و قلب تاریکش، آب حیات را چشاند و نور پرفیض ربوی را بتاباند.

قصه پر غصه"

افول هر حکومت و تمدنی علی دارد و غروب آفتاب حکومت و تمدن بزرگ اسلامی در اندلس نیز از این قانون مستثنا نیست. مهم ترین آسیبی که گریبان حکومت مسلمین در اندلس شد و سرانجام ناخوشی را برای آنان رقم زد، تفرقه و فساد اخلاقی بود و این نکته ای است که بسیار حائز اهمیت است که باید برابر آموزه های دینی، از آن عبرت گرفت.

از آنجا که اسلام دین دانش و تفکر و تعقل است، هر جا که قدم گذاشت، نور دانشش در آنجا درخشید. اندلس نیز یکی از کشورهایی بود که با تاباندن نور اسلام بر دل های مردمش، از میان آنها اندیشمندان بزرگی برخاستند که سهمی به سزا در تمدن اسلامی بلکه بشری ایفاء نمودند و دستاوردهای شگرفی را به جهان علم عرضه نمودند.

طبق اعترافات بزرگان غرب از جمله «دکتر مارتینر مونتالبث» که می گوید: «اگر حاکمیت هشت قرنه اسلام به اسپانیا نبود، هرگز این کشور وارد گردونه تاریخ تمدن نمی شد». در این دوره در حالی که اروپا همسایه اسیر تیرگی و جهل و عقب ماندگی بود، روشنائی فرهنگ و خرد را به آنجا منتقل کرد. هم ردیف با عامل تفرقه، عامل فساد اخلاقی مهم ترین عامل شکست مسلمین در اندلس بود. روی کار آمدن حاکمان و مردم بی تقوا و بی بند و بار برای رهبری جامعه اسلامی که فراگیر شدن فساد در سطح حاکمیت و جامعه، آنان را از توجه صلاح و سلامت و پیشرفت جامعه بازداشت و حمیت و غیرت دینی را در آنها از بین برد و آنچه برایشان اهمیت داشت، قدرت طلبی و خوش گذرانی بود. در نتیجه شهرها یکی پس از دیگری از تحت حکومت آنان خارج گردید و به تصرف دشمن درآمد.

فساد در بین حکمرانان تا به آنجا پیش رفت که معتصم بن صمادح حاکم الهریه (یکی از شهرهای اسپانیا) عاشق دختری مسیحی شد و به زور او را از پدرش گرفت و بر سر همین موضوع به جنگ و خون ریزی میان مسلمانان دست زد. آنگاه که حاکمان به عیش و عشرت آشکار پرداختند، مردم بسیاری در پی آنان روانه گشتند و دشمن مسیحی با طرحی شیطانی، ضربه ای سخت بر پیکر جامعه اسلامی وارد ساخت.

مسیحیان شمال، قرارادهایی را با حاکمان و مسلمانان بستند و طبق آن آزادند به ایجاد تفریگاه و مدرسه و انجام تجارت بین مسلمانان پرداختند؛ در مدارس خود به فرزندان، افکار دین مسیحی را القاء می کردند و با به گردش درآوردن دختران زیباروی مسیحی در تفریح گاه ها، جوانان مسلمان را به آنجا می کشاندند و با ترویج خرید و فروش مشروبات الکلی، مردم مسلمان را از اعتقادات دینی خود

۱- ابراهیم/۲۷. ۲- غافر/۳۴

دور می ساختند و به این طریق فساد را به تمام پیکره جامعه اسلامی رسوخ دادند و آنان را از درون تهی کردند.

بدین ترتیب بود که مقاومت را از آنان گرفتند، چنانکه سروده ابن غسال در غم سقوط شهر «بربشتر» گواه صدق این مدعا است. او پس از به تصویر کشیدن ددمنشی های دشمن در حمله و تصرف شهر، دلیل گستاخی دشمن را در انجام این کار چنین بیان می کند: «اگر گناهان مسلمانان و فرورفتن آنها در منجلاب معاصی بزرگ و کوچک نبود، هیچگاه سواران مسیحی بر آنان پیروز نمی شدند. آری علت، ضعف گناهانشان بود. افراد فاسد، کارهای زشت خود را پنهان نمی کردند و آنهایی هم که کار خوب انجام می دادند، از روی ریا بود.» بر این اساس فساد اخلاقی از جمله مهم ترین علل اضمحلال حاکمیت مسلمانان در اندلس ارزیابی می گردد.

اینک سزاوار است از خود بپرسیم آیا تاریخ تکرار نمی شود؟ آیا نباید از تاریخ اندلس عبرت گرفت؟ مگر غیر از این است که مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود؟ چرا بی توجه به نقشه های دشمن بر طبل اختلاف و تفرقه می کوبیم و از وحدت حول محور رهبری غافل هستیم؟ منافع حزبی و گروهی را بر منافع انقلاب و کشور ترجیح می دهیم! چرا در مقابل شیخون فرهنگی دشمن، اقدامی اساسی صورت نمی دهیم؟ آیا توطئه دشمن یک توهم است یا اینکه توهم توطئه نیز توطئه دشمن است؟ افزایش قارچ گونه باندهای فساد و ترویج فحشاء، مشروبات الکلی و انواع مواد مخدر در سطح جامعه به ویژه در میان جامعه جوانان کشور برنامه ریزی دشمن نیست؟ و... چرا از خواب غفلت بیدار نمی شویم؟

امام علی علیه السلام می فرماید: «کسی که از دشمن غفلت بورزد، بداند که دشمن از او غافل نخواهد بود.»^۱ بیانیم بر اساس دستور قرآن در تاریخ گذشتگان سیر کنیم و از آنها عبرت بیاموزیم چرا که سنت الهی بر این است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را که خودشان تغییر دهند».^۲

بنابراین یادمان نرود هرگاه شیاطین بخواهند ایمان را تسخیر کنند، تلاش می کنند تا روح جامعه مؤمنان را فاسد نمایند و برای این منظور، تسهیلات شهوانی را برای مردم زیاد می کنند.

به قول استاد شهید مطهری رحمه الله علیه: «گل در آفتاب می سوزد، بالای آن چتری برافراشته اند تا گل را از سوزش نجات داده و به زیبایی و خوش بوئی خود باقی بماند. آن گل موجودی است به نام زن و آن چتر پوششی است به نام حجاب، قرن هاست که حجاب را گرگان و شهوت گرایان می کوبند تا با نبود آن سپر محکم کام خود را از زهرهای عسل نما به ظاهر شیرین سازند و ایرادهای زیادی بر این چتر مهربان گرفته اند.»

بدانیم به گفته خود بزرگان غرب و مستر همفر نویسنده کتاب «خاطرات همفر» که جاسوسی انگلیسی در ممالک اسلامی بود: «اسلام دو بازوی مهم و اساسی دارد که هرکدام از این دو بازو و نیرو نباشد، اسلام در خطر می افتد: ۱. زنده نگه داشتن قیام عاشورای حسینی^۲. چادر (همان چیزی که زنان مسلمان بر سر خود می کنند)».

دشمنان دریافتند که در اندلسی که مسلمانان ۸۷۱ سال از سال ۷۱۱ تا سال ۱۴۹۲م. حکومت کردند، موفق به از میان برداشتن و کمرنگ کردن چادر شده بودند و حال آنکه آن خبیثان هم در ادامه راه آن توطئه، تهاجم علیه چادر را از ۵۰ سال پیش تا به الآن با جدیت آغاز کردند. به نظر شما چرا؟ جواب می دهیم، مسیحیت و یهودیت در حدودی از احکام دینی شبیه به هم بودند و حجاب هم یکی از همین احکام است که زنهای مسیحی و یهودی مانند مسلمانان با خود همراه داشتند اما اتفاقی که

۱- نهج البلاغه صبح صالح ص ۴۵۲ به نقل از گلبرگ احکام ص ۳۱۹. ۲- ع/ع ۱۱

افتاد این بود که غربی ها آمدند و با خود اندیشیدند که چه عاملی باعث از بین رفتن اسلام می شود. همگی بر سر کنار زدن و برداشتن چادر از سر زن های مسلمان، متفق شدند. بگذارید از زبان خودشان بگویم: مستر همفر در کتاب خود ص ۵۰ عنوان سیزدهم در عوامل توسعه تفرقه بر سر مسلمانان می آورد: «باید بر مسئله بدحجابی زنان، کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زنان از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم، همسران پیامبر را می دیده اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون اسلام دوش به دوش مردان، فعالیت داشتند. پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما این است که جوانان را تشویق به بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند تا بدین سبب وسیله فساد را در جامعه بشری گسترش دهند. لازم است زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنها تقلید کنند.»

جامعه امروز غرب"

در حال حاضر اگر از یک شخص غربی بپرسی حجاب یعنی چه؟ غیرت یعنی چه؟ عفاف یعنی چه؟ جواب می دهد: «نمی دانم.»

از طرفی فیلم هائی که رنگ حجاب داشته باشند را نمی سازند. زنان امروزی غرب نسبت به زنان سال های پیشین، بیش از حد معمول و به یکبارگی ارزش زنانه خود را از دست داده اند و به پوچی فکر می کنند. آمارى که از زنان اتریش گرفتند در مورد اینکه سگ خانه خود را بیشتر دوست دارید یا شوهرتان را ۶۰٪ آنها اعتراف کردند که سگمان را بیشتر دوست داریم.^۱

قابل توجه فرزندان شیعی باشد که غربی ها اینگونه توطئه خود را بر چادر مظلوم وارد کردند که اولاً: دستور داده شده تمام لغاتی که با واژه حجاب، غیرت و عفت و از قبیل واژه های شرع پسند بود را از دائرة المعارف های خود بردارند تا ذهن جوان امروز غربی به آن متمایل نباشد و سرگرم هوسرانی خود گردد و از غیرت خود و خانواده اش بی اطلاع شود.

ثانیاً: اینکه زنان غربی در سال های پیشین اسمی یا نشانه ای از رنگ حجاب را با خود همراه داشتند. نمونه آن فیلم هاب تئاتری بود که زن های غربی از کلاه و لباس باشکوهی استفاده می کردند که البته دیگر از این نوع فیلم ها ساخته نمی شود.

ثالثاً: طبق حرف خودشان ابتداء باید زن غربی را از حیثیت و وجدان تهی کرد تا زن مسلمان یاد بگیرد و بی هویت شود که شروع به ساخت انواع فیلم های مستهجن و جنسی کردند.

همین طور راه اندازی شبکه های ضد اخلاقی ماهواره ای که تا حد زیادی این مأموریت را انجام دادند.

حال دختر شیعی ببندیش و قضاوت کن. آیا آنها نمی خواهند ما را از ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها دور کنند؟ آیا چادر من به دفاع از اهل بیت علیهم السلام نمی پردازد؟ آیا چادر من همان وجدان از دست رفته توسط غرب نیست؟

پاپ ژان پل دوم، رئیس کاتولیک های جهان گفت: «در جوامع غربی، فیلم های مستهجن جنسی حیثیت انسان را نابود و انسانیت انسان به ویژه زنان را در امور استثمار قرار می دهند.»^۲

۱- عصر امام خمینی رحمه الله علیه به نقل از گلبرگ احکام ص ۳۲۱. ۲- همان ص ۳۲۲

طبق آماری تکان دهنده هر بیست دقیقه یکبار، یک زن در سوئد کتک می خورد و مجروح می شود. در هر سه ساعت یک بار به یک زن تجاوز می شود. اما با وجود این آمارها بعضی ها خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند، کم کم به صورت عادی درمی آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند.

در جواب این افراد باید گفت بنا به نوشته plainruth تجاوز به عنف (اجبار) از هر ۳۴ دقیقه یکبار به ۱۴ دقیقه رسید.

آمارگیری در انگلستان نشان داده است که ۴۱٪ زنان ۱۶ تا ۳۰ سال از این احتمال که روزی مورد تجاوز قرار بگیرند، همیشه نگران هستند و بیش از ۱۱٪ از زنان انگلیس بر این باورند که به هر حال روزی مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. ۴٪ از زنان از آژیرهای هشدارهای تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷٪ از خانم ها در کلاس های دفاع شخصی شرکت می کنند.^۱

آیا برهنگی غرب کمکی به امنیت زن ها کرده است؟ آیا برهنگی سبب بی توجهی مردان هوسران شده است؟؟؟ آنچه مسلم است تنها حجاب موجب امنیت زنان و بی توجهی مردان به زنان می شود نه چیز دیگر.

پوشش، تفاوت میان انسان و حیوان

وجوه امتیاز انسان بر حیوانات، لباس اوست. لباس پوشیدن از ویژگی ها و شئون اختصاصی انسان ها و پدیده ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر سابقه و به قدر پهنه جغرافیای امروزی زمین گسترش دارد.

این حکم، همه اقوام، ملت ها و فرهنگ ها را در کل تاریخ در بر می گیرد. در تعالیم ادیان مختلف، به ویژه آیات و روایات اسلامی، آموزش های فراوانی در مورد ضرورت حفظ پوشش، کیفیت انتخاب لباس، جنس، رنگ، طرح، اندازه و احکام لباس پوشیدن و نیز لباس اختصاصی زن و مرد و برخی دیگر از اقتضای اجتماعی بیان شده است.

از مجموع تحقیقاتی که به عمل آمده، مسلم شده که لباس دست کم پاسخگوی سه نیاز آدمی است: یکی این که او را از سرما و گرما و برف و باران حفظ می کند؛ دیگر این که در جهت حفظ عفت و شرم به او کمک می کند و بالاخره به او آراستگی و زیبایی و وقار می بخشد. لباس آدمی را می توان از یک لحاظ به مسکن او تشبیه کرد. درست است که انسان در ابتداء برای محفوظ ماندن از سرما و گرما و نیز حمله و هجوم حیوانات به ساختن خانه می پردازد، اما علاوه بر این منظور، خانه مأمن و مأوایی است برای او تا خود، اموال و احوال اختصاصی اش را در چهاردیواری آن سامان بخشد و گذشته از اینها، خانه هر کس فضایی است که او می تواند ذوق و سلیقه خود را در حد امکانات خویش در آن اعمال کند و غریزه زیبایی پسندی اش را ارضاء نماید. لباس را نیز می توان به تعبیری "خانه" و درست تر بگوییم "خانه اول" هر کس دانست. لباس، خانه اختصاصی تر انسان است؛ چون هر فرد نخست در لباس خود سکونت دارد و بعد در خانه اش و از این قرار است که می توان گفت همه ما به جهت لباسی که بر تن داریم، خانه به دوشیم.

۱- سلامتی و طول عمر در احکام اسلام ص ۱۲۰ به نقل از گناه و تأثیر آن بر جسم جان ص ۲۱

منشأ اصلی پیدایش لباس، چنانکه گفتیم نیاز به محفوظ ماندن، عقیف ماندن و زیبا بودن است؛ اما اشتباه است اگر تصور کنیم که می توانیم این همه اختلاف و تنوع را که در لباس افراد جوامع مختلف و در دوران های مختلف دیده می شود، تنها با در نظر گرفتن این سه اصل توجیه کنیم. اگر به گروه های گوناگون اجتماعی نظر افکنیم، می بینیم که لباس زنان، مردان و کودکان با یکدیگر متفاوت است. پوشش روستاییان با شهرنشینان فرق دارد. در شهر نیز زنان خانه دار لباسی متفاوت با لباس زنان کارمند به تن می کنند و اصناف و صاحبان حرفه های گوناگون نیز به تناسب کار خویش، لباسی خاص دارند. طبقات مختلف اجتماع نیز بسته به وضع اقتصادی و در آمد خود، لباس های گوناگون می پوشند و شرایط اقلیمی هر منطقه نیز بر نوع لباس مردم آن تأثیر می گذارد. معمولاً مذاهب هم درباره نوع لباس، دستوراتی دارند؛ چنانکه در اسلام نیز درباره پوشش تن، قواعد و دستوراتی وجود دارد و اصطلاح " حجاب " در جامعه امروز ما گویای همین نوع پوشش اسلامی است.

چهار ملاک اصلی در پوشش و لباس "

در کتاب " فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی " ص ۵ و ۶ آمده است در شریعت اسلام برای لباس پوشیدن، چهار ملاک اصلی قرار داده شده است؛ یعنی پوشیدن هر لباسی که این چهار شرط را داشته باشد جایز و غیر آن ممنوع است.

شرط اول: لباس باید پوشاننده حدّ واجب شرعی باشد. بر زن واجب است همه ی بدن خود - به جز صورت و دست ها مچ تا نوک انگشتان - را از نامحرم بپوشاند. بر مرد نیز لازم است پیش و پس خود را از نگاه دیگران محفوظ نگاه دارد.

شرط دوم: لباس باید فتنه انگیز و محرک شهوت نباشد. گاهی لباس پوشاننده مقدار لازم است ولی تحریک کننده قوای شهوانی می باشد؛ پوشیدن این لباس هم حرام است.

شرط سوم: لباس باید ویژه کفار نباشد. پوشیدن لباس های ویژه ی مسلمانان و نیز لباس های مشترک جامعه اسلامی و کفار جایز است اما لباس هایی که پوشیدن آنها انسان را به نظر ظاهری شبیه کفار می گرداند، ممنوع است. مسلمان باید هویت اسلامی خود را پاس دارد و با پوشیدن لباس بیگانگان، خود را دلباخته و مفتون روش آنها نشان ندهد (و عزّت خود را نیز حفظ نماید).

استقلال هویت و اقتدار روحی مسلمان او را از هرگونه پیروی مقرون با ذلت پرهیز می دهد. پیروی از کفار در آداب و ظواهر زندگی، نوعی به رسمیت شناختن سلوک آنها و قرار گرفتن در زیر چتر برتری و قیمومیت آنان است که با روح عزیز مسلمان مغایر و در دین اسلام به شدت مذموم اعلام شده است.

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ عِزَّتْ مِنْ خِزْيَانِ الْكُفْرِ وَبِطَانِ الْكُفْرِ وَبِطَانِ الْكُفْرِ وَبِطَانِ الْكُفْرِ»^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى النَّبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَشَاكُلُوا بِمَا شَاكَلِ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛ خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومت بگو لباس دشمنان مرا نپوشید و به شکل دشمنان من در نیایید که دشمن من می شوید آن گونه که آنها دشمن من هستند»^۲.

امام علی علیه السلام می فرماید: «قُلْ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛ کمتر کسی است که شبیه گروهی گردد و از آنها نشود»^۳.

در این حکم - تنها - «لباس» موضوعیت ندارد و هر عملی که انسان را شبیه کفار و در زمره آنها گرداند ممنوع است. پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَشَبَهَ بِغَيْرِنَا، لَا تَشْتَبَهُوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فَإِنَّ تَسْلِيمَ الْيَهُودِ الْإِشَارَةَ بِالْأَصَابِعِ وَ تَسْلِيمَ النَّصَارَى الْإِشَارَةَ بِالْكَفِّ؛ از ما نیست کسی که به بیگانگان شبیه گردد. به یهودیان و مسیحیان شبیه نشوید؛ همانا سلام یهودیان اشاره با انگشت است و سلام مسیحیان اشاره با کف دست»^۴.

شرط چهارم: لباس نباید "لباس شهرت" باشد. هرگونه لباس و نیز آرایش و رفتاری که موجب انگشت نما شدن آدمی در میان دیگران شود، ممنوع است.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که لباس "شهرت" و لباس "ویژه کفار"، عنوانی شناور و نسبی است که در زمان ها و مکان های مختلف مصادیق متفاوت دارد. چه بسا لباسی که در یک جامعه لباس شهرت است و در جامعه ی دیگر غیر عادی تلقی نمی شود یا لباسی که در زمانی ویژه کفار بوده و در زمان دیگر مشترک میان امت اسلام و کفر شده باشد.

اگر چنین تغییری در عنوان پدید آید، حکم شرعی نیز در این مورد متفاوت خواهد بود؛ یعنی فقط در شرائطی که موضوع "شهرت" یا "تشبه به کفار" تحقق دارد، پوشیدن آن لباس حرام است. برای مثال، کت و شلوار در دوران گذشته آن هنگام که لباس معمول جامعه اسلامی لباس بلند بود، تشبه به کفار محسوب می شد و حرام بود؛ اما به مرور زمان و با تخلف عده ای بی توجه، آرام آرام کت و شلوار لباس رایج میان مسلمانان شد. از آن پس پوشیدن آن، پوشیدن لباس ویژه بیگانه و تشبه به کفار نیست و به تبع حرمتی هم ندارد.

بی حجابی و پاکی دل

حجاب ظاهری ریشه در عفاف درونی دارد. کسی که بخواهد پاک باشد، ظاهر و باطنش را باید یکی کند. آنان که بی قید و لایبالی اند ولی می گویند «دلت پاک باشد» نمی دانند که پاکی دل در پاکی گفتار و متانت و وقار نمایان می شود و از دل پاک، جز نگاه پاک بر نمی آید.

۱- منافقون/۸. ۲- میزان الحکمة ح ۹۱۳. ۳- نهج البلاغه ح ۲۰۷. ۴- سنن ترمذی ج ۴ ص ۱۵۹

لقمان حکیم در یکی از نصایحش به فرزندش فرمود: «يَا بُنَيَّ اتَّقِ الْمَرَأَةَ السُّوءَ فَإِنَّهَا تُشَيِّبُكَ قَبْلَ الْمَشِيِّبِ وَ اتَّقِ شَرَّارَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ لَا يَدْعُونَ إِلَى خَيْرٍ وَ كُنْ مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ؛ پسر من! از زنان بد پرهیز کن، چون آن زن قبل از افتادنت تو را به ورطه سقوط می کشاند و از زنان شرور پرهیز کن، چون آنها به خیر و صلاح دعوت نمی کنند و از زنان خوب هم بر حذر باش (احتیاط کن)»^۱.

برخی پول پرستان از دخترها به عنوان کالای تبلیغاتی برای پرفروش کردن مجلات، افزایش تماشاچیان فیلم و جلب مشتری به سوی مغازه خود استفاده می کنند.

به راستی چه کسانی زمینه این سوءاستفاده را فراهم کرده اند؟ آیا دخترانی که خود را از نگاه های آلوده حفظ نمی کنند، در این میان مقصر نیستند؟

بسیاری از تجار جهان از زن برای برای فروش کالا عکس بدن لخت آنها را روی جوراب و ... می اندازند یا او را کنار اشیاء قرار می دهند. مردها در حقیقت زن را می خرند نه کالا را. از نظر «فروید» مردان با دیدن تصاویر و عکس ها که نمایانگر چیزی از زن باشد، لذت برده و ارضاء می شود.^۲

ای کاش انسان ها به اندازه کالایی که می خرند، در دل بستن ها و محبت پیدا کردن ها هم حوصله و وسواس به خرج دهند. حیف است که دل ها، بی در و دروازه باشند و عشق ها بی هویت و شناسنامه. آیا آنچه از دست می دهیم با آنچه به دست می آوریم، می ارزد؟؟؟

بیماری خودنمائی "

یکی از بیماری هائی که در اثر عدم تعادل در استفاده از انگیزه جنسی به وجود می آید، بیماری خودنمائی است که حالتی است که فرد با نشان دادن قسمتی از بدن، میل جنسی خود را ارضاء می کند. نشان دادن بدن از طریق ماهواره، مجلات، فیلم ها و ... از قبیل این مواردند. این ها سه دسته هستند:

الف: خفیف. افرادی هستند که با پوشیدن لباس های عجیب و غریب یا انتخاب رنگ های تند و زننده توجه دیگران را جلب می کنند.

ب: متوسط. افرادی هستند که قسمتی از بدن خود را نمایان می کنند.

ج: حاد. افرادی هستند که قسمت های بیشتری از بدنشان را نمایان می کنند.

بیماری خودنمائی در زنان نسبت به بیشتر است.

۱- بهجة البيضاء ج ۳ ص ۱۰۱ به نقل از نصاب اعجاب انگیز لقمان حکیم ص ۹۰. ۲- روانشناسی در خدمت سیاست ص ۶۵. زیگمو فروید به نقل از پرنیان پاکدامنی

حکم صورت آرایش کرده"

مراجع عظام تقلید از آیات قرآن کریم استنباط کرده اند که اگر دست ها و صورت را هم آرایش کرده باشند، باید (یعنی واجب است) از نامحرم بپوشانند. «لَا يُدْبِرْنَ زِينَتَهُنَّ؛ زینت خود را آشکار نکنند»^۱.

زینت در دیدگاه علماء مطلق آرایش است.

دامن کوتاه به جای بمب"

مارتین ایدنیک از عناصر اصلی محقق آمریکائی درباره اسلام و خاورمیانه اعلام کرده است که: «دیگر وقت آن نیست که دانشجویان را به خیابان ها بکشانیم، بلکه باید چادر را از سر زنان برداشت و از این طریق می توان نظام اسلامی را سرنگون کرد».

میشل هونلنیک، نویسنده اسلام سنیز فرانسوی می گوید: «جنگ بر ضد اسلام گرائی با کشتن مسلمانان فائده ای ندارد، فقط با فاسد کردن آنها می توان به پیروزی رسید. پس باید به جای بمب بر سر مسلمانان، دامن های کوتاه فرو ریزم»^۲.

انسان یا ... "

وقتی انسان برای انسان بودن خود ارزشی قائل نشود، وقتی در برابر مسائل زندگی عبارت «دلم می خواهد»، «دوست دارم»، «بی خیال» و... را فریاد کند؛ یعنی انسان باشیم یا گوسفند، انسان باشیم یا سنگ فرقی ندارد، مهم خوش بودن است هرچند به قیمت حراج انسانیت باشد.

انسانیت که نباشد، راستی، محبت، عدالت، جوانمردی، پاکی و... همه معنای خود را از دست می دهند. آیا تا به حال در برنامه حیات وحش دیده اید شیر یا گرگی مشغول دریدن بچه آهوی کوچک است، از سر ترحم او را رها کند؟ هرگز! چون کارش در زندگی است.

انسان به هر میزان از انسانیت فاصله بگیرد یا گوسفند می شوند یا سنگ یا علف. در آیه ۷۴ سوره مبارکه بقره آمده است: «آدم هایی که قلب شان مثل سنگ است، آنها در حقیقت مثل سنگند یا بدتر از سنگ؛ چون از سنگ آب بیرون می زند ولی از دل آدم های سنگ دل، هیچ رحمی بیرون نمی آید».

یا در سوره مبارکه اعراف آیه ۱۷۹ آمده است: «انسان ها عقل و شعور را برای فهمیدن دارند اما نمی فهمند. چشم دارند ولی نمی بینند، گوش دارند ولی نمی شنوند. اینها همه چهارپایان هستند بلکه بدتر از چهارپایان؛ چون چهارپایان اگر ظلم، تجاوز، دریدن و دریدن را نمی فهمند، به علت نداشتن عقل و

۱- نور/۳۱. ۲- پرنیان پاکدامنی ص ۲۴

شعور و بصیرت است، اما انسان دارد و نمی فهمد».

پس باید به آدم هایی که بی رحمند و حتّی به خودشان هم رحم نمی کنند، باید خطاب «آقای سنگ» را هدیه کنیم. به آدم هائی که فقط دنبال شهوت و غضب اند یکپارچه حیوانند، ندای «آقای حیوان، گوسفند، گریگ و...» را تقدیم کنیم و به آنهایی که فقط به فکر خوردن هستند، باید واژه «درخت» را منتسب کنیم؛ چون در ظاهر رشد می کنند ولی در واقع بزرگ نمی شوند.

چنین افرادی موجوداتی انسانی هستند. بدانیم که همین موجودات انسان نما از انقراض حیوانات جنگل بسیار ناراحت هستند؛ سمینار می گذارند، جلسه تشکیل می دهند، بیانیه می دهند، منشور حقوق حیوان تشکیل صادر می کنند و هزاران برنامه دیگر که اشکال ندارد، ولی فقط باید رفتار همین موجودات انسان نما نسبت به با ارزش ترین موجود؛ یعنی انسان مشاهده کرد که با برنامه ریزی های مختلف، نسل انسانیت را از بین می برند؛ ترویج فحشاء، فیلم های سکس، بی حجابی، موسیقی های جنسی، زورگوئی، تجاوز، ایجاد محرومیت، رواج الگوهای غلط و... .

اگر انسانی در حقیقت انسان باشد با قدرت عقل می فهمد که اندام زیبا و صدای ظریف و زیبایی زن، از قدرت جذب بالایی برخوردار است و میل شهوت رانی را در انسان بیدار ساخته و طوفان شهوت به پا می کند.

اگر انسان وجود خود را غرق شهوت کند، دیگر انسان نیست بلکه یا خروس است یا خوک است و یا هر حیوان شهوت پرست دیگری. از ممنوع و حرام بودن بی حجابی که در دین آمده و نزد عقل و وجدان مطرود است، همین است که انسان دارای این قوای حیوانی است. در دین، تخلیه این قوای شهوانی در متن ازدواج مقدّس نهاده شده و راه چاره مقابله با خصائص حیوانی را در امور سالم اما لذّت بخش مثل شنا کردن، کوهنوردی، ورزش و تفریح قرار داده است تا لطمه ای به انسانیت انسان وارد نشود.

اگر فقهاء فتوا به حرام بودن بی حجابی می دهند، نباید به سادگی از کنار آن ردّ شد و فریاد بی خیالی سر دهیم. چون بی اهمّیتی به این حلال ها و حرام ها زندگی آخرتی ما را به خطر می اندازد. کسی که مرگ را حتمی بداند و معاد را جدی بینگارد و حساب و کتاب قیامت را شوخی نداند، هیچگاه به خاطر چند روز زندگی در دنیا، آخرت خود را به باد نمی دهد و دل به هر خوشی را پیشه خود نمی سازد.

افلاطون در رساله «فدروس» خود می نویسد: «زیان و ناخوشایندی ای که از عاشق به معشوق می رسد، تنها هنگام گرمی بازار معشوق نیست، بلکه وقتی عشق عاشق سرد شد، آن وقت دشمن بدطینت معشوق می شود که با او آن همه عهد و پیمان بسته بود و جان و زبان نثارش کرده بود. حتّی اگر معشوق هنوز برایش سودی داشته باشد، دیگر حاضر نیست دمی را در صحبت با او بگذراند. ساعت پرداخت دیون فرا رسیده است ولی او بنده خداوندگار دیگری شده، عاشق را خریدمندی و اعتدال، جاننشین عشق و سرمستی آن شده است. معشوق که از این دگرگونی بی خبر است، عهد و پیمان را به یاد عاشق می آورد و از او توقّع مهر و وفا دارد. می پندارد با همان کسی سر و کار دارد که داشت، غافل از اینکه سر و کارش با کسی دیگر است، اما عاشق نه آن دلیری را دارد که معشوق را

از حقیقت واقعه آگاه سازد و نه می تواند به عهد و پیمانی که بسته بود وفا کند. از معشوق می گریزد و پیمان شکنی می کند»^۱.

جایگاه روح"

در این جاست که می گوئیم: اگر راه کمال و جایگاه روح و بدن به تفکیک مشخص گردد، نه زنان فریاد همانندی مردان را سر می دهند و نه مردان حیوان گونه به ارضاء جنسی خود مشغول می شوند، زیرا صحبت بر سر انسانیت است و کمال انسانی مربوط به انسان است نه زن و مرد بودن.

اما اگر انسان خود را طعمه چنگال تیز ماده و طبیعت کند، چنانچه به درون چاه دنائت پرتاب شود که دیگر جایی برای شرافت انسانیت باقی نخواهد ماند و رهائی از آن نه تنها ممکن نیست بلکه مساوی با نابودی «من طبیعی و انسانی» او خواهد بود.

بنابراین، نشانه انسان بودن: «انتخاب آگاهانه، فرار از دل به خواهی ها و مدّ نظر قرار دادن فوائد و ضرر کارهاست» و نشانه حیوان بودن: «انتخاب دل بخواهی، دوست دارم، بی خیال این حرف ها، حالا خوش باشیم، چه ضرری، از این حرف ها صد من به غاز است که گوسفند بودن، گرگ بودن و الاغ بودن خود را نشان می دهد».

اگر در انتخاب لباس، مدّ و آرایش در بیرون از خانه، فقط بر اساس میل و خواسته های دل عمل کنیم، به سمت گوسفند شدن رفته ایم؛ چون دل بخواهی ها و امیال نفسانی، تحت رهبری شهوت یا غضب اند. در این صورت با توجه به اینکه در فقه اسلامی، لباس های بدن نما و حجم نما، آرایش های زننده برای بیرون از خانه و در مقابل نامحرم، نمایش تار مو و نمایان ساختن ساق دست، گردن، زیر چانه و گلو حرام شمرده شده است، اگر کسی به دنبال چنین روش و منشی باشد، معلوم است که زیر سلطه شهوت و غضب قرار گرفته و بنده شهوت یا غضب شده است. گرگ یا الاغ یا گوسفند انسان نما شده و خلاصه اینکه راه گوسفند شدن را در پیش گرفته است.

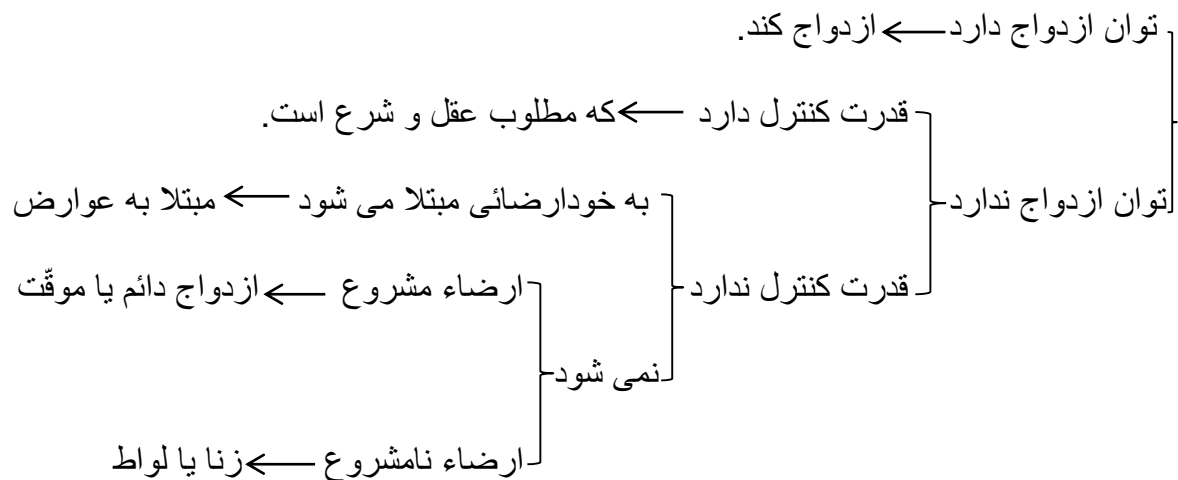
پس کسی که می خواهد انسان بماند باید از جملاتی مثل «دلم می خواهد»، «لذت داره»، «می خواهم خوش باشم»، «بی خیال» و... فرار کند و همیشه در انتخاب کار و وسیله از نیروی عقل و خرد و دستورات شرع مقدّس اسلام کمک بگیرد تا مبادا از انسانیت به حیوانیت تنزل کند.

آزادی پوشش"

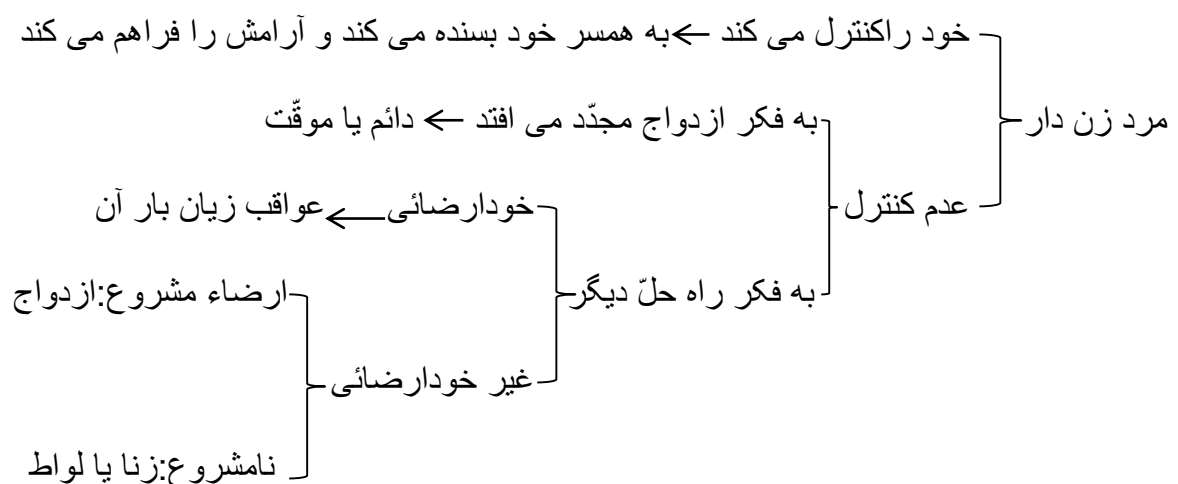
با آزادی پوشش به هر کیفیتی و هر کمیتی، بی شک زمینه های تحریک غریزه جنسی فراهم می آید و علاوه بر آن، فیلم های مبتذل، رقص ها و عکس های محرک باعث این شهوت طلبی افراطی می شود.

۱- چهار رساله افلاطون- رساله فدروس- ترجمه محمود صنایع ص ۹۳ به نقل از درسنامه حجاب ص ۸۵

نمودار زیر، این واقعیت را در صورت بی‌حجابی تحریک‌آمیز و عدم حفظ حریم سائر افراد، به خوبی نشان می‌دهد:



نمودار زیر عواقب ممکن را برای یک فرد متأهل را در همان موقعیت تحریک‌آمیز نشان می‌دهد:



خودارضائی، هم‌جنس‌بازی، زنا، ازدواج موقت یا دائم مکرر باعث لغزش و از بین رفتن استحکام خانواده‌ها، تضعیف روحیه عاطفی زناشویی در محیط گرم خانواده، شیوع امراض متعدّد، دریده شدن پرده حیا و عفاف در خانواده و اجتماع، زیر پا گذاشتن مسائل دینی و هزاران مشکل دیگر می‌گردد.

مسئول این اعمال زشت کسانی هستند که مروج و باعث شهوت‌طلبی گشته‌اند؛ از جمله زنان بی‌حجاب خودمختار بی‌منطقی که دنباله‌رو هوا و هوس شخصی و نمایش تیپ بهتر و مُد لباس خویش‌اند.

انواع انحراف جنسی

هم جنس گرائی

هم جنس گرائی یکی از کهن ترین و با سابقه ترین انحراف های جنسی است و به رفتار و سازش جنسی بین دو هم جنس به صورت رابطه عاطفی و چه به صورت رابطه جنسی گفته می شود.

دیگر آزاری

دیگر آزاری یا «سادیسیم» نوعی انحراف است که شخص با آزار دادن شریک جنسی خود، لذت می برد.

خود آزاری

خود آزاری یا «مازونیسم» نوعی انحراف جنسی است که فرد از ایجاد درد در خود به وسیله خود یا به وسیله دیگران لذت می برد. فعالیت های خود آزاری ممکن است به صورت آزار رساندن خیالی به شکل اعمال زجرآور مختلف از قبیل فرو کردن سوزن به بدن، سوزاندن دست، زخمی کردن بدن و مشاهده خون، یا به طور شفاهی مانند دشنام دادن و تحقیر کردن همراه باشد.

سادو مازوخیسم

این کلمه از دو واژه «سادیسیم» (دیگر آزاری) و «مازوخیسم» (خود آزاری) تشکیل یافته است. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و فردی که از یکی از این دو انحراف لذت ببرد، از انحراف دیگر نیز لذت خواهد برد. شخص «سادیسک» ابتداء قربانی خود را مورد آزار قرار می دهد و چه بسا او را به قتل برساند، بدین وسیله خوی سادیسمی خود را ارضاء می کند سپس نوبت به ارضای قوی مازوخیسمی او می رسد و شخص معترف با مشاهده وضع بلاذفع قربانی خود، ضمن اینکه به اوج لذت می رسد، از کرده خود پشیمان می شود و میل پیدا می کند که مورد آزار و اذیت دیگری قرار بگیرد.

بت پرستی جنسی

بت پرستی یا «فتیشیسم» جنسی، به انحرافی گفته می شود که شخص پس از دیدن شیء یا عضوی از جنس مخالف تحریک شده و از آن لذت می برد. فرد منحرف به جای آنکه با جنس مخالف خود عشق بورزد و با خود او تماس عادی و طبیعی حاصل کند، به یکی از اعضای بدن یا شیء متعلق به معشوق مانند کفش، دستمال، عطر و... تحریک جنسی شده و سعی می کند با تمام قوا به آن دست یابد.

حیوان بازی (زوفیلی)

نوعی از انحراف که به جای زن، برای ارضای جنسی خود به حیواناتی از قبیل سگ و الاغ روی می آورد.

مرده پرستی

در انحراف مرده پرستی یا «نکروفیلی» تماشا یا تماس با جسد مرده، سبب تحریک و ارضای جنسی می شود. «نکروفیل» [شخص مبتلا به بیماری] گاهی مرده را نزد خود نگه می دارد و مرتباً نگاه کرده حتی می بوسد یا با آن رابطه جنسی برقرار می کند. بی دفاع بودن جسد، عامل مهمی در وادار کردن فرد بیمار به عمل جنسی می باشد.

عریان نمائی جنسی

خودنمائی یا عریان نمائی جنسی، انحرافی است که فرد با نشان دادن آلت تناسلی خود به زنان پاکدامن در مکان هایی که در معرض دید همسایگان و رهگذران باشد، تحریک شده و به خیال خود ارضاء شده است.

نظر بازی

نظر بازی، انحرافی است که افراد منحرف فقط از راه نگاه کردن به اعضای بدن دیگران لذت می برند و بدین وسیله به ارضاء جنسی می رسند. هرچند این نوع انحرافات ممکن است به خاطر عوامل مختلفی همچون رفتارهای نابهنجار میان والدین و فرزندان و مشکلات جسمی و عاطفی ایجاد شود، اما در این میان، نقش تحریک شهوت جنسی و از بین بردن پرده حیا و عفاف در صحنه عمومی اجتماع از تأثیر بیشتری برخوردار است.

بنابراین، خیره سری و خودمحوری بر مدار خوی حیوان پرستی شهوانی، نه تنها رفتاری انسانی نیست، بلکه بدتر و زشت تر از رفتارهای حیوانی صرف است که تنها قیافه تمدن و فرهنگ به خود گرفته و درون آن، حکایت از یک زندگی پرآشوب جنگلی دارد؛ همانند جامعه باستانی که دچار انحراف جنسی در خور زمان خود بوده اند و اکنون بعد از قرن ها آدمیان عصر حاضر، آنان را جاهل نامیده و به باد تمسخر و نیشخند عالم نما بر آنان می زنند، غافل از آنکه خود سزاوارترند از هر شخص، برای حکم به جهالت و نیشخند عالم نمای جاهلان هستند.

از انحرافات جنسی جوامع باستان می توان مواردی را برای نمونه شمرد تا با مطالعه انحرافات جنسی جوامع باستان می توان به فکر امروز خود برآمده و از سیاه چال دنائت و حیوانیت به درآمده و تاج کرامت و عزت بندگی خود را فدای خوی حیوانی شهونی ننموده و با اندک تعقل و تفکر در

مورد چهار سؤال مهم «من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ برای چه آمده ام؟ به کجا می روم؟» حرمت انسانیت خود و دیگران را نگه داشته و به رشد خوی شهوانی دامن نزنیم.

تأثیر مستقیم آزادی روابط جنسی بر ازدیاد تجاوز

روابط جنسی صرف یک مسئله شخصی نیست، بلکه آثار مستقیمی در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی ملت ها دارد و به همین جهت به یکی از موضوعات و دغدغه های اصلی حکومت ها و سیاستمداران قرار گرفته است تا جایی که اوپاما به عنوان رئیس جمهور بزرگ ترین و مدعی ترین کشور جهان که داعیه رهبری جهان را نیز دارد، وعده به آزادی هم جنس بازی در ارتش ایالت متحده را در کنار وعده به بستن زندان گوانتاناما، یکی از شعائر اصلی اش قرار می دهد و نسبت به تحقق آن سریع تر و بهتر عمل می کند و تصویب لغو قانون «نگو، نپرس» را به عنوان یکی از دستاوردها و افتخارات دولت خود می شمارد. (قانون «نگو، نپرس» در موضوع هم جنس بازی در ارتش، به سال ۱۹۹۳ [دوره کلینتون] برمی گردد. طبق این قانون هم جنس بازی در ارتش آمریکا مجاز شد. اما نظامیان هم جنس باز اجازه نداشتند آن را علنی اعلام کرده و یا از دیگری نسبت به تمایزش بپرسند. اوپاما مفتخر شد که این قانون را لغو کرد و آزادی عمل بیشتری به سربازان خود بدهد.)

هم چنین اوپاما به رغم معضلات و مشکلات عدیده داخلی و خارجی آمریکا، مانند بحران مالی، جنبش ضد وال استریت، بیداری اسلامی در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و... با افتخار و سربلندی اعلام کرد که لایحه قانونی شدن رابطه جنسی نظامیان با حیوانات را به مجلس سنا برده و به تصویب رسانده است.

ولی کشورهای هم چون جمهوری اسلامی بخاطر مخالفت با هم جنس بازی با سائر آزادی های روابط جنسی به نوع غربی، متهم به عدم رعایت حقوق بشر می شوند؟!

اما آمارها و اخبار مستند به ویژه از آمریکا و اروپا حاکی از آن است که در آزادی روابط جنسی به نوع غربی، تأثیر مستقیمی در ازدیاد تجاوز دارد. چنانچه هر آزادی روابط جنسی در غرب بیشتر تبلیغ و ترویج و اعمال گردد، آمار تجاوزات به کودکان نیز افزایش می یابد.

بنابر آمار ثبت شده (در وزارت ثبت دادگستری آمریکا در سال ۲۰۰۲) از هر ۶ زن آمریکائی، یک نفر در طول زندگی خود مورد تجاوز قرار گرفته است.

به گزارش FBI فقط ۳۷٪ از زنان مورد تجاوز قرار گرفته شکایتی تسلیم کرده اند که این آمار متعلق به آنان است و از تعداد کسانی که به هر دلیلی شکایت نکرده اند، اطلاعی در دست نیست. اما وزارت دادگستری آمریکا، این رقم را پائین تر و ۲۶٪ می داند یعنی رقم واقعی حدوداً ۴ تا ۵ برابر است.

بنابر همین گزارش: ۹۳٪ از قربانیان را نوجوانان تشکیل می دهند و ترسناک تر و رقت بار تر اینکه از این تعداد، ۳۴،۲٪ توسط اعضاء خانواده، ۵۸،۸٪ توسط سائر آشنایان (فامیل ها و دوستان خانوادگی) و فقط ۷٪ توسط افراد غریبه مورد تجاوز قرار گرفته اند.

گزارش این سازمان در سال ۲۰۰۴ حاکی از آن است که از مجموع قربانیان این ناهنجاری رفتاری در روابط جنسی آمریکائی ها، ۱۵٪ زیر ۱۲ سال، ۲۹٪ بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال، ۸۰٪ زیر ۳۰ سال مورد تجاوز جنسی گرفته اند و بیشترین خطر و آسیب متوجه دختران زیر ۱۲ سال است. این آمار می افزاید: دختران بین ۱۲ تا ۱۶ سال، چهار برابر از سائر رده های سنی مورد تجاوز قرار می گیرند.

بنابر گزارش **QAINN** - سازمان ملی ضد خشونت در روابط جنسی - : در آمریکا به طور متوسط هر ساله بیش از ۲۰۸ هزار نفر بالای ۱۲ سال قربانی تجاوز جنسی می شوند، یعنی هر دو دقیقه یک نفر!

بنابر گزارش رسمی و بر اساس شکایات ثبت شده که آمار بسیار کم تری از وقایع دارد، بیش از یک سوم زنان نظامی و شاغل در ارتش آمریکا، از سوی فرماندهان و مسئولان خود مورد تجاوز قرار می گیرند.

به گزارش مستند **NRR**: آمار ثبت شده در سال ۲۰۰۳ نشان می دهد که ۳۰٪ زنان نظامی ارتش ایالت متحده مورد تجاوز قرار گرفته اند و این آمار در میان زنان شرکت کننده در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۵، بیش از ۹۰٪ بوده است.

به گزارش پایگاه فیمینیست به نقل از پنتاگون: در پایان سپتامبر ۲۰۰۸ در مجموع ۲۹۲۳ شکایت تجاوز دریافت شد که نسبت به سال گذشته ۹٪ افزایش نشان می دهد. (البته بسیاری از ترس جان خود یا بیکاری شکایت نکرده اند.)

و آماري که این قلم از نوشتن آنها بسیار شرم دارد.

شاید اوپاما در نظر دارد با آزاد کردن هم جنس بازی و نیز رابطه جنسی با حیوانات برای سربازانش، آمار این تجاوزات را تقلیل دهد؟!

بحران سقوط اخلاقی آمریکا به روایت آمار "

همه جا سخن از بحران و سقوط در اقتصاد آمریکاست اما سقوط اخلاقی آمریکا مدتهاست که آغاز شده است. از شاخصه های این سقوط چه می دانیم؟ چه آمارهای مستندی در این مورد وجود دارد؟

به گزارش خبرنگار جنگ نرم مشرق، فوکویاما که از طرفداران لیبرالیسم بوده می گوید: «به نظر من جامعه آمریکا با بحران های جدی رو به روست که آینده آن را تهدید می کند، مشکل جهان امروز، اقتصادی، سیاسی و ... نیست بلکه بحران ناشی از فروپاشی انسجام اخلاقی است.»

بحران اخلاقی از جمله معضلات اساسی پیش روی جوامع غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا است. هرج و مرج اخلاقی و از دست رفتن ملاک‌های درست، محصول افول خانواده، عملکرد رسانه‌ها و نیز بی بند و باری و مسؤولیت ناپذیری جنسی است.

عامل اساسی و مهمی که در ورای این عوامل تأثیر اساسی دارد، رویکرد تساهل محور و رواداری نسبت به مسائل غیراخلاقی در جامعه است. در سالیان اخیر شاهد افول قدرت اقتصادی و نیز چهره سیاسی آمریکا نزد افکار عمومی بودیم اما آنچه که بیش از هر چیزی در بلند مدت جامعه آمریکا را دچار انحطاط خواهد نمود فروپاشی اخلاقی این کشور است. میزان بالای جرم جنایت، مصرف مواد مخدر، سقط جنین، همجنس بازی و فروپاشی متعاقب بنیان خانواده، بوجود آمدن جامعه ای پلیسی، از بین رفتن ارزش‌های مذهبی، افزایش شدید بی بند و باری جنسی و جرم‌های مرتبط با آن از جمله مسائلی هستند که به مرور زمان آمریکا را از درون متلاشی می‌سازد.

روسیگری در غرب"

روسیگری در لغت به معنی زن بدکاره و فاحشه آمده است و معرب آن روسپی می‌باشد. روسپی در واقع مخفف روسپید است که بر زنان هرزه و روسیاه به عنوان طعنه و تمسخر اطلاق شده است. روسپی گری را می‌توان تن دادن به رابطه جنسی در ازای دریافت پول تعریف کرد. واژه روسپی در اواخر سده هجدهم رایج شد. طبق تعریف روسپی گری شامل مردان و کودکان (پسران و دختران) نیز می‌شود، لکن تن فروشی زنان در تاریخ حضوری به مراتب ملموس تر داشته است.

در جامعه‌های باستانی، قدیمی‌ترین نوع روسپی گری شیوه‌ای بود که ارتباط نزدیک با مواضع اعتقادی داشت. مثلاً مردم مصر و بابل بر این باور بودند که رابطه جنسی با یک کشیش موجب نزدیک شدن به خدا می‌شود. در یونان باستان روسپیان بودند که بدان‌ها "دوستان خوب" گفته می‌شد. روسپیان که از طبقه بالای جامعه بودند و در مناطق مسکونی لوکس و مجلل متعلق به خود زندگی می‌کردند. در روم باستان روسپیان آزادی زیادی داشتند اما ملزم به پوشیدن لباس‌های متمایزی از دیگر شهروندان بودند و نیز مجبور بودند موهای خود را به رنگ بور یا قرمز در آورند. رومیان نیز مانند یونانیان توسل مردان را به روسپیان به سهولت می‌بخشیدند. در هندوستان روسپی گری به طور کلی محدود به معابد بود. در معبد "راجه راجه" هندوستان، رسمی وجود داشت که به مرور ایام، جنبه تقدس پیدا کرد و آن رسمی بود که گاه و بیگاه، زنان مشخص، یکی از دختران خود را که بدان‌ها "دیوه داسی" می‌گفتند، وقف پیشه روسپی گری معابد می‌کردند. مسیحیان روسپی گری را عملی شیطانی می‌دانستند چنانکه "سنت اگوستین" معتقد بود که بدترین کارها نظیر هتک ناموس ناشی از آن است که روسپیان راهی برای ارضای شهوت خود پیدا نمی‌کنند. اسلام نیز دارای احکام فقهی محکمی در مخالفت با این پدیده می‌باشد.

قدمت و رواج روسپی گری تا بدانجاست که در بسیاری از سرزمین‌های کهن برای این پدیده نمادها و خدایانی آفریده‌اند. گرچه به شهادت تاریخ غالباً حاکمان و صاحب منصبان بوده‌اند که به صورت نهان و عیان بالاترین بهره اقتصادی و سیاسی را از آن خود کرده‌اند. در حال حاضر نیز برخی از کشورها میزان قابل توجهی از بودجه مملکتی خود را از طریق گسترش سیاست جنسی کسب می‌کنند. در دنیای باستان اکثر کسانی که خدمات جنسی را برای کسب عواید اقتصادی عرضه می‌کردند، نشمه‌های اشرافی، همبالی‌ها (معشوقه‌های نشانده) یا کنیزان بودند. نشمه‌های اشرافی و معشوقه‌ها، غالباً در جوامع سنتی منزلت بالایی داشتند. لکن در دنیای مدرن، زنان و مشتریان آن‌ها عموماً همدیگر را نمی‌شناسند، هر چند که ممکن است بعضی از مردان به مشتریان ثابت تبدیل شوند اما این رابطه ابتداءً بر مبنای آشنایی شخصی پا نمی‌گیرد و این چیزی است که در مورد اکثر شکل‌های پذیرایی جنسی در ازای عواید مادی در زمان‌های گذشته صدق نمی‌کند.

علل و انگیزه‌های روسپیگری

هیچ دلیل یگانه ای نمی تواند روسپی گری را تبیین کند. جامعه شناسی انحرافات به پدیده فحشاء (روسپی‌گری) به عنوان ناهنجاری اجتماعی نگریسته و علل آن را در اختلال در نظام اجتماعی و گسیختگی‌های موجود در سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های اجتماعی جستجو می کند. برخی از عوامل مؤثر بر پدیده روسپی گری زنان به این شرح است:

۱. دسترسی نداشتن به فرصت‌ها برای اشتغال در مشاغل مشروع .
 ۲. عدم کسب شایستگی‌ها و بسندگی‌های لازم برای انجام کارهایی که بتواند نیازها و انتظارات مادی زنان را تامین نماید.
 ۳. نبود یک سازمان تأمین اجتماعی که زنان آسیب دیده و بی‌سرپرست یا فاقد منابع مالی را پوشش دهد.
 ۴. ناسازگاری زناشویی و مشکلات در روابط اجتماعی درون خانواده و عدم حمایت‌های روانی-اجتماعی از طرف همسر. زنان در چنین شرائطی در جستجوی جایگزین‌هایی به عنوان شبکه حمایت اجتماعی می باشند.
 ۵. انتخاب فحشاء توسط زنان به عنوان راهبردی برای استقلال.
 ۶. طغیان اجتماعی زنان علیه نظام مردسالار و پاسخ به سلطه مردان.
 ۷. کاهش کارایی برخی از نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده، شبکه خویشاوندی و همسایگی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی.
 ۸. جامعه پذیری و تجربیات اجتماعی تضعیف شده یا معیوب در جهت کسب مهارت‌های اجتماعی و زندگی.
 ۹. مشکلات در ملاک‌های همسرگزینی و احساس عدم رضایت زنان از همسرانشان در هنگام انتخاب همسر و تحمیلی دانستن آن.
 ۱۰. وجود محل‌های فاسد و افراد فاسد در جامعه.
 ۱۱. برخی علل فردی مانند وابستگی شدید به مادر و فقدان روابط محبت‌آمیز با پدر، جنون یا عقده روسپی گری، جاه طلبی و داشتن رویاهای شهرت، ثروت و قدرت و عشق به تجمل، دارا بودن منش ناثابت و کودکانه و سردمزاجی جنسی، تنبلی، عدم مهارت در کار، کم‌هوشی و ضعف مبانی عقلی، کمی سطح فکر و دانش عمومی.
- همچنین میان روسپی گری دختران جوان با زنان بزرگسال تفاوت ماهیتی وجود دارد، فحشای زنان بنابر قواعد و کلیشه‌ها به دلیل نیاز اقتصادی است اما فحشای دختران ماهیتی واکنشی دارد که حاصل وجود ناهنجاری در تربیت اجتماعی است و در این شرائط، گرایش ذهنی و عاطفی این گروه به سمت ارضای نیازهای لذت جویانه جهت می یابد. انگیزه روسپی گری زنان طبقات بالا و پائین جامعه نیز متفاوت است. زنان روسپی در طبقه بالا و مرفه جامعه نه تنها این عمل را برای ارضای خواسته های جنسی خویش انجام می دهند، بلکه روسپی گری تفریحی را تجدد یا تمدن می نامند و به آن فخر می فروشند، اما زنان روسپی طبقه پایین اجتماع، بیشتر به دلیل فقر نسبی اقتصادی و به اجبار دست به این عمل می زنند.
- عوامل مؤثر در تقاضای جنسی مردان نیز خارج از چارچوب‌های تعیین شده اجتماعی نیز عبارت‌اند از تغییر و رشد ناگهانی پایگاه اجتماعی، کم رنگ شدن عواطف زنان نسبت به همسر پس از تولد

اولین فرزند، مشاهده زنان در خارج از منزل و مقایسه آنان با همسر نامرتب خود، سردمزاجی بسیاری از زنان، هوس رانی مرد یا تنبیه همسر (زن) از طریق بی توجهی.

مواضع قانونی در قبال روسپگری

در تمام دنیا سه نظام قانونی در برخورد با روسپی گری موجود می باشد:

۱. ممنوعیت کامل؛ در این نظام قانونی، تمام اشخاص مرتبط با عمل روسپی گری مجرم می باشند اما تا کنون این نظام قانونی نتوانسته است روسپی گری را از میان بر دارد و یا حتی آن را کاهش دهد. ایالات متحده آمریکا بر اساس این نظام عمل می نماید.

۲. آزادی کامل؛ در این نظام روسپی گری به مثابه یک شغل به رسمیت شناخته شده است. کشور آلمان بر اساس این نظام عمل می نماید.

۳. نظام بینابینی؛ در این نظام روسپی گری جرم نیست اما تبلیغ و عرضه کردن خود، جرم می باشد و زنان روسپی از هر نوع حمایت، تأمین اجتماعی و حتی بیمه درمانی محروم می باشند. کشور فرانسه از این نظام پیروی می کند. البته بیشتر کشورهای دنیا با تفاوت‌های نسبی در این گروه قرار می گیرند.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز از یک سو تعریفی برای روسپی گری ارائه نشده است و قوانین موجود صرفاً احکامی درباره زنان دارند، از سوی دیگر اگر قوادها (کارفرمایان و دلالان روسپی‌گری) دستگیر شوند مجازاتشان حداکثر ۷۵ ضربه تازیانه می باشد. حال آنکه مجازات زن روسپی در صورتی که شوهر نداشته باشد، صد ضربه تازیانه و اگر شوهر داشته باشد سنگسار است. این در حالی است که اگر شوهر وی کار قواد و یا هدایت زن را به روسپی گری داشته باشد، تنها جریمه او ۷۵ ضربه شلاق است.

جرم زدایی از روسپی گری گرچه موجب کاهش آثار و تبعات منفی و مخرب آن بر تمام جامعه می شود لکن ناخواسته پیامدهای زیر را می‌تواند به دنبال داشته باشد:

۱. شکل‌گیری سازمان‌های مجرمانه مخفی و غیر قابل کنترل روسپی گری که مشمول قانون مالیات هم نمی گردند.

۲. جرم شناختن روسپی گری موجب اشاعه آن در اماکن عمومی شده (چون محل شناخته شده‌ای نمی تواند داشته باشد) و نه تنها چهره زشتی به جامعه می دهد، بلکه امنیت و آسایش زنان و مردان سالم و عقیف را نیز به خطر می اندازد.

۳. با عدم نظارت دولت بر روسپی گری (به دلیل جرم دانستن آن) سلامت جنسی و بهداشتی جامعه به شدت در معرض خطر قرار می‌گیرد.

۴. به دنبال غیرقانونی بودن روسپی گری، نهادهای حمایتی و قضایی به حقوق این افراد توجه نخواهند کرد و در نتیجه این افراد مورد سوءاستفاده و استثمار قرار می‌گیرند.

از طرفی برخی جوامع که پدیده روسپی گری و فحشاء را دارای کارکردهایی برای جامعه می‌دانند، فوایدی از این قبیل برای آن قائلند: استغنا جنسی افرادی که قادر یا حاضر به همسرگزینی نمی باشند و استغنا جنسی موقت جهانگردان، ملوانان و کسانی که دور از خانواده به سر می‌برند. البته از هم پاشیدگی خانواده‌ها مهم‌ترین خطری است که در این دیدگاه مورد غفلت قرار می‌گیرد.

علاوه بر اینکه این پدیده می تواند باعث افزایش بیماری های رقابتی مثل ایدز، کم شدن آمار ازدواج، افزایش طلاق، تولد کودکان خیابانی و افزایش سقط جنین بشود.

رویکردهای نظری درباره انحرافات جنسی

در خصوص علل انحرافات جنسی دیدگاه های مختلفی وجود دارد که برای تبیین پدیده انحراف باید همه آنها را با هم در نظر گرفت زیرا هر یک جنبه خاصی را مورد توجه قرار می دهد. برخی از مهم ترین این نظریه ها عبارتند از:

۱. نظریه انتقال فرهنگی؛ بر اساس این نظریه، انحرافات جنسی می تواند از طریق معاشرت با دوستان ناباب انتقال یابد.

۲. نظریه فشارهای ساختاری؛ فشارهای ساختاری در محیط مانند فقر، ممکن است برخی از مردم را وادار به انحراف سازد. از دیگر فشارهای ساختاری می توان از این موارد نام برد: موقعیت های نامناسب محیط اجتماعی که سبب تحریک جنسی می شود مثل شوخی های رکیک، تماشای صحنه های نامناسب، زندگی در محیط محقر و وجود اضطراب ها و اختلال های روانی که فرد را به دنبال عامل تسکین می کشاند.

۳. نظریه کنترل اجتماعی؛ طبق این نظریه، محیط آلوده و تحت کنترل شدید هر دو می توانند در جرائم جنسی دخالت مستقیم داشته باشند.

۴. نظریه برچسب؛ برچسب انحراف جنسی (به کسانی که تازه پا در مسیر انحراف گذاشته اند) در نهایت می تواند موجب پذیرش انحراف جنسی باشد.

سیمای کلی روسپیان در جهان

به طور کلی می توان ویژگی های زیر را در حال حاضر در مورد روسپیان در سراسر جهان صادق دانست:

۱. رشد فعالیت های اروپائی در هدایت روسپیان و رفع مشکلات آنها.
۲. مبارزه با قاچاق دختران و زنان.
۳. بهره جویی برخی دولت های اروپایی و آسیائی از روسپی گری و قاچاق زنان آن هم با ارائه قوانینی که دربردارنده منافع اقتصادی برای آنها می باشد.
۴. برخورد سود جویانه جنسی و مادی پلیس از روسپیان در بسیاری از کشورها.
۵. برخورد خشونت آمیز مشتریان با روسپیان.
۶. مورد تجاوز واقع شدن روسپیان از طرف واسطه ها.
۷. وجود حملات مسلحانه و تجاوز به روسپیان.
۸. اضطراب دائمی و ترس از تجاوز موجب شده تا زنان روسپی برای احساس آرامش به مصرف الکل و مواد مخدر گرایش پیدا کنند.
۹. مصرف الکل و مواد مخدر موجب رشد مرگ و میر زودرس در بین روسپیان شده است.

۱۰. عواملی همچون بی سوادی روسپیان و والدین آنها و فقر مالی، ریشه اصلی گرایش دختران و زنان به روسپی گری است.

روسپی گری کودکان

این واقعیت که بسیاری از کودکان فراری به روسپی گری رو می آورند تا اندازه ای پیامد ناخواسته قوانین حمایت از کودکان در برابر اشتغال های زیر سن کار است. اما هرگز چنین نیست که همه کودکان روسپی از خانه های خود گریخته باشند. سه مقوله عمده کودکان روسپی را می توان تشخیص داد:

۱. فراری ها؛ چه آنهایی که خانه خود را ترک کرده اند و والدینشان به جستجوی آنها بر نخواستند و چه کودکانی که مرتباً از خانه می گریزند. اما هر بار پیدا و به خانه بازگردانده می شوند.
۲. گردش های؛ که اساساً در خانه زندگی می کنند اما ایامی را بیرون از خانه سپری می کنند. برای مثال هر چند وقت یک بار چند شب به خانه نمی آیند.
۳. اخراجی ها؛ که والدین آنها نسبت به کارهای آنها بی تفاوتند یا عملاً آنها را طرد می کنند. هر سه مقوله فوق هم شامل پسران و هم شامل دختران است. روسپی گری کودکان بخشی از صنعت گردشگری جنسی در چند ناحیه جهان است.

راهکارهای مقابله با روسپی گری

برای مبارزه با روسپی گری، در درجه اول باید عواملی را که منجر به شیوع فحشاء در جامعه می شوند برطرف کرد؛ مانند فقر، بیکاری و اعتیاد. از طرفی به منظور پیشگیری از گرایش افراد به انحراف به عوامل زیر توجه داشت و آنها را تقویت کرد:

۱. خانواده سالم، یکی از مهم ترین عواملی است که می تواند در جلوگیری از انحراف اشخاص نقش داشته باشد.
۲. ایمان مذهبی می تواند مهم ترین مانع رواج فساد و فحشاء در جامعه باشد.
۳. حمایت از جوانان برای نجات آنها از هر نوع شغل توأم با بهره کشی.
۴. ارائه خدمات اجتماعی برای نجات زنان از بهره کشی.

روسپی گری و فمینیسم

در دهه های اخیر علی رغم رشد گرایش های اخلاقی، معنویت و دینداری، ناهنجاری های اجتماعی زمینه را برای گسترش و اشاعه روسپی گری و انواع تظلمات و بهره کشی جنسی از زنان ایجاد نموده است. در این میان فمینیسم بیش از هر گرایش دیگری در سال های اخیر در موافقت و مخالفت با موضوع روسپی گری از خود عکس العمل نشان داده است. دیدگاه های مختلف مکاتب فمینیستی به شرح زیر است:

۱. فمینیسم وجودگرا؛ این مکاتب که آغازگر آن، اندیشه های "سیمون دیوار" می باشد معتقد است که فحشاء راهی برای رهایی از وابستگی زنان به مردان است به گونه ای که قربانی نمی شوند، بلکه دارای قدرت هم خواهند شد. فاحشه خمیرمایه "زن آزاد شده" است.

۲. فمینیسم لیبرال؛ این دسته از گرایش‌های فمینیستی که مبنای ایدئولوژی آنان نظرات سیاسی "جان استوارت میل" است، معتقدند که فحشاء نوعی قرارداد در زمینه داد و ستد و معامله شخصی است. آنان بر مبنای اصل مالکیت خود، به دفاع از فحشاء به عنوان حقی برای بزرگسالان همراه با آزادی و اختیار برای انجام هر نوع عمل جنسی می‌پردازند.

۳. فمینیسم مارکسیست؛ اینان معتقدند که هر نوع عملی که به بهره‌وری به نفع نیروی کار مردان منتهی شود، ظلم به زنان و برده‌داری به حساب می‌آید. بنابراین فحشاء به دلیل پرداخت دستمزد به شخص روسپی، نوعی فساد و بهره‌کشی از زنان است.

۴. فمینیسم اجتماعی (سوسیال)؛ از نظر فمینیست‌های سوسیالیست یک فاحشه، قربانی فساد جامعه‌ای است که در آن تبعیض و فاصله طبقاتی وجود دارد.

۵. فمینیسم رادیکال؛ این گروه فاحشگی را موجب تشدید، استحکام و عادی شدن "تحقیر" و "بهره‌کشی" نسبت به زنان و افزایش قدرت سیاسی جنس مذکر می‌داند.

زنان در لندن بیشتر از دیگر شهرهای انگلیس مورد تجاوز قرار می‌گیرند

خبرگزاری فارس: زنان در لندن کمترین فرصت‌های شغلی با پائین‌ترین دستمزدها را دارند و در عین حال بیش از هر شهر دیگری در انگلیس در معرض تجاوز جنسی قرار دارند.

به گزارش فارس به نقل از روزنامه گاردین، گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که زنان در لندن بدترین وضعیت را در کل انگلیس دارند.

بنا بر این گزارش، زنان در لندن شانس بسیار کمی برای یافتن کار دارند و در صورت یافتن کار نیز درآمد بسیار کمتری در مقایسه با مردان دارند. علاوه بر این، زنان در پایتخت انگلیس بیشتر از هر شهر دیگری در این کشور در معرض حمله و سوءاستفاده جنسی قرار دارند.

"کری گودارد"، مدیر اجرایی مؤسسه "فاکت" که بر اساس آمارهای رسمی این تحقیقات را انجام می‌دهد، در این رابطه می‌گوید: «گزارش منتشر شده تصویری افتضاح از نابرابری جنسیتی در لندن نشان می‌دهد تحلیل‌های ما نشان دهنده شکافی عمیق میان وضعیت زنان و مردان در لندن است».

با سرعت بیشتری که افزایش نرخ بیکاری در میان زنان لندن در مقایسه با مردان دارد و کاهش بودجه در بخش‌هایی که زنان بیشترین وابستگی را به آن دارند، فاکت و دیگر مؤسسات مبارزه با فقر در انگلیس نسبت به افزایش تعداد زنان زیر خط فقر در لندن، هشدار می‌دهند.

بررسی آمارهای منتشر شده از سوی دفتر آمار ملی انگلیس نشان می‌دهد که زنان در لندن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. در این میان زنان سیاه‌پوست و دیگر اقلیت‌های جامعه انگلیس وضعیت بدتری دارند و از هر ۱۰ نفر، ۴ نفر آن‌ها فقیر است.

اطلاعات مربوط به تجاوز جنسی هم نشان می دهد که لندن بدترین وضعیت را میان دیگر شهرهای انگلیس دارد، به نحوی که از هر ۱۰۰ هزار زن لندنی، ۱۳۲ نفر آن‌ها مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند.

واقعیت این است که زنان در لندن از لحاظ میزان دستمزد نیز فاصله زیادی با مردان دارند. بر این اساس، زنان لندنی ۲۲.۸٪ کمتر از مردان دستمزد دریافت می کنند که این فاصله برای کل انگلیس ۱۴.۹٪ است. این در حالی است که مردان ۶۲٪ مشاغل تمام وقت و پردرآمد در لندن را نیز در اختیار دارند. در مشاغل بخش های عمومی نیز درآمد زنان در مقایسه با مردان ۱۳.۲٪ کمتر است.

لندن بیشترین آمار خانواده های تک سرپرست را نیز داراست. در گزارش منتشر شده در سال ۲۰۰۹، ۳۱٪ خانواده های ساکن در پایتخت انگلیس، خانواده های تک سرپرست بوده اند که در بیشتر موارد، زنان تنها سرپرست این خانواده ها هستند.

مؤسسه فاکت هشدار داده است که قوانین مالیاتی جدید هم تأثیرات مخرب بیشتری بر وضعیت زنان در انگلیس خواهد داشت بنا بر گزارش این مؤسسه، قانون مالیاتی جدید انگلیس موجب می شود تا زنان سرپرست خانوار ۸.۵٪ از درآمد سالانه خود را تا سال ۲۰۱۵ از دست دهند.

آمارهای منتشر شده از سوی دفتر آمار ملی انگلیس نشان می دهد که علاوه بر لندن، وضعیت زنان در سرتاسر انگلیس نیز روندی منفی دارد و رکود اقتصادی در این کشور، بیشترین آسیب را برای زنان داشته است.

میلیون ها زن مهاجر در جهان غرب قربانی فحشاء هستند!؟

هرساله چهار میلیون زن در جهان برای روسپیگری، بردگی جنسی و ازدواج اجباری، از سوی سازمان های جنایت کار فروخته می شوند و دو میلیون کودک و نوجوان ۵ تا ۱۵ سال نیز وارد بازار تجارت جنسی می شوند که مقصد بیشتر آنان کشورهای پیشرفته غربی است.

آژانس خبری کاتولیکی «فیدس»، وابسته به واتیکان، در گزارش خود اعلام کرد: فحشاء با درآمد سالانه ۱۲ میلیارد دلار، سومین فعالیت سودآور پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه است که به علت خطر اندک برای عاملان اصلی روسپیگری در ۱۰ سال گذشته رشد زیادی پیدا کرده است.

در گزارش این آژانس، با وخیم خوانده شدن سرنوشت زنان و دخترانی که وادار به خودفروشی می شوند، آمده است: تدابیر لازم برای جلوگیری از فعالیت عاملان فحشاء در بیشتر کشورهای جهان وجود ندارد که این مسئله سبب رشد بدون کنترل آن شده و از سوی دیگر، به علت گسترش فقر، بسیاری از زنان جوان نیز در دام خودفروشی گرفتار می شوند. در این گزارش، ضمن اشاره به موج انتقال زنان مهاجر به کشورهای پیشرفته غربی برای خودفروشی آمده است: ۷۵٪ روسپی های آلمان را شهروندان کشورهای دیگر تشکیل می دهند و در ایتالیا نیز هزاران زن نیجریه ای، آلبانیایی و اکرانی مجبور به فعالیت در این عرصه هستند.

انحراف جنسی

انحرافات جنسی در واقع گروهی متنوع از بیماری ها و ناهنجاری های روحی و روانی هستند که مبتلایان آنها رفتارهای جنسی مغایر با مدل های پذیرفته شده و ارزش ها و معیارهای مقبول جامعه دارند.

از جنبه دیگر، انحرافات جنسی از دیدگاه جامعه شناسان، به منزله یک آسیب اجتماعی تلقی می گردند. از نظر حقوقی و قضایی نیز غالب انحرافات جنسی به عنوان عملی مجرمانه شناخته شده اند

و با مرتکبین این اعمال برخورد قضایی به عمل می آید. بسیاری از افراد جامعه، شناخت مناسبی از این انحرافات روحی - روانی ندارند و باورهای غلط در مورد این نوع انحرافات وجود داشته و برخوردهای اجتماعی و قضایی نامناسب نیز همچنان نسبت به بسیاری از انحرافات جنسی صورت می پذیرند به نظر می رسد در این عرصه شناخت مناسب جهت آحاد جامعه در زمینه انحرافات جنسی علل ایجاد آنها و راه های درست پیشگیری و مواجهه فعال نسبت به آنها لازم است.

حقوقدانان، سیاستگذاران قضایی و نظریه پردازان حقوقی نیز باید در وهله نخست اینگونه انحرافات را به خوبی شناخته و زمینه های اجتماعی و روانی ایجاد کننده آنها را دریابند تا در حد مقدور با علل و زمینه های روحی و روانی ایجاد کننده آنها آشنا گردند و نهایتاً نظام حقوقی و سیاست جنایی و کیفری مناسب در زمینه شناسایی مواجهه قضایی، پیشگیری و مجازات مرتکبین جرایم جنسی معمول شود.

روسیگیری و انحراف جنسی "

در جامعه های باستانی، قدیمی ترین نوع روسپیگری شیوه ای بود که ارتباط نزدیک با موضع اعتقادی داشت. مثلاً مردم مصر و بابل بر این باور بودند که رابطه جنسی با یک کشیش موجب نزدیک شدن به خدا می شود. هردوت می نویسد: «**زنان شهر بابل باید یک مرتبه به معبد زهره رفته مجاناً و بلاعوض خود را تسلیم مرد بیگانه نمایند و اگر کسی پولی می داد باید آن وجه را به خزانه دار معبد بسپارند که به مصارف خیریه برساند**». در معبد ارمنستان "آکی لی زن" رسمی شایع بود که دوشیزگان به هنگام معینی از سالهای زندگی وارد معبد شده و خود را در اختیار مراجعان و خواهندگان قرار می دادند و این کار یک عمل مقدس و فریضه مذهبی محسوب می شد و ازدواج هر دوشیزه مستلزم گذراندن چنین دوره ای بود. زنانی که چهره ای زیبا داشتند زود از معبد باز می گشتند ولی آنها که زشت بودند مدتی در آنجا می ماندند. بعضی سه سال حتی بیشتر در آنجا انتظار می کشیدند.

در یونان باستان روسپییانی بودند که به آنها "دوستان خوب" گفته می شد؛ روسپییانی که از طبقه بالای جامعه بودند و در مناطق مسکونی لوکس و مجلل متعلق به خود زندگی می کردند.

دموستن می نویسد که در جامعه یونان از فواحش تمتع می بریم، با کنیزکان و زنان غیرمشروع خود در اوقات روز سلامت جسم خویش را تأمین می کنیم و زنانمان فرزندان مشروع برای ما می آورند و وفادارانه خانه هایمان را حفظ و حراست می کنند.

در روم باستان روسپیان آزادی زیادی داشتند اما ملزم به پوشیدن لباسهای متمایزی از دیگر شهروندان بودند و نیز مجبور بودند موهای خود را به رنگ بور یا قرمز درآورند. رومیان نیز مانند یونانیان توسل مردان را به روسپیان به سهولت می بخشودند. این حرفه را قانون به رسمیت می شناخت ولی آن را محدود کرده بود. فاحشه خانه به موجب قانون در خارج از حصار شهر قرار داشت و فقط شبها می توانست مشتری بپذیرد. روسپیان نام خود را توسط دستیاران دادستان در دفاتر ثبت می کردند و مکلف بودند به جای پیراهن بلند، جبه بپوشند و برخی از زنان نیز نام خود را به عنوان روسپی ثبت می کردند تا از مجازات قانونی کشف زنا بگریزند.

در هندوستان روسپیگری به طور کلی محدود به معابد بود. در هر معبد، گروهی از "زنان مقدّس" وجود داشتند که کارشان در وهله اول رقصیدن و آواز خواندن در برابر بتها و شاید هم سرگرم کردن برهمنان بود. در معبد "راجه راجه" هندوستان، رسمی وجود داشت که به مرور ایام، جنبه تقدّس پیدا کرد و آن رسمی بود که گاه و بیگاه زنان مشخص یکی از دختران خود را بدانها "دیوه داسی" می گفتند، وقف پیشه روسپیگری معابد می کردند.

مسیحیان روسپیگری را عملی شیطانی می دانستند چنانکه "سنت آگوستین" معتقد بود که بدترین کارها نظیر هتک ناموس ناشی از آن است که روسپیان راهی برای ارضای شهوت خود پیدا نمی کنند. "سن توماس آکیناس" می گفت: «**روسپی مانند لجن دریا و فاضلاب خانه است. اگر جلوی آن را نگیری خانه را به منجلاب می کشاند.**»

امروزه در دنیای غرب فرصت برقراری روابط جنسی بین افراد ازدواج نکرده به طور روزافزونی در حال گسترش است. در نیمه دوم قرن بیستم دو نوع نگرش در برخورد با روسپیگری وجود داشته است:

۱. قانونی شدن و مشروعیت یافتن روسپیگری که در ارتباط با آن دولت موظّف به صدور مجوّز، اجرای آزمون اجباری از روسپیان و محدود کردن روابط جنسی به مکانهای خاصّ است.

۲. جرم نشناختن روسپیگری و حذف مجازات روسپیان.

روسپیگری در چنین کشورهایی را می توان به عنوان هسته اولیه گسترش بیماریهای مقاربتی دانست. هرچند پس از جنگ جهانی دوم با اشاعه روشهای بهداشتی و استفاده از آنتی بیوتیکها میزان بیماریهای آمیزشی به ویژه سیفلیس کاهش یافته امّا در سالهای اخیر شاهد افزایش برخی از انواع بیماریها هستیم. فزونی بسیار بیماریهای آمیزشی در دنیای صنعتی را می توان معلول عوامل چندی دانست:

۱. آزادی بیش از پیش روابط جنسی

۲. گسترش بی رویه شهرنشینی و مهاجرت به مراکز پرجمعیت صنعتی

۳. افزایش تحرّک جغرافیایی و مسافرت

۴. وضعیّت بد اقتصادی و نداشتن حرفه و کار مشخص

روسپی کیست؟ روسپیگری چیست؟

روسپی و روسپیگری به صورتهای متعدّد تعریف شده تا آنجا که می توان گفت به تعداد نویسندگان و محقّقانی که در این باره نوشته و پژوهش کرده اند، تعریفهای گوناگون از آن ارائه شده است.

در کتاب پیرامون روسپیگری در شهر تهران، روسپی چنین تعریف شده است: «روسپی زنی است که از راه خود فروشی امرار معاش کند و جز این پیشه ای ندارد و تحت نظامات خاصی به این پیشه و کار خود ادامه می دهد». در تعریفی دیگر چنین آمده است: «روسپی زن یا دختری است که به خاطر پول و برای ارضای میل جنسی مرد به او تسلیم شود و در این کار از خود نه اختیار انتخاب داشته باشد و نه از نظر جنسی حظی ببرد».

"ژان گابریل مانسینی" محقق فرانسوی نیز در تعریف فحشاء می گوید: «فاحشه زنی را می گویند که آزادانه و بی پروا در حالی که هیچگونه وسیله دیگری برای تأمین زندگی ندارد به طور مداوم و مکرر با هر کس و به اولین پیشنهاد بدون رد یا انتخاب طرف، در مقابل دریافت وجه به عمل جنسی عادی تن در دهد. چون منظور اصلی و نهایی استفاده مادی است نه لذت».

به یک تعبیر، فحشاء خرید و فروش روابط جنسی است و به عبارت دیگر، فحشاء عبارت از ایفای عمل جنسی با فرد دیگر در مقابل پرداخت پول است. روسپی ممکن است مرد یا زن باشد ولی معمولاً این عمل را به زنان نسبت می دهند؛ اما برخی اوقات مردان نیز برای مردان دیگر در نقش روسپی ظاهر می شوند که بدان فحشاء مردانه می گویند. روسپیانی که امرار معاش یا تکمیل درآمدشان از راه روسپیگری باشد، معمولاً مایلند فعالیت جنسی را با اشخاصی که قادر به پرداخت پول بیشتری هستند، انجام دهند. با این همه، روسپیان بسیاری اوقات مجبور به رعایت مسائل بهداشتی، سنتی و سلامتی ناگزیر به قبول معیارهای نژادی و قومی برای پذیرش مشتریان خود هستند.

جاذبه ها و خطرات روسپیگری

در دنیای غرب جاذبه اصلی روسپی شدن نیاز مالی است. بیشتر روسپیان به علت ناتوانی در به دست آوردن پول زیاد در مشاغل مشروع مجبور به تغییر کار شرافتمندانه هستند. به علاوه برخی از آنها معتاد به مواد مخدر شده و برای تأمین مواد به پول نیاز زیادتری پیدا می کنند. گاه نیز شور و حال یک خوشگذرانی نامشروع ناشی از شب زنده داری و آزاد بودن از انظار عموم، برخی از زنان و مردان را به فحشاء سوق می دهد.

خطراتی که روسپیان با آن روبه رو می شوند، عبارتند از:

۱. احتمال دستگیری توسط پلیس

۲. ابتلا به بیماریهای مقاربتی

۳. مورد بد رفتاری قرار گرفتن توسط مشتریان

۴. استنمار شدن به وسیله واسطه ها

گذشته از این، مشروع نبودن روسپیگری گاه آنها را وارد دنیای تبهکاری می کند. در اکثر جوامع روسپیان به عنوان منفوران جامعه تلقی می شوند و همین امر، بازگشت آنان را به زندگی عادی با مشکل مواجه می کند.

هزار و سه پند شیطان"

روزی حضرت موسی علیه السلام نشسته بود که ابلیس ملعون نزد او آمد و ضمن گفت و گوهایش به آن حضرت عرض کرد: می خواهم هزار و سه پند حکمت آمیز به تو بیاموزم و با این پندها و اندرزها تو را موعظه کنم و راه تکامل و سعادت را به تو بنمایم!!!

حضرت موسی علیه السلام او را شناخت و به او اینگونه پاسخ داد: آنچه تو می دانی، بیشتر از آن را من می دانم. تو برو خودت را موعظه کن و از بدبختی و فلاکت نجات بده.

حضرت جبرئیل امین نازل شد و پیام الهی را اینگونه به حضرت موسی علیه السلام ابلاغ نمود: «ای موسی! خداوند متعال می فرماید: هزار پند و نصیحت ابلیس فریب و دروغ است اما سه پند او را به گوش بسپار و به آنها عمل کن و به دیگران برسان که راه درست و راه نجات در آن است و با عمل به این سه پند و موعظه، کمر ابلیس خم می شود».

یکی از آن سه پند این است: «ای موسی! اگر با زن نامحرمی خلوت کردی، از من غافل مباش که سخت در فکر هلاکت تو هستم و همه نیروی خود را در گمراه کردن تو به کار می گیرم و تا تو را به حرام نیندازم و پرده عفت را پاره نکنم، از پای نمی نشینم.

ای موسی! نمی دانی چه انسان هایی را از طریق شهوت جنسی و از راه چشم چرانی و مسائل ناموسی، به ورطه سقوط و تباهی کشانده ام و در دنیا و آخرت بدبخت نمودم.

مگر برصیصای عابد مستجاب الدعوة را پس از سال ها عبادت و ریاضت، با نگاه کردن و دست درازی به دختر پادشاه زمانش، به قعر جهنم نفرستادم!!

مگر به خاطر شهوت رانی و بی حیائی یک زن نبود که سر مطهر حضرت یحیی علیه السلام، پیامبر بزرگ الهی از تن جدا شد و به عنوان مهریه دختر، در محل پادشاه عشوہ گر حاضر گردید!!

ای موسی! آیا نمی دانی چگونه از زنان سوءاستفاده می کنم تا آنجا که بزرگ ترین وسیله فریب دادن و صید کردن انسان ها برای من "زنان" هستند؟!»

مسلم است که زن بذاته ابزار صید شیطان نیست، بلکه تیر شیطان، همان نگاه به نامحرم و فکر و خیال درباره زن نامحرم و ناموس مردم است که شیطان با این روش بسیاری از مردم را فریب داده و می دهد و انسان هائی در این مسیر خطرناک لغزیده و سقوط کرده اند.

نکته دیگر آنکه زن بی تقوا و بی حجاب نیز مهم ترین حربه شیطان برای گمراهی مردم است که شیطان با چنین زنان بی حیاء و بی تقوا، کارهای بزرگی انجام می دهد و ضربه های محکمی بر دین و ایمان مردم وارد می سازد.

مهم ترین عامل دوزخی شدن مسلمانان"

در طول تاریخ این مطلب به اثبات رسیده است که شهوت پرستی و پیروی از خواهش های نفسانی و غرائز جنسی، بزرگ ترین عامل سقوط جوامع و بدبختی و فلاکت انسان ها بوده است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی مد ظله العالی فرمودند:

«طبق نظر کارشناسان حقوقی "شهوت جنسی" در ایجاد جرم و جنایات نقش عمده را دارد تا جایی که گفته شده است: در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است. شاید این تعبیر مبالغه آمیز باشد ولی یقیناً منشأ بسیاری از جنایات و اتحرافات، طغیان در "غریزه جنسی" و "شهوت پرستی" است.

خون های بسیاری در این راه ریخته شده و اموال بسیاری بر باد رفته، اسرار مهم کشورهای به وسیله زنان جاسوس که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از زیبایی و آلودگی شان بوده، افشاء نشده و آبروی بسیاری از آبرومندان در این راه ریخته شده است»^۱.

۱- اخلاق در قرآن ج ۲ ص ۲۸۴. به نقل از هزار و سه پند شیطان ص ۲۵-۲۴

حساسیت اسلام در مسئله محرم و نامحرم

از جمله مواردی که اسلام به آن اهمیت داده و حساسیت ویژه ای برای آن قائل شده است، مسئله روابط زن و مرد نامحرم است.

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لأن يطعن في رأس أحدكم بمخيط من يديه خير له من أن يمسن امرأة لا يحل له؛ اگر سوزنی را با شدت و ضربه به سر یکی از شما فرو کنند، بهتر از آن است تا زنی را که نامحرم است، لمس کنید».

یعنی لمس بدن نامحرم، برای دین و ایمان و سعادت و آخرت شما ضربه و خطر بزرگی است و ممکن است باعث سقوط و انحراف شما شود و بدبختی و شقاوت ابدی شما را به ارمغان آورد.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «المرأة عقرَب حلوَة اللسبة؛ زن (نامحرم) مثل عقرَب است که نیش آن شیرین است».^۱

حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله در توضیح این کلام می فرماید: «این جمله مذمت زن نیست، بلکه مذمت نگاه به نامحرم است. اینگونه روایات هشدار می دهد که مرد است تا فریب شهوت را نخورد. نیش عقرَب مثل نیش زنبور عسل و نظیر سوزن نیست، بلکه اگر انسان نداند عقرَب است از نیش آن احساس لذت و شیرینی می نماید مثل آنکه یک شیرینی در کام بچه بریزند که ظاهرش شیرین اما درونش تلخ و مسموم است.

این سخن برای آن نیست که بگوید زن عقرَب است، بلکه می فرماید: خود را به وسیله نگاه به نامحرم به آتش نیندازید، دیدن زن نامحرم شیرین است اما این گناه درونش عقرَب است».^۲

حساسیت حتی در صف نماز جماعت

از رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم منقول است که: «خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أُولَئِهَا وَ شَرُّهَا آخِرُهَا وَ خَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَ شَرُّهَا أُولَئِهَا؛ در نماز جماعت بهترین صف از صفوف مردان، صف اول و بدترین آنها صف آخر است و بهترین صف از صفوف زنان صف آخر و بدترین آنها صف اول است».^۳

در نماز های جماعت معمولاً زن ها پشت سر مردها می ایستاده اند و این چگونگی باعث می شد که صف اول مردها از همه صفوف دیگر، فاصله اش تا زن ها زیادتر باشد و صف آخر مردها نزدیک ترین صفوف به زن ها قرار می گرفت، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم با توجه به این ملاک، بهترین و

بدترین صفوف را مشخص می نماید و در مورد زنان هم همین ملاک و حکمت را اجرا می کنند و می فرمایند: بهترین صف زنان صف آخر است، چرا که از مردان نامحرم فاصله بیشتری دارند و بدترین صف زنان صف اول است چرا که به مردان نامحرم نزدیک ترند.

خیلی متأسفم که وقتی به برخی به اصطلاح با فرهنگ ها و حتی متمدن ها - به طور مثال - پیشنهاد می شود که سفره غذای زنان و مردان را به علت نامحرم بودن از هم جدا پهن کنند، اعتراض می کنند و نسبت خشک مغزی و مقدس مآبی به طرف می دهند.

سخنی با متأهل ها

خیلی از افراد فکر می کنند که خطر نگاه به نامحرم مربوط به قبل از ازدواج است و بعد از ازدواج دست آنها برای نگاه به نامحرم باز است و با خیال راحت می توانند چشم چرانی کنند و اثری در دین و ایمان و زندگی و خانواده شان ندارد.

۱- نهج البلاغه ج ۱، ص ۲۱۱. ۲- زن در آئینه جلال و جمال ص ۳۷۵ همان ص ۳۳. ۳- مواظب العدیدیه ص ۵۰ همان ص ۳۴

بعضی ها هم این طور توجیه می کنند که آب از سر ما گذشته، ما زن و بچه داریم و نگاه کردن و نکردن ما فرقی ندارد و خطری ما را تهدید نمی کند.

این سوء برداشت عواقب وخیمی را در پی خواهد داشت، آیا می دانید که خیلی از اختلالات بین زن و شوهر ناشی از آن است که در چشم گنهکار مرد، صورت ده ها زن نامحرم جلوه می کند و همسرش را از نظر می اندازد؟!!!!

این نگاه ها نزاع های خانوادگی و انحراف ناموسی ایجاد می کند و افرادی را پای محکمه طلاق حاضر کرده و محیط گرم خانواده را به لجنزار تبدیل می کند و برخی را به زندان می اندازد و باعث بی سرپرستی بعضی از کودکان می گردد.

استاد شهید مطهری رحمه الله علیه در این مورد می فرماید: «کشیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به

اجتماع، نیروی کار و اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند حجاب موجب فلج شدن نیمی از افراد اجتماع است، بی حجابی و ترویج روابط جنسی موجب فلج کردن تمامی نیروی اجتماع است.

آیا اگر زن ساده و سنگین به دنبال کار خود برود، برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای رفتن چند ساعت پای میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت، سعیش بر این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند، به موجوداتی هوس باز و چشم چران و بی اراده تبدیل کند؟!«^۱

به هر حال متأهل ها هم - جوان و غیرجوانشان - بدانند که علاوه بر اینکه نگاهشان حرام و گناه و عقاب دارد، در زندگی آنها هم اثر می گذارد و فکر و دل آنها را به خود مشغول می سازد و آرامش و آسایش آنها را بر هم زده و از کار و زندگی می اندازد. زمانیکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام آب از سر من نگذشته و من در صحبت با زنان احتیاط می کنم و از سلام کردن با زنان جوان استنکاف می ورزم، آیا می توانیم چنین ادعایی بکنیم و نسبت به دستورات شرع، تکبر و غرور بورزیم؟

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ كَانَ نَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ قَالَ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعَجِّبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلُ مِنَ الْإِثْمِ عَلَيَّ أَكْبَرُ مِنْ أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ؛ امام علی علیه السلام روشش این بود به زن ها سلام می کرد ولی خوش نداشت که به زن های جوان سلام کند و می فرمود: ترس آن دارم صدایشان مرا خوش آید و از این راه آلوده به گناهی شوم که زیان آن (بر روح) بیشتر از پاداشی باشد که از سلام طالبیم؟!^۲

شهوت تمام شدنی نیست "

وسوسه های نفس و خواهش های شهوانی تمام شدنی نیست؛ این طور نیست که با اجابت دعوت نفس، میل و خواهش آن تمام شود و انسان را رها کند بلکه اجابت دعوت نفس و خواهش های آن را زیادتیر می کند مثل آتشی که هرچه در آن بیشتر چوب بریزی، شعله ورتیر می گردد و چوب و هیزم بیشتری را می طلبد. اگر بخواهید این آتش را ارضاء کنید، همه چوب های دنیا را هم به آن بدهی، باز خاموش نمی شود و از میل و خواهش کاسته نمی شود. نفس انسان هم مثل همین آتش است که اگر بخواهید آن را ارضاء کنید نمی توانید.

کسی که تابع شهوت و خواهش های نفسانی می گردد، هرگز ارضاء نمی گردد. چنین کسی اگر با زیباترین زن عالم ازدواج کند، باز نگاهش به جای دیگر است و فکر می کند از دیگران لذت بیشتری می برد.

۱- پوشش زن در گستره تاریخ ص ۸۳. ۲- بحار الانوار ج ۱۰ ص ۳۷ همان ص ۴۰. ۳- الحکم الزاهره ص ۴۸ ح ۱۲۱۹ همان ص ۴۵

اگر ناموس خود را دوست دارید، نسبت به ناموس مردم عفت

بورزید"

یکی از سنت های الهی این است که برخی از اعمال انسان در همین دنیا نتیجه می دهد و انسان مل نیک خود را در همین جهان می بیند، از این روست که گفته اند «دنیا دار مکافات است» و دنیا مثل کوهی است که هرچه در آن انجام دهی مثل صدائی که به کوه می خورد و به صاحبش برمی گردد، اعمال ما هم به کوه دنیا می خورد و نتیجه اش به خود ما برمی گردد.

نگاه به نامحرم هم همین طور است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «**بَرُّوا آبَائَكُمْ يُبَرِّكُمْ أَبْنَاءَكُمْ وَ عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ يَعْفُ عَنْ نِسَائِكُمْ؛** به والدین تان نیکی کنید تا فرزندان تان به شما نیکی کنند و نسبت به زنان مردم عفت بورزید تا نسبت به زنان تان عفت بورزند».^۲

می بینید که در این حدیث، با صراحت تمام تذکر داده شده که محفوظ ماندن ناموس شما از چشم چرانی و دسترسی دیگران، مربوط به آن است که شما هم درباره ناموس دیگران عفت بورزید و نگاه

خائنه به آنها نکنید.

برادر عزیز! اگر در کوچه خلوت با دو چشمت به ناموس مردم نگاه کردی، بدان که خودت دو چشم دیگر را واداشتی تا به خواهرت یا مادرت یا همسرت نگاه خائنه کنند. این رسم روزگار است که «هرچه کنی کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «**مَا يَأْمُرُ الذَّيْنُ يَنْظُرُونَ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَنْظُرَ بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ؛** کسانی که پشت سر زنان مردم نگاه می کنند، ایمن نیستند از اینکه دیگران هم پشت سر ناموسشان نگاه کنند».^۱

زن ها هم چشم چرانی نکنند"

حفظ نگاه و خوداری از نظر کردن به نامحرمان نه تنها وظیفه مردان نیست بلکه زنان هم باید نگاه خود را از نامحرم بپوشند و از چشم چرانی بپرهیزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «**إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى امْرَأَةٍ دَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا غَيْرَ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا؛** خشم و غضب خداوند متعال سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیر شوهر خود یا از کسی که محرم او نیست، پر کند».^۲

قرآن هم تنها به مردان نمی گوید که چشم خود را از نگاه به نامحرم بپوشند بلکه خطاب به بانوان هم می فرماید: «**وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...؛** به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرم) بپوشند».^۳

«ام سلمه» می گوید: «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همراه فرد نابینایی خواست وارد منزل دخترش حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها شوند. وقتی در زد و اجازه خواست، دخترش فرمود صبر کن تا سر خود را بپوشانم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که او نابینا است. حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند که اگر او نمی بیند من که می بینم».^۴

عصر جاهلیت تکرار می شود"

وقتی خداوند متعال فرمان حجاب و عفت عمومی را برای زنان صادر می کند، در قسمتی از آن می فرماید: «**وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛** در خانه های تان بمانید و هم چون زمان جاهلیت نخستین به ظاهر شدن در بین مردان نپردازید».^۵

۱- وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۹۹ ح ۲۵۴۲۱ همان ص ۴۶. ۲- میزان الحکمة ح ۲۰۲۸۱ همان ص ۴۸. ۳- نور/ ۳۱. ۴- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۷ همان ص ۴۹. ۵- احزاب/ ۳۳.

در این آیه شریفه، جاهلیت تقیید به «اولی» شده است، این موضوع ممکن است حکایت از ظهور جاهلیت دومی بعد از اسلام داشته باشد که قرآن کریم با آینده نگری مخصوص خود آن را بیان فرموده است. چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «أَيُّ سَنَّاكُونُ جَاهِلِيَّةُ آخِرِي؛ در آینده نه چندان دور، جاهلیت دیگری تحقق خواهد یافت»^۱.

آری در قرن بیست و یکم و در عصر تصرف فضا و در میان بشریت مغرور به علم و صنعت و پیشرفت، جاهلیتی نو ظهور کرده و بشر در این مسیر عقب گردی شرم آور داشته است. همان طوری که در جاهلیت عرب، فساد و ابتذال رواج داشت، امروز هم فساد و فحشاء در سطح جهان و در میان مردم تحصیل کرده و با فرهنگ، چونان لشکر مغول بیداد می کند.

در انگلستان کلپ برهنگان تشکیل می شود که افراد در آن برهنه مادرزاد می شوند. در جاهلیت نو برای انجام زشت ترین فسادها و کریه ترین فحشاءها، قانون تصویب می شود که آن هم توسط مدعیان فرهنگ و علم و تمدن و فساد و ابتذال سردمداران و رؤسای این فرهنگ شرم آور، در مطبوعات و مجلات به چاپ می رسد. در جاهلیت عرب، رنان آلوده پرچم بر سر در خانه خود می زدند و در جاهلیت قرن ما از طریق روزنامه های مخصوص حرف هایی زده می شود که جاهلیت عرب بر آن صد شرف دارد.

ممکن است این جاهلیت برای مسلمانان هم باشد، بعضی مسلمانان آخرالزمان بار دیگر عقب گرد کنند و مانند دوران جاهلیت به جلوه گری و خودنمایی می پردازند، از خانه بیرون می آیند، از حدود الهی تجاوز کرده و چونان مردان رفت و آمد می کنند و... آری ممکن است همه این ها جاهلیت نو باشد و ممکن است ما هم وارد عقب گرد شوم شده باشیم، خوب است کمی تأمل کنیم و اندکی در این مورد بیندیشیم.

پیشگیری یا درمان

در نظام تربیتی اسلام در خصوص غریزه جنسی و مسائل پیرامون آن، سه پیشنهاد اساسی وجود دارد:

۱. ارضاء مشروع و قانونی در قالب ازدواج و بهره مندی پاک

اسلام هرگونه ارضاء و بهره گیری و لذت خواهی خارج از چارچوب ازدواج را ممنوع می شمارد. با بازشماری پاداش های دنیوی و اخروی متعدد برای ازدواج، آن را به عنوان عبادتی بزرگ معرفی کرده و با توصیه به پیروان خود به تشکیل خانواده مسیر رشد و کمال سالم انسانی را فراروی او قرار می دهد.

۲. پیشگیری و مدیریت غریزه

بر اساس اصل «تقدم پیشگیری بر درمان» در خصوص کنترل هیجانات جنسی و التهابات روحی - روانی و گاهی بیماری های جسمی ناشی از آن، به مواردی به عنوان بازدارنده و کنترل توصیه می نماید:

- تأکید بر نگاه های پاک و غیر آلوده
- اجتناب از اختلاط زن و مرد در اجتماع
- ممنوعیت و حرمت زنا، هم جنس بازی و خودمشغولی های جنسی
- تشویق به ازدواج به هنگام
- دوری از خلوت با نامحرم
- دوری از مشغول کردن فکر به گناه
- تأکید بر حجاب و عفاف در راه رفتن، حرف زدن، پوشاندن بدن و...
- تقویت اصل حیاء محوری در معماری، محیط جامعه و خانواده

۱- تفسیر نورالتقلین ج ۴ ص ۲۶۹ ح ۷۹ همان ص ۵۸

راه درمان چیست؟

راستی راه درمان این همه فساد و ابتذال و ناهنجاری که در اجتماع مشاهده می شود، چیست؟ چه باید کرد تا این بی مبالات ها و بدحجابی ها و چشم چرانی ها و مزاحمت ها کنترل شود و جامعه ما از هم فرد نباشد!؟

برخی وضع موجود را به حکوت نسبت می دهند، برخی به اوضاع جهان و برخی دیگر وضعیّت موجود را امری طبیعی در عصر پیشرفت می دانند و درمان آن را غیرممکن قلمداد می کنند. پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم در کلامی حکیمانه و برخاسته از منطق وحی، فرمودند: «بَاعِدُوا بَيْنَ أُنْفُسِ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ المَعَايِنَةُ وَ اللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ؛ بَيْنَ زَنَانٍ وَ مَرْدَانٍ نامحرم فاصله و جدائی بیندازید (تا کمتر با یکدیگر برخورد داشته باشند) زیرا هنگامی زنان و مردان با هم تماس داشته باشند و رو در روی یکدیگر قرار بگیرند، جامعه به هر بلایی گرفتار می شود که درمان نخواهد شد»^۱.

خوب دقیق شوید و ببینید که پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم راه درمان دلنگاری و بی حیائی را در دور کردن زنان و مردان از هم می دانند، یعنی باید برخورد و ملاقات این دو قشر با هم کم شود، نه آنکه با هم رفت و آمد داشته باشند و در کنار هم بنشینند و مظاهر فساد و تحریک شهوت را ببینند و زمینه گناه و ابتذال فراهم باشد، بعد بگوئیم با هم ارتباط داشته باشیم و چشم چرانی نکنید. اگر به دستور رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم عمل نشود و زنان و مردان نامحرم از هم دور نشوند و مظاهر فساد و تحریک شهوت در سطح اجتماع از بین نرود، هیچ راه درمانی برای این موضوع باقی نمی ماند و هیچ وقت جامعه ما از این گرفتاری نجات پیدا نمی کند.

دیدگاه دشمنان

خوب است حالا ببینیم دشمن برای متلاشی کردن مسلمانان چه برنامه هایی دارد و چگونه می خواهد جامعه مسلمانان را از بین ببرند. نتانیاهو (نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی): تغییر حکومت ایران فقط از راه ترویج بی بند و باری و مسائل جنسی از طریق برنامه های تلویزیونی و ماهواره ای ممکن است. مدیر ارشد انستیتوی لندن: باید کشورهای اسلامی را با ترویج سکس و استفاده از زنان هرزه از طریق توریست و تکنولوژی های جدید به محاصره درآورد. دیوید کیو (مأمور سابق سیا): مهم ترین حرکت در جهت براندازی حکومت اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.

توصیه امام خمینی رحمه الله علیه

از جوانان، دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزش های انسانی را ولو با تحمّل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت ها و بی بند و باری ها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عمال بی طرف وطن به شما عرضه می شود، نکنند که آنان چنانچه به تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ و وابستگی کشورتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند و می خواهند با این وسائل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نیمه وحشی نگهدارند.

۱- مرآت النساء ص ۱۴۰ همان ص ۶۰

دوستی بین زن و مرد نامحرم در قرآن کریم

خداوند حکیم در کتاب آسمانیش سفارش به ازدواج مشروع نموده و به شرط آنکه حقوق و مهریه زنان داده شود و رابطه نامشروع و دوستی زنان و مردان نامحرم را به شدت مردود می‌شمارد. در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: «غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخَذَاتِ أَخْدَانٍ؛ ازدواج شما زنان و مردان به صورت رابطه نامشروع و دوست گرفتن پنهانی نباشد»^۱. مسافحات، از ماده «سفا ح» به معنای «زنا» می‌باشد. «أخْدَان» جمع «خدن» و در اصل به معنای «دوست و رفیق» است. اما معمولاً گفته می‌شود که با جنس مخالف خود ارتباط نامشروع و دوستی پنهانی برقرار می‌سازند.^۲

آثار زیان بار روابط دختران با پسران

جهت آگاهی جوانان عزیزمان به ویژه دختران خوب و پاکدامنمان دلیل های گوناگون و متعددی درباره زیان های اخلاقی، اجتماعی، روانی این روابط نامشروع ذکر می‌گردد تا بدانیم خداوند متعال خیر و سعادت بندگان را می‌خواهد و برای سعادت و نجات انسان ها کارخائی را واجب و کارهائی را حرام نموده است.

۱. ایجاد جو بدینی

رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِجِ؛ در اسلام هیچ بنائی در پیشگاه خداوند متعال بهتر از ازدواج پایه ریزی نشده است»^۳.

این دوستی ها نه تنها مشکلاتی را برای دختران و پسران حلّ نمی‌کند، بلکه بر مشکلات آنان می‌افزاید. بسیاری از این دوستی ها به ازدواج نمی‌انجامد، زیرا بیشتر برای تلفن زدن و سرگرمی است. وقتی جنبه سرگرمی داشت نه تنها شعله غریزه جنسی را کم نمی‌کند، بلکه بر اضطراب دختر و پسر جوان می‌افزاید. چون بسیاری از این دوستی ها با ترس و دلهره همراه است. از طرفی جوانی که با دختری دوست می‌شود، اگر بخواد آن دختر را به عنوان همسر آینده اش انتخاب کند، پیش خود فکر می‌کند که این دختر وقتی به راحتی با من رابطه نامشروع برقرار کرد، پس از اعتقاد و ایمان قوی برخوردار نیست. بنابراین همان طوری که امروز با من دوست باشد، ممکن است در آینده که همسر من است، با دیگران برقرار کند. دختر نیز چنین فکری نسبت به دوست پسرش دارد.

بر همین اساس بسیاری از اینگونه ازدواج ها که مشهور به ازدواج خیابانی هستند، از پایه، متزلزل است و طلاق در این نوع زندگی بیشتر خواهد بود. زیرا دختر و پسر هر دو نسبت به هم بدبین هستند.

در اکثر این روابط، پسران برای شکار دختران از روحیه خوش باوری آنها سوء استفاده می‌کنند و با الفاظ فریبنده و جذاب و وعده های پوچ آنان را به دام می‌اندازند و بعد از مدتی بهره برداری به بهانه های مختلف، دختری که آرزوهائی در دل داشت و به پسر به عنوان شریک زندگی و حامی او در طول زندگی می‌نگریست، از طرف پسر رها می‌شود.

۲. طلاق

امام صادق علیه السلام فرمودند: «تَزَوُّجُوا وَ لَا تَلْقَطُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَتَهَرُّ مِنْهُ الْعَرْشُ؛ ازدواج کنید و به دنبال طلاق نروید، زیرا طلاق عرش الهی را می‌لرزاند»^۴.

یکی از آثار منفی این روابط، بالا رفتن آمار طلاق است زیرا این نوع ازدواج ها معمولاً بر اساس احساسات، ظواهر، نگاه سطحی، بدون تعقل و آینده نگری و سنجیدن شرایط برای طرفین تحقق

۱- نساء/ ۲۵. ۲- تفسیر نمونه ج ۳ ص ۳۳۴ به نقل از دختران می پرسند چرا؟ ص ۱۹. ۳- مکارم الاخلاق باب ۸ فصل ۱ به نقل از دختران می پرسند چرا؟ ص ۲۰. ۴- همان ص ۲۲

می یابد. در نتیجه پیوندی که بدون رعایت این مسائل به وجود آید، بعد از مدتی که احساسات و عواطف و بازی با الفاظ کمرنگ شده و حقائق روشن گردید، اختلافات و ناهماهنگ بودن دختر و پسر در موضوعات مختلف آشکار می شود و به تدریج منجر به طلاق می شود. به گزارش ایسنا، دکتر «کاترین کوهان» استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا گفت: «طبق آخرین تحقیقات افرادی که قبل از ازدواج با یکدیگر رابطه داشتند، بعد از ازدواج در حل مشکلات خود عاجزند، چرا که نسبت به یکدیگر بدبین هستند. طبیعت ارتباطات آزاد این است که زوجین چندان انگیزه ای برای حل درگیری ها و حمایت از مهارت های خود ندارند. وی افزود به نظر می رسد این افراد زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبودند، سرد و منجر به طلاق می شود»^۱.

۳. اُفت تحصیلی

یکی از ضررهای این دوستی های نامشروع، کاهش کمی و کیفی تحصیل است، زیرا دختر و پسر که با هم دوست می شوند، تمام حواس و فکرشان این خواهد بود که بعد از هر دیداری مجدداً تماس تلفنی یا ملاقات حضوری داشته باشند.

جوانی که فکرش متوجه جنس مخالف خود شد، دیگر آمادگی برای درس خواندن و رشد علمی نخواهد داشت. زیرا تحصیل علم احتیاج به تمرکز حواس دارد. جوانانی که رابطه نامشروع دارند، اگرچه می خواهند درس بخوانند اما به خاطر اضطراب و عدم تسلط بر افکار خود به محض یک لحظه غفلت، هوش و حواسشان متوجه جای دیگری می شود. بر همین اساس چنین افرادی در درس خواندن موفق نخواهند شد. لذا متصدیان مدارس و دانشگاه ها توصیه می کنند حتی ایام عقد و نامزدی جوانان در بُحوبه تحصیلات نباید باشند تا آنان بتوانند با تمرکز بیشتر فکر در ادامه دروس و امتحانات موفق شوند.

بر همین اساس امام علی علیه السلام می فرماید: «عَضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ؛ (اگر چشم هایتان را در هنگام با برخورد با نامحرم ببینید، چیزهای عجیبی را (در نگاه نکردن و ایجاد حالت معنوی) می بینید»^۲.

۴. ترویج فرهنگ غربی

در اسلام چیزی به عنوان دوستی بین زنان و مردان نداریم. این موضوعی است که متأسفانه در اثر دوری از دین و معنویت در جوامع غربی رائج شد. کسانی که در این راه گام برمی دارند، در واقع از یک طرف هویت دینی و ملی خود را از دست داده اند و از طرف دیگر ناخودآگاه به طرف فرهنگ غرب و بیگانه نزدیک می شوند. نتیجه آن خواهد شد که عفت و غیرت و مردانگی دهن می گردد و در مقابل گناه و آلودگی و آثار زشت این دوستی ها افزایش می یابد.

اگر جامعه اسلامی دست از فرهنگ و اصالت مذهبی و ملی خود بکشد، لازمه آن خواری و ذلت و سقوط آن جامعه خواهد بود. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبِسُوا مَلَابِسَ الْعَجَمِ وَ يَطْمَعُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذَّلِّ؛ پیوسته امت مسلمانان به راه خیر قدم می نهند تا زمانی که از فرهنگ و آداب و رسوم (مانند پوشیدن، خوردن و ...) کافران تقلید کنند، اگر در آداب از بیگانگان پیروی کردند، خداوند آنان را ذلیل می کند»^۳.

۵. دلسردی نسبت به تشکیل خانواده

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الْعِيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ؛ دیدگاه انسان، از دام های شیطان است»^۴. اگر این دوستی های عزت گونه رایج گردید، به طور کلی اساس خانواده متلاشی خواهد شد. وقتی چشم چرانی و دوستی به صورت یک عادت درآمد، طبیعی است که هر دختری بعد از مدتی برای دوست پسرش آن جاذبه روزها و ماه های اول را نخواهد داشت. لذا آن جوان به محض دیدن دختر و

۱- جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۱/۲۹ همان ص ۲۳. ۲- بحار الانوار ج ۱۰ ص ۴۱ همان ص ۲۴. ۳- بحار الانوار ج ۷ ص ۳۰۳ همان ص ۲۴. ۴- میزان الحکمة ج ۱ ص ۷۰ همان ص ۲۷

دوست جدیدی، آن دختر اولی را به بهانه های مختلف رها می سازد و به دنبال دومی می رود. زیرا وقتی ایمان و اعتقادی در کار نبود، معلوم است که چنین جوانانی هر روز خواهان دختران متنوع هستند و هر کدام را به خدعه و نیرنگ فریب می دهند و بعد از مدتی رها می کنند و دیگر دنبال تشکیل خانواده نمی روند و تن به قبول مسئولیت نمی دهند و دائم از ازدواج فرار می کنند.

۶. تأخیر در ازدواج

رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم فرمودند: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ إِلَّا تَعْلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ فَسَادٌ كَبِيرٌ؛ هنگامی که کسی به خواستگاری دخترتان آمد که از اخلاق و ایمان او راضی هستید، دخترتان را به او بدهید. اگر این کار را نکردید، بلا و فساد بزرگی روی زمین بوجود خواهد آمد.»^۱

این دوستی ها سبب تأخیر در ازدواج می گردد؛ زیرا غیرتی که خداوند متعال برای حفظ ناموس در هر مردی (حتی در حیوانات) قرار داده نمی گذارد مرد برای انتخاب همسر دنبال هر دختری برود. برخی از جوانان اگرچه دوست دختر هم دارند، اما برای همسر آینده شان به مادر یا خواهرشان سفارش می کنند که می خواهم دختری را برایم انتخاب کنید که پشت سرش حرف نباشد. زیرا بسیاری از جوانان که در یک محلّ و منطقه زندگی می کنند، با هم دوست هستند و از کارهای یکدیگر اطلاع دارند و راز هایشان را به هم می گویند.

به عنوان مثال برای هم تعریف می کنند که فلان دوستشان چند دوست دختر دارد یا با کدام رفیق است. لذا بسیاری از جوانان محلّ چنین دخترانی را می شناسند. وقتی شناختند، دیگر هیچ جوان با غیرتی حاضر نیست با دختری ازدواج کند که قبلاً در آغوش جوان دیگری بوده است، از نظر اجتماعی و روانی هم یک جوان نمی تواند بپذیرد که با دختری به عنوان همسر در خیابان قدم بزند که جوانان محلّ او را از قبل می شناسد.

اما اکثر پسران دخترانی که عفت و پاکدامنی را پیشه خود ساخته اند دوست دارند. اگرچه جوانان لاابالی باشند. زیرا غیرت جوان چنین دختری را می پذیرد و هر مرد افتخار می کند که همسری پاکدامن داشته باشند. زیرا می داند که این دُری در درون صدفی بوده که چشم ناپاکی او را ندیده و تقوا و عفت او دست ردّ به سینه تمام دیوسیرتان زد، لذا برای چنین دخترانی از سنین قبل از ازدواج، خواستگاران متعدّد می روند و آنها را از بین خواستگاران بهترین جوان را به عنوان همسر برمی گزینند و زودتر از همه دختران به خانه بخت می روند و زندگی هم بیش از دیگران به کامشان شیرین خواهد بود.

۷. باعث تحقیر و ذلت می شود

علاوه بر مطالب گذشته این دوستی ها باعث تحقیر و ذلت دختر نیز خواهد شد. زیرا از نظر روانی ثابت شده که هرچه دختر خود را بهتر ببوشاند و باوقار و باعفت باشد، نزد جوانان از احترام بیشتری برخوردار می باشد و شرائط چنین دخترانی را چونان زودتر می پذیرند.

آلفرد هیچکاک (از بزرگ ترین فیلم سازان غرب) می گوید: «من معتقدم که زن باید مثل فیلمی پرهیجان باشد، بدین معنا که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای نشان دادن خود، مرد را به نیروی تخیل و تصوّر زیادتری وا دارد. یعنی کمتر ماهیت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهند. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که بکار می بردند خود به خود جذاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی بدانها می داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند؛ حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن جاذبه جنسی او کاسته می شود.»^۲

۱- وسائل الشیعه ج ۴ ص ۵۱ همان ص ۲۸. ۲- پرنیان پاکدامنی ص ۵۸

خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش، بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می کردند، توجه ما به آن جلب می شد ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می گردید.

۸. از دست دادن سرمایه زندگی

این دوستی ها باعث می شود که دختر به راحتی بهترین سرمایه اش که عفت و بدن لطیف و زیباییست را در اختیار جوانی گناهکار قرار دهد. جوانی که باید به خود زحمت دهد و با عزت و احترام از دختری خواستگاری کند و مهریه او را بپردازد و از طرفی مخارج عروسی و زندگی دختر را اعم از خوراک، پوشاک و مسکن به عهده بگیرد، به هدفتش می رسد بدون اینکه بهائی بپردازد و مسئولیتی بپذیرد. در صورتی که هیچ انسان عاقلی نمی آید کالای بسیار نایاب خود را که سرمایه اصلی زندگی اش می باشد، مفت و مجانی در اختیار دیگران قرار دهد.

۹. نابودی غیرت و مردانگی

یکی از آثار زشت دوست دختر داشتن آن است که این موضوع به تدریج باعث از بین رفتن غیرت و مردانگی می گردد به گونه ای که بعد از گذشت مدت کوتاهی از این دوستی ها نسبت به ناموسش بی تفاوت خواهد شد. به عنوان مثال جوانی که تمایل دارد در رفت و آمدهای فامیلی یا همسایگان با دختری یکی از آنان دوست شود، گاهی برای رسیدن به این هدف با برادر دختر رفیق می شود تا خواهرش را شکار کند. بعضی اوقات هم جلسات دوستانه همراه با انواع آلودگی اعم از موسیقی و رقص و دیدن فیلم های مبتذل تشکیل می دهند تا هر کدام با دوست دخترشان باشند.

بر همین اساس در کشورهای غربی و ایران قبل از انقلاب اسلامی، محل های به نام «دانسینگ (رقاص خانه)» وجود داشت که هرکس که می خواست آنجا برود، موظف بود همراه همسر یا خواهر یا دخترش به محل رقص برود و اصولاً مرد تنها یا زن تنها را راه نمی دادند. در برنامه دانسینگ که با خوردن انواع مشروبات نجس و حرام، نواختن موسیقی و رقص همراه بود، هر مردی ناموسش را برای رقصیدن به دیگری واگذار می کرد و خود او دختر یا زن دیگری را برای رقصیدن انتخاب می کرد و کار های دیگری که نوشتن آن شرم آور می باشد. آری نتیجه این دوستی ها و رابطه نامشروع چیزی جز این جلسات ننگین و آلوده نخواهد بود.

۱۰. لذت همراه با اضطراب

وقتی نوجوانی به سن بلوغ رسید و غریزه جنسی در او شدت یافت، یک حالت اضطراب روحی پیدا می کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ یکی از آیات خداوند متعال این است که از خود شما همسرانی برایتان خلق نمود تا در سایه این همسران و ازدواج با آنان آرامش روحی پیدا کنید و بین شما به خاطر همین ازدواج محبت و رحمت برقرار نمود. در این ارتباط مشروع زن و مرد، نشانه هایی از قدرت خداوند است برای گروهی که تفکر و تعقل دارند.^۱

بنابراین اضطرابی که در غریزه جنسی در جوان به وجود می آید، از آیات و نشانه ای عظمت و قدرت حضرت حق تعالی است. این اضطراب بسیار ممدوح و پسندیده است. زیرا این آرامش روحی باعث تمایل انسان به جنس مخالف و در نتیجه سبب بقاء نسل خواهد شد.

این آرامش روحی زمانی تحقق می یابد که بشر از طریق شرعی و قانونی احترام به رابطه نماید و بر همین اساس طبق قوانین الهی همسری را برای خود انتخاب کرده و از نظر روانی از آسودگی خاصی برخوردار می گردد.

در حالی که این آسایش روحی در روابط نامشروع دختران و پسران نیست. زیرا ارتباط نامشروع بر اساس تمام ادیان الهی خلاف قانون است و با فطرت بشر که عجین و آمیخته با غیرت و عفت می باشد، ناسازگار است. به خاطر آنکه روابط نامشروع خلاف قانون و وجدان و فطرت بشر است. لذتی

۱- روم/۲۱

که از این راه حاصل می شود همراه با اضطراب و با دلهره خواهد بود. اگرچه این ارتباط آلوده در محیطی آرام و بدون مزاحمت انسان و قانونی اتفاق بیفتد. مانند دزدی که به راحتی و بدون وجود صاحب مال و پلیس از مکانی سرقت می کند، اگرچه هیچ فرد و قانونی مانع سرقت این دزد نشده اما چون سرقت تجاوز به حقوق دیگران و پایمال نمودن حقوق مردم است، باعث اضطراب سارق خواهد بود. این مسئله را هر انسان با وجدانی قبول دارد اگرچه معتقد به دینی نباشد.

۱۱. تجاوز به حقوق دیگران

رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَطَعَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَدَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجْنُوا رَحْمَتَهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ وَ كُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ؛ هر زنی که خود را معطر سازد و از منزل خارج شود و از کنار گروهی بگذرد تا بوی او را دریابند، وی زناکار است و هر چشمی که عمداً این زن را نگاه کند زناکار است»^۱.

موضوع علاقه به جنس مخالف و او را تنها برای خود خواستن و اجازه ندادن به دیگران برای وارد شدن در حریم و محدوده جنس ماده نه تنها یک خصلت خوب انسانی است، بلکه در بسیاری از حیوانات این خوی و صفت وجود دارد. بر همین اساس در جنگل ها حیوانات اجازه نمی دهند حیوان دیگری در آن محدوده ای که حیوان ماده و جفتش زندگی می کنند وارد شود، در صورتی که بخواهد وارد شود با عکس العمل شدید حیوان نر روبرو خواهد شد، اگرچه منجر به درگیری و زد و خورد و زخمی شدن گردد.

این خصلت حفظ ناموس و حسّاس بودن نسبت به آن، همان غیرتی است که خداوند بزرگ برای حفظ ارزش ها و حراست از کانون خانواده ها در فطرت انسان قرار داده است. بنابراین ارتباط نامشروع

تحت عنوان دوست پسر یا دختر تجاوز به حقوق دیگران و دست برد به ناموس انسان هاست، همان تجاوز و پایمال کردن حقی که حیوانات نمی توانند تحمل کنند تا چه رسد به انسان ها!

۱۲. الگوی نامناسب آینده

امام صادق علیه السلام درباره فلسفه ازدواج فرمودند: «لِمَا فِيهِ دَوَامُ النَّسْلِ وَ بَقَائِهِ؛ هدف از ازدواج (شبهوت و غریزه جنسی نیست بلکه علت اصلی) دوام و بقاء نسل بشر است»^۲.

یکی از هدف های مهم ازدواج همانطور که امام صادق علیه السلام فرمودند بقاء نسل و حفظ آن از انقراض است و إلا غریزه جنسی و لذت بردن در حیوانات به مراتب بالاتر و بیشتر از انسان است. زیرا آن محدودیت ها و آداب و رسوم و احکامی که برای ازدواج انسان هاست، در حیوانات نیست.

بنابراین هر شخصی که پیوند مقدّس زناشویی را تشکیل دهد، دوست دارد خداوند مَن فرزندان سالم، صالح و زیبا به او عطا نماید. کسانی که از نعمت فرزند محرومند، از زندگی گرم و بانشاط برخوردار نمی باشند اگرچه می توانند با قبول فرزندان دیگران به کانون خانواده خویش گرمی و شادی ببخشند، چه بسا این کار خدایسندانه باعث می شود که خداوند متعال به آنان فرزندی عطا نماید. بنابراین هر انسان عاقلی دوست دارد فرزندان شایسته از جهات مختلف داشته باشد. معمولاً پدر و مادرها آرزو دارند نور چشمشان دارای ادب، کمال و تربیت صحیح باشد. در این جهت بهترین الگو از نظر روان شناسی و اجتماعی و اخلاقی پدر و مادر هستند. آنان هستند که می توانند با عمل خود فرزندان شایسته تحویل جامعه دهند و عمری را با افتخار و سربلندی زندگی کنند. آنان هستند که می توانند به دختر و پسرشان بگویند همان طوری که در جوانی پاک بودیم، شما هم بدون گناه و پاک زندگی کنید.

اما پدر و مادرانی که در دوران جوانی آلوده به گناه بوده اند، چگونه می توانند الگوی رفتاری و تربیتی برای عزیزانشان باشند؟! دختر و پسری که در ایام جوانی ارتباط نامشروع با دیگران

۱- سنن نسائی ج ۸ ص ۱۵۳ همان ص ۴۰. ۲- بحار الانوار ج ۳ ص ۷۴ همان ص ۴۳.

داشتند، چگونه می توانند الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند؟! در صورتی که بخواهند با دختر و پسر خود در مورد پاکی سخن بگویند، کلامشان تأثیری ندارد زیرا به آنچه می گویند عمل نکرده اند تا در دل جوانشان اثر نماید.

۱۳. اضطراب روحی بعد از ازدواج (عدم صداقت به همسر)

رسول گرامی اسلام صلّ الله علیه و آله و سلّم فرمودند: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ تَالِيَهُمَا؛ مرد نباید با زن نامحرم خلوت کند. هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند مگر اینکه سوّمی آنها شیطان است (تا آن زن و مرد نامحرم را به گناه وا دارد)»^۱.

معمولاً هر دختر و پسری دوست دارد بهترین همسر را از بین جوانان انتخاب کند و بعد از پیوند مقدّس زناشویی از نظر روانی علاقه دارد هر وقت سخن از گذشته پیش می آید، همسرش از پاکی و تقوای خود و خانواده اش بگوید تا به آن مباحثات کند.

اگر دختری قبل از ازدواج رابطه نامشروع نداشته باشد، می تواند گذشته زندگی خویش را با صداقت و سرافرازی برای همسرش بازگو کند. بیان سوابق درخشان برای یکدیگر باعث اطمینان بیشتر به هم و سبب استحکام این پیوند مقدّس می گردد و هر کدام با خود می گوید چه معشوق و همسر خوبی برای زندگی انتخاب نموده ام.

در حالی که دختران و پسرانی که قبل از ازدواج با نامحرم ارتباط داشته اند، نمی توانند با همسرشان با صداقت سخن بگویند و از نظر روحی دچار مشکل اند، زیرا دائم مواظب اند هر وقت از گذشته حرفی به میان می آید، به طریقی رشته کلام را به جای دیگر بکشانند تا مبدا نقطه ضعفی که در سابق داشته اند آشکار گردد. هم چنین سعی می کنند با دوستان سابق روبرو نشوند تا نکند آن سرّ زندگیشان را برای دیگران بازگو کنند.

بنابراین دخترانی که قبل از ازدواج دوست پسر داشته اند، بعد از ازدواج باید دائماً مواظب باشند که شوهرشان از گذشته آنان سر در نیاورد، زیرا احتمال دارد اطلاع شوهر باعث بروز مشکلاتی برایشان گردد.

البته دختر و پسری رامی شناسیم که قبل از ازدواج نقاط منفی داشته اند و الآن با فرد دیگری زندگی می کنند، باید تمام تلاشمان را بکار ببریم تا مبدا عیب او آشکار گردد. زیرا اگر کسی با زبان و اعمالش سبب خرد شدن دیگری در جامعه شد و زندگی دیگری را متلاشی کرد، خداوند متعال نیز شخص دیگری را مأمور خواهد کرد تا او را رسوا نماید.

وانگهی دختری را که قبل از ازدواج با جوان دیگری رابطه داشت، اگر بین خود و خداوند متعال واقعاً توبه کند، قطعاً حضرت حق تعالی او را خواهد بخشید و او نباید از این رابطه سخن به نزدیک ترین دوستان و یا شوهرش بگوید، زیرا گفتن آن مساوی با آبروریزی و سرد شدن شوهر نسبت به او متلاشی شدن زندگی است.

۱۴. منشأ خطر برای دختران

در این روابط نامشروع اکثر اوقات پدر یا ولیّ دختر از موضوع اطلاع ندارد و از طرف دیگر گاهی پسر آن چنان دلباخته و علاقه مند به دختر است که به هیچ وجه راضی نیست از دوست دخترش دست بردارد. بعد از آنکه پدر و خانواده دختر از این ارتباط و مسئله خواستگاری پسر از دخترشان اطلاع یافتند، با کمی تحقیق و برّرسی متوجّه می شوند که دخترشان از روی سادگی و خوش باوری قبول کرده و پسر از نظر اخلاقی و ایمانی موقعیت خانوادگی در شأن آنها نیست و در نتیجه با خواستگاری مخالفت می کنند.

در مقابل جوانی که روزها و ماه ها منتظر بود تا به وصال معشوقه اش برسد، با شنیدن جواب ردّ و با توجّه به نداشتن ایمان قویّ و فشار غریزه جنسی و توهمات و خیال های واهی تحت فشار روحی شدید قرار می گیرد و در چند لحظه جنون آنی پیدا می کند به طوری که عقل و تدبیر را از دست می دهد که بعد از چند دقیقه پشیمان می گردد که آن پشیمانی سودی نخواهد داشت. نمونه های بسیاری

۱- دعائم الاسلام ج ۲ ص ۲۱۴ همان ص ۴۵

مانند کور کردن چشم، ریختن اسید به صورت و... در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسیده است.

۱۵. شوهران نیز در معرض خطر هستند

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «إِيَّاكَ وَ مُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُوا رَجُلٌ بِإِمْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هُمْ بَهَا؛ از گفت و گو با زنان بپرهیز. به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی گوید مگر اینکه در دلش نسبت به وی رغبت و علاقه پیدا کند»^۱.

گاهی این روابط غرب گونه باعث وقایع تلخی برای شوهر و منجر به فروپاشی کانون گرم خانواده می شود. زیرا وقتی زن با مرد دیگری رابطه داشته باشد، به خاطر وجود شوهرش، آن زن و و مرد نامحرم نمی توانند با آزادی کامل با هم رابطه داشته باشند، لذا وجود شوهر را مزاحم خودشان می دانند و در نتیجه برای اینکه راحت با هم ارتباط برقرار کنند، تصمیم می گیرند شوهر زن را از سر راهشان بردارند تا با خیال واهی خود، دیگر هیچ مشکلی پیش رویشان نباشد حتی ممکن است برای برداشتن شوهر زن از سر راهشان وی را به قتل برسانند.

۱۶. سبب بی مهری خانواده داماد

رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم فرمودند: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ؛ برای نطفه خود جای مناسب انتخاب کنید، زیرا زن (از نظر ظاهر و اخلاق و روحیات و صفات) مانند برادران و خواهران خود را می آورند»^۲.

عروس تحمیلی

هر پدر و مادری دوست دارد برای پسرش دختری شایسته از نظر ایمان، اخلاق و زیبایی انتخاب نماید به طوری که عروس آینده آنان در شأن خانواده شان باشد. اکثر پسران هم به نظر و عقیده والدین به ویژه مادرشان در این انتخاب احترام می گذارند و تمایل دارند نظر و دیدگاه مادر یا خواهرشان در این مسائل تأمین گردد.

وقتی دختری با پسری دوست شد و روی احساسات و عدم تدبیر و آینده نگری تصمیم به ازدواج گرفتند، پسر چنان تحت تأثیر عواطف دوست دخترش قرار می گیرد که به هیچ وجه توجهی به نظر پدر و مادرش نمی کند. والدین پسر هم به ناچار آن دختر را به عنوان عروس خویش می پذیرند و در نتیجه ازدواج تحقق می یابد.

یکی از ضررهای این روابط نامشروع که منجر به ازدواج تحمیلی برای خانواده پسر می شود، آن است که این عروس آن احترام خاصی که بقیه عروس ها در خانواده داماد دارند، ندارد و آن صفا و صمیمیت و محبتی که بین عروسی که خود خانواده داماد انتخاب می کنند، وجود دارد، نسبت به آئین عروسی که به ناچار قبول کردند، نیست. معمولاً اقوام داماد هر جا سخن پیش می آید، اظهار دارند که عروس خانم خودش را به ما تحمیل کرد و بر همین اساس بقیه بستگان به دید حقارت به آن می نگرند و از جایگاه و شأن و منزلت خوبی برخوردار نخواهد بود.

اینگونه دختران و عروس ها مانند مهمان ناخوانده می مانند که بدون دعوت آمده که نزد میزبان چندان احترامی ندارد. در حالی که دختری که از او با عزت و احترام خانواده داماد خواستگاری کنند، مانند مهمانی است که او را صاحب خانه دعوت نموده که در نتیجه از احترام ویژه همراه پذیرایی خوبی برخوردار خواهد بود و در نتیجه روابط رفت و آمد چنین عروس هایی با خانواده شوهرش معمولاً سرد خواهد بود و این موضوع حتی در روحیه فرزندانشان اثر منفی خواهد گذاشت.

۱۷. سوء استفاده مالی

قرآن کریم می فرماید: «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ ای پیامبر به زنان بالیمان بگو نزد نامحرمان زینت خود را آشکار نکنند»^۳.

۱- بهشت جوانان ص ۴۷۱ همان ص ۷۱. ۲- نهج الفصاحه ح ۱۱۳۲ همان ص ۷۵. ۳- نور/۳۱

برخی از دختران، پدر و مادرشان از نظر مالی در موقعیت خوبی هستند و یا خود دختران طلا و جواهرات زیادی به گردن و دست های خود آویزان می کنند، به گونه ای که ظاهر آنان برخی جوانان را نسبت به سرعت تحریک می کنند. در چنین مواردی پسرانی که از نظر شکل و قیافه زیبا و در چرب زبانی ممتاز هستند، با دختر طرح دوستی می ریزند و بعد به او پیشنهاد ازدواج می دهند تا از این طریق به نان و نوائی برسند. به یک ماجرای عبرت آموز توجه کنید:

ادعای بازیگری ابزاری برای فریب

اواخر سال ۱۳۸۰ در مجمع قضائی شمیران، سه شکایت مشابه از سوی سه دختر جوان مطرح شد که در آن مرد جوانی به خاطر اغفال شاکیان، خواستگاری، اخذ پول میلیونی و کشیدن چک بلامحل، تحت تعقیب پلیسی و قضائی قرار گرفت.

نخستین قربانی نقشه این بازیگر قلبی سینما، «هنگامه» دختر نوزده ساله ای بود که دانشجوی رشته ادبیات است. وی که به همراه مادرش در دادگاه عمومی تهران حضور یافته بود، به قاضی پرونده گفته بود: بهمن ماه سال گذشته در جشن عروسی دختر دائی ام با «رضا» که برای اجرای برنامه هنری به آنجا آمده بود، آشنا شدم.

او جوانی شیک پوش و خوش زبان بود، در ابتدای آشنائی، وقتی علاقه مرا به هنر و هنرمندی دید، خود را بازیگر سینما و تئاتر معرفی کرد و ادعا کرد که در چند نمایشنامه معروف همراه هنرمندانی مانند: ایرج راد، اکبر زنجان پور، داریوش ارجمند، سیاوش طهمورث، بهروز بقائی، افسانه بایگان و... ایفای نقش کرده است.

مدتی از آشنائی مان نگذشته بود که «رضا» به خواستگاری ام آمد. وقتی پدر و مادرم رفتارهای اجتماعی او را دیدند، فریب ظاهر و ادعاهای او را خوردند، بدین ترتیب با موافقت خانواده ام قرار شد شش ماه نامزد باشیم، سپس سر سفره عقد بنشینیم.

«هنگامه» در ادامه گفت: بعد از گذشت دو ماه رضا که توانسته بود اعتماد ما را به خود جلب کند، نزد من آمد و به بهانه اینکه پسر عمومیش به خاطر کشیدن چک بلامحل دو میلیونی در زندان است، خواست این پول را امانت به وی بدهم تا او بتواند پسر عمومیش را نجات بدهد. به گفته رضا، پسر عمومیش دارای املاک و مستغلات در شهرهای شمالی بود که قرار شد پس از آزادی با فروش آنها بدهی ما را بپردازد.

پدر و مادرم به اعتبار داماد هنرمند خود، دو میلیون پول نقد به وی دادند و رضا یک فقره چک به مبلغ دو میلیون کشید. این پسر بعد از گرفتن این پول، به بهانه سفر به بابلس برای فروش املاک و مستغلات پسر عمومیش از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت.^۱

۱۸. گرفتاری در باند فساد

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ؛ سخن گفتن با زن نامحرم از دام های شیطان است».^۲

گاهی این دوستی های غربی مآب باعث می شود که دخترانی که هزاران آرزو در سر می پروراندند، گرفتار گروه های آلوده و باندهای فاسد شوند. لذا یکی از آثار مخرب این روابط نامشروع آن است که جوانان چرب زبان با شگردهای مختلف طرح دوستی با دختران را می ریزند و در موقع لازم آنان را به دام می اندازند.

۱۹. برخلاف قانون وراثت

وقتی دختر و پسر برخلاف اصول و اعتقادات دینی و علمی و بدون تعقل و آینده نگری و بدون در نظر گرفتن شرائط ازدواج و عدم مشورت با دیگران، با هم دوست می شوند در حالی که معیار این روابط بیشتر احساسات و غلبه غرائز جنسی و یا بازی با الفاظ فریبنده می باشد، معلوم است که هیچ

۱- شکار جوانان ج ۱ ص ۱۰۲-۱۰۱ همان ص ۸۳-۸۲. ۲- بهشت جوانان ص ۲۲۳ همان ص ۹۱

کدام زمینه مساعدی از نظر اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مورد قبول عقلاء، برای پیوند مقدس ازدواج ندارند؛ زیرا اگر این شرایط را داشتند هرگز همسری را که می خواهند یک عمر همراز و مونسشان باشد و از او دارای فرزند صالح و نیکو گردند، با یک نگاه و از روی احساسات و عواطف زودگذر انتخاب نمی کردند.

بر همین اساس دانشمندان روی شایستگی همسر از جهات مختلف تأکید فراوان دارند، زیرا طبق قانون وراثت، زیبایی و زشتی، صفات خوب مانند شجاعت، عفت، پاکدامنی، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی و صفات زشت مانند حسادت، بخل، ترس، کبر و غرور و ده ها صفت دیگر از طریق پدر یا مادر به فرزند منتقل می شود.

یکی از ضررهای این روابط غرب گونه در صورتی که منجر به ازدواج گردد، آن است که معمولاً معیارهای ثابت شده در قانون وراثت در نظر گرفته نمی شود. لذا در آینده فرزندان این افراد با مشکل اخلاقی و اجتماعی روبرو خواهند شد. روی همین اصول و معیارها امام صادق علیه السلام فرمودند: «تَرَوُجُوا فِي الْحَبْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ از خانواده های صالح و پاکدامن همسر انتخاب کنید و با آنان ازدواج نمائید، به خاطر آنکه اخلاق و صفات خوب و بد از طریق پدر و مادر به فرزند منتقل می گردد»^۱.

هم چنین حضرت علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ؛ شیر زن احمق و نادان (کسانی که از نظر ایمان و فرهنگ دینی ضعیف اند) را به بچه هایتان ندهید، به خاطر آنکه شیر آن زن به طبیعت بچه غلبه پیدا می کند (و اخلاق و روحیات و صفات زن توسط شیر به بچه منتقل می شود)»^۲.

این دو حدیث و مانند آن اشاره به قانون وراثت دارد که دانشمندان بعد از صدها سال بعد از ائمه علیهم السلام متوجه آن شدند و ثابت کردند که از طریق کروموزوم ها (ژن ها) که ذرات بسیار کوچکی هستند، صفات ظاهری و باطنی و اخلاقی خوب و بد والدین به فرزندان منتقل می شود.

۲۰. کوتاهی عمر

از روایات متعددی که از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شده استفاده می شود که ثواب و گناه یک اثر وضعی و طبیعی در زندگی افراد خواهد داشت. زیرا معمولاً کسانی که اهل روابط نامشروع نیستند، به نماز و روزه و معنویات بهاء می دهند به طوری که در روح و جسمشان اثر می گذارد و از آرامش روحی ویژه ای برخوردارند، در نتیجه اگر مسائل دیگری مانند بهداشت جسم و اجتماع را رعایت کنند، از عمر طولانی تری برخوردار خواهند بود.

در مقابل افرادی که اهل گناه و معصیت و تجاوز به حقوق دیگران هستند، به خاطر حاکم نبودن آرامش روانی و آینده تاریکی که پیش روی خود تصور می کنند، عمر کوتاهی خواهند داشت.

بر اساس همین موضوع، امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعْيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعْيشُ بِالْأَعْمَارِ؛ کسانی که به خاطر گناهان شان عمرشان کوتاه می شود و می میرند بیشترند نسبت به با مرگ طبیعی و اجل معین می میرند و کسانی که به خاطر نیکی کردن و کارهای ثواب عمرشان طولانی می شود بیشترند از افرادی که با مرگ طبیعی می میرند»^۳.

رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم نیز فرمودند: «إِذَا كَثُرَ الزَّوْنَا مِنَ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ؛ بعد از من زمانی که زنا (و رابطه نامشروع بین زنان و مردان نامحرم) زیاد شده، به دنبال آن، مرگ ناگهانی (و سخته در جامعه) زیاد خواهد شد»^۴.

نظر دانشمندان غربی

نماز مانع سخته، حمله قلبی، نارسایی کلیوی و باعث طولانی شدن عمر می شود.

۱- مکارم الاخلاق باب ۸ فصل اول همان ص ۹۹. ۲- مکارم الاخلاق ص ۲۳۷ همان ص ۱۰۰. ۳- بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۶۳ همان ص ۱۰۱. ۴- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۲۳۱ همان ص ۱۰۲.

بر اساس تحقیقات جدید، افراد مؤمن و مذهبی بیش از سائرین عمر می کنند و دلیل آن مرتب نماز خواندن است که باعث کاهش فشار خون آنان می شود.

به گزارش خبرگزاری آلمان از فرانکفورت، محققان فشار خون ۱۵۵ مسلمان آمریکائی آفریقائی تبار را که ۲۵ تا ۴۵ سال سن داشتند، به طور ۲۴ ساعته اندازه گیری کردند و دریافتند فشار خون این افراد پائین تر از حد متوسط است. این افراد دارای اعتقادات راسخ مذهبی بوده و به طور مرتب نماز می خواندند.^۱

مجله پزشکی «آرزو ته سایتونگ» چاپ آلمان نوشت: «نکته جالب توجه آن که در بررسی دیگری که در دانشگاه «دوک» در کارولینای شمال انجام شد، این مسئله در مورد گروهی از سفید پوستان آمریکائی که مدعی داشتن اعتقادات راسخ مذهبی بوده اند، اما نماز نمی خواندند، صدق نکرد و کاهش فشار خون در آنان مشاهده نشد».

عدم کنترل فشار خون بالا می تواند به سکتة قلبی، نارسائی احتقانی قلب و نارسائی کلیوی منجر شود.

بر اساس اعلام انجمن قلب آمریکا از هر ۴ شهروند آمریکائی، یکی دچار فشار خون بالا است.^۲ دکتر «ملحت الشامی» از مصر گفت: «نماز و عبادت از مهم ترین عوامل ترشح هورمون ملاتونین (هورمون جوانی) است که در نتیجه موجب تأخیر در ظهور و نشانه پیری می شود».^۳

نقش معنویت در خون و فعالیت مغز

نتایج پژوهش محققین دانشگاه «ویسکانیس» نشان می دهد که عبادت یا به حالت خلنسه فرو رفتن، سیستم ایمنی بدن را تقویت می کند.

به گزارش ایرنا ترکیب خون افرادی که بعد از دریافت واکسن آنفلونزا به مدت هشت هفته به طور مرتب در یک برنامه نیایش شرکت کرده بودند، با خون افرادی که بعد از دریافت این واکسن در برنامه مزبور شرکت نداشتند، مقایسه شد. علاوه بر آن، فعالیت های مغزی این دو گروه در چندین مرحله بعد از دریافت واکسن مزبور عکس برداری شد. به گفته پژوهش گران، بررسی های مزبور نشان داد که میزان آنتی بادی نسبت به ویروس آنفلونزا در خون افرادی که در برنامه نیایش شرکت داشتند به مراتب بیشتر از افرادی است که در برنامه شرکت نداشتند.

اسکن مغزی این دو گروه نشان داد که فعالیت های بخشی از مغز که در رابطه با احساسات مثبت عمل می کند در افرادی که نیایش نموده اند بیشتر از مغز افرادی است که شرکت نکرده اند. بر اساس این پژوهش، داشتن افکار منفی زمینه ابتلاء به انواع بیماری ها را در افراد افزایش می دهد.

نقش ازدواج در سلامتی بدن و طول عمر

محققان دانشگاه «شیکاگو» با انجام تحقیقاتی به این نتیجه رسیده اند که ازدواج باعث بهبود وضع فشار خون، کاهش احتمال ابتلاء به افسردگی و مهم تر از همه طول عمر انسان می شود.

به نوشته روزنامه روسی اینترنتی «پراودا» این محققان اعلام کردند که میزان مرگ و میر زنان مجرد ۵۰٪ بیشتر از زنانی است که ازدواج می کنند و در مورد مردان مجرد وضع به مراتب وخیم تر است. درصد مرگ و میر مردان مجرد دو و نیم برابر بیشتر از مردان متأهل است.

بر اساس تحقیقات، مجرد باعث افزایش اضطراب و ازدیاد ابتلاء به بیماری های مزمن از قبیل ورم معده و زخم معده می شود.

روزنامه پراودا در ادامه نوشت: نتایج این تحقیقات، مقامات آمریکایی را بر آن داشته است تا تدبیری به منظور تشویق مردم به تشکیل خانواده اتخاذ کنند.^۴

۱- روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۵/۹ ص ۵ همان ص ۱۰۳. ۲- کیهان ۱۳۸۱/۳/۲۱ ص ۱۵ ش ۱۷۳۹۶ همان ص ۱۰۴. ۳- کیهان ۱۳۸۲/۶/۷ همان ص ۱۰۴. ۴- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۷۵۳۴-۴/۲۸/۱۳۸۴ همان ص ۱۰۵

۲۱. وسیلهٔ ارضاء جنسی

یکی از زیان‌های روابط نامشروع دختران و پسران آن است که گاهی دختران ابزاری برای اطفاء شهوت و وسیله برای ارضاء جنسی جوانان آلوده می‌گردند، زیرا برخی از این جوانان از ظاهر زیبا که برخی دختران ظاهر بین و سطحی نگر مجذوبشان کردند، این‌گونه جوانان نیز با ده‌ها فریب و وعده‌های توخالی بعد از آنکه مدتی از دوست دخترشان بهره برداری کردند، او را به بهانه‌های مختلف رها می‌سازند.

غرض از این مطالب این است که آن دختران عزیز و خوب ما بدانند که هدف بسیاری از جوانان از گرفتن دوست دختر، سرگرمی و ارضاء غریزه جنسی است. لذا وقتی به وسیلهٔ الفاظ زیبا و دروغین با دختری دوست شدند و از او بهره برداری کردند، به محض این که دیدند دختر دومی و سومی زیباتر و پول‌دارتر است، اولی را رها می‌سازند یا اینکه در یک زمان در هر روز و ساعتی با دختران متعددی ارتباط دارند. بعد از چند سال فریب و نیرنگ، همهٔ دخترانی که با هزاران امید و آرزو با او رابطه داشتند را رها می‌کند و دنبال دختری می‌روند که از نظر حجاب و تقوا الگو باشد.

بنابراین دختران عزیز باید بسیار هوشیار باشند که تا مبدا فریب بخورند، زیرا هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که دختری که می‌تواند با رعایت عفاف و پاکدامنی بهترین همسر را از بین جوانان برگزیند، وسیله‌ای برای شهوت رانی عده‌ای از جوانان آلوده شود.

۲۲. آینده‌ای تاریک

زمانی که رابطه بین دختران و پسران نامحرم در جامعه شیوع پیدا کرد و یک امر عادی جلوه داده شد، به تدریج (همان‌طور که تجربه و طبع برخی انسان‌ها نشان داده است) زنان شوهردار و مردان متأهل به این گناه مبتلا می‌شوند، در نتیجه دختری که امروز با پسر جوانی ارتباط برقرار کرد و باعث انحراف او شده، در آینده دختر و زنی می‌آید با دوست شدن با همسر و یا پسرش زندگی او را متلاشی می‌کند. آنشی که این خانم امروز روشن می‌کند و شعلهٔ آن زندگی دیگران را می‌سوزاند، فردا زندگی خودش را می‌سوزاند و آن را تیره و تار خواهد نمود.

بر همین اساس رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «يَا زَارِعَ السِّيَّاتِ أَنْتَ تَحْصُدُ شَوْكَهَا وَ حَسَكَهَا؛ ای کسی که بدی‌ها را کشت می‌کنی، خار و تیغش را خودت درو خواهی کرد»^۱.

هم‌چنین حضرت علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ حَفَرَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِنْرًا أَوْ قَعَدَ اللَّهُ فِيهَا؛ کسی که برای برادر مؤمن خود چاهی بکند، خداوند متعال او را در آن چاه خواهد افکند»^۲.

۲۳. حربه‌ای ناپاک در دست ناپاکان برای ترویج فساد

بزرگان دین و دل‌سوزان ملت و به‌ویژه دیدبان تیزبین و ناخدای کشتی انقلاب حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای مد ظله العالی چندین سال قبل مسئلهٔ تهاجم فرهنگی و شبیخون و قتل و عام فرهنگی را هشدار دادند اما به جز عده‌ای قلیل، همه در خواب غفلت بودند و یا خود را به تغافل زدند. در این بین گروهی آب‌یه آسیاب دشمن ریختند و او را در هدف شومش تشویق و یاری کردند و برای ضربه زدن به اسلام عزیز و انقلاب از هیچ کوششی فروگذاری نکردند. زیرا دشمنان متوجه شده بودند که تنها رمز بقاء انقلاب اسلامی و استقامت ملت مسلمان ایران در برابر مستکبران ظالم و مگار، ایمان و هویت فرهنگی مردم ایران است و اگر این اصالت فرهنگی که مانند دژی محکم است شکسته شود، شکستن آن مساوی با فنا و نابودی انقلاب خواهد بود.

بر اساس طرز فکر، نیروهای پیاده و سوارهٔ دشمن از داخل و خارج توسط مزدوران حمله را شروع

۱- نهج الفصاحه ح ۲۰۸۳ همان ص ۱۰۸. ۲- غررالحکم فصل ۷۷ ش ۱۱۳۳ همان ص ۱۰۸

کردند. یکی از سلاح های آنها پخش سی دی های مستهجن بود که با دیدن آن ها هر دختر و پسر غیرت و هویت خود را از دست می داد. در واقع با دیدن این فیلم ها، جوان ایرانی خلع سلاح و کاملاً آماده ضربه خوردن می شد. چنانچه بسیاری از خانواده ها، فرزندان دلبندشان گرفتار این هجوم شوم فرهنگی شدند.

معمولاً این سی دی ها از خارج از کشور وارد می شد و متأسفانه برخی از مسئولین در دوران اصطلاحات به جای آنکه به فکر شکوفائی فرهنگ مردم و حل مشکلات واقعی جوانان و مردم این کشور باشند، وقت خود را صرف قدرت طلبی و تقویت باند و گروه خود می کردند. خداوند متعال را شاکریم که ملت هوشیار در انتخابات دوره نهم فاتحه را خواندند. اما امروز با شگردی دیگر و بسیار قبیحانه تر وارد معرکه نبرد فرهنگی شده اند و آن شگرد طبق گفته افراد موثق و مطلع این است که برخی پسران با ترفندهای جذاب بعضی از دختران را صید می کنند، سپس ضمن عمل منافی عفت از صحنه های مختلف به وسیله دوربین های مخفی فیلم برداری می کنند و آن فیلم ها را به صورت سی دی آماده و تکثیر می کنند و در اختیار افراد آلوده و جوانان ناآگاه قرار می دهند و بعد از مدتی آن فیلم در سراسر کشور پخش شده است. بنابراین یکی از ضررها و آثار شوم این روابط نامشروع آن است که دختری که به خیال خام خود دوست پسری پیدا کرده تا به وسیله او در آینده نزدیک زندگی مشترکی همراه با لذت و نشاط شروع کنند، ناگهان چشم خود را باز می کنند در حالی که گرفتار پلیدترین و شنیع ترین عملی شده است که حتی تصور آن را نمی کرده است.

زنان منتظر"

یک سؤال که شاید به ذهن بعضی ها مشغول کند این است که نقش زنان پیش از ظهور و پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی و فرجه و الشریف چیست؟

۱. نقش زنان قبل از ظهور

زنان مانند دیگر افراد جامعه می توانند در جامعه نقش داشته و در صحنه های سیاسی و اجتماعی حضور فعال داشته باشند. امروزه در جمهوری اسلامی ایران، زنان در تعیین سرنوشت جامعه تأثیر گذار بوده و با پذیرش بخشی از مسئولیت ها حضور خویش را در صحنه های مختلف پررنگ نموده اند. از سوی دیگر زنان می توانند با انجام وظایف دوران غیبت، زمینه ظهور امام زمان عجل الله تعالی و فرجه و الشریف را فراهم نمایند. بنابراین نقش زنان قبل از ظهور امام و در صحنه های سیاسی و اجتماعی جلوه می کند.

جهت کسب آگاهی بیشتر، ایجاد آمادگی در خود و دیگران، تربیت فرزندان و آشنا نمودن آنها با حضرت مهدی عجل الله تعالی و فرجه و الشریف و ایجاد شور و عشق در آنها بخشی از این نقش مهم می باشد.

۲. نقش زنان در هنگام و بعد از ظهور

نقش زنان در هنگام ظهور حضرت و تشکیل حکومت او نیز بنیادی است. در بعضی از روایات آمده است که برخی زنان مانند مردان، اولین کسانی هستند که گرد امام جمع شده و با حضرت بیعت می کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «سوگند به خدا! سیصد و اندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند و میان آنها پنجاه نفر زن است»^۱.

بعضی از روایات دیگر تعداد زنانی که امام را در قیام علیه مخالفان کمک می کنند، ۷۸۰۰ نفر ذکر کرده اند.^۲

حال به این نتیجه می رسیم که زن ها در پُست های مدیریتی نقش فعالانه خواهند داشت.

۱- بحار الانوار ج ۵۴ ص ۹۲۳ پرنیان پاکدامنی ص ۲۰۴. ۲- نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (عج) ص ۶۹ همان ص ۵۴

وضع نامطلوب زن ها در جامعه آخر الزمان "

آخر الزمانی که درباره آن پیش بینی بسیار شده و پیامبر گرامی و ائمه معصوم علیهم السلام ما وقتی که درباره آن صحبت می کردند، حالشان منقلب می شد و آشفته و پریشان می گشتند و با آه و ناله برای مردم از وضعیت زمان ما برای آن مردم سخن می گفتند.

امام علی علیه السلام روزی بالای منبر از وضع آخر الزمان برای مردم تعریف می کرد که مردم آن به چه وضعی در می آیند و چه حال و روزی دارند.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ فَاسِقَاتٍ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ عَنِ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ، إِلَى الشَّهَوَاتِ مَايَلَاتِ وَإِلَى اللَّذَاتِ مُسْرِعَاتٍ وَ لِلْمَحْرَمَاتِ مُسْتَحَلَّاتٍ، فِي جَهَنَّمَ دَاخِلَاتٍ؛ از امام علی علیه السلام نقل شده است که در آخر الزمان که بدترین زمان هاست و پس از آن، حضرت مهدی علیه السلام ظهورش بسیار نزدیک خواهد بود.

در آن زمان، همه جا آشکارا می بینی که زنان حجاب را کنار می گذارند و همه لخت و برهنه خود را در ملاعام به نمایش می گذارند، بدانند که آنها از دین خارج شده اند و به هر جا هیاهو و جنجال است، زن ها هم شریک ماجرا و حضور دارند و به شهوت رانی تمایل بسیار دارند و برای هوس رانی و خوش گذرانی خود را آماده می کنند، بدانند که اینها به جهنم خواهد رفت»^۱.

گندم از گندم بروید و جو از جو، این مثال را زیاد شنیده اید و خوب می دانید که معنای آن چیست؟ طبق این مثال کار به این جا تمام نمی شود که زن ها در همه جا لخت و برهنه دیده می شوند و هوس رانی و هوس بازی و عیاشی، کار آنها شود، بلکه کار دنباله دارد و عواقب و پیامدهای آن، پدیدار شدن اوضاع و احوالی است که در تمام مسائل و موارد اجتماعی تأثیر بد می گذارد که هیچگاه به نفع مردم و جامعه نیست.

وقتی که زن ها به این صورت درآمدند و در همه جا ارزان و بی قیمت شوند، آیا مردی تمایل که به همسر خود وفادار بماند و در آن صورت، تنهائی و جدائی سرنوشت همه می شود. تنهائی و جدائی بلند مدت، آن قدر سنگین و تلخ است که کابوس عذاب آن، روح آدمی را می رنجاند و آنها که اهل فهم و درک هستند خوب می دانند که زرق و برق لباس ها و قشنگی کوچه ها و خیابان ها و پارک ها و میادین، جای محبت و عشق و صفای آرام بخش کانون گرم خانواده را پُر نمی کنند.

در آن شرائط سخت، به حضرت مهدی علیه السلام از آسمان ندا می رسد که مهدی جان برو، حالا وقت ظهور توست، حالا همان زمانی است که بروی و مردم را نجات دهی و به زندگی آنها سر و سامان دهی و گم گشتگان حقیقت را از عشق واقعی سیراب کنی و برای آنها یابوری مهربان و جلوه حق تعالی شوی، جز عده ای حاکمان قلدر و جهان خواران فاسد که می خواهند همه چیز را به طور دائم به اختیار و برای خود در آورند، این جنایت کاران که همچون گرگهای بی رحمند به توسط واسطه

های فاسد خود که همان زن های هوس باز است که در میان مردم با فسادکاری خود، جامعه و اوضاع را به این روز در آورده اند. در واقع این زن های بی بند و بار هم چون چنگال تیز و آن گرگ های خون آشام هستند که با پنجه های خود پیکر جامعه ای را تگه پاره می کنند و سبب فروپاشی و از بین رفتن کانون گرم خانواده و نابودی یک تمدن و یک فرهنگ شده اند و برای همین است که می بینیم بیشترین پولی که صرف تبلیغاتی که انجام می شود، برای توسعه فساد و بی بند و باری است و این بهترین راهی است که نسل مردم یک جامعه را حداکثر تا ده ها سال که طول بکشد، آنها به مراد و کام دل خود می رسند و همان ها یعنی استعمارگران به ریش استعمارگران قدیم خواهند خندید، چون آنها با چقدر تلفات و توپ و تفنگ و سرباز و جنگ های بسیار، آخرش با شکست مواجه شدند و غیرت ملی مردم را بدتر به شورش در آوردند و پس از تلاش بسیار، خود را ز چنگال آنها رهانیده اند و به آزادی و استقلال رسیده اند.

ولی استعمارگران جدید که همان صیونیزم جهانی است با شیوه شیطانی ترویج فساد که باعث قطع

۱- بحار الانوار ج ۵ همان ص ۱۳۵

نسل و هم چنین به شیوه های مختلفی از قبیل انتشار ایدز و مرض های دیگر که ساخته و پرداخته آنهاست، همواره در میان مردم منتشر می کنند و از همه بدتر، خانم ها که بدون اینکه استخدام شوند و حقوق بگیرند، با بی بند و باری و فساد و فحشاء درست کاری را انجام می دهند که در راستای منافع و خواسته همان مستکبران و جهان خواران صهیونیزم جهانی هستند. پس زن های بی بند و بار، آنهایی هستند که شرایط را برای دشمن و بدخواهان انسانیت هموار می کنند و آنهایی هستند که مقدمات پیروزی شیطانیان را فراهم می کنند و آنهایی هستند که جامعه و فرهنگ ما را متلاشی می کنند و آنهایی هستند که دین و ایمان مردم را ضعیف و خراب می کنند.

حالا می فهمیم که چرا بزرگان دین و آئین ما وقتی که درباره آخر الزمان صحبت می کردند، حالشان بد می شد و با غم و اندوه از حال و روز مردم آخر الزمان یاد می کردند. پس آنها خوب می دانستند اوضاع و احوال امروز را و عاقبت بدتر از این را که در آینده واقع خواهد شد و آنها خیلی چیزها می دانستند. برای همین بود که همواره از احیاء سنت خوب امر به معروف و نهی از منکر را سفارش می کردند.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ أَحْسَنُهُمْ حَالاً، مَنْ كَانَ جَالِساً فِي بَيْتِهِ».
در اوضاع آخر الزمان، امام علی علیه السلام فرمودند: «بر مردم روزی فرا می رسد که حال و روز کسی بهتر است که در خانه خود نشسته است».

یعنی تا جایی که می توانید در خانه خود بمانید، چون بیرون رفتن، یعنی گناه و معصیت کردن است و ممکن نیست که کسی از خانه خود بیرون برود و تا برگردد، چند گناه ریز و درشت از او سر نزده باشد.

پس علت این معلوم می شود که چرا خانه نشینی بهتر است. چون وقتی که بیرون برویم، چشم ما به این و اون نمی افتد و هر کدام با یک وضعی بیرون آمده اند و نمی شود که چشمان خود را ببندیم و اگر هم نگاه کنیم، شیطان وسوسه می کند و انسان به گناه و معصیت آلوده می شود.

به خانم ها و دختران کم سن و سال سفارش می کنم خیلی باید مواظب و مراعات بکنند و جوری نباشند که با بیرون آمدنشان از خانه به کوچه و خیابان و پارک و مجالس، عامل تحریک به فساد و گناه باشند یعنی هم خود و هم دیگران را به گناه وادار کنند و بدانند که در این صورت گناه آنها بیشتر است.

پس آن حضرت در واقع به ما هشدار می دهد که بیشتر اوقات خود را در خانه بمانیم و اگر هم بیرون رفتیم از هر لحاظ باید خیلی مواظب باشیم تا مبادا کاری کنیم که در صفحه اعمال ما ثبت شود.

مردم آخر الزمان

رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم از پدید آمدن وضعیتی سخن می گوید که هیچ گاه در زمان خود و حتی قرن ها بعد از وی، این چنین چیزی وجود نداشت و آن حضرت موضوعی را بیان می کند که امروز ما آن را عیناً داریم می بینیم و چه بسا مردم آن روز به خوبی نمی توانستند متوجه مفهوم گفتار پیغمبر صل الله علیه و آله و سلم شوند چون این طور چیزی در آن زمان وجود نداشت.

پیامبر صل الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمْ بِنَاسٍ يَأْتُونَ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ أُولَى دِهَاءٍ يَعْجَبُ النَّاسُ مِنْ زِيَّهِمْ فَقَدْ أَظَلَّتْكُمْ السَّاعَةُ؛ آنگاه اگر شنیدید که مردمی از مشرق به سوی شمال می آیند و آنها ظاهری به مدل های جورواجوری که دارند باعث جلب توجه همه می شود، آنها اسم و رسمی دارند و مردم از دیدن آنها شیفته ظاهر و مدل ها می شوند، پس آن وقت است که مردم به گمراهی می روند»^۱.

پیامبر صل الله علیه و آله و سلم از مدل های جورواجور از خارج آمده سخن می گوید که این عارضه تنها در آخر الزمان است که به وجود می آید و در زمان آن حضرت، هیچگاه چیزی به عنوان مد و مدگرایی و دنباله روی از خارجی ها در میان مردم رواج نداشت و این وضع تنها در زمان ما است که همه جا دیده می شود.

۱- الملاحم و الفتن ص ۲۸ همان ص ۵۸

معمولاً مدگرائی نهایتاً به سمت بی بند و باری و توسعه فساد و فحشاء منتهی می شود. از این حرف های من کسی ناراحت نشود، چون خیلی ها را دیدم که وقتی رفتند توی مد، نتیجه ای جز این نداشت و بالاخره دیر یا زود، دنباله رو مدگرائی آخرش به فساد کشانیده می شود.

هم چنین رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلم در وصف آخر الزمان فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ قَلَّ الْمَطَرُ وَ إِذَا غَدَرَ لِأَهْلِ الدِّمَةِ ظَهَرَ الْعُدْوَةُ؛ هنگامی که فحشاء بسیار و آشکار شود، زلزله می آید و هنگامی که حاکمان ظلم کنند، باران کم می بارد و هرگاه که با اهل کتاب با حيله رفتار شود، دشمن مسلط می شود»^۱.

هم چنین از رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «زود است بیاید در آخر الزمان زن هایی که بر زین ها سوار شوند و درب مسجد پیاده شوند، لباس پوشیده اند ولی برهنه اند، سرهایشان مثل کوهان شتر سختی (یک نوع شتر خراسانی) لاغر است، پس ایشان را لعنت کنید که ایشان لعن شد گانند، حاضرند خدمت گذار باشند چنانچه زن های کفار خدمت گذار شما بودند»^۲.

شرمنده اش نباشیم..."

در غیبت چهل روزه حضرت موسی علیه السلام که به کوه طور برای ضیافت و عبادت الهی مشرف شده بود، خداوند متعال قوم او را آزمود. اکثر آنها به واسطه سامری از خداپرستی به گوساله پرستی روی آوردند. پس از اتمام غیبت، حضرت به قوم خود فرمود: «بِدِ جَانَشِينَانِي بَرَاي بَعْدِ اَز مَن بُوْدِيْد». یعنی به جای اینکه جانشین خوبی برای من در ترویج دین الهی بوده باشید، جانشینان بدی بودید و دین را ضایع نمودید.

در غیبت کبرای امام زمان عَجّ الله تعالی و فرجه و الشریف نیز ما امت اسلامی در بوته امتحان الهی قرار گرفته ایم، خوب بیندیشیم و بنگریم که ما در این آزمون در برابر سامری های زمان که گوساله هوا پرستی در عرصه های مختلف هم چون بدحجابی را ترویج می دهند، آیا سرفراز هستیم یا سرافکنده؟ آیا جانشینان خوبی برای آن حضرت هستیم یا نه؟ خلاصه اینکه شرمنده اش نباشیم...

پرسش و پاسخ"

در این بخش پایانی سعی شده است تا به برخی از سوالات مهم جوانان پاسخ داده شود تا جوانان عزیز به خصوص خواهران بزرگوار از سرگردانی و حیران بیرون بیایند و بتوانند راه را از چاه تشخیص بدهند و از سردرگمی نجات پیدا کنند.

۱. برخی می گویند همه آدم ها را خداوند متعال آفریده و همه در نزد خداوند متعال برابریم و همه خواهر و برادریم. پس چرا خانم ها باید چادر سر کنند؟

پاسخ: اگر منظورتان از پرسش، «محرم و نامحرم بودن است»، اینکه همه انسان ها از حضرت آدم و حوا علیهما السلام آفریده شده اند، دلیل نمی شود که همه با هم محرم باشند؛ همانگونه که در یک خانواده دختر و پسر های دو برادر با هم محرم نیستند.

محرم بودن و نبودن برخی از نسبت های فامیلی با یکدیگر بر اساس دستور و حکم خداوند متعال است که آیات قرآن کریم آن را بیان کرده است. در سوره مبارکه نساء، آیات شریفه ۲۳ و ۲۴ زنانی که ازدواج با آنها ممنوع می باشد، بیان شده است و در سوره مبارکه نور آیه شریفه ۳۱ مردانی که زن به آنها محرم می باشند، بیان شده است.

در نتیجه همان خدائی که همه ما را آفریده، همان خدا فرموده است زن های نامحرم باید در مقابل مردان نامحرم، حجاب داشته باشند. البته روشن است که تمام احکام خداوند متعال بر اساس حکمت و مصلحت است. اگر منظورتان علت تفاوت بین زنان و مردان است، آنچه حقیقت انسان را تشکیل می دهد، قلب و روح انسانی است. از دیدگاه قرآن کریم زن و مرد از نفس واحد هستند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ

۱- نهج الفصاحه ج ۱ ص ۴۲ به نقل از مردان و زنان آخر الزمان ص ۲۱. ۲- کنز العمال ۴۰۱/۱۶ همان ص ۱۷۵

اَتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»^۱.
 بنابراین مسئله اصلی زن و مرد یکی بوده و هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد. به بیان قرآن کریم هر دو ممکن و نیازمند هم هستند. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يَخْلُقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲.

عمده تفاوت هایی را می توان در نظر گرفت، عبارت اند از:

تفاوت های روحی و روانی که خداوند متعال زن را با عاطفه تر و مرد را عقلانی تر خلق کرده که هر دو در کنار هم مکمل هم هستند؛ و تفاوت های جسمانی - مذکر و مؤنث بودن - اما در مسائل ارزشی قرآن کریم هر دو را یکسان دانسته و ملاک برتری و ترجیح را تقوای بیشتر انسان قرار می دهد، چه زن باشد و چه مرد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۳

۲. چرا اسلام حجاب را در جاهای به خصوصی محدود کرده است؟ مثلاً فرق مو و صورت چیست؟ اگر قضیه، تحریک باشد، لب و دندان و چشم و ابرو که بیشتر از مو، مردها را تحریک می مند! پس چرا دستور به پوشاندن صورت نیز نیست؟

(الف) آنچه مسلم است این است که حجاب زن و یا تعبیر صحیح تر پوشش آن با هدف حفظ پیوند خانوادگی و استحکام روابط زن و شوهر، استواری اجتماع و اخلاق عمومی و مهم تر از همه ارزش و حرمت نهادن به شخصیت زن، مورد تأکید اسلام قرار گرفته است.

(ب) این حجاب که در واقع مصونیت و سلامت است نه محدودیت، با همه اهمیتیتی که از نظر دینی دارد ولی در عین حال نباید به گونه ای باشد که سبب گرفتاری و یا مانع فعالیت صحیح زن شود. علت واجب نبودن پوشش دست و صورت به خاطر جلوگیری از بروز سختی و دشواری برای زن بوده است.^۴

(ج) اینکه در سؤال آمده که چشم و صورت بیش از موی سر محرک است، اما چرا در موی سر پوشش واجب است و در دیگری (دست و صورت) واجب نیست؟ پاسخ این است که اولاً زحمت و سختی که پوشش دست و صورت برای زن ایجاد می کند، در پوشش موی سر نیست. ثانیاً در صورت و دست زن در حالی که ساده و عادی و طبیعی بوده و با هیچ آرایش همراه نباشد، معمولاً جلب توجه نمی کند و تنها در این صورت است که شرع مقدس پوشش آن را واجب نکرده است. ضمناً این مطلب را یادآور می شوم که واجب نبودن پوشش قرص صورت و دست (از مچ تا سر انگشتان) بدین معنا نیست که می تواند صورت خود را به دیگران بنماید و مرد غیر محرم مجاز به نگاه آن باشد. از این رو همانگونه که توضیح المسائل مراجع تقلید آمده است، نگاه کردن زن و مرد نامحرم به صورت یکدیگر با قصد لذت حرام و گناه است ولی نگاه معمولی و بدون دقت مانعی ندارد.^۵

خلاصه اینکه دستور اصل پوشش به عنوان یک راه کار مصونیت بخشی و نه محدودیت زائی، نباید به گونه ای طرح شود که به انزوای زنان و رکود فعالیت اجتماعی آنان منجر گردد. پوشش به عنوان مانعی در برابر زیاده طلبی ها و ابتذال اخلاقی قرار داده شده است و این مصونیت بخشی گرچه طبیعتاً محدودیت زاست اما تا آنجایی که ممکن است این دو هدف یعنی «مصونیت بخشی» و «حضور زنان در عرصه فعالیت های اجتماعی» را با هم جمع کرد.

از این رو موضعی از بدن به عنوان قاعده اولیه از حکم پوشش استثناء شده است که گرچه در صورتی که در همین مواضع نیز اگر ترس به گناه افتادن باشد یا به قصد تحریک کنندگی آرایش شود و مشمول حکم پوشش است.

عاقلاً نیست که انسان برای لذت دیگران، عذاب الهی را بخرد. آنها که از تیر نگاه های مسموم پروا

۱- نساء/ ۱- ۲- روم/ ۲۱- ۳- حجرات/ ۱۳- ۴- مسئله حجاب - شهید مطهری ص ۹۰ پرنیان پاکدامنی ص ۵۲. ۵ - به رساله مرجع تقلید خود احکام نگاه کردن مراجعه بفرمائید

ندارند، شکار گرگ های هوس ران می شوند و آنگاه دست و پا زدن ها به جایی نمی رسد. بانوان و دختران، به خاطر کرامت و ارزشی که دارند، نباید در بازار سوداگران شهوت، خود را به بهاء چند نامه و نگاه و لبخند و پیام بفروشند. کام جویان دیوسیرت، نقاب مهربانی بر چهره می زنند و مدعی عاشقی می شوند اما وقتی گل عصمت را چیدند و زیبایی کرامت را از بین بردند، قربانی خود را زیر پا له می کنند.

۳. برخی می گویند ما دستور حجاب را نمی پذیریم و نمی خواهیم آن را رعایت کنیم. خانواده و شوهر و بستگان ما نیز به نداشتن حجاب رضایت می دهند، آیا یک زن مسلمان می تواند با این انگیزه حجاب را کنار بگذارد؟ و آیا اگر به عنوان مثال شوهری بگوید بدون حجاب یا بدون چادر و شلوار یا با لباسی که همه بدن را کاملاً نمی پوشاند، وارد جامعه بشو، باید حرف او را بپذیرد و در حفظ حجاب بی مبالا باشد؟

پاسخ: حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله در پاسخ این سؤال می فرماید: «زن باید کاملاً درک کند که حجاب تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حقّ خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مردم نیست تا مرد بگوید من راضیم که بدحجاب باشی، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضاء خانواده به بی حجابی رضایت بدهند، حجاب زن، حقّ الهی است. لذا می بینید در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غرب مبتلا هستند، اگر زن شوهرداری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آنها پرونده را مختومه اعلام می کنند اما در اسلام این چنین نیست (بلکه زن باید حدّ بخورد اگرچه شوهرش به آلوده بودن او رضایت دهد). حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می باشد همه آنها اگر رضایت بدهند، قرآن مجید راضی نخواهد بود چون حرمت و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است. کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم. عصمت زن حق الله است و به هیچ کس ارتباط ندارد»^۱

۴. انحراف جنسی در جامعه برهنه بیشتر است یا در جامعه پوشیده؟

پاسخ: انحراف در جامعه برهنه بیشتر است؛ زیرا جامعه پوشیده علاوه بر پذیرش ابدی خود، حسابرسی روز قیامت را به صورت جدی می پذیرد و در جامعه برهنه اصالت را به بدن می دهند و بدن را منشأ لذات تلقی می کنند. در جامعه برهنه امیال حکم فرما هستند و فزونی شهوت جنسی در جامعه برهنه رونق بیشتری خواهد داشت؛ زیرا در چنین جوامعی، لذت جنسی از حقوق افراد شمرده شده و اقتناع آزادانه آن را از قوانین چنین جوامعی به حساب می آید.

۵. احترام به زن برهنه بیشتر است یا زن پوشیده؟

پاسخ: در جامعه ای که بدن، لذت جسمانی و کمال ظاهری ملاک عمل قرار بگیرد و کمال را منحصر به زیبایی و پرورش بدن دانسته و جای اراده را با امیال تعویض نمایند و باب شهوت جنسی را باز گذاشته، برای زندگی مفهومی جامع قائل نشوند، زن برهنه از احترام بیشتری برخوردار خواهد بود اما در جوامعی که برای روح و اصالت و کمال روحی حرمت و احترام ویژه ای قائل باشند و اراده را حاکم بر تصمیم گیری قرار داده و شهوت جنسی را در چهارچوب خانواده تعریف نمایند و برای زندگی خویش مفهومی جامع قائل شوند، زن برهنه خیانت گر و ظالم نامیده می شود و زن پوشیده مظهر انسانیت و مایه کمال روحانی معرفی می گردد.

۶. خیانت به همسر در جامعه برهنه بیشتر است یا در جامعه پوشیده؟

پاسخ: در جامعه ای که تمام همّت افراد به بدن خواهی، لذت طلبی جنسی، شهوت طلبی، خودخواهی، مادی نگری و حیوان مداری معطوف می گردد، نه تنها خیانت به همسر بیشتر است بلکه آن را به عنوان حقوق مسلم خود می پندارند؛ زیرا در چنین جوامعی بنیان خانواده را لذات

۱- زن در آئینه جمال و جلال ص ۴۷ همان ص ۵۵

حیوانی تشکیل می دهد، اصول روحانی و وجدانی جایگاهی نداشته و تنها ظاهر و خوی حیوانی ملاک قانون و نگرش رفتاری است. در نتیجه از تنوع طلبی و هرزه گرائی باکی نداشته و افراد خانواده لذت خود را بیرون از خانواده و همسر خویش باز می جویند، برخلاف جوامعی که از طریق حیوان صفتی، مایه ننگ و رکود و مانع تکامل روحی خود نمی شوند.

۷. حضور زن برهنه در عرصه اجتماعی راحت تر است یا زن با حجاب؟

پاسخ: در جامعه ای که اصالت را به جسم و بدن داده و لذت حیوانی و جسمانی را دایرمدار تمام لذات قرار دهند و کمال را خلاصه در بدن و زیبایی های ظاهری و مادی و شهوت را بی حد و حصر بدانند، مسلماً زن برهنه هیچ امنیتی را ندارد؛ زیرا همه به دنبال لذت گرائی و خوش گذرانی اند که از بهترین لذت ها، آغوش گرم معشوقی چند ساعتی یا حتی چند دقیقه ای است، برخلاف جامعه ای که روح و کمال روحانی را اصل انگاشته و شهوت را منحصر در کانون خانواده دانسته و زندگی را مسیری برای تکامل نگریسته است. بی تردید زنانش با رعایت حد پوشش و رفتار معتدل و مردانش با سلامت فکر و قلب وارد جامعه شده و راحت می تواند به زندگی اجتماعی خود بپردازد.

۸. چون دختر باحجابی هستم کسی به خواستگاری ام نمی آید، به جورائی حجاب مانع ازدواج شده است. چه پیشنهادی دارید!؟

پاسخ: اولاً با نگاه اعتقادی، این حرف ها کاملاً غلط است؛ زیرا خداوند متعال می دانست زمانی خواهد رسید که مردم کمتر سراغ دین می روند. پس اگر دستور به حجاب داده است، می دانست که حجاب مانع زندگی عادی مردم نمی شود.

ثانیاً همان طور که بعضی از دخترها باحجاب هستند، پسران مؤمنی هم هستند که شرط ازدواج آنها حجاب داشتن خانم هاست.

ثالثاً اگر بناست به خاطر حجاب داشتنتان با شما ازدواج نکند، بهتر که ازدواج نکند.

رابعاً اینگونه حرف ها در مورد پسرها هم وجود دارد، چون پسرهای مذهبی با هر لباسی بیرون نمی آیند، مثلاً ریش نمی گذارند که بعضی از دخترها اینگونه ریش گذاشتن را دوست ندارند، پس چگونه بگوئیم پسرها هم تیپ خودشان را عوض کنند!؟

بنابراین ناراحت نباش و به این حرف های بی معنی و احمقانه گوش نده و در عوض، به خداوند متعال توکل کن و سعی کن به صلاحیت های فردی و موقعیت های بهتری از لحاظ علم و هنر و اخلاق دست پیدا کنی. این فکر را در ذهنت تقویت کن که ازدواج، تنها راه کمال و رفع نیاز نیست و می شود با مشغولیت های علمی و هنری، خیلی از نیازها را جبران کرد. در این راه از توسل به اهل بیت علیهم السلام غافل نشو.

۹. هر وقت چادر سر می کنم، خیلی اذیت می شوم و هم مرتب از سرم می افتد و هم دست و پاگیر است. پس بهتر نیست بی چادر باشم؟

پاسخ: اگر کاری بدون پشتوانه فکری و عقلی دینی باشد، می شود سریع از آن دست کشید؛ مثلاً اگر یک رسمی، پشتوانه عقلی و دینی نداشته باشد می شود آن را کنار گذاشت یا اگر کاری باشد عقل یا

دین آن را تأیید می کند ولی انجام دادن یا انجام ندادن آن را به اختیار ما گذاشته است، باز هم می شود آن را ترک کرد، اما اگر کاری باشد که عقل و دین انجام دادن آن را ضروری و واجب می دانند به طوری که ترک آن را زشت و قبیح و زیان آور معرفی می کنند، ترک آن کار نه تنها خوب نیست بلکه دچار عقاب و عذاب اخروی را هم می شویم.

درست است که این کار سخت است اما عقل و دین وجود حجاب کامل که باعث پوشش بدن و نمایان نشدن حجم اندام بدن بشود را لازم و ضروری می دانند و ترک کردن آن را پُر از مفسده و ضرر معرفی می کنند. پول در آوردن و غذا تهیه کردن هم سخت است، چون باید با سرما و گرما دست و پنجه نرم کرد ولی به خاطر سخت بودن کار و سرما و گرما نمی شود از کار دست کشید.

۱۰. هر وقت مانتو از نوع شیک و اندامی می پوشم، بین مردم بیشتر جا دارم و بیشتر به من احترام می گذارند. پس چرا چادر سر کنم تا از احترام کم شود؟

پاسخ: دوست داشتن و عزیز بودن یا به خاطر وجود منفعت است یا به خاطر خود آن شخص. اگر زنها به شما احترام بگذارند شاید اشکال نداشته باشد ولی اگر مردها اینگونه به شما احترام بگذارند، مطمئن باش این احترامشان از روی شهوت و غریزه است. در نتیجه تا زمانی که پیش آنها باشی شما را دوست دارند ولی وقتی نیستی کاری به شما ندارند و به شخص دیگری احترام می گذارند.

به هر حال عزیز شدنی که با چند قطره منی تمام شود، ارزشش به اندازه همان چند قطره منی است اما عزت و احترامی که در سایه کرامت زن به دست بیاید، دائمی و انسانی است.

۱۱. چرا در اسلام با زیبایی و شیک پوشی و مدگرایی مخالفت شده است؟

پاسخ: در اسلام به شیک بودن، زیبا بودن، تمیزی، خوش بوئی و سر و وضع آراسته زیاد سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم بیش از مقداری که خرج خوراک می کرده، برای عطر خرج می کرد».^۱

مدگرایی با شیک پوشی خیلی فرق دارد. همه انسان ها فطرتاً عاشق و طالب زیبایی اند اما معنای زیبایی هرگونه لباس پوشیدن نیست. در اسلام هر زیبایی ارزشمند است و خداوند متعال هم از زیبایی طرفداری کرده است: «اللَّهُ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ».

اما آن نوع زیبایی برای انسان ارزشمند است که باعث زشتی باطن نشود. اگر قرار باشد به خاطر زیبایی لباسی را بپوشیم که باعث بی عفتی و بی حیائی شود، نه تنها ارزشی ندارد بلکه مورد مذمت و سرزنش دیگران قرار می گیرد؛ زیرا ارزش زیبایی باطن و زیبایی روح انسان ها خیلی بیشتر از زیبایی ظاهر است.

مدگرایی به معنای شیک پوشیدن نیست بلکه «مد» یک واژه فرانسوی به معنای «روش موقت»

است که معادل فارسی آن «الگو و سرمشق» می باشد.

۱- سنن النبی- علامه طباطبائی ح ۱۰۸ ص ۵۹ به نقل از درسنامه حجاب ص ۲۱۶

چیزی که اسلام و عقل هر دو با آن مخالف هستند، الگو گرفتاری است که فکر و روح انسانها را به امراضی مثل اسراف، روزمردگی و چشم و هم چشمی مبتلا می کند. کسانی که اهل مد هستند، تمام هم و غصه آنها این است که ببینند چه چیزی را امروز مد کردند تا خودشان را طبق آن درست کنند. در حقیقت با رفتن به سمت «مد» خودمان را مترسک و عروسک کسانی کردیم که سیاستشان یا حیوانی است یا اقتصادی حیوانی.

آیا قابل قبول است که به خاطر مدگرایی، انسان لباس نو اما قدیمی را دور بیندازد؟ البته نه قدیمی مال چند سال پیش، بلکه مال چند ماه پیش. نه تنها اسلام با چنین روشی مخالفت کرده بلکه عقلای عالم هم چنین روشی را قبول ندارند.

۱۲. اگر بفهمم دوستم یا خواهر یا برادرم با نامحرمی ارتباط دارد، چطور به او تذکر دهم که کارش غلط است؟

پاسخ: اگر افراد مذکور پیش شما حریم و حرمتی نگه می دارند، شما با مطرح کردن آنها، این حریم را نشکنید که حفظ حریم ۵۰٪ موفقیت شماست. آن قدر جلب اعتماد کن تا آنها مشکلشان را به تو بگویند. در این صورت با طرح مشکل از طرف آنها شروع کن به راهنمایی کردن. در عین حال، می توانی در رابطه با مسئله ای که دارند، کتاب یا نوار یا CD به آنها هدیه کن.

می توانی از روش غیرمستقیم کمک بگیری؛ مثلاً آنها را به مسجد یا یک مجلس دعا یا سخنرانی یا به جلسه دوستانه دعوت کن و یا یک داستانی از سنخ مشکل آنها نقل کن و نظر خودت را در مورد اینگونه مسائل در ضمن نقل داستان مطرح کن و مضرات آن مسائل را بیان کن. فقط سعی کن زیاده روی نکنی تا باعث لوث شدن مطلب و سنگ کردن به شما بشود.

محبت دوستانه و هدیه دادن به آنها خیلی مؤثر است؛ چون ایجاد وابستگی روحی می کند و مقبولیت شما را زیاد می کند. در نتیجه تأثیر حرف شما هم بیشتر می شود.

حرف آخر اینکه در دل شب برای آنها دعا کن، توسل بگیر، صدقه بده تا خداوند متعال به عنوان مقرب القلوب واقعی، قلبشان را به سمت خودش و رعایت دستورات دینی هدایت کند.

۱۳. با توجه به اینکه در برخی کشورهای غربی رابطه دختر و پسر نامحرم در بعضی از خانواده ها یک امر عادی است، چه اشکالی دارد در کشور ما نیز با اینکه اکثر جمعیت جامعه جوان هستند و ازدواج برای همه مقدور نیست، این رابطه و دوستی ها بین دختران و پسران نامحرم یک موضوع طبیعی قلمداد کند تا جوانان از این طریق اطفاء غریزه جنسی نمایند؟

پاسخ: در اسلام روی دوستی دو هم جنس با شرایطش تأکید فراوان شده است. به علاوه خداوند حکیم برای بقاء نسل، غریزه جنسی را که یک امر طبیعی است نه تنها در وجود انسان، بلکه در تمام حیوانات نیز قرار داده است و نمی توان جلوی یک امر طبیعی را گرفت و این مطلب را هر انسانی که دارای اندکی اندیشه باشد، تصدیق خواهد نمود.

وانگهی راه اطفال غریزه جنسی در هر انسان به ویژه حیوانات، داشتن دوست دختر و دوست پسر نیست بلکه راه واقعی و طبیعی آن ازدواج است که همه ادیان الهی این موضوع را تأیید و امضاء نمودند و پیروانشان را به آن تشویق کرده اند.^۱

بر همین مبنا در آئین بودا، برهما، یهود و مسیح نه تنها موضوعی به نام دوست دختر و دوست پسر نیست، بلکه به شدت مذمت شده است و اگر در برخی کشورهای غربی برخلاف آئین و مذهب خودشان ارتباط نامشروع وجود دارد، دلیل نمی شود که ما راه اشتباه آنان را که برخلاف عقل و دینمان است، دنبال کنیم. موضوع حفظ ناموس و تعصب و غیرت آن قدر حائز اهمیت است که حتی حیوان نر در آن منطقه و محدوده ای که جنس ماده زندگی می کند، نمی گذارند حیوان دیگری رفت و آمد بکند و در صورتی که این مسائل توسط حیوان بیگانه رعایت نشود، با عکس العمل شدید حیوان نر روبرو خواهد شد.

۱۴. اگر پسری با دختری دوست شود ولی قصد لذت نداشته باشد، این دوستی چگونه است؟

پاسخ: طبق آیه ۲۵ سوره نساء در اسلام چیزی به نام دوستی بین زن و مرد نامحرم اگرچه به قصد لذت هم نباشد، نداریم. به علاوه شیطان آن قدر راه های متعدد و مختلفی را برای آلوده کردن انسان به گناه پیشنهاد می کند که بسیاری از افراد تصورش را هم نمی کنند.

برای ارتباط بین دختر و پسر نامحرم شیطان به انسان یاد می دهد که شما منظوری ندارید، زیرا این آقا مثل برادرت هست، نگاه خواهری به او بکن، انسان باید دلش پاک باشد و صدها نیرنگ دیگر که شیطان بکار می برد تا دختر و پسری را آلوده کند.

۱۵. صحبت کردن تلفنی با نامحرم جایز است یا نه؟

پاسخ: اگر سخن گفتن در حد سلام و احوال پرسی معمولی باشد اشکال ندارد اما اگر از این حد تجاوز کرد و حرف زدن با ناز و اداء همراه باشد، جایز نیست. زیرا سخن گفتن با زن یا مرد نامحرم وقتی از حد معمول گذشت، تحریک آمیز می شود و زمینه را برای مراحل بعدی و ارتباط نامشروع آماده می سازد و گاهی با اینکه قرار است پنج دقیقه با هم صحبت کنند، صحبتشان نیم ساعت یا بیشتر طول می کشد.

۱۶. اگر پسری از ما تقاضای ازدواج کرد، چه پاسخی بدهیم؟

پاسخ: برای آنکه دچار گناه نشوید یا فریب نخورید به او بگوئید شما از من رسماً توسط مادر یا اعضای خانواده ات خواستگاری کن در نتیجه اگر واقعاً قصد ازدواج داشت، قطعاً به خواستگاری خواهد آمد ولی اگر هدف دیگری را دنبال کرده، برای نیامدن بهانه های مختلف می آورد. ممکن است بگوئید ما برای آنکه یکدیگر را بهتر بشناسیم باید مدتی با هم ارتباط داشته باشیم. این حرف درست و

۱- پاسخ به پرسش های جوانان ج ۱ ص ۱۳۵ به نقل از دختران می پرسند چرا؟ ص ۱۸

صحیح نیست به خاطر آنکه این حرف مقّمه ای برای رابطه نامشروع و آغاز همان راهی است که بسیاری از دختران رفتند و فریب خوردند و منجر به ازدواج نشد.

اما راه شناخت، تحقیق از افراد متعدّد از محلّ کار، مدرسه، دانشگاه، محلّ زندگی، مسجد و همسایگان است. اینکه قبل از ازدواج برای مدّتی صیغه موقت خوانده شود تا با خصوصیات اخلاقی یکدیگر آشنا شوند، با این چند روز نمی توان به حقیقت شخص پی برد زیرا ممکن است فرد ظاهر سازی کند و از خوش باوری دختر سوءاستفاده کند. بلکه بهترین شناخت، تحقیق از راه های متعدّد مذکور است و از همه مهمّ تر در جریان گذاشتن پدر و برادر و دائی و عموی دل سوز است. زیرا آنان در جامعه رفت و آمد دارند و بهتر می توانند تحقیق کنند.

۱۷. چت کردن دختر با پسر نامحرم چگونه است؟

پاسخ: چت کردن خواه به صورت صوتی و تصویری و یا در حدّ مکاتبه با نامحرم هیچ کدام درست نیست، به خاطر اینکه این رابطه بیشتر جنبه سرگرمی و بهره برداری از جنس مخالف دارد که همه اینها گناه است. به علاوه بر فرض اینکه انسان شخص مورد نظرش را پیدا کرد و قصد ازدواج با او را داشت باز هم عاقلانه نیست، زیرا در این گونه روابط تدبیر، عقل، آینده نگری و شرائط مختلف ازدواج در نظر گرفته نشده است بلکه فقط از راه دور و یا دیدن عکس، همراه با صحبت کردن و تحریک احساسات و عواطف بوده است.

بنابراین ضمن اینکه چت کردن با نامحرم گناه است، در برخی مواقع باعث رابطه نامشروع و حوادث هولناک برای دختر خواهد شد. ممکن است در صورت ادامه ندادن رابطه از طرف پسر تهدید به ریختن اسید به صورت دختر، پخش عکس و... شود.

۱۸. اگر دختری مدّتی رابطه نامشروع داشته و الآن بخواهد توبه کند، چه کار کند؟

پاسخ: اگر دختری مدّتی رابطه نامشروع داشته و یا هر گناه دیگری مرتکب شده باشد و بعد از مدّتی متوجّه شد که در سابق اشتباه کرده است، همین که پشیمان شد و تصمیم گرفت دنبال گناه نرود، خود همین پشیمانی توبه است و قطعاً خداوند متعال او را خواهد بخشید. لذا امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «**كُفِيَ بِاللَّذِمِّ تَوْبَةٌ؛ در توبه پشیمانی کفایت می کند.**»^۱

نکته های پنج گانه در مورد توبه

الف) اهمّیت دادن جوان

خداوند متعال همه توبه کنندگان را دوست دارد^۲ اما جوان توبه کننده را بیشتر مورد عنایت قرار می دهد.

۱- گناهان کبیره ج ۲ بحث خاتمه به نقل از دختران می پرسند چرا؟ ص ۱۲۹. ۲- بقره/ ۲۲۲

رسول مکرّم اسلام صلّ الله عليه و آله و سلّم در این مورد فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الشَّابِّ التَّائِبِ؛ هِيَ جِزْرَةٌ فِي بَيْتِ اللَّهِ خَدَّوْنَ مَتَعَالٍ مَحْبُوبٌ تَرْتَرُ مِنْ جِوَانِ تَوْبَةٍ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».^۱

ب) مواظب و سوسه های شیطان

مراقب القانات و حرف های شیطان باشیم، زیرا گاهی آن ملعون به جوان گناهکار که می خواهد توبه کند می گوید تو را خداوند نمی بخشد، اکنون که جهنمی شده ای راهت را ادامه بده. در واقع شیطان کارش القای یأس و ناامیدی از درگاه خداوند مهربان و وادار کردن انسان به گناه است، در حالی که ناامید شدن از رحمت حق، جزء گناهان بزرگ است.

قرآن کریم در مورد یأس و ناامیدی از رحمت خداوند متعال می فرماید: «لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ يَأْتِسُّ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ هیچ گاه از رحمت خداوند ناامید نشوید، چرا که تنها کافران بی ایمان که از قدرت خداوند بی خبرند، از رحمتش ناامید می شوند».^۲

ج) هوشیاری نسبت به دوستان

بعد از توبه از گناه، رفت و آمد با دوستانی که امکان دارد شما را دوباره به آلوده کنند قطع کنید و به محلّ هائی که امکان دارد شما را مجدداً دچار گناه شوید، نروید. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «لَا يُأْمِنُ مَجَالِسَ الْأَشْرَارِ غَوَائِلَ الْبَلَاءِ؛ در مجالسی که ناپاکان و گناهکاران از سختی ها و بلاهائی که در اثر گناه نازل می شود در امان نیست».^۳

د) فراهم نکردن زمینه گناه

بنابراین بعد از توبه خالص ما باید زمینه گناه را فراهم نسازیم، بدین معنا که از رفت و آمد و نشست و برخاست در مجالسی که امکان گناه است دوری کنیم. مثلاً ما می دانیم اگر با فلان دوست دختر سابقمان رفت و آمد کنیم و با گفتن حرف های خصوصی و آهنگ کذابی که در گوشی همراهش و مجالس عروسی و دوستانه که با دیگران داشته ما را به گناه می کشاند، ما می دانیم اگر به فلان جشن برویم و منزل فلان فامیل آشنا برویم، با برخورد با پسرش، دخترش یا با دیدن فیلم و عکس و یا شنیدن سخنی تحت تأثیر قرار می گیریم، از همه این ها باید بپرهیزیم.

امکان دارد انسان واقعاً توبه کند اما دوباره پایش بلغزد، در این جا نباید ناامید بشود بلکه مجدداً باید توبه نماید. اما نباید طوری باشد که توبه کردن به طور مسخره کردن دین و مقدّسات درآید. بدین معنا که انسان به طور مکرر گناه کند و متعدّد توبه کند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبِهِ وَ هُوَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِرَبِّهِ؛ کسی که از گناه توبه می کند اما دوباره آن گناه را انجام می دهد این شخص مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است».^۴

۱- جامع الصغیر ج ۱ ص ۲۸۵ همان ص ۱۲۹. ۲- یوسف/۸۷. ۳- غررالحکم فصل ۸۶ ش ۳۸۷ همان ص ۱۳۱. ۴- نهج البلاغه کلمات قصار ۴۱۷ همان ص ۱۳۲

ه) بازگو نکردن راز زندگی

هر گناهی که مرتکب شدید، خالصانه در پیشگاه خداوند متعال توبه کنید و به کسی حتی عزیزترین دوستان خود نگوئید، زیرا امکان دارد روزی آنها با شما اختلاف پیدا کنند و دشمن شما شوند و آن وقت نقطه ضعف هایتان را به دیگران بگویند و آبرویتان را ببرند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا تَطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا مَا لَوْ أُطْلِعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا؛ دوست خود را از راز زندگی آگاه مساز مگر آن قدر کم که اگر دشمنت هم آگاه شود ضرری به تو نرسد. به خاطر آنکه ممکن است روزی همین دوستت، دشمن تو گردد.»^۱

۱۹. آیا بسته یا باز شدن بخت دختر واقعتاً دارد؟

پاسخ: گاهی افراد ساده لوح و شیاد اظهار می دارند که بخت دختر شما بسته شده است و باید نزد فلان شخص بروید تا بخت دخترت را باز کند.

گاهی مشاهده می شود که بعضی از خانواده ها نزد افرادی می روند و بعد از مخارج و رفت و آمد زیاد، مشکلشان نیز حل نمی شود. خانواده ها و دختران عزیز نباید به این حرف ها توجه کنند، بلکه بخت انسان زمانی باز می شود که او رابطه اش را با خالق هستی قوی نماید و از گناهان و نافرمانی خداوند مهربان پرهیز و خالصانه به درگاه حضرتش توبه و تضرع نماید و هم چنین از صمیم دل از خداوند متعال بخواهد که همسر مناسبی به ویژه از نظر ایمان و اخلاق برای زندگی اش فراهم سازد. اگر از گناه دست برداشت و در خانه خداوند متعال رفت، امیدوار باشد که حضرت حق تعالی او را کمک می کند و مشکلش را برطرف خواهد ساخت.

بر همین اساس حضرت علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ هرکس که رابطه خود را با خداوند متعال اصلاح نماید در مقابل خداوند رابطه او را با مردم اصلاح می کند.»^۲

هم چنین آن حضرت فرمودند: «مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ کسی که کارهای آخرتش را اصلاح و درست کند، خداوند متعال در مقابل کار و مشکل دنیایش را اصلاح خواهد نمود.»^۳

این کلام حضرت علی علیه السلام در واقع تفسیر همان آیات سوره مبارکه طلاق است که در آن خداوند متعال تنها راه خارج شدن از مشکلات و حل کارهای لاینحل را فقط تقوای عملی و ارتباط قوی با حضرت حق تعالی می داند.

تقوای عملی یعنی انسان واجبات را انجام دهد و از کارهای حرام و گناهان دوری جوید. بنابراین تنها راه حل مشکلات و باز شدن بخت که بسیاری از جوانان اعم از دختر و پسر با آن روبرو هستند، در

۱- بحار الانوار ج ۷۱ ص ۱۷۷ همان ص ۱۳۳. ۲- نهج البلاغه ج ۸۶ همان ص ۱۳۵. ۳- همان ص ۱۳۶

سایه تقوای الهی امکان پذیر است. لذا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ هرکس ترک معصیت و گناه خدا را بکند، خداوند برای او راه نجاتی قرار می دهد».^۱

هم چنین می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ هرکس تقوای الهی را پیشه خویش سازد، خداوند کار او را آسان می نماید».^۲

توقعات بالا، آرزوهای دور و دراز، ردّ کردن خواستگارهای خوب به بهانه های واهی و... باعث می شود که ازدواج به تأخیر بیفتد و بعد تمام کارهای خودمان را به حساب بخت و شانس می گذاریم در حالی که اگر دقت شود، با اعمال غیرمعقول خودمان راه سعادت را بر خودمان بستیم و بدتر از همه برای باز شدن بخت به کسانی مراجعه می کنیم که زندگی خودشان پر از مشکل است و چه بسا برخی از این ها دامی برای دختران و زنان ساده لوح هستند، چنانچه بارها این شیادان را سیمای جمهوری اسلامی نشان داده است.

۲۰. در برابر عکس العمل پسرها چه عکس العملی نشان دهیم؟

پاسخ: برخی پسرها با انواع وعده های پوچ بسیاری از دختران را فریب می دهند. دختر خوش باور وقتی با او رابطه برقرار کرد، متوجه می شود وعده های پسر سرابی بیش نبوده و تمام حرف هایش فقط برای بهره برداری از دختر بوده است.

دختر در این مواقع خود را کنار می کشد ولی پسر می بیند مورد خوبی را از نظر زیبایی از دست می دهد و حرف های فریب کارانه او در دختر اثر نمی کند، برای شکار مجدد دختر، او را تهدید می کند و برخی پسران از قبل پیش بینی می کنند و صدای دختر را ضبط می کنند یا با او عکس و فیلم می گیرند تا بتوانند علیه دختر استفاده کنند.

پسر برای اینکه باز کامی بگیرد و به هدف شیطانی خود برسد می گوید عکس ها و فیلم های تو را پخش می کنم، به پدر و برادرت نشان می دهم و یا می گوید اگر با غیر من شوهر کردی به شوهرت می گویم و زندگی ات را متلاشی می کنم و یا دختر را تهدید جانی می کند و صدها شگرد و تهدید دیگر، تا دختر خوش باور را تحت سلطه و هوس بازی خود درآورد.

دختران عزیز بدانند تمام این تهدیدها سرابی بیش نیست و معمولاً پسرها توان و جرئت این کار را

ندارند، چون می دانند اگر این کار را انجام دهند با عکس العمل شدید پدر یا برادر و اقوام و شوهر آینده و غیرتمند دختر روبرو خواهند شد. لذا خود پسر بیش از دختر از انجام این چنین کارهایی وحشت دارند. به علاوه عاقلانه نیست دختر به خاطر احتمال ضعیف تهدید از جانب پسر، خود و آبرویش را در معرض خطر قرار دهد. زیرا اکثر این تهدیدها فقط برای ترساندن دختر است. هم چنین دختر هم می تواند او را تهدید کند و بگوید اگر این کار را انجام دهی، من هم واقعیت را به خانواده ام می گویم تا پدرم حسابت را برسد و از تو به جرم فریبکاری و مزاحمت شکایت می کند.

۱- طلاق/۲. ۲- طلاق/۴

این تهدید مسلماً در پسر اثر می‌گذارد. دختر هم باید با تغییر مسیر رفت و آمدش به دانشگاه یا مدرسه و با عوض کردن شماره تلفن خود، از وقوع این حوادث جلوگیری کند.

هم چنین دختران باید دقت داشته باشند که نباید شماره تلفن خود را به همه دوستان و هم کلاسی هایشان بدهند و در منزل هم سعی بکنند از جواب دادن گوشی خودداری کنند.

۲۱. به حرف پسری که ۱۰۰٪ قول ازدواج می‌دهد، می‌توان اعتماد کرد؟

پاسخ: نمی‌توان گفت همه پسرها دروغ می‌گویند و همه حرف هایشان برای فریبکاری است. اما برای اطمینان بیشتر و برای آنکه با سرنوشت خود بازی نکنیم، باید به او بگوئیم اگر شما واقعاً قصد ازدواج دارید، به‌طور رسمی خواستگاری کنید و هیچ بهانه‌ای را قبول نکنیم.

۲۲. آیا می‌توان به خاطر پسری چند سال صبر کرد؟

پاسخ: برخی پسرها می‌گویند شما چند سال صبر کن تا سربازی من تمام شود یا دانشگاهم به پایان برسد. این حرف‌ها برای انسان عاقل صد در صد اطمینان نمی‌آورد. چون امکان ندارد بعد از چند سال دختری بهتر و زیباتر از شما پیدا کند، امکان دارد نظر پدر و مادرش تغییر کند یا شخصیت پسر از نظر اخلاقی و ... تغییر کند و با روحیه شما ناسازگار شود و صدها احتمال دیگر!

آن وقت دختر چند سال صبر می‌کند، به خواستگارهای متعدّد به امید جوان مورد نظر جواب منفی می‌دهد و بعد از چند سال که دیگر موقعیت‌های قبلی را از دست داده است، تنها دختر ضرر می‌کند، زیرا پسر اگر هم چند سال سنش بالا برود هیچ مشکلی از نظر اجتماعی برایش ایجاد نمی‌شود.

بنابراین عاقلانه آن است که دختر به پسر بگوید اگر شما تصمیم به ازدواج داری برای آن اقدام کن و گرنه منتظر نمی‌مانم و ممکن است ازدواج کنم و شما هم این‌شاء الله بعد از چند سال فرد مناسبی را انتخاب می‌کنید.

دختر باید صلاح و سعادت خود را در نظر بگیرد و مصلت دختر این است که در اولین فرصت در بین خواستگارهای متعدّد با مشورت و تصمیم عاقلانه بهترین فرد را انتخاب کند.

۲۳. محدودیت در برهنگی و بی‌حجابی است یا در حجاب؟

پاسخ: برخی می‌گویند حجاب و دستورات خاص اسلام نسبت به زن، محدودیت است. در حالی که این موضوع برعکس است، یعنی برهنگی و آرایش و ناز و عشوه در خیابان محدودیت است و حجاب و پاکدامنی باعث مصونیت می‌گردد. زیرا وقتی زن با جلوه‌گری و برهنگی به خیابان آمد، نگاه هر مردی را به خود جلب می‌کند. مردانی که از ایمان قوی برخوردار باشند و نگاه نکنند بسیار کم هستند، در نتیجه بسیاری از مردان اعم از متأهل و مجرد او را نظاره می‌کنند.

آنان به ویژه برخی جوانان با نگاه خیره کننده شان، ده ها فکر و وسوسه شیطانی به ذهنشان می آید. عده ای دیگر پا را فراتر گذاشته اند، متلک و حرف های ناپسند و دور از شأن آن خانم نثارش می کنند، برخی دیگر که شهوتشان لبریز می شود سعی می کنند به هر طریقی که باشد با چنین زنی ارتباط برقرار کند تا به عشق کاذب و زودگذر خود برسند، گروهی دیگر در اداره و شرکت و محل کار این خانم درصدد این نقشه ها هستند و با چرب زبانی و تحت عنوان همکار و تعریف و تمجید و اضافه مزایا و صدها شگرد دیگر او را فریب دهند.

گاهی هم با تهدید و ربودن چنین دختران و زنانی، آنها را مورد آزار و اذیت قرار می دهند. بنابراین به دلیل بروز این مشکلات و خطرات، زن بدحجاب و برهنه محدود است و نمی تواند به راحتی در همه جا رفت و آمد کند، زیرا آرایش و برهنگی و ناز و کرشمه او نمی گذارد دل ها و چشم ها آرام بگیرند و وسوسه های شیطانی دنبال این خانم دلرباست و هر لحظه خطر او را تهدید می کند. لذا اگر صفحات روزنامه های کثیرالانتشار را مطالعه کنیم، اکثر روزها با چنین وقایعی در مورد زنان بدحجاب و برهنه روبرو می شویم.

قاتلان سریالی ۱۰ زن در کرج او سه زن در ماهشهر، خفّاش شهریار هفت زن را مورد آزار و اذیت قرار داد و سه تا از آنان را به قتل رساند^۲، فریب ۵۰ دختر توسط خلبان قلابی و ربودن میلیون ها تومان پول آنها، کشته شدن برخی مردان توسط همسرانشان و صدها مورد دیگر، نشان می دهد که زندگی زنان بی بند و بار و بدحجاب با خطرات بیشتری همراه است. حتماً این زنان در مهمانی های فامیلی و هوس های شیطانی مردان نامحرم فامیل هم در امان نیستند، پس محدودند.

درحالی که زن باحجاب، مصون و در امان است، زیرا او همچون گلی است و فقط برای شوهرش در منزل، فریبا و دلرباست. تنها دل شوهرش را می رباید نه همه مردان را. او زیبایی، آرایش، ناز و عشوه خود را برای شوهرش عرضه می دارد تا با این حرکات محبت او را به خود جلب کند و کانون خانواده را گرم کند و زندگی خود و فرزندانش را استحکام و نشاط بخشد.

وقتی با حجاب کامل بیرون می آید، زیبایی ها و جذابیت هایش پوشیده و مستور است، پس باعث جلب نگاه و تحریک هوس های شیطانی مردی نمی شود. بنابراین زن باحجاب، محدود نیست بلکه حجاب برای او مصونیت و امنیت به ارمغان می آورد. حجاب مانند دژ محکمی است که او را حفظ می کند. حجاب او، نشانه عفاف و پاکدامنی است. مردان نیز چنین زنانی را احترام و بزرگ می شمارند، خوش حال اند و به او حساس اند و آنها را مانند ناموس خود می دانند و نمی گذارند کسی کمترین تعرض و جسارتی به آنها نماید و این آزادی در سایه پاکدامنی و حجاب و عفاف زن به دست می آید.

۲۴. در مقابل ازدواج های فامیلی چه کنیم؟

پاسخ: برخی از پدران یا مادران می خواهند به اجبار دخترشان را به پسر مورد علاقه خودشان بدهند و یا اصلاً اجازه آمدن به خواستگار نمی دهند.

در هر دو مورد در مرحله اول خود دختر باید با پدر و مادرش در فضائی آرام بنشیند و صحبت کند

۱- روزنامه ایران ۱۳۸۸/۷/۱۹ همان ص ۲۶. ۲- روزنامه ایران ۱۳۸۸/۹/۱۸ همان ص ۲۶

و بگویند من می خواهم با او زندگی کنم نه شما و من از چنین اخلاق یا خانواده ای خوشم نمی آید و با مشورت مشاورین امین سعی کند والدین خود را راضی کند.

اگر خود دختر توان این کار را ندارد، با اقوام نزدیک و امین خود، مثل دایی، عمو و... موضوع را مطرح نماید تا آنها با عقلانیت و استدلال پدر و مادرش را قانع کنند، اگر باز هم موفق نشد از طریق مشاور مدرسه و یا حراست و یا نهاد دانشگاهش اقدام لازم را انجام دهد. پس اگر نظر والدین استدلال و نظر صحیح بود باید پذیرفت و اگر نظر آنان خلاف شرع و عقل است، با صبر و حفظ احترام پدر و مادر در فضائی آرام سعی کنیم نظر آنها را تغییر دهیم و آنها را متقاعد بسازیم.

۲۵. آیا در ازدواج های تحمیلی بعداً علاقه ایجاد می شود؟

پاسخ: برخی دختران به پسرانی که به خواستگاریشان آمده علاقه ندارند ولی والدین و افراد دیگر می گویند شما قبول کن بعداً خداوند مهربان علاقه و محبتش را در دلت می اندازد.

از روش و سیره رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلم استفاده می شود که این روش غیر معقول است. به علاوه وقتی الآن دختر از قیافه و حرکات و... پسر خوشش نمی آید، چطور در آینده این علاقه ایجاد می شود؟ تجربه هم نشان داده این ازدواج ها بیشتر منجر به ناراحتی و درگیری می شود و بعد از چند ماه یا چند سال آثارش را در زندگی نشان می دهد. گاهی هم منشأ ارتباط نامشروع زن یا مرد با دیگران خواهد شد و چه بسا باعث قتل و جنایت گردد.

قاضی ملکی بازپرس ویژه قتل در این مورد می گوید: «بزرسی پرونده های همسرکشی که زنان نقشه قتل شوهرشان را توسط مرد دیگری طراحی می کنند، نشان می دهد یکی از علل آن علاقه مند نبودن زن از اول به شوهرش بوده است.»^۱

بنابراین والدین وظیفه دارند در انتخاب همسر برای پسرانشان و یا شوهر برای دخترانشان، با مشاورین امین مشورت نمایند تا زندگی عزیزانشان دچار آسیب نشود. دختران و پسران نیز ضمن احترام به نظر والدین از بلندپروازی و توقعات بی مورد پرهیز نمایند، زیرا برخی از جوانان اعم از دختر و پسر در انتخاب همسر توقعاتی دارند که بالاتر از موقّیت اجتماعی آنان است.

۲۶. اگر در اثر ارتباط نامشروع دچار اتفاق دردناک شویم، چه کار کنیم؟

پاسخ: گاهی این ارتباط نامشروع و وعده های فریب کارانه پسر و خوش باوری دختر، باعث حوادث

تلخی می گردد که دختر حتی نمی تواند به والدین یا نزدیکانش بگوید، چراکه آروی خود و خانواده اش از بین می رود و همین موضوع باعث ناراحتی روحی دختر می شود به طوری که نه پسر راضی به ازدواج است و نه کسی هست که دختر را راهنمایی کند.

در این موارد دختر باید به یک مشاور امین و خبره مراجعه کند و با کمک و راهنمایی مشاور، با رعایت مسائل شرعی و اخلاقی و حفظ آبروی دختر، برای حلّ معضل ایجاد شده اقدام نماید. زیرا امکان دارد در اثر بی تدبیری، به حیثیت خانوادگی و آینده دختر ضربه سنگینی وارد شود. در مرحله

۱- روزنامه ایران ۱۳۸۸/۱۱/۲۹ همان ص ۲۶

بعد چنین دخترانی سعی کنند دیگران را از عواقب شوم و روابط نامشروع آگاه کنند و بدون بیان ماجرای خود، دختران دیگر را از این روابط بر حذر بدارند.

۲۷. آیا اسلام سفارش به لباس تیره نموده است؟ شیک پوشی چه اشکالی دارد؟ آیا زیبا بودن و تمیز بیرون آمدن گناه است؟

پاسخ: در مدارس و دانشگاه ها از برخی شنیده می شود که اسلام مخالف لباس خوش رنگ و شیک پوشی زن است. اسلام نه تنها مخالفتی با لباس زیبا و رنگ هایی متنوع ندارد بلکه در قرآن کریم و روایات بر پوشیدن لباس های زیبا سفارش شده است. حتی اسلام سفارش نموده است مرده را با لباس سفید بپوشانید و او را با حنوط کردن خوش بو کنید. هم چنین توصیه نموده است از عبوس بودن بپرهیزید و در برخورد با دیگران چهره ای شاداب داشته باشید.

وقتی اسلام دستور می دهد مرده را خوش بو کنید، حتماً دختر جوان هم باید خوش بو باشد و از لباس خوش رنگ و زیبا استفاده کند اما آنچه اسلام روی آن تأکید نموده است آن است که آن لباس زیبا برای شوهر و در محیط خانواده باشد تا زن با شیک پوشی و زیبایی خود، شوهرش را خوش حال و محبت او را نسبت به خود بیشتر کند و در سایه این محبت، نشاط و شادی در خانواده حاکم شود.

از پوشیدن لباس های جذاب و خوش رنگی که باعث جلب نظر دیگران و یا منشأ خودنمایی و غرور یا سبب ترویج فرهنگ بیگانه می گردد باید اجتناب کرد، زیرا شیک پوشی و خودنمایی زن در اجتماع منشأ فساد است. ترویج فرهنگ بیگانه نیز سبب تضعیف فرهنگ بومی و اسلامی و ایرانی است و در دراز مدت باعث از بین رفتن هویت و اصالت یک ملت خواهد بود.

اسلام و عقل سالم می فرمایند عروس باید خوش بو و جذاب باشد اما فقط برای داماد، نه برای خودنمایی در مقابل مردان در کوچه و خیابان که هر بیننده ای با دیدن عروس ده ها فکر و وسوسه شیطانی به ذهنش خطور می کند. آنچه در اسلام مذمت شده گناه و آلودگی است که بنیاد خانواده را به سردی می کشاند و بعد متلاشی می کند.

۲۸. آیا دختر می تواند برای دقت در انتخاب همسر با چند پسر دوست گردد؟

پاسخ: پیدا کردن شناخت برای انتخاب شوهر مناسب، اصل خوب و عاقلانه ای است اما روش اشتباه است؛ زیرا توجه به روحیه دختر و غرائز و عواطف حاکم در دوران جوانی، وقتی دختری با پسری ارتباط برقرار کرد، به خاطر دل بستگی سریع و شدیدی که ایجاد می شود، دل کردن و جدا شدن برایش بسیار مشکل است و به علاوه در لحظه دوستی با پسر خطرات زیادی دختر را تهدید می کند، چنانچه بارها این حوادث پیش آمده است.

این سخن مانند این می ماند که انسان بیمار بگوید من در میان این چند دارو، همه آنها را می خورم تا ببینم کدام یک برای مرض من مفید است. هیچ پزشک عاقلی چنین نسخه ای تجویز نمی کند. بلکه

عاقلانه آن است که قبل از خوردن دارو، آن را آزمایش و بررسی شود و هرکدام برای آن بیماری مفید بود آن را مصرف کند. زیرا امکان دارد یکی از این چند دارو ضرر قابل توجه و غیر قابل جبرانی داشته باشد و احیاناً موجب مرگ انسان شود.

دختر عاقل هم نمی آید با چند پسر دوست شود و مدتی با هرکدام رفت و آمد داشته باشد؛ زیرا با توجه به روحیه دوران جوانی و عشق و علاقه شدید آن دو به هم، امکان وقوع هرگونه اتفاقی هست بلکه عاقلانه آن است که انسان با مشورت والدین و نزدیکان مثل عمو، دایی و... چندین خواستگار را از دور زیر نظر داشته باشد و آنان را از نظر ایمان، اخلاق، آداب و فرهنگ و سایر شرائطی که در ازدواج مهم است، بسنجد و سپس گزینه بهتر را به عنوان همسر آینده انتخاب کند.

۲۹. چگونه می توان با دوست پسر قطع رابطه کرد؟

پاسخ: ما باید در این حوادث عقلانیت را نسبت به احساسات غلبه دهیم. اگر عاقلانه فکر کنیم متوجه خواهیم شد که دل کندن از دوست پسر بسیار آسان است، زیرا من که می دانم و برایم ثابت شده که پسرها از ارتباط گناه و نامشروع هدفی جز مسائل جنسی ندارند و اگر دختری زیباتر از من پیدا کنند، به بهانه ای مرا رها می کنند، پس نه تنها نباید به خاطر قطع ارتباط با چنین فردی ناراحت باشم بلکه باید خوش حال باشم.

از قدیم گفته اند: **خواهان کسی باش که خواهان تو باشد و برای کسی بمیر بکه برایت تب کند.** دختر می داند هدف بسیاری از پسرها در دوستی، ازدواج نیست، بلکه منافع و شهوت رانی خودشان است و دختر را وسیله ارضاء غرائز خود قرار می دهند. عقل سلیم حکم می کند این ارتباط بدون هیچگونه تردید و ناراحتی قطع شود.

عقل می گوید به کسی عشق بورز که به تو عشق می ورزد، وقتی عشقی در کار نیست و فقط بازی با الفاظ برای فریب است، محبت واقعی از طرف دختر حماقت است.

گاهی پسران سخن از عشق و محبت شدید می زنند اما در واقع این الفاظ فقط برای فریب دختران است. در چنین فضائی دل بستن، خوش باوری و ساده لوحی است و دیگر بی قراری و اضطراب و علاقه شدید و بی خوابی، جاهلانه است.

پسرها معمولاً با الفاظ فزاینده و جذاب از روحیه لطیف و خوش باور دختر سوءاستفاده و او را به خود وابسته می کنند. اگر پسر واقعاً دختر را دوست می داشت، به طور رسمی از او خواستگاری می کرد و ماه ها و سال ها با احساسات پاک دختر بازی نمی کرد و پا روی اعصاب و روح و روان او نمی گذاشت و آن را لگدمال نمی کرد. پس قطع ارتباط را باید به فال نیک گرفت و از الطاف خداوند مهربان دانست چرا که از بار گناهانمان کاسته شده و این شاء الله با توبه از عذاب و قبر الهی در آخرت در امان خواهیم بود.

۳۰. چگونه دختر عشق خود را به پسری که دوستش دارد اظهار کند؟

پاسخ: گاهی دختر به پسر علاقه مند است و دوست دارد با او ازدواج کند اما حجب و حیا دختر اجازه نمی دهد این موضوع را به طور مستقیم به پسر بگوید. اگر هم بگوید، امکان دارد پسر قبول نکند و دختر تحقیر شود.

در این موارد دختر باید با یکی از دوستان امین یا زنان بسیار نزدیک فامیل که اسرار دختر را نگه می دارد، موضوع را مطرح کند و آن زن مورد اطمینان نزد خواهر یا مادر پسر برود و به طور معمول موضوع ازدواج پسرشان را مطرح کند و بگوید: اگر پسر شما قصد ازدواج دارد، من عروس خوبی برای ازدواج سراغ دارم، در این صورت خانواده پسر اگر بخواهند برای خواستگاری اقدام می کنند و اگر نیامدند، دیگر دختر به فکر آن پسر نباشد و عزت و احترام او هم سر جایش حفظ می شود.

چنین دخترانی نباید روی پسری که معلوم نیست آنها قبول کنند فکر کنند، زیرا باید رضایت و پذیرش دو طرفه باشد. زیرا فکر کردن به صورت خیال و توهم است، چنانچه برخی پسران هم این چنین می باشند.

ما باید در ازدواج معیارهای عاقلانه را در نظر بگیریم و از اینکه بخواهیم روی احساسات فکر کنیم اجتناب کنیم، زیرا با خیال و وهم نمی توان زندگی کرد.

۳۱. چرا یک زن نمی تواند مانند مرد، چند شوهر داشته باشد؟

پاسخ: اولاً هر مردی نمی تواند برای خود چند همسر انتخاب کند، بلکه تعدد همسر دائم احتیاج به شرائطی دارد.^۱

ثانیاً زنی که چند همسر داشته باشد، یکی از مشکلات این کار مشخص نبودن فرزندان است، در نتیجه بچه از نظر پدر مجهول می ماند و اگر کسی بگوید با وسائل جدید می توان از انعقاد نطفه جلوگیری کرد، باید گفت این وسائل اطمینان آور نیست زیرا زنان بسیاری هستند که از این نوع وسائل استفاده کردند اما باز باردار شدند.

ثالثاً فرزندی که در اثر تعدد همسر برای زن، پدرش مشخص نبود، از جهت روانی کمتر مورد محبت قرار می گیرد.

رابعاً فرزندی که پدرش معلوم نبوده، از نظر ارث و مسائل حقوقی برایش مشکل ایجاد خواهد شد، زیرا پدرش معلوم نیست تا به او ارث داده شود. در واقع از بردن ارث و کمک هائی که معمولاً پدران به فرزندان می کنند، محروم می ماند.

خامساً یکی دیگر از مشکلاتی که برای چنین کودکانی پیش می آید این است که از نظر اجتماعی و رفت و آمد با اقوام و بستگان دچار ناراحتی خواهند شد. در واقع با روشن نبودن پدر، نیمی از بستگان را از دست خواهد داد. زیرا وقتی پدر معلوم نبود، به طور طبیعی از داشتن بستگان پدری محروم خواهند ماند و نمی توانند با آنان نشست و برخاست داشته باشند. این موضوع از نظر روانی و

۱- تفسیر نمونه ج ۳ ص ۲۴۵، ۲۶۱، ۲۵۳

اجتماعی اثر منفی و مخرب در روحیه آنان خواهد گذاشت. چه بسا چنین کودکانی دچار عقده‌ها و کمبودهای عاطفی پدری و روانی شوند و فرجام آنان چیزی جز انحراف اخلاقی و ایجاد مشکلاتی برای جامعه نخواهد بود.

سادساً از همه مهم‌تر آنکه خداوند حکیم به خاطر حفظ ناموس و جلوگیری از تعرض و آزار و اذیت زنان و به وجود نیامدن فرزندان مجهول، غیرت را که یکی از صفات حضرت حق تعالی است در مرد و هر حیوان نری قرار داده است.

وجود غیرت در مرد، به صورت شدیدتری است و اگر عده‌ای از خود نسبت به ناموسشان غیرت نشان نمی‌دهند، دلیل بر عدم وجود غیرت در آنها نیست، بلکه در اثر گناه و نداشتن تربیت صحیح و عدم اعتقادات دینی، این خصلت در آنان ضعیف گردیده است. اگر قرار باشد یک زن چند همسر داشته باشد، این با روحیه جوانمردی و مردانگی مردان سازگار نیست و باعث درگیری و اختلاف بین مردان و گاهی منجر به نزاع‌های خونین و قتل یکدیگر خواهد شد.

نظر شهید مطهری رحمه الله علیه در این مورد

- نسبت به مردان:

علت شکست چند شوهری این است که نه با طبیعت مرد موافق است و نه با طبیعت زن اما از نظر مرد برای اینکه اولاً با روحیه انحصارطلبی (غیرت) مرد ناسازگار است و ثانیاً با اصل اطمینان پدری مخالف است.

علاقه به فرزند، طبیعی و غریزه بشر است. بشر طبعاً می‌خواهد توالد و تناسل کند و رابطه اش با نسل آینده و نسل گذشته مشخص و اطمینان بخش باشد. می‌خواهد بداند پدر کدام فرزند است و فرزند کدام پدر است. چند شوهری با این غریزه و طبیعت آدمی ناسازگار بوده است. برخلاف چند زنی مرد که از این نظر نه به مرد لطمه می‌زند و نه به زن.

علت حرام بودن تعدد شوهر در سخنان امام علی علیه السلام

می‌گویند گروهی از زنان در حدود چهل نفر گرد آمدند و به حضور حضرت علی علیه السلام رسیدند. گفتند: چرا اسلام به مردان اجازه چند زن گرفتن را داده اما به زنان اجازه چند شوهری را نداده است؟ آیا این امر یک تبعیض ناروا نیست؟

حضرت علی علیه السلام دستور دادند ظرف‌های کوچکی از آب آوردند. هر یک از ظرف‌ها را به یکی از زنان داد. سپس دستور داد همه آن ظرف‌های کوچک را در ظرف بزرگی که در مجلس زنان گذاشته بود، خالی کنند. دستور اطاعت شد.

آن‌گاه حضرت علی علیه السلام فرمودند: اکنون هر یک از شما عین همان آبی که در ظرف خود داشته را بردارد. گفتند این چگونه ممکن است؟ آب‌ها با یکدیگر ممزوج شده و تشخیص آن‌ها ممکن نیست!

حضرت علی علیه السلام فرمودند: اگر یک زن چند شوهر داشته باشد، خواه ناخواه با همه آن ها همبستر می شود و بعد آبستن می شود. چگونه می توان تشخیص داد فرزندی که به دنیا آمده است، از نسل کدام شهر است؟

- نسبت به زنان:

اما از نظر زن، چند شوهری هم با طبیعت زن منافات دارد و هم با منافع وی. زن، از مرد فقط عاملی برای ارضاء غریزه جنسی خود نمی خواهد که گفته شود هرچه شوهر برای زن بیشتر باشد بهتر است. زیرا زن از مرد موجودی می خواهد که قلب آن موجود را در اختیار داشته باشد، حامی و مدافع او باشد، برای او فداکاری کند، زحمت بکشد و پول درآورد و محصول کار و زحمت خود را نثار او نماید، غم خوار او باشد، پولی که مرد به زن به عنوان یک روسپی داده و می دهد و هم چنین پولی که زن از راه فعالیت به دست آورده و می آورد نه به احتیاجات مالی و وسیع زن که چندین برابر احتیاجات مرد است وافی بوده و نه ارزش آن پولی را داشته که مرد به خاطر علاقه و محبت و در راه عشق به زن می پرداخته است.

احتیاجات مالی وسیع زن را همواره مرد به عنوان یک فداکار تأمین کرده است. بهترین و نیرومندترین مشوق مرد، کار و فعالیت کانون خانواده او یعنی همسر و فرزندان او بوده اند.

زن در چند شوهری هرگز نمی توانسته است حمایت و محبت و عواطف خالصانه و فداکاری یک مرد را نسبت به خود جلب کند. از این رو چند شوهری نه با تمایلات و روسپیگری همواره مورد تنفر زن بوده است. علی هذا چند شوهری نه با تمایلات و خواسته های مرد موافقت داشته است و نه با تمایلات زن.^۱

۳۲. در برابر برخی اقوام که حجاب را مسخره می کنند چه کنیم؟

پاسخ: اولاً باید بدانیم کسانی که یک انسان یا مذهب یا عقیده باطلی را مسخره و شخصیت دیگران را تحقیر می کنند، اشخاص سالم و متعادلی نیستند. زیرا هیچ انسان عاقل و با وجدان و باشعور حاضر نمی شود دیگران را تحقیر کند حتی اگر طرف مقابل، عقیده اش مخالف او باشد. بنابراین با طعن و چشمک و ابرو بالا انداختن چنین افراد ناآگاهی نباید تحت تأثیر قرار بگیریم، به گونه ای که دست از کارهای خود برداریم.

ثانیاً ما به وظیفه الهی و قرآنی و اسلامی خود عمل می کنیم. زمانی که دانستیم داشتن حجاب و خواندن نماز و قرآن و دعا برای ما مفید و لازم است، آنها را انجام می دهیم. چنانچه وقتی دانستیم فلان دارو یا غذا برای سلامت جسم ما مفید است، با سرزنش انسان های ناآگاه، از خوردن آن صرف نظر نمی کنیم. پس وقتی می دانیم حجاب و نماز و قرآن برای سلامت روح و جسم ما ضروری و مفید و دارای برکات فراوان است، از عملکرد خود نه تنها دست بردار نیستیم بلکه روز به روز مصمم تر می شویم.

۱- نظام حقوق زن، ص ۳۸۰ به نقل از درسنامه حجاب ص ۱۹۱-۱۸۹

ثالثاً بارها خداوند متعال در قرآن کریم فرمودند تمام پیامبران و صالحان و خوبان روزگار توسط دشمنان معاند و جاهلان مسخره می شدند^۱، اما آنها روز به روز مقاوم تر می شدند و یک ذره کوتاه نیامدند. این دینی که امروز به دست ما رسیده، ثمره آن صبرها و مقاومت های پیامبران و مؤمنان راستین است. ما هم با اقتداء به پیامبران پیامبران الهی احکام نورانی اسلام روز به روز باید محکم تر باشیم تا این ارزش های الهی را به نسل بعد منتقل کنیم.

رابعاً ما باید در برابر افراد هرروز شناختمان را نسبت به دین و احکام آن بالا ببریم تا هم بر ایمانمان افزوده شود و هم بتوانیم با استدلال و منطق در حدّ توانمان دیگران را راهنمایی کنیم و با صبر و برخورد نیکو همان افرادی که مسخره می کنند را تحت تأثیر قرار دهیم.

خامساً این افراد اگر توبه نکنند، در همین دنیا و در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد و خداوند متعال به خاطر همین مسخره کردنشان به شدت آنها را مجازات می کند.^۲

علاوه بر اینها اگر ما مدّت کوتاهی تحمل کنیم اینها نه طعنه از طعن و مسخره خسته می شوند بلکه بسیاری از اوقات دوست دارند مثل ما باحجاب باشند. زیرا حجاب داشتن عفت و پاکدامنی با فطرت و سرشت انسان هماهنگ است. پس همه آن را دوست دارند. مهمّ آن است که در برابر تمسخر دیگران کنی صبر و تحمل داشته باشیم.

وانگهی لذّت استقامت و ثوابی که خداوند بزرگ در برابر این استقامت و عمل به دستورات اسلامی می دهد، قابل بیان نیست. بنابراین وقتی کاری خوب بود و انسان فوائد و آثار آن را دانست، به هیچ وجه نباید به خاطر ناآگاهی عده ای از آن دست برارد.

۳۳. اگر دختر و پسر شدیداً به هم علاقه داشته باشند ولی شرایط مهیا نباشد، تکلیف چیست؟

پاسخ: گاهی دختر و پسر به هم علاقه مندند اما شرایط ازدواج با هم ندارند و یا والدین به دلالتی مخالفت می کنند و یا سنّ ازدواج را ندارند. در این مواقع دختر و پسر بدون برقراری رابطه نامشروع باید با انسان های عاقل و امین مشورت کنند و بررسی کنند که آیا شرایط ازدواج را دارند یا نه. اگر شرایط مهیا بود، پسر به طور رسمی از دختر خواستگاری کند اما به هیچ وجه داشتن روابط دوستانه و عاشقانه به این بهانه ها جائز و درست نیست. زیرا هر روزی که از این ارتباط می گذرد، علاقه هر دو به زیادتر می شود جدا شدن سخت تر می شود. لذا برای اینکه این مشکلات پیش نیاید، ابتداء شرایط و زمینه ازدواج فراهم شود و بعد از ایجاد شرایط رسماً از دختر خواستگاری کند.

۳۴. چرا برخی مردان نظر بدی نسبت به زنان دارند؟

پاسخ: طبق حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام مردان را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

(الف) مردان نامحرمی که در برابر آنان فقط دست ها از مچ تا نوک انگشتان و گردی صورت (بدون هیچ آرایش و لباس جذاب و جلب نظر کننده) می تواند پیدا باشد.

۱- حجر/۱۱، زخرف/۷، بیس/۳۰، ۲- مؤمنون/۰۴ تا ۱۱۰، مطفقین/۲۹ تا آخر

ب) مردان محرم که در برابر آنان گردن بند زن به بالا و محلّ بازوبند و پا تا مچ او می تواند نمایان باشد.

ج) شوهر که معلوم است.^۱

اگرچه پدر، برادر، دایی، عمو و پسر به زن محرم هستند، اما در اسلام این محرمیت حدّ و مرزی دارد. چنان نیست که زن و دختر بتواند با هر لباس و آرایشی نزد مردان محرم ظاهر شود و یا چون محرم است با او هر شوخی ای بکنند و هر حرفی بین آنان ردّ و بدل گردد. اگرچه شیطان بهانه هائی را بر سر زبان عده ای می اندازد.

بر همین اساس قرآن کریم به پدران و مادران سفارش نموده وقتی در منزل مشغول استراحت و با لباس راحتی و غیر معمول هستند، فرزندان غیربالغ (تا چه رسد به بالغ) برای رفت و آمد به اتاق خواب آنها اجازه بگیرند، زیرا صلاح نیست حتّی پدر و مادر که محرم دختر و پسرشان هستند با بدن نیمه عریان و یا هر لباسی نزد فرزندانشان ظاهر شوند.

خداوند حکیم که در کتاب آسمانیش این دستور اخلاقی و روانشناسی را می دهد، روحیات و صفات انسان را می داند، چون او خالق بشر است. او می داند که برهنگی غیرمتعارف و آرایش غیرمعمول اثر منفی در ذهن و فکر مرد نامحرم حتّی فرزند غیربالغ و نوجوان می گذارد و یا اندام برهنه و نیمه عریان مرد تأثیر منفی بر ذهن و فکر خواهر و دختر و زن نامحرمش دارد. درست است که اغلب زنان و مردان که با هم محرمند با دید شهوت به یکدیگر نگاه نمی کنند، اما اگر در منزل و مجالس فامیلی حدود شرعی رعایت نشود، باید منتظر حوادث غیراخلاقی در بین زن و مرد نامحرم هم باشیم. چنانچه بارها جوانان به ویژه دختران در جلسات مشاوره در مدارس و دانشگاه ها از نگاه ها و رفتارهای غیراخلاقی برخی محارم خود شکایت می کنند و این موضوع سبب ناراحتی روحی آنان شده به طوری که فکر و ذهنشان را مشغول کرده اما حُجب و حیاء و ترس از آبرو و اختلاف بین خانواده ها، اجازه بیان اینگونه مسائل را به آنان نمی دهد. در بسیاری از مواقع هم این موضوع باعث بغض و نفرت زن یا دختر نسبت به آن مرد محرم می گردد به طوری که حتّی حاضر نیست او را ببیند.

آنچه مهمّ است و برای جلوگیری از این حوادث تلخ و آثار منفی آن باید حدود شرعی و اخلاقی را در منزل و مجالس فامیلی رعایت کنیم و زنان در این مورد مسئولیت بیشتری دارند، زیرا اگر رعایت کنند مردان کمتر تحت تأثیر قرار می گیرند و جلوی بسیاری از حوادث گرفته خواهد شد.

اینکه برخی می گویند: انسان نباید این قدر خشک مقدّس باشد، خواهر و برادر که این حرف ها را ندارند و امثال این مطالب، همه از کلماتی است که شیطان بر زبان جاری می سازد تا گناه کردن را آسان نماید. بر اساس آنچه ذکر شد، قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظُّهَيْرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدمت کاران و فرزندان شما – که به حدّ بلوغ نرسیده اند – باید در سه وقت برای ورود به منزل (محلّ

۱- بهشت جوانان ص ۲۱۸ همان ص ۱۹۷

خواب) از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز صبح، نیمروز وقتی که لباس های معمولی خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت مخصوص شماسست ولی بعد از آن بر شما و آنان گناهی نیست که بدون اجازه وارد شوند...»^۱.

۳۵. آیا حجاب بر مردان هم واجب است؟

پاسخ: خداوند متعال در قرآن کریم وقتی موضوع حجاب و پوشش را بیان می کند، اول حجاب مردان را مطرح می کند. حجاب مردان این است که مواظب نگاه های خود باشند، از هوا و هوس دوری کنند و هم چنین از پوشیدن لباس های زننده و تحریک آمیز خودداری کنند. همان طوری که اگر زنان آرایش کنند و یا لباس نامناسب و نیمه عریان بپوشند، مردان به گناه می افتند، مردان هم وظیفه دارند از پوشیدن لباس تنگ و ناهنجاری که موجب تحریک و آزار زنان و دختران می شود دوری کنند.

البته معنای حجاب مردان این نیست که او هم مانند زنان تمام بدن خود را بپوشاند. زیرا خداوند متعال بدن و صورت و صدای زن را لطیف تر و ظریف تر خلق نموده و آن جذّابیت و زیبایی که در زن قرار دارد، در مرد وجود ندارد. به همین دلیل اسلام روی موضوع حجاب زنان سفارش زیادی نموده است.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ**»؛ به مردان باایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به زنان نامحرم خودداری کنند) و نفس خویش را از کارهای زشت بازدارند. این عمل برای آنان پاکیزه و بهتر است. البته خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است»^۲.

۳۶. من به داشتن حجاب و چادر علاقه زیاد دارم ولی خانواده ام مخالفت می کنند، چه کنم؟

پاسخ: در چنین مواقعی دختر نباید جوّ درگیری و ناراحتی درست کند، بلکه باید در فضائی آرام و بدون هیچ گونه درگیری و ناراحتی، با استدلال دلالتی برتری چادر و مزایای آن را بیان کند تا نظر والدینش را تغییر دهد. گاهی امکان دارد خانواده با کسانی رفت و آمد کنند که آنها چادر و سائر مقدّسات را به باد مسخره می گیرند، بر همین اساس خانواده مخالفت می کنند.

اگر خودتان موفق نشدید، از اقوام نزدیک و مشاورین مدرسه یا دانشگاه کمک بگیرید و از آنها بخواهید با احترام و بیان شیوا و مستدلّ و منطقی پدر و مادرتان را آگاه و قانع کنند.

۳۷. دوستی شدید دختران با پسران به یکدیگر چگونه است؟

پاسخ: دوستی دختر با دختر و پسر با پسر نه تنها مانعی ندارد، بلکه یکی از نیازهای عاطفی و روانی

۱- نور/۵۸. ۲- نور/۳۰

بشر، داشتن دوست مناسب است. گاهی در این دوستی ها زیاده روی می شود به طوری که اگر یک روز یکدیگر را نبینند، شدیداً متأثر می شوند. اگر به این حدّ برسد باید دوستی ها کاهش یابد و به حدّ تعادل برسد. البته این دوستی های شدید در برخی افراد منجر به گناه می شود که باید مواظب بود و با مشاورین امین مشورت کرد.

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «أَعَجَزَ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ إِكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعَجَزَ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ؛ ناتوان ترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان است و ناتوان تر آنکه دوستان خود را از دست بدهد»^۱.

۳۸. ملاک انتخاب همسر مناسب چیست؟

پاسخ: شرع مقدّس و عقل، معیارهایی را برای انتخاب همسر مناسب قرار داده و بر این اساس تجربه، معیارهای اصلی برای انتخاب همسر به این ترتیب است:

(الف) زیبایی

(ب) تناسب در وضعیت مالی و تحصیلات

(ج) اخلاق و معنویّت

(د) نزدیک بودن فرهنگ ها و آداب و رسوم دو خانواده

(ه) دختر و پسر مورد قبول یکدیگر قرار بگیرند، یعنی هرکدام برای دیگری گیرا و جذاب باشد، زیرا دختر و پسر می خواهند با هم زندگی کنند و والدین و دیگران باید از اجبار و تحمیل بپرهیزند چون یکی از اختلافات زن و مرد همین ازدواج های تحمیلی است. البته جوانان عزیز این را هم بدانند که احترام به نظر والدین و بزرگتر ها و مشورت با افراد امین و باتجربه و مشاور یکی از رموز موفقیت انسان است و خودسرانه عمل نمودن و احساسات را بر عقل و منطق غلبه دادن را هیچ انسان عاقلی نمی پذیرد.

رسول خدا صلّ الله علیه وآله وسلم درباره تمام این معیارها می فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجَهُ إِلَّا تَعْلَوْهُ تُكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ؛ هنگامی که کسی به خواستگاری دخترتان آمد که از اخلاق و دین و ایمانش راضی هستید، دخترتان را به او بدهید، اگر این کار را نکردید، بلاء و فساد

بزرگی روی زمین به وجود خواهد آمد»^۲.

البته با توجه با بالا رفتن سطح تحصیلات دختران، ممکن است هماهنگی کامل در همه موارد ایجاد نشود، پس وجود تناسب نسبی در بیشتر ملاک ها کفایت می کند. البته برای انتخاب همسر مناسب وجود تمام موارد لازم است اما برای تشریح و تسهیل در امر ازدواج، انسان باید در بعضی موارد کوتاه بیاید و از توقّعات و ایده آل های خود بکاهد.

نکته مهمّ این است که چیزی که باعث دوام و نشاط و خوش بختی اقی می شود، ایمان و اخلاق دختر

۱- نهج البلاغه ج ۱۲، ۲- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۵۱ همان ص ۲۱۷

و پسر است. ایمان و اخلاق است که در موقعیت های مختلف زندگی تأثیرگذار است و در شرائط بحرانی می تواند باعث آرامش و اطمینان زن و شوهر شود.

بنابراین وقتی برای دختری چند خواستگار می آید، خانواده ایشان ضمن بررسی دقیق خصوصیات از جهات مختلف، لازم است روی اخلاق و ایمان خواستگار تأکید داشته باشد و آن جوانی که از همه متدین تر است را انتخاب کند. زیرا آنچه بعد از دوران نامزدی و شروع به زندگی نشاط می دهد و از وقوع بسیاری از اختلافات جلوگیری می کند، ایمان، اخلاق، ایثار و معنویت طرف مقابل است.

آنچه لازم است دختران عزیز و خانواده های محترم آنان به آن اهمیت بدهند، موضوع تحقیق از خواستگار است. یکی از علل اختلافات و نزاع های شدید بین خانواده ه، تحقیق و بررسی نکردن از سوابق و خصوصیات اخلاقی خواستگار می باشد که گاهی خوش باوری و بی توجهی به این مسئله و ظاهر سازی برخی افراد باعث شده که برای برخی دختران مشکلات فراوان ایجاد گردد.

سلمان فارسی می گوید: «روزی در منزل آب روی دستان مبارک رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم می ریختم که حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها وارد شدند در حالی که گریان بودند. پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم دست نوازش بر سر دختر عزیزشان کشیدند و پرسیدند: «مَا يَبْكُكِ لَأَبِيكِ اللَّهُ عَيْنِيكِ يَا

خُورِيَّةُ! دَخْتَرُم حُورِيَه ! چه چیزی باعث گریه ات شده، خداوند چشمان تو را گریان نگرداند».

حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها فرمودند: وقتی از کنار عده ای از زنان قریش در حالی که خضاب و آرایش کرده بودند ردّ می شدم تا نگاهشان به من افتاد، من و پسرعمویم علی علیه السلام را مورد ملامت و نکوهش قرار دادند و گفتند: «كَانَ قَدْ عَزَّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَنْ يَزُوجَ ابْنَتَهُ مِنْ رَجُلٍ فَقِيرٍ قُرَيْشٍ وَ أَقْلَهُمْ مَالًا؛ چقدر سخت و مشکل است بر محمد (صلّ الله علیه و آله و سلّم) به اینکه دخترش را به عقد مردی درآورد که فقیر است و از نظر مالی جز کمترین افراد جامعه است».

رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم به دخترش فرمودند: «وَاللَّهِ يَا بُنَيَّةُ مَا زَوَّجْتُكَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ؛ به خدا سوگند، دخترم من شما را به همسری علی علیه السلام درنیاوردم بلکه خداوند شما را به عقد او درآورد».

بعد از آن، حضرت فاطمه زهراء الله علیها سرش را بلند کرد و بعد از گریه اش با چهره شاد و بانشاط فرمود: راضی شدم به آنچه خداوند و رسولش رضایت دارند»^۱.

۳۹. آیا اجازه پدر در ازدواج دختر، تحقیر او نیست؟

پاسخ: اولاً این مسئله مورد اتفاق همه علماء و فقهاء نیست و شامل دختر بیوه نمی شود.

ثانیاً این موضوع یک نوع مشورت با اهل خبره و تجربه و دلسوزان می باشد و این اختصاص به دختر ندارد بلکه پسر هم هنگام ازدواج لازم است از تجارب دیگران بهره مند گردد. بر همین اساس جوانانی که معیارهای دینی و اخلاقی و استفاده از تجربه دیگران در هنگام ازدواجشان رعایت نگردیده معمولاً زندگی زناشوییشان شیرین و صمیمی نیست.

۱- بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۵۰ و ۱۳۳ همان ص ۲۱۹-۲۱۸

ثالثاً اختیار دختر به دست پدر می باشد معنایش این نیست که او اختیار مطلق دختر را دارد، بلکه در صورتی که دختر بداند پدرش از موقعیتش سوءاستفاده می کند و مصالح و سعادت دخترش را در نظر نمی گیرد و به خاطر اغراض شخصی برای ازدواج دخترش تصمیم می گیرد، اینجا دختر با اجازه حاکم شرع می تواند این اختیار را از پدرش سلب کند.

رابعاً معمولاً هر پدری سعادت دختر و نور چشمش را می خواهد و دوست دارد دختری را که با مشقت ها و مرارت های زیادی بزرگ کرده با کسی ازدواج کند که از نظر دینی و معنوی و اخلاقی و موقعیت اجتماعی خوب باشد. با توجه به آنکه پدر با اجتماع بیشتر از دختر سر و کار دارد و با تجربه ای که کسب کرده، افراد را از نظر اخلاقی و اجتماعی بهتر می شناسد ولی دختر به خاطر عدم شناخت کافی از جامعه و اشخاص و به سبب زودباوری اش سریعاً تحت تأثیر قرار می گیرد و در نتیجه امکان دارد فریب افراد متظاهر و حقه باز را بخورد.

طبق همین اصل بارها در روزنامه ها خوانده ایم که فلان مرد به خاطر ظاهری آراسته و زبانی چرب و نرم و داشتن یک ماشین مدل بالا و ادعای مدارک بالا و موقعیت اجتماعی و شغل در سطح عالی، بیش از ده ها دختر را قریب داده است.

فیلسوف و فقیه عالیقدر شهید مطهری رحمه الله علیه در این مورد می فرماید: «این مطلب به قصور و عدم رشد عقلی و فکری زن مربوط نیست. به قسمتی از روانشناسی زن و مرد مربوط است. مربوط است به حسن شکارچی گری مرد از یک طرف و به خوش باوری زن نسبت به وفا و صداقت مرد از طرف دیگر.

مرد بنده شهوت است و زن اسیر محبت، آنچه مرد را می لغزاند و از پای درمی آورد شهوت است و زن به اعتراف روانشناسان صبر و استقامتش در مقابل شهوت مرد بیشتر است. اما آن چیز که زن را از پای در می آورد و اسیر می کند این است که نغمه محبت و صفا و وفا و عشق از مردی بشنود. خوش باوری زن در همین جاست.

رسول اکرم صلّ الله علیه و آله و سلم، آن روانشناس خدائی، این حقیقت را چهارده قرن پیش به وضوح بیان کرده است و فرمود: «سخن مرد به زن "دوستت دارم" هرگز از دل زن بیرون نمی رود».^۱

مردان شکارچی از این احساس زن همواره استفاده می کنند. دام «عزیزم از عشق تو می میرم» برای شکار دخترانی که تجربه ای ندارند، بهترین دام است».^۲

بر همین اساس به خاطر سعادت دختر، اسلام دختر را با شرایطش به پدر یا ولیّ دختر واگذار نموده است. این موضوع نه تنها تحقیر او نیست بلکه حمایت از دختر و تضمین زندگی او در آینده است. در واقع این کار یک نوع انتخاب شوهر اصلح با مشورت انسان دلسوزی مانند پدر است. این به این معنا نیست که اختیار کامل دختر را داشته باشد و مثل زمان جاهلیت بتواند به هرکس خواست دخترش را شوهر دهد. لذا دختر می تواند اگر جوانی به خواستگاری اش آمد و دوست نداشت با وی زندگی کند، او را ردّ کند و پدر هم حقّ اجبار ندارد. منتهی او می تواند پیشنهاد خود را به دخترش بگوید و دختر هم بهتر است به نظریه پدرش توجه خاصی داشته باشد.

۱- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۰. ۲- نظام حقوق زن در اسلام ص ۹۵-۹۴

در صورتی که خواستگار دختر انسان ناصالحی بود پدر هم می تواند او را نپذیرد و این سیره رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم است. زیرا آن حضرت وقتی تعدادی افراد ناصالح (ابوبکر، عمر و عثمان لعنت الله علیهم) به خواستگاری حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها آمدند، آنها را نپذیرفت. لکن وقتی حضرت علی علیه السلام به خواستگاری حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها آمد، حضرت این موضوع را با دخترش در میان گذاشت. بعد از رضایت حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها، پیامبر گرامی اسلام صل الله علیه و آله و سلم هم چون راضی بود، جواب مثبت به حضرت علی علیه السلام دادند و آن ازدواج مقدس و ملکوتی واقع شد که جریانش معروف است و موثر اتفاق شیعه و اهل تسنن است.

خامساً علاوه بر مطالب سابق، این کار یک نوع علاج پیش از حدوث واقعه می باشد. یعنی یک نوع جلوگیری و اقدام قبل از وقوع حادثه تلخ است. زیرا اگر دختر با فرد ناشایسته ای ازدواج کرد، به مراتب مشکلاتش بیشتر از پسر است. حتی در تمام جوامع اعم از اسلامی و غربی دخترانی که شوهرانشان مناسب نیستند بیشتر از پسرانی زجر می کشند که همسرانشان مناسب نیستند. زیرا با توجه به وضعیت جسمی و روحی دختر اگر همسرش نالایق باشد نمی تواند مثل پسر مشکل خود را حل نماید. برای آنکه زن بسیاری از اوقات آینده فرزندان و نیز آبرویش را در نظر می گیرد و سعی می کند بسوزد و بسازد و از طرفی اگر بخواهد طلاق بگیرد با مشکلات و رفت و آمدهای خسته کننده دادگاه روبرو است.

علاوه بر این مسائل و مشکلات، آینده ازدواج مجددش چه خواهد شد؟ مخصوصاً اگر زن جوان باشد، زندگی بدون همسر برای او بسیار مشکل خواهد بود زیرا نیاز به همسر یک نیاز ضروری است و اگر نخواهد ازدواج کند، احتمال انحراف وجود خواهد داشت. از همه مهم تر عدم توافق و ایجاد اختلاف و پرخاشگری بین زن و شوهر باعث بروز امراض عصبی و روحی و جسمی خواهد شد. اسلام برای جلوگیری از این همه مشکلات دستور داده پدر یا ولی دختر ناظر به ازدواج دخترش باشد تا او را سنجیده شوهر دهد.

- نتیجه ازدواج های خیابانی

بر اساس آمار شماری از مراجعه کنندگان به دادگاه ها، نوع عروسانی هستند که هنوز عروسی نکرده اند و اندکی از تاریخ عقدشان گذشته است که درخواست طلاق دارند. این موضوع نشان می دهد که بعضی از دختران در انتخاب دچار شتابزدگی شده اند و بدون تحقیق درباره خصوصیات اخلاقی و دینی جوان مورد نظر و بدون مشورت با والدین و ریش سفیدها، پس از دیدار سطحی در خیابان راضی به ازدواج می شوند، در نتیجه پس از چندی پشیمان گشته و زندگیشان با شکست مواجه می شود.

اگرچه باید دختر و پسر یکدیگر را ببینند و بشناسند، همان طوری که اسلام عزیز به آن عنایت دارد ولی این دیدار نباید به شکل غربی در کوچه و خیابان باشد. بلکه باید این دیدارها در حضور والدین و بزرگترها صورت گیرد تا جوانان عزیز مخصوصاً دختران به وسیله دلسوزانشان راهنمایی شوند و ملاک ها و معیارها در شناخت افراد به کمک آنها برایشان بیان شود.

۴۰. وظیفه شرعی ما در برابر پسر نابالغ چیست؟

پاسخ: گاهی پسر نابالغ در سنین حدود ۵ تا ۸ سالگی است، مانعی ندارد دختر و زن نامحرم بدون حجاب و پوشش باشد اگرچه هم رعایتش بهتر است اما از سن ۸ سالگی به بالا مناسب است دختر و زن نامحرم در برابرشان حجاب را رعایت کند، اگرچه آنان به سن بلوغ نرسیده اند و نسبت به مسائل جنسی حساس نمی باشند و اطلاع ندارند، ولی به خاطر آنکه بلوغ زودرس سراغ آنها نیاید، حجاب در نزد آنان رعایت گردد. به علاوه با توجه به وضع فرهنگی امروز و آگاهی نوجوانان از مسائل مختلف، ضریب هوشی آنان نسبت به جنس مخالف بالا رفته به طوری که گاهی نوجوان ۱۴-۱۳ ساله نسبت به زنان عکس العمل نشان می دهند.

۴۱. من و نامزد من هر دو قبلاً با دیگری رابطه داشتیم. آیا ازدواجمان صلاح است؟

پاسخ: مناسب بود اگر دختر و پسر قبلاً رابطه نامشروع و گناه آلود با دیگران داشته اند، این مطلب را برای یکدیگر بازگو نمی کردند اما اکنون که شما و پسر مورد علاقه تان و یا نامزد شما که به خواستگاری آمده و یا عقد کرده اید، موضوع را هر دو متوجه شده اید، اگر شرایط مهم در شما به طور نسبی فراهم است و در شأن یکدیگر هستید، مانعی ندارد. به شرط آنکه گذشته های منفی را در آینده هر کدام به سر یکدیگر چماق نکنید و برای عزیزترین بستگان مثل خواهر و برادر یکدیگر مطرح نشود تا در آینده سوءاستفاده نکنند و همیشه به نکات و صفات مثبت یکدیگر نگاه کنید تا زندگی شیرین و بانشاط گردد و به علاوه سعی شود روز به روز به عبادت واقعی و توجه به معنویات نقائص گذشته جبران گردد.

قرآن مجید می فرماید: «**إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ**؛ به راستی که خوبی ها بدی ها را از بین می برند»^۱.

۴۲. در مورد اختلاف سلیقه با والدین چگونه برخورد نمائیم؟

پاسخ: اختلاف سلیقه یک امر طبیعی است و همین اختلاف نظرها منشأ رشد و تنوع و نشاط در زندگی است. در عین حال اگر ما با والدین در ازدواج و امثال آن اختلاف نظر داشتیم، در مرحله اول باید نشست و در جو صمیمی با استدلال و عقل نظرها را نزدیک کرد. اگر موفق نشدیم، سعی شود به نظرات آنها احترام گذاشته شود، به خاطر آنکه آنها پدر و مادر ما هستند و قطعاً از روی دلسوزی سخن می گویند و گاهی هم امکان دارد ما در اثر احساسات و کم تجربگی اشتباه کنیم. بر فرض اینکه ما متوجه شدیم که صد در صد آنها اشتباه می کنند، به خاطر احترامشان و به خاطر اینکه فضای خانواده جو درگیری و نزاع نباشد و نشاط و شادابی حاکم گردد، باید نظرات مخالف آنها را تحمل کنیم، چنانچه بارها در قرآن کریم روی احترام به والدین تأکید شده است.^۲

۴۳. در برابر گریه برخی پسرها و تهدید به خودکشی چه کنیم؟

پاسخ: دختران در جواب بگویند: حال شما از دو حال خارج نیست یا مرا واقعاً دوست داری چنانچه در ظاهر می گوئید و سعادت خود و من را می خواهی یا مرا برای مدتی به عنوان سرگرمی و بهره برداری می خواهی، چنانچه اکثر دوستی ها از نوع دوم است. اگر واقعاً به من علاقه داری به طور رسمی خواستگاری کن تا دوستی شما ثابت شود. اگر این گریه و تهدید به خودکشی شود وسیله ای برای فریب دختر است، دختر باید هوشیار باشد.

۱- هود/۱۱۴. ۲- بقره/۱۳، نساء/۳۶، انعام/۱۵۱، لقمان/۱۴، اسراء/۲۳، عنکبوت/۸...

برخی پسران برای آنکه از روحیه عاطفی دختر استفاده کنند از این شگردها استفاده می کنند. در واقع گریه و الفاظ زیبا ابزار شیطان است که برخی پسران برای شکار دختران از آن استفاده می کنند. به علاوه اگر پسری بخواهد در اثر یک رابطه نامشروع و موفق شدن در آن خودکشی کند، این نشان از اراده و ایمان ضعیف اوست.

چنین پسرانی در آینده نمی توانند یک همسری باشند که بتوانند بار زندگی و سختی ها و فراز و نشیب آن را تحمل کنند و چه مناسب است که دختران از اول با اینگونه جوانان که دارای اراده ضعیف اند خودداری کنند، چه گریه و چه تهدید به خودکشی برای فریب باشد و چه واقعاً درست باشد.

نتیجه"

انسان باید از هر چیزی که باعث تحریک شهوت و هیجان قدرت جنسی می شود دوری بجوید و جلوگیری به عمل آورد حتی گفتن و شنیدن لطیفه های زشت و زننده، خواندن و مطالعه رمان ها و کتاب ها و مطالب تحریک کننده، دیدن فیلم ها و سی دی های مبتذل و گمراه کننده که فکر و خیال انسان را به انحراف می کشاند و وسوسه شیطان و تسلط نفس اماره را در درون آدمی تقویت می سازد.

شاید با خود بگوئید چگونه ممکن است مثلاً یک فیلم انسان را به تباهی می کشاند؛ دیدن فیلم های مبتذل و سکس و... زمینه را کم کم فراهم می کند تا اول از همه فکر را منحرف و سپس عفت انسان را به تباهی بکشاند. فردی که عادت به دیدن این چنین فیلمی و... عادت دارد از لحاظ اخلاقی و ایمانی ضعیف است و کم کم با تغییر ظاهر خود با انداختن زنجیر به گردن، خالکوبی و... نشان می دهد که دارد کم کم منحرف می شود. پس چه بهتر که از اول محیط اطراف خود را بشناسیم و بدانیم دوستانمان چه کسانی هستند تا خدای ناکرده از مسیر حق منحرف نشویم و زندگیمان به سوی تباهی نرود و آینده ای تاریک نداشته باشیم.

خشت اول که نهاد معمار کج تا ثریا می رود، دیوار کج

شعر"

دفتري را پسري کرد نظر
زان نظر هوش برفتش از سر
رفت نزدیک به او کرد سلام
آن سلامی که بود آن فطر
گفت: به به چقدر زیبایی
آفرین گفت به کلک^۱ هنر
دفترا از همه تمجید و سپاس
بی خود از خود شد ، عاشق پسر
بعد چندی که به هم دوست شدند
گفت با میله پسر به دفترا
که پدر و مادر من رفتند سفر
ساعتی آی به کاشانه ما
کرد گفتار پسر را باور
دفترا ساده دل از روی هوس
داخل خانه شدند آن دو نفر
تک و تنها به هواداری هم
آتش و پنبه به فتوای هوا
سوفتند هستی خود در آذر^۲
پسر میله گر و مفسده ساز
کرد از راه به در ، آن دفترا
عوض آب داد به او شراب
تا رسد تیر بلایش به اثر
همچو گری به جاننش افتاد
تا زباید ز کفش بذر گهر
بعد کرد جدا از او ، سر
کام دل کرد از دفترا حاصل

۱- قلم نی - نی. ۲- آتش

کتاب نامه "

بعد از قرآن کریم ، منابع استفاده شده به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر می باشد :

۱. اوضاع در آخرالزمان / جلد اول / کوشاری ، رضا / چاپ ششم / تابستان ۱۳۹۰
۲. اوضاع در آخرالزمان / جلد دوم / کوشاری ، رضا / چاپ اول / تابستان ۱۳۸۶
۳. پاسخ به شبهات دینی با موضوعات مختلف / جمالی ، حسین / چاپ اول / سال ۱۳۹۰
۴. چهل حدیث حجاب و نگاه / نیلی پور ، مهدی / چاپ دوم / بهار ۱۳۹۰
۵. دختران می پرسند چرا؟! / محمدی نیا ، اسدالله / چاپ هفتم / پائیز ۱۳۸۹
۶. درسنامه حجاب / دهقانی ، محسن / چاپ دوم / تابستان ۱۳۸۹
۷. رساله توضیح المسائل / مکارم شیرازی ، آیت الله شیخ ناصر / چاپ چهل و ششم / سال ۱۳۹۱
۸. علائم آخرالزمان ، پیرامون ایران و طهران / محمدی گلپایگانی / چاپ ششم / سال ۱۳۸۹
۹. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی / حداد عادل ، غلامعلی / چاپ هشتم / سال ۱۳۸۷
۱۰. قرآن و تعلیمات دینی سال دوم دبیرستان / وزارت آموزش و پرورش / چاپ دوم / سال ۱۳۸۸
۱۱. قصه های قرآن / شیروانی ، علی / چاپ اول / پائیز ۱۳۸۲
۱۲. کتابچه پرنیان پاکدامنی / کانون فرهنگی بسیج کمیل زنجان
۱۳. گلبرگ احکام / هرمز ، حسین - محمدی ، محمود / چاپ دوم / سال ۱۳۹۱

۱۴. گناه و تأثیر آن بر جسم و جان / طغیانى ، محمدحسين / چاپ دوّم / سال ۱۳۹۰

۱۵. ماهنامه سياسى ، اجتماعى ، فرهنگى شمىم ياس / شماره بيست / آبان ۱۳۸۳

۱۶. مردان و زنان آخرالزمان / امينى ، محمد / چاپ دوّم / سال ۱۳۹۰

۱۷. نصايح اعجاب انگيز حضرت لقمان حكيم رحمه الله عليه / اكرمى ، على اكبر / چاپ دوّم /

سال ۱۳۸۹

۱۸. نهج البلاغه / دشتى ، محمد / چاپ بيست و نهم / سال ۱۳۸۵

۱۹. هزار و سه پند شيطان / شاکر اردکانى ، سيد اسماعيل / چاپ هشتم / بهار ۱۳۹۰

۲۰. www.persiangular.com

نوشته شده توسط حامد نيكوئى زاده

حوزه علميه على بن موسى الرضا عليهما السلام ياسوج

يك شنبه ۱۳۹۲ / ۵ / ۲۰

انتقادات و پيشنهادات خود را به اين آدرس در ميان بگذاريد.

HAMED124556@YAHOO.COM